

رضا تهرانی استاد (تخصص: مدیریت مالی و سرمایه گذاری) دانشگاه تهران
علی رضائیان استاد (تخصص: مدیریت رفتار سازمانی) دانشگاه شهید بهشتی
فریدون رهنمای رودپشتی استاد (تخصص: مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
غلامرضا مصباحی مقدم استاد (تخصص: فقه اقتصادی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
حسن آقا نظری استاد (تخصص: اقتصاد اسلامی و حقوق اسلامی) پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
غلامرضا گوردزی استاد (تخصص: مدیریت تحقیق در عملیات) دانشگاه امام صادق علیه السلام
علی سعیدی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی و حسابداری) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال
احمد شعبانی دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
سعید صحت دانشیار (تخصص: مدیریت ریسک و بیمه) دانشگاه علامه طباطبائی
محمد طالبی دانشیار (تخصص: مدیریت مالی) دانشگاه امام صادق علیه السلام
غلامعلی معصومی نیا دانشیار (تخصص: اقتصاد اسلامی و مالی اسلامی) دانشگاه خوارزمی

محمدحسین قوام استادیار (تخصص: مدیریت بانکداری اسلامی) دانشگاه امام صادق علیه السلام

* براساس مجوز شماره ۳/۱۸/۵۸۹۷۸۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» از شماره ۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۱) دارای درجه علمی - پژوهشی است.

مقاله‌های نشریه در پایگاه‌های ذیل نمایه می‌شود:

پایگاه دوآج: <https://www.doaj.org>
پایگاه گوگل اسکالر: <https://www.scholar.google.com>
پایگاه استادی علوم جهان اسلام: <https://www.isc.gov.ir>
پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی: <https://www.sid.ir>
پایگاه مجلات تخصصی نور: <https://www.noormags.com>
پایگاه اطلاعات نشریات کشور: <https://www.magiran.ir>
پایگاه مرجع دانش: <https://www.civilica.com>
پرتال جامع علوم انسانی: <https://www.ensani.ir>

ویراستار انگلیسی: علیرضا روشن ضمیر

ویراستار فارسی، صفحه‌آرا و تجدید طرح جلد: عباس پورحسن یامی

مقاله‌های نشریه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست. نقل مطالب تنها با ذکر کامل مأخذ رواست.

۲۲۶ صفحه / ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال / چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه السلام، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

مدیریت علمی، تحریریه و چاپ: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، تلفکس: ۰۲۱)۸۰۰۷۳۳

مدیریت فنی و پشتیبانی: معاونت پژوهش و فناوری، تلفکس: ۰۲۱)۸۰۰۹۴۹۱۵

وبگاه: <https://ifr.isu.ac.ir> پست الکترونیک اصلی: ifr@isu.ac.ir پست الکترونیک پشتیبان: ifr.isujournals@gmail.com

اهداف و چشم‌انداز نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»

نشریه علمی «تحقیقات مالی اسلامی» اولین نشریه تخصصی مالی اسلامی در کشور است که با همت گروه نظام مالی اسلامی مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام راه‌اندازی گردید و در حال حاضر توسط گروه مالی اسلامی دانشکده معارف اسلامی مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، با همکاری انجمن علمی مالی اسلامی ایران و حمایت سازمان بورس و اوراق بهادار و با هدف تولید ادبیات اسلامی و بومی در حوزه مالی به منظور ارتقاء و تحول دانش مالی با رویکرد اسلامی - ایرانی و پاسخ‌گویی به نیازهای کاربردی سازمان‌ها و نهادهای مالی نظام جمهوری اسلامی ایران و در زمینه‌ها و محورهای تخصصی ذیل، مقالات در سطح علمی - پژوهشی را منتشر می‌کند:

- تئوری‌های مالی اسلامی؛
- قواعد فقه مالی اسلامی؛
- فقه مالی اسلامی؛
- حقوق مالی اسلامی؛
- ابزارهای تأمین مالی اسلامی؛
- ابزارهای مدیریت ریسک اسلامی؛
- تحلیل اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی؛
- نهادهای مالی اسلامی؛
- بازار سرمایه اسلامی؛
- بانکداری اسلامی؛
- بیمه‌های اسلامی؛
- حسابداری مالی اسلامی؛
- قیمت‌گذاری اوراق مالی اسلامی؛
- صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی؛
- سایر موضوعات مرتبط.

فهرست مقاله‌ها

- علمی - پژوهشی (ابزارهای تأمین مالی اسلامی)
- راهکار پیاده‌سازی عقود مشارکتی بر بستر بلاکچین با استفاده از امور مالی غیرمتمرکز (دیفای) و روش IDO ۴۷۳
محمد یعقوبی* و وحید سینی
- اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی: مروری نظام‌مند بر ادبیات علمی .. ۵۱۵
رضا یارمحمدی*، علی صالح‌آبادی، محمد توحیدی و عادل آذر
- علمی - پژوهشی (حقوق مالی اسلامی)
- تجدید ارزیابی شرکت‌های سهامی عام از دیدگاه فقهی و حقوقی ۵۵۷
امیرحسین اعتصامی* و زهرا شیرینی
- بررسی قاعده غرر در «قراردادهای بین‌المللی نفتی» ۵۹۵
محمدحسین اسفندیارپور* و احمد شعبانی
- علمی - پژوهشی (نهادهای مالی اسلامی)
- بررسی شیوه‌های تضمین کیفیت کالا از نگاه فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا ۶۲۵
اکبر محمودی*
- علمی - پژوهشی (ابزارهای تأمین مالی اسلامی)
- بررسی تأمین مالی بر مبنای عرضه اولیه سکه با رویکرد سوات ۶۶۳
سینا سروی*، مهدی نوری و محمدحسین توام



A Solution for Implementing Partnership Contracts on the Blockchain Platform Using the Decentralized Finance (DeFi) and the IDO Method

Mohammad Yaghoubi*

Vahid Seyfi**



10.30497/ifr.2023.244290.1837



Abstract

Examining the challenges of usury-free banking is one of the most important issues that the country is facing. One of the main challenges of the country's banking system is the implementation of partnership contracts. Due to the conflict between the characteristics of partnership contracts and the nature of the bank, the correct implementation of these contracts in the banking system is difficult. Also, considering that the correct implementation of partnership contracts in the Islamic financial system can have many positive effects, there is a need to provide a suitable and alternative solution for their correct implementation. In this research, while stating the theoretical foundations and challenges of the banking system in the implementation of partnership contracts, we will present a suitable and alternative operating model on the blockchain platform using the Decentralized Finance (DeFi) and the Initial Decentralized Exchange Offering (IDO) for the implementation of partnership contracts. . The proposed model is consistent with the most important features of partnership contracts, such as variable profit, participation , profit and loss sharing, and continuous monitoring of the good implementation of the project.

Keywords

Partnership Contracts; DeFi; Blockchain; IDO; Islamic Banking.

JEL Classification: D86, G21, O33.

* PhD Student, Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

yaghoubi@isu.ac.ir

0000-0002-7539-7597

** PhD student, Financial Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. v.seyfi@isu.ac.ir

0000-0002-8593-1634

Received: 2023/05/29

Accepted: 2023/08/16

راهکار پیاده‌سازی عقود مشارکتی بر بستر بلاکچین با استفاده از امور مالی غیرمتمرکز (دیفای) و روش IDO

وحید سیفی*

محمد یعقوبی*

چکیده

بررسی چالش‌های بانکداری بدون‌ریا از مهم‌ترین مسائلی است که کشور با آن مواجه است. یکی از اصلی‌ترین چالش‌های نظام بانکی کشور اجرای عقود مشارکتی است. با توجه به تعارض ویژگی‌های عقود مشارکتی با ماهیت بانک، اجرای صحیح این عقود در نظام بانکی با مشکل مواجه است. همچنین با توجه به اینکه اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی می‌تواند آثار مثبت فراوانی داشته باشد، نیاز به ارائه راهکاری مناسب و جایگزین برای اجرای صحیح آن‌ها وجود دارد. در پژوهش حاضر ضمن بیان مبانی نظری و چالش‌های نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی به ارائه یک مدل عملیاتی مناسب و جایگزین بر بستر بلاکچین با استفاده از سیستم مالی غیرمتمرکز (دیفای) و روش عرضه اولیه صرافی غیرمتمرکز برای اجرای عقود مشارکتی خواهیم پرداخت. مدل پیشنهادی با مهم‌ترین ویژگی‌های عقود مشارکتی از قبیل: متغیر بودن سود، شراکت در سودو زیان به میزان سرمایه و نظارت مستمر بر حسن اجرای طرح هم‌خوانی دارد.

واژگان کلیدی: عقود مشارکتی؛ دیفای؛ بلاکچین؛ عرضه اولیه صرافی.

* دانشجوی دکتری، اقتصاد مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
m.yaghoubi@isu.ac.ir (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری، اقتصاد مالی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
v.seyfi@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

مقاله مدت ۵ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

بسیاری از صاحب‌نظران پولی و مالی اسلامی شاخصه عملکرد اسلامی بانک را استفاده گسترده آن از عقود مشارکتی و به اصطلاح مشارکت در سودو زیان مراجعین خود می‌دانند و باور دارند که هرچه سهم عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه بیش‌تر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و برعکس، هر چه سهم آن‌ها کمتر شود، نظام بانکی به سمت ربوی بودن سوق یافته است (Chapra, 1985؛ Seddighi, 1983؛ موسویان، ۱۳۸۱). در حقیقت عمده نگرانی، از این امر ناشی می‌شود که استفاده فراگیر از عقود با بازدهی‌های ثابت با روح کلی حاکم بر آموزه‌های اسلامی همخوانی ندارند. البته این دیدگاه قابل مناقشه است و اگر همه عملیات بانکی مبتنی بر عقود با بازدهی ثابت باشد، بازهم از مشروعیت برخوردار است.

با این حال اگر مشارکت در سودو زیان در نظام مالی اسلامی درست اجرا شود، تخصیص بهینه منابع صورت می‌پذیرد؛ زیرا براساس این عقود بازگشت سرمایه به تولید وابسته است، حجم سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه میزان اشتغال افزایش می‌یابد، مشکل سفته‌بازی و احتکار حل می‌شود و اهداف اقتصاد اسلامی محقق می‌شود. بنابراین، در عقود مشارکتی، صاحب‌مال، کل یا بخشی از سرمایه موردنیاز یک فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کند و در پایان دوره فعالیت، مطابق قراردادی که بین عامل و صاحب‌کار اقتصادی، منعقدشده سود حاصل از این فعالیت تقسیم می‌شود. از جمله مزایای نظام مشارکت، تطابق با عدل و قسط (موسویان، ۱۳۸۱)، توزیع عادلانه درآمد، افزایش سرمایه‌گذاری، کاهش ناطمینانی، افزایش تولید، ارتقاء سطح اشتغال، کاهش سطح عمومی قیمت‌ها، ثبات بیشتر اقتصادی و ارتقاء سطح عمومی رفاه است (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین با توجه به چالش‌های نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی و همچنین لزوم بهره‌مندی از منافع این عقود در نظام مالی اسلامی، نیاز هست تا راهکارهای عملیاتی جایگزین و مناسبی برای اجرای عقود مشارکتی ارائه شود. در پژوهش حاضر مدل عملیاتی برای اجرای عقود مشارکتی در کشور با استفاده از سیستم مالی غیرمتمرکز^۱ (دی‌فای^۲) و بلاکچین ارائه شده است.

1. Decentralized Finance

2. DeFi

دیفای یک موضوع در حال توسعه و جدید در ادبیات مالی است. شیوه‌نامه‌های^۳ دیفای به دنبال آن هستند که نقش واسطه‌ها را در سیستم مالی سنتی از بین ببرند. دیفای در آغاز سال ۲۰۲۰ میلادی رشد انفجاری را تجربه کرد. طبق داده‌های وبگاه دیفای پالس^۴، ارزش دارایی‌های دیجیتال قفل شده در خدمات دیفای از کمتر از ۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۵ میلیارد دلار در پایان سال ۲۰۲۰ و بیش از ۸۰ میلیارد دلار در می ۲۰۲۱ افزایش یافت. با این حال دیفای هنوز در مراحل اولیه بلوغ خود است (Gogel, 2021). با توجه به آمارهای وبگاه کریپتورنک^۵ یکی از کاربردهای دیفای روش تأمین مالی عرضه اولیه صرافی غیرمتمرکز^۶ است که در سال ۲۰۲۱ به پرکاربردترین روش برای تأمین مالی طرح‌های^۷ نوپا و کوچک مقیاس بر بستر بلاکچین^۸ تبدیل شده است.

در پژوهش حاضر پس از بیان پیشینه پژوهش و مبانی نظری مربوط به دیفای و عقود مشارکتی به چالش‌های نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی خواهیم پرداخت و با توجه به چالش‌های موجود نتیجه‌گیری خواهیم کرد که نیاز به ارائه راهکاری جایگزین و مناسب برای اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی وجود دارد. در نهایت مدل عملیاتی جایگزین و مناسب خود برای اجرای عقود مشارکتی را در بستر بلاکچین با استفاده از دیفای و روش عرضه اولیه صرافی غیرمتمرکز ارائه خواهیم نمود.

۱. پیشینه پژوهش

در موضوع دیفای در پژوهش‌های داخلی موردی وجود نداشت؛ لذا پیشینه‌های داخلی به عقود مشارکتی و پیشینه‌های خارجی به موضوع دیفای اختصاص دارد.

عسگری و صمصامی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی»، بیان کرده‌اند که تأثیر تأمین مالی بر تولید، اشتغال و رشد اقتصادی امری آشکار است. نظام تأمین مالی اسلامی متشکل از نهادها، ابزارها و بازارهای مالی است. این نظام زیرمجموعه اقتصاد اسلامی و با ابزارهای مالی اسلامی ایفای نقش می‌کند. با الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی اهداف کارآمدی، عدالت و ثبات بخشی

-
3. Protocols
 4. DeFipulse.com
 5. Cryptorank.io
 6. Initial Decentralized Exchange Offering (IDO)
 7. Project
 8. Blockchain

محقق می‌شود. مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در این طرح با نقش واسطه‌ای وظیفه انتقال وجوه را با ابزارهای مالی اسلامی انجام می‌دهند و تقاضای سرمایه‌گذاری کارآفرینان را تأمین می‌کنند. الگو با روش توصیفی-تحلیلی و کشف موضوع ارائه می‌شود. فرضیه تحقیق این است که در صورت اجرای واقعی عقود مشارکتی در چارچوب فقه اسلامی، هماهنگی بخش واقعی و مالی اقتصاد برقرار می‌شود.

شاکری شمسی و توکلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ماهیت عقود مشارکتی»، بیان نموده‌اند که یکی از مهم‌ترین معضلاتی که نظام بانکی ایران به آن مبتلاست، صوری شدن عقود مشارکتی و ایجاد شبهه در مورد تحقق مفاد این عقود است. این امر تا حدودی متأثر از ابهامات موجود در ماهیت این عقود در فقه معاملات اسلامی است. مسأله اصلی این پژوهش، تبیین ماهیت عقود مشارکتی و میزان رعایت آن در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران است. بنا به فرضیه تحقیق، ریسک‌پذیری طرفین قرارداد رکن اصلی ماهیت عقود مشارکتی است. ریسک عامل عقود مشارکتی، مربوط به عایدی بوده و ریسک صاحب سرمایه در این‌گونه عقود، علاوه بر عایدی، متوجه سرمایه او نیز خواهد بود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روش صحیح در تبیین ماهیت عقود مشارکتی، روش «کشفی - مقاصدی» است که ترکیبی از چهار روش کشفی شهید صدر، اکتفا به ضوابط عقود، تحلیل عرفی و تحلیل بر مبنای مقاصد شریعت است. انتقال ریسک سرمایه به فرد دیگر، موجب از بین رفتن ماهیت عقود مشارکتی است؛ لذا شرط آن در ضمن عقود مشارکتی شرط خلاف مقتضای عقد است و عقد را باطل می‌کند. همین‌طور از بین بردن ریسک عامل در عقود مشارکتی و تعیین عایدی قطعی برای او، موجب بطلان عقد و تبدیل آن به یک عقد مبادله‌ای است. قطعی بودن سود صاحب سرمایه در عقود مشارکتی نیز باعث خروج عقد از مقتضای ذات خود بوده و مبطل عقد است.

سبحانی و ملکی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «محدودیت‌های بانکداری مشارکتی و لزوم تفکیک نهادی کارکرد تأمین مالی در جهت اصلاح نظام بانکداری اسلامی»، بنا به فرضیه مقاله که به روش تحلیلی بررسی شده، بیان کرده‌اند که رویکردهای مزبور با الگوی مطلوب نظام بانکداری اسلامی، که تحقق نظام بانکداری مشارکتی واقعی است، نقاط مشترکی دارد. یافته‌های مقاله حاکی از امکان اصلاح الگوی «بانکداری بدون ربا» ایران با توجه به آموزه‌های «بانکداری با ذخیره کامل» و «الگوی بانکداری محدود» است.

اکبرزاده (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی»، کوشیده است تا با مقایسه دقیق عقود مشارکتی و مبادله‌ای در ابعاد مختلف، ماهیت و خصوصیات منحصر به فرد هر دسته از این عقود شفاف‌سازی شود و مشکلات و انحرافات به‌کارگیری آن‌ها در بانکداری اسلامی ایران بررسی شود. همچنین بیان کرده‌اند که ناآگاهی کارگزاران و مشتریان به شرایط قراردادها سبب کاهش کارایی عقود بانکی و حتی در مواقعی موجب ربوی شدن معاملات می‌گردد و آشنایی هرچه بیشتر با عقود بانکی می‌تواند از آلوده شدن معاملات بانکی به این حرام الهی جلوگیری کند.

طالبی و کیایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، بیان نموده‌اند که بررسی چالش‌های پیش‌روی بانکداری بدون‌ریا، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که محققان و متفکران به آن می‌پردازند. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از چالش‌های اصلی که نظام بانکداری کشور با آن مواجه است، عدم تطبیق نحوه اجرای عقود مشارکتی در بانک‌ها با شکل فقهی عقود مشارکتی است. بدین معنا که در مقام اجرا، آنچه در بانک‌ها به اسم عقود مشارکتی در حال اجراست، از آنچه شارع به نام مشارکت معرفی می‌کند، بسیار متفاوت است. در این مقاله پس از عنوان کردن قابلیت‌های ساختاری و کارکردی بانک‌ها و تطابق آن با الزامات شرعی، قانونی و اجرایی عقود مشارکتی این فرضیه را بررسی می‌نماید که ریشه اصلی این چالش در این است که بانک به‌عنوان یک ظرف، توان گنجایش عقود مشارکتی به‌عنوان مظروف را ندارد. بانک در بعد خرد و کلان اقتصادی دارای وظایف و ویژگی‌هایی است که اجرای عقود مشارکتی با آن‌ها سازگاری ندارد و الزام به این امر، هم بانک‌ها را در اجرای وظایف ذاتی خود با مشکل مواجه می‌سازد و هم موجبات اجرای ناقص این عقود را فراهم می‌کند.

احمدی حاجی‌آبادی و بهاروندی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران»، در بخش نخست پژوهش خود، ضمن بیان وضعیت فعلی عملکرد نظام بانکی کشور در جهت پیاده‌سازی قانون عملیات بانکی بدون‌ریا، تحلیل روند اجرایی این قانون را با رویکرد آماری و با استناد به داده‌های سری‌های زمانی بانک مرکزی ارائه‌شده درباره عقود بانکی به انجام رسانده‌اند. سپس در

بخش دوم، به تبیین چالش‌های موجود در اجرای درست عقودهای مشارکتی پرداخته و بیان شده که بروز عملکرد فعلی شبکه بانکی در اجرای عقودهای مشارکت محور به چه عامل‌هایی وابسته بوده است. در بخش سوم پس از کنکاشی اجمالی در ماهیت بازار پول، نقاط ضعف ساختاری آن در اجرایی کردن این دسته از عقود را برشمرده‌اند و سرانجام استفاده از سازوکار بازار سرمایه در قالب تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری به منظور اجرایی شدن هرچه بهتر عقودهای مشارکت محور را به همراه مشکل‌ها و مانع‌های پیش‌روی آن، پیشنهاد کرده‌اند.

زتسچ، آرner و باکلی^۹ (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «سیستم مالی غیرمتمرکز»، دیفای را معرفی می‌کنند و دیفای را در چارچوب اقتصادمالی سنتی و اتصال به بانکداری باز موردبررسی قرار می‌دهند. به عقیده ایشان تمرکززدایی این ظرفیت را دارد که اشکال‌های مسئولیت‌پذیری سیستم مالی سنتی را کمتر کند و اثربخشی مقررات مالی و اجرای سنتی را از بین ببرد.

بلاویتیس و چن^{۱۰} (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی غیرمتمرکز: فناوری بلاکچین و تلاش برای یک سیستم مالی باز»، مزایای تأمین مالی غیرمتمرکز را ارزیابی نموده و مدل‌های تجاری موجود را شناسایی و چالش‌ها و محدودیت‌های بالقوه تأمین مالی غیرمتمرکز را بررسی می‌کنند. به عقیده ایشان ممکن است مالی غیرمتمرکز به‌عنوان یک حوزه جدید از فناوری مالی، ساختار مالی مدرن را تغییر دهد و چشم‌انداز جدیدی برای کارآفرینی و نوآوری ایجاد کند و ظرفیت تمرکززدایی را به‌عنوان پایه‌ای برای مدل‌های تجاری جدید به نمایش بگذارد.

ورنر^{۱۱} و دیگران (۲۰۲۰م) در مقاله‌ای با عنوان «تأمین مالی غیرمتمرکز»، اکوسیستم دیفای را در راستای محورهای اصلی آن ترسیم می‌کنند و پروتکل‌های دیفای را با توجه به نوع عملیاتی که ارائه می‌دهند طبقه‌بندی می‌کنند؛ سپس به بررسی جزئیات امنیت فنی و اقتصادی پروتکل‌های دیفای می‌پردازند و توجه خاصی را به مسائلی که به‌طور خاص در تنظیمات دیفای پدیدار می‌شوند، جلب می‌کنند. درنهایت، چالش‌های تحقیق باز در اکوسیستم را ترسیم می‌کنند.

9. Zetsche, Arner & Buckley

10. Bellavitis & Chen

11. Werne

۲. ادبیات نظری

در این بخش از پژوهش ابتدا به توضیح برخی مفاهیم پایه در قالب جدول (۱) می‌پردازیم. سپس به تعریف مبانی نظری دیفای و عقود مشارکتی خواهیم پرداخت.

جدول (۱): تعریف مفاهیم پایه

تعریف	مفهوم
بلاکچین یک دفتر کل نظریه‌نظیر ^{۱۲} و توزیع‌شده است که از نظر رمزنگاری ایمن، تغییرناپذیر (تغییر آن بسیار سخت بوده) و پیوسته است. داده‌های آن تنها از طریق اجماع یا توافق بین تمام کاربران قابل به‌روزرسانی است (Bashir, 2020).	بلاکچین (زنجیره بلوکی)
توکن ^{۱۳} ها نوعی از رمزارزها هستند که دارای محسوب می‌شوند و می‌توانند در بلاکچینی که منتشر می‌شوند استفاده ویژه‌ای داشته باشند. این توکن‌ها معمولاً در جمع‌آوری سرمایه از توده مردم استفاده می‌شوند (Kazdin, 1982).	توکن
کیف پول الکترونیک ^{۱۴} رابط نرم‌افزاری کاربران برای مدیریت دارایی‌های ذخیره‌شده در یک بلاکچین است. با داشتن یک کیف پول غیرحضوری، کاربر کنترل انحصاری وجوه را از طریق کلیدهای خصوصی خود ^{۱۵} خواهد داشت (Gogel, 2021).	کیف پول الکترونیک
دفتر کل توزیع‌شده ^{۱۶} یک پایگاه اطلاعات غیرمتمرکز است که با استفاده از فناوری بلاکچین به‌طور مشترک در تمام شبکه بین همه نودها برقرار	دفتر کل توزیع‌شده

12. Peer to Peer

13. Token

14. Wallet

۱۵. کلید خصوصی به منزله رمز عبور کاربر برای ورود به شبکه بلاکچین و استفاده از خدمات آن است. کلید خصوصی، منحصر به فرد بوده و تنها در اختیار خود کاربر است.

16. Distributed Ledger

تعریف	مفهوم
است و هریک از نودها یک روگرفت از آن را در اختیار دارند (Bashir, 2020).	
قرارداد هوشمند ^{۱۷} یک کد نرم‌افزاری مبتنی بر بلاکچین است (Clack, 2016) که اقدامات و رویدادهایی را که صورت می‌پذیرد، براساس شرایط مشترک قراردادی از پیش تعیین شده مانند شرایط پرداخت و حق‌الزحمه مستند و کنترل می‌کند (Trend, 2021).	قرارداد هوشمند
دارایی دیجیتال ^{۱۸} توکن‌ها یا رمزارزهایی هستند که نشان‌دهنده ارزش بوده و می‌توانند در یک شبکه بلاکچین معامله یا منتقل شوند. بیت‌کوین ^{۱۹} و سایر ارزهای رمزنگاری شده اولین دارایی‌های دیجیتالی مبتنی بر بلاکچین بودند (رضایی صدرآبادی، ۱۳۹۹).	دارایی دیجیتال
از آنجاکه قراردادهای هوشمند در بلاکچین کاملاً مستقل هستند و هرگونه اطلاعات یا دسترسی به داده‌های خارج از زنجیره محدود می‌شود، انواع خاصی از قراردادهای هوشمند به یک ارائه‌دهنده خارجی (اوراکل ^{۲۰}) وابسته است. درواقع اوراکل‌ها واسطه ورود داده‌های خارج از بلاکچین به داخل آن هستند (Trend, 2021).	اوراکل

۳. سیستم مالی غیرمتمرکز (دیفای)

دیفای یک اصطلاح عمومی برای برنامه‌های غیرمتمرکز^{۲۱} است که خدمات مالی را در لایه تسویه بلاکچین ارائه می‌دهد، از جمله پرداخت‌ها، اعطای وام، تجارت، سرمایه‌گذاری، بیمه و مدیریت دارایی. خدمات دیفای معمولاً بدون واسطه‌ها یا مؤسسات متمرکز عمل می‌کند

17. Smart Contract
18. Digital Asset
19. Bitcoin
20. Oracle
21. Dapps

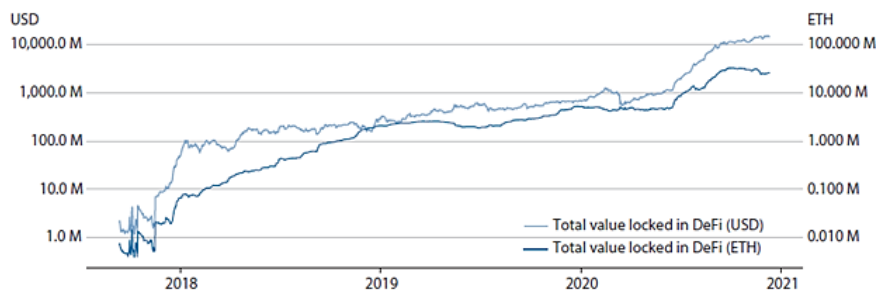
و از پروتکل‌های باز استفاده می‌کند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با برنامه‌ها به روش برنامه‌نویسی به صورت انعطاف‌پذیر ترکیب شوند. از لحاظ تاریخی، واسطه‌ها نقش اساسی در بازارهای مالی ایفا کرده‌اند و به عنوان عامل و واسطه اعتماد، نقدینگی، تسویه حساب و امنیت وجود داشته‌اند. دامنه و ارزش واسطه‌ها در طول زمان افزایش یافته است تا نیازهای یک سیستم مالی پیچیده را برطرف کند؛ اما از زمان بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، توجه به ناکارآمدی‌ها، نابرابری‌های ساختاری و خطرات پنهان سیستم مالی با واسطه، افزایش یافته است (Liu & Zhou, 2021). از جمله مشکلات و کاستی‌های سامانه‌های مالی سنتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- چرخه تسویه کند؛
- کشف قیمت ناکارآمد؛
- چالش‌های نقدینگی و عدم اطمینان در مورد دارایی‌های اساسی.

هدف دیفای این است که برخی از این چالش‌ها را برطرف کند. اگرچه بسیاری از آن‌ها هنوز در اکوسیستم دیفای هم وجود دارند. دیفای از فناوری بلاک چین برای تسهیل جایگزین‌های ارائه‌دهندگان خدمات سنتی و ساختارهای بازار استفاده می‌کند (Gogel, 2021).

در نمودار (۱) مجموع ارزش قفل‌شده در انواع مختلف پروژه‌های دیفای به دلار و اتریوم نشان داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این ارزش به بیش از ۱۰,۰۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است و نشان از رشد قابل‌ملاحظه دیفای در مهر و موم‌های اخیر دارد.

نمودار (۱): مجموعه ارزش وارد شده (قفل شده) در طرح‌های دیفای (اتریوم و دلار) در سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ میلادی



منبع: (<https://defipulse.com>)

۴. تمایز دیفای از غیر آن

همه کاربردهای فناوری بلاکچین - حتی آنهایی که شامل معاملات مالی می‌شوند - نوعی دیفای نیستند. همچنین هر عنصری که به اکوسیستم دیفای کمک می‌کند، یکی از خدمات، کسب‌وکار یا پروتکل نرم‌افزاری دیفای محسوب نمی‌شود. ویژگی‌های متمایزکننده خاصی وجود دارند که دیفای را می‌توان به آن‌ها تعریف کرد:

۱. خدمات مالی: دیفای مستقیماً واسطه انتقال و مبادله ارزش است. خدمات کمکی مانند اوراکل‌ها، سامانه‌های جستجو و ذخیره‌سازی غیرمتمرکز ممکن است عوامل مهم فعالیت دیفای باشند، اما باید از خدمات خود دیفای متمایز شوند.
۲. عملیات و تسویه حساب: طرح‌های دیفای عموماً براساس بلاکچین عمومی که قابلیت قرارداد هوشمند مانند اتریوم^{۲۲} را ارائه می‌دهد، ایجاد می‌شوند. معاملات طبق قوانین پروتکل‌های دیفای اجرا و ثبت می‌شوند.
۳. طراحی با عدم تولید شخص ثالث^{۲۳}: دارایی‌های صادرشده یا مدیریت‌شده توسط خدمات دیفای نمی‌توانند توسط اشخاص ثالث، سلب یا تغییر مالکیت داده شوند، حتی توسط کسانی که واسطه‌گری و سایر خدمات را ارائه می‌دهند و کاربران کنترل کامل خود را حفظ می‌کنند؛ بنابراین، مبادله‌های متمرکز رمزارزها با حق تصرف شخص ثالث^{۲۴}، از موارد دیفای محسوب نمی‌شوند، اگرچه که درحال توسعه پیشنهادها دیفای هستند.

22. Ethereum

23. Non-custodial Design

24. Custody Over Digital Assets

۴. معماری باز، قابل ترکیب و برنامه‌ریزی: دسترسی گسترده‌ای به کد منبع اصلی و رابط برنامه‌نویسی برنامه عمومی^{۲۵} وجود دارد. اجزاء را می‌توان باهم ترکیب و برنامه‌ریزی کرد تا ابزارها و خدمات مالی جدیدی را به صورت پویا ایجاد کند. به عنوان مثال، یک سکه پایدار ممکن است به عنوان پایه‌ای برای مشتقه‌ای استفاده شود که به عنوان وثیقه وام و مشمول قرارداد بیمه است (Werbach et al, 2021). در شکل (۱) ساختاری برای تمایز خدمات دیفای از غیر آن ارائه شده است.



شکل (۱): ساختار تمایز دیفای از غیر آن

منبع: (Werbach et al, 2021)

۵. انواع کاربردهای دیفای

کاربردهای مختلف دیفای در پیاده‌سازی خدمات سیستم مالی سنتی روزبه‌روز در حال توسعه است، با این حال مهم‌ترین خدماتی که شرکت‌کنندگان در بازار دیفای تا به امروز می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند عبارتند از: سکه‌های پایدار، صرافی‌ها، وام‌دهی، مشتقات مالی، بیمه و مدیریت دارایی. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع پژوهش در ارتباط با راهکار پیاده‌سازی عقود مشارکتی بر بستر بلاکچین تنها به توضیح صرافی‌ها از انواع مختلف دیفای خواهیم پرداخت.

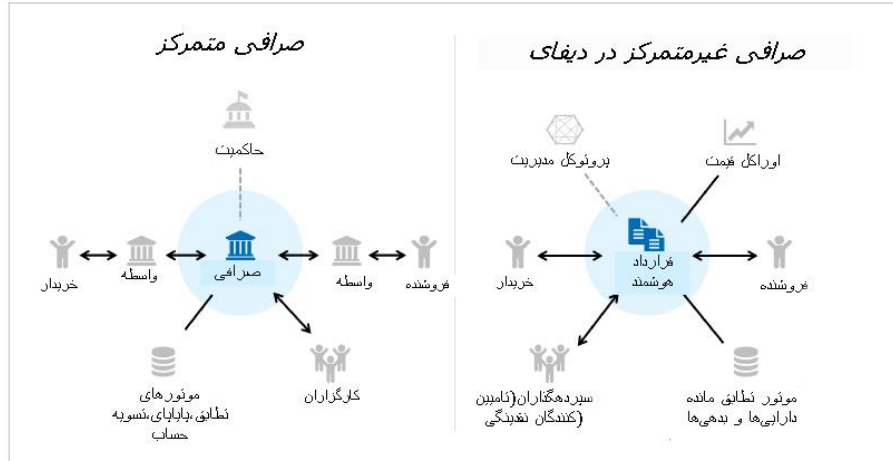
۶. صرافی‌های غیرمتمرکز

صرافی‌های غیرمتمرکز^{۲۶} به کاربران اجازه می‌دهند تا یک دارایی دیجیتالی را با دارایی دیگر مبادله کنند (مبادله‌های دای با اتر و سایر رمزارزها). صرافی‌های غیرمتمرکز از در اختیار گرفتن دارایی‌های کاربر، چه از طریق دفترچه سفارش‌های غیرمتمرکز و چه با تطبیق

25. Application Programming Interface (API)

26. Decentralized Exchange

سفارش‌ها و تعیین قیمت به صورت الگوریتمی، اجتناب می‌کنند (کاربران مستقلاً در مورد دارایی‌های خود تصمیم می‌گیرند). مبادلات بین خریدار و فروشنده تحت قواعد قرارداد هوشمند است، قیمت براساس داده‌های اوراکل قیمت (قیمت ارزهای فیات و...) و حجم نقدینگی موجود در مبادله جفت تجاری تعیین می‌شود. تطابق سفارش‌های خریدار و فروشنده به وسیله موتور تطابق انجام می‌شود و عملیات کارگزاری به‌طور خودکار صورت می‌پذیرد. به‌عنوان مثال یونی‌سواپ^{۲۷} یک صرافی غیرمتمرکز برای اتریوم و سایر توکن‌هایی است که در بلاکچین اتریوم منتشر می‌شوند و البته از کلیه معاملات انجام‌شده توسط معامله‌گران کارمزد دریافت می‌شود. سپرده‌گذاران، خریداران اولیه توکن یا خریداران رمزارزها هستند که می‌توانند فروشنده نیز باشند (Trend, 2021). همچنین طرح‌هایی مختلف از صرافی‌های غیرمتمرکز به‌عنوان واسطی برای انتشار توکن‌های خود به‌منظور تأمین مالی استفاده می‌کنند که می‌تواند راهکاری برای پیاده‌سازی عقود مشارکتی بر بستر بلاکچین باشد و توضیح آن در بخش‌های بعدی پژوهش خواهد آمد. در شکل (۲) ساختار صرافی غیرمتمرکز و تفاوت آن با صرافی متمرکز نشان داده شده است.



شکل (۲): ساختار صرافی غیرمتمرکز و تفاوت آن با صرافی متمرکز
منبع: (Gogel, 2021)

۷. انواع روش‌های تأمین مالی مبتنی بر بلاکچین

روش‌های تأمین مالی مبتنی بر بلاکچین که طرح‌های مختلف می‌توانند از آن‌ها برای تأمین مالی طرح خود استفاده کنند به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود که عبارتند از: ICO^{۲۸}، IEO^{۲۹} و IDO^{۳۰}. در ادامه با توجه به موضوع پژوهش به توضیح روش عرضه اولیه صرافی غیرمتمرکز و مقایسه آن با سایر روش‌ها پرداخته خواهد شد.

۸. روش IDO

عرضه اولیه صرافی غیرمتمرکز (IDO) یک مورد خاص از عرضه اولیه صرافی (IEO) است. تفاوت اصلی در این است که IDO در یک صرافی غیرمتمرکز اجرا می‌شود (Yun, 2019). IDO یک مدل جدید تأمین سرمایه جمعی در بازار ارزهای رمزنگاری شده است که در سال ۲۰۲۰ میلادی با توجه به افزایش علاقه‌مندی‌ها به دیفای، بسیار محبوب شد. IDO یک روش جمع‌آوری کمک‌های مالی است که در آن، فروش جمعی توسط یک صرافی غیرمتمرکز با استفاده از منابع نقدینگی انجام می‌شود، صرافی غیرمتمرکز (ساختار آن در شکل (۲) ترسیم شده است) نوعی مبادله دارایی رمزنگاری است که متکی به منابع نقدینگی است که معامله‌گران می‌توانند توکن آن‌ها را مبادله کنند. مجموعه نقدینگی، جفت دارایی‌های رمزنگاری شده و سکه‌های پایدار هستند. به‌عنوان مثال، اتر / دلار یک جفت نقدینگی است. معامله‌گران می‌توانند آن‌ها را براساس شرایط بازار بین دارایی‌های رمزنگاری مختلف و سکه‌های پایدار مبادله کنند. از آنجاکه نوسانات سکه‌های پایدار ناچیز است، یک گزینه مطمئن را برای معامله‌گران ارائه می‌دهد تا با تغییر دادن آن‌ها با یکدیگر، نوسانات بالای توکن‌ها و دارایی‌های رمزنگاری را مدیریت کنند. در نتیجه، صرافی‌های نقدینگی غیرمتمرکز، شرکت‌ها را قادر می‌سازند تا یک توکن را راه‌اندازی کرده و به نقدینگی فوری دسترسی پیدا کنند. یک نمونه موفق قابل ذکر، پلتفرم سوشی‌سواپ^{۳۱} است، سوشی‌سواپ صرافی رمزنگاری غیرمتمرکز است که بر روی اتریوم ساخته شده و در تلاش است تا جای یونی‌سواپ^{۳۲} را به‌عنوان محبوب‌ترین صرافی غیرمتمرکز مبتنی بر اتریوم به خود اختصاص دهد. در سپتامبر گذشته، کاربران سوشی‌سواپ بیش از ۱,۱۴

28. Initial Coin Offering

29. Initial Exchange Offering

30. Initial Decentralized Exchange Offering

31. SushiSwap

32. Uniswap

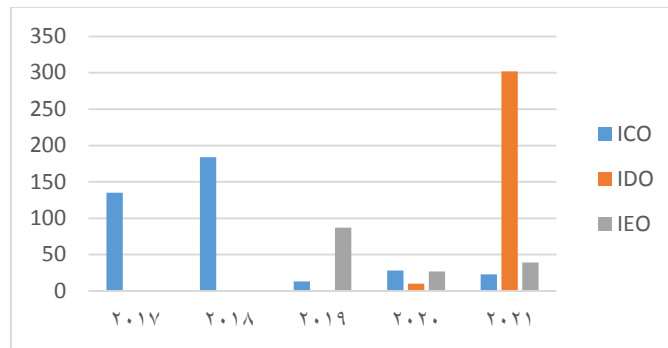
میلیارد دلار از دارایی‌های رمزنگاری شده یونی‌سواپ را به پلت فرم سوشی‌سواپ منتقل کردند. (Kolomiets, 2021) در جدول (۲) محاسن و معایب ICO، IEO وIDO باهم مقایسه شده‌اند.

جدول (۲): محاسن و معایب ICO، IEO وIDO

IEO	ICO	IDO	
امنیت بالای مبادله‌ها	راه‌اندازی آسان	بدون نیاز به اخذ مجوز	محاسن
شرکت مستقیم سرمایه‌گذاران در مبادله بدون وارد شدن در یک قرارداد هوشمند (برخلاف ICOها)	هزینه راه‌اندازی پایین	نقدشوندگی بالا	
محافظت صرافی‌ها در مقابل کلاهبرداری‌ها	دخالت محدود دولت	هزینه پایین راه‌اندازی	
-	نقدشوندگی بالا	گسترده‌گی معاملات	
-	کنترل کامل سرمایه‌گذاران بر دارایی خود	سهولت در راه‌اندازی برای همه	
-	بدون نیاز به اخذ مجوز	-	
هزینه‌های بالای راه‌اندازی (پرداخت مبلغ هنگفت یا ارائه بخشی از توکن‌ها به صرافی)	امنیت پایین	نبود اطلاعات واقعی از سرمایه‌گذاران	معایب
ممنوعیت طرح از درج توکن خود در صرافی‌های رقیب	عدم تناسب با طرح‌های بلندمدت	نوسانات آبی قیمت در معاملات	
عدم کنترل سرمایه‌گذاران بر صرافی‌ها	-	-	
وابستگی به صرافی متمرکز	-	-	
داشتن آزادی عمل بسیار اندک در کنترل پارامترهای فروش توکن طرح	-	-	

منبع: یافته‌های تحقیق

با استفاده از داده‌های مربوط به طرح‌هایی که در وبگاه کریپتورنک^{۳۳} درج شده‌اند، در نمودار (۲) تعداد طرح‌هایی که از هر یک از روش‌های ICO، IEO و IDO در طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی استفاده کرده‌اند به نمایش درآمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود استفاده از روش IDO رشد قابل ملاحظه‌ای در سال ۲۰۲۱ داشته است.



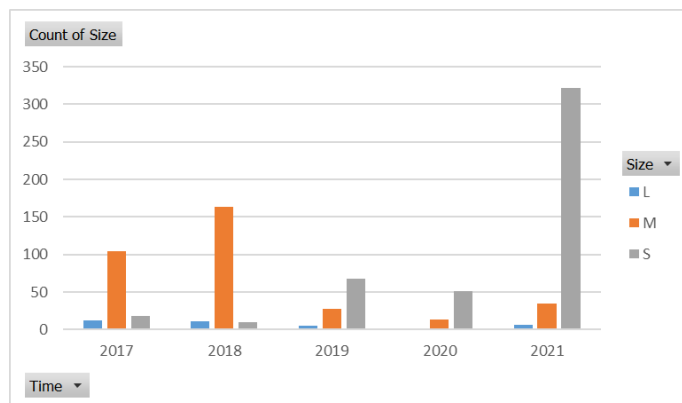
نمودار (۲): تعداد طرح‌هایی که از هر یک از روش‌های ICO، IEO و IDO در طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ استفاده کرده‌اند

منبع: (یعقوبی، فخیمی اکمل و صادقی شاهدانی، ۱۴۰۱)

همچنین می‌توان طرح‌ها را براساس میزان جذب سرمایه از طریق انتشار توکن به سه گروه زیر تقسیم کرد (Josey & England, 2009):

- ✓ کمتر از ۵ میلیون دلار = کوچک (S)؛
- ✓ بین ۵ تا ۵۰ میلیون دلار = متوسط (M)؛
- ✓ بیش از ۵۰ میلیون دلار = بزرگ (L).

در نمودار (۳) تعداد طرح‌هایی که از طریق بلاکچین تأمین مالی شده‌اند به تفکیک مقیاس جذب سرمایه برای سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی قابل مشاهده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود طرح‌های کوچک مقیاس رشد قابل ملاحظه‌ای در سال ۲۰۲۱ داشته‌اند.



نمودار (۳): تعداد طرح‌هایی که از طریق بلاکچین تأمین مالی شده‌اند، به تفکیک مقیاس جذب سرمایه در طی سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی
 منبع: (یعقوبی، فخری، اکمل و صادقی شاهدانی، ۱۴۰۱)

بر اساس نمودارهای (۲) و (۳) می‌توان نتیجه گرفت که روش تأمین مالی IDO برای طرح‌های کوچک مقیاس و استارت‌آپی مناسب است. چراکه منطبق بر نمودار (۲) بیشتر طرح‌ها در سال ۲۰۲۱ میلادی برای تأمین مالی خود از روش IDO استفاده کرده‌اند و منطبق بر نمودار (۳) نیز اکثراً کوچک مقیاس بوده‌اند. به همین منظور در ادامه به مقایسه روش IDO با روش‌های مرسوم تأمین مالی طرح‌های کوچک مقیاس و استارت‌آپی خواهیم پرداخت. روش‌های تأمین مالی جمعی، سرمایه‌گذاری خطرپذیر و عرضه عمومی سهام جهت مقایسه با روش IDO انتخاب شده‌اند که در قالب جدول (۳) قابل مشاهده است.

جدول (۳): مقایسه روش‌های مرسوم تأمین مالی کسب و کارهای نوپا و کوچک مقیاس با روش IDO

روش تأمین مالی	تأمین مالی جمعی	سرمایه‌گذاری خطرپذیر	عرضه عمومی سهام (IPO)	روش IDO
شیوه تأمین مالی	فراخوان عمومی در بستر اینترنت	عرضه خصوصی سهام	عرضه عمومی سهام	عرضه توکن
عمر شرکت	پیش از بذر	در مرحله بذر	در مرحله بلوغ	در مرحله بذر

روش تأمین مالی	تأمین مالی جمعی	سرمایه‌گذاری خطرپذیر	عرضه عمومی سهام (IPO)	روش IDO
			شرکت	
علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران	عمدتاً طرح‌های هنری یا فناورانه و طرح‌هایی که به نمونه اولیه رسیده‌اند	استارت‌آپ‌های فناورانه و با دانش بالا (IT، بیوتکنولوژی)	سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با سابقه و باثبات	عمدتاً طرح‌های مرتبط با فضای بلاک‌چین مانند دیفای
سرمایه‌گذاران	پشتیبان‌ها، مشتریان بالقوه	مؤسسات سرمایه‌گذاری	مؤسسات سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خصوصی	همه سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیر
حجم پولی جذب‌شده توسط شرکت	حجم پایین منابع نقدی جذب‌شده متناسب با مبلغ طرح	متوسط (متناسب برای پوشش تمام هزینه‌های عملیاتی، تحقیق، توسعه و بازاریابی)	زیاد (متناسب برای پوشش تمام هزینه‌های عملیاتی، تحقیق، توسعه و بازاریابی)	تا ۵ میلیون دلار (متناسب برای پوشش تمام هزینه‌های عملیاتی، تحقیق، توسعه و بازاریابی)
هزینه	کم	زیاد	زیاد	کم
ریسک	کم	زیاد	زیاد	زیاد
درجه رگلاتوری	کم	زیاد	زیاد	کم
نقدشوندگی	کم	کم	زیاد	بستگی به استخر نقدینگی صرافی غیرمتمرکز دارد

منبع: (Lipusch, 2018)؛ و یافته‌های پژوهش)

در ادامه به مبانی نظری مربوط به عقود مشارکتی خواهیم پرداخت.

۹. تعریف عقود مشارکتی

معنای لغوی شرکت مخلوط و ممزوج شدن اموال است (حلی، ۱۴۰۸ق؛ اصفهانی، ۱۴۱۲ق)، اعم از اینکه این امتزاج مشاع باشد یا اموال در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند. شرکت نزد اهل لغت و متشرعه یک معنا دارد. تعریف‌های فقها از شرکت، نیز بیان همان حقیقت است (فیض مشکینی، ۱۳۸۱). مقتضای شرکت، امتزاج اموال یا شریک کردن دیگری در مال خود است و صرف کنار هم قرارگرفتن اموال، شرکت نمی‌شود. مشارکت توافقی بین دو یا چند نفر است که براساس آن با اموالشان، به کسب و کار پرداخته و در سود و زیان شریک می‌شوند. البته اگر طرفین در میزان مالی که به مشارکت نهاده‌اند مساوی باشند، در سود و زیان نیز به صورت مساوی بهره‌مند یا متضرر می‌شوند و اگر در مقدار مال مختلف باشند، مقدار سود و زیان نیز به تبع میزان مال عاید آن‌ها می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق).

عقد شرکت دارای احکامی است:

- الف. در عقد شرکت بعد از انعقاد قرارداد کل سرمایه به صورت مشاع متعلق به همه شریک‌ها است (طوسی، ۱۳۸۷ق).
- ب. تصرف در اموال شرکت براساس توافق در قرارداد است.
- ج. اگر قرارداد شرکت، مطلق باشد، براساس مقتضای عقد شرکت سودوزیان به نسبت مال هر یک از شریک‌ها تقسیم می‌شود (خوانساری، ۱۴۰۵ق)؛ از این رو اگر سرمایه اعضای شرکت مساوی بود، سودوزیان هم به تبع آن به نسبت مساوی بین آن‌ها تقسیم می‌شود (حلی، ۱۴۰۸ق؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق). اما اگر در قرارداد چگونگی تقسیم سودوزیان معین شده باشد، طبق توافق عمل می‌شود.

بنابراین عقود مشارکتی عبارت است از عقود که در آن، طرفین قرارداد با ترکیب سرمایه‌ها یا با ترکیب کار و سرمایه، زمینه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری مشترک جهت کسب سود را فراهم می‌آورند (موسویان، ۱۳۹۱).

مشارکت طرفین در سودوزیان، متغیر بودن سود در قراردادها و نیاز به نظارت و پایش مستمر در عقود مشارکتی، از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع عقود است. گفتنی است که این عقود دارای کاربردهای خاصی هستند که در نظام بانکداری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مضاربه، مزارعه، مساقات و استصناع (شاگری شمسی و توکلی، ۱۳۹۷).

۱۰. ویژگی‌های عقود مشارکتی

در بخش قبلی برخی از ویژگی‌های عقود مشارکتی ذکر شد. در این قسمت به توضیح مفصل‌تر ویژگی‌های عقود مشارکتی می‌پردازیم که عبارتند از:

۱. مستمر بودن قرارداد: معاهده‌های مشارکتی، ماهیتی استمراری دارند و تا پایان فعالیت اقتصادی و سررسید معاهده، قرارداد استمرار دارد، برای مثال، وقتی چند نفر جمع شده و از طریق مشارکت مدنی، سرمایه فعالیت اقتصادی را تأمین می‌کنند تا زمانی که فعالیت مذکور ادامه دارد و شرکت منحل نشده، قرارداد استمرار دارد. همین وضعیت در دیگر معاهده‌های مشارکتی نیز وجود دارد.
۲. مشارکت در نتایج سودوزیان: در معاهده‌های مشارکتی، دو طرف یا مجموع شرکا به تمام حوادث و پیامدهای مثبت و منفی فعالیت اقتصادی ملتزم هستند، اگر نتیجه فعالیت، سود سرشار بود، برای همه توزیع می‌شود و اگر ضرر بود، برای همه است و اگر هیچ‌چیز نبود، نتیجه برای همه می‌شود. البته زیان در عقد مضاربه به سرمایه می‌خورد و عامل نیز از کار و تلاشی که کرده، چیزی کسب نمی‌کند.
۳. ریسکی بودن و متغیر بودن نرخ سود: در قراردادهای مشارکتی ممکن است ابتدای قرارداد، نرخ سود انتظاری برآورد شود؛ اما سود واقعی در پایان قرارداد معلوم می‌شود (اکبرزاده، ۱۳۹۲).
۴. وجود اذن و اعتماد طرفین: در این نوع قراردادها سرمایه‌ای که از طرف مؤسسه سرمایه‌گذاری در اختیار متقاضی منابع مالی قرار می‌گیرد، ملک او نمی‌شود و مؤسسه تنها به او اذن تصرف می‌دهد. متقاضی می‌تواند در دایره اذن مؤسسه

- سرمایه‌گذاری، منابع را در فعالیت اقتصادی استفاده کند و رابطه مالی مؤسسه با مشتری، رابطه صاحب سرمایه با عامل یا رابطه دو شریک است.
۵. انتظار انتفاعی بودن: ماهیت این نوع قراردادها مانند قراردادهای مبادله‌ای انتفاعی است؛ با این تفاوت که در قراردادهای مبادله‌ای، غالباً تحقق انتفاع حتمی است؛ اما در قراردادهای مشارکتی انتفاع انتظاری است.
۶. کنترل و نظارت: افزون بر مسئولیت احراز صحت اصل قرارداد، مؤسسه سرمایه‌گذاری می‌تواند اقتصادی بودن فعالیت را احراز کند و در طول اجرای طرح بر کیفیت به‌کارگیری منابع نظارت و کنترل داشته باشد تا از حقوق مؤسسه و سپرده‌گذاران دفاع کند (محقق‌نیا، ۱۳۹۳).

۱.۱. انواع عقود مشارکتی

این عقود دارای کاربردهای خاصی هستند که در نظام بانکداری بدون‌ربا عبارتند از:

الف) مضاربه: یکی از عقود معین قانون مدنی است که به‌موجب آن تسهیلات لازم در اختیار اشخاصی که در امر تجارت و بازرگانی اشتغال دارند قرار می‌گیرد. مضاربه قراردادی است که به‌موجب آن، یکی از طرفین (مالک) عهده‌دار تأمین سرمایه نقدی می‌شود. با قید اینکه طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و در سود حاصله، هر دو طرف شریک باشند. مضاربه عقدی است لازم و موضوع آن همان خرید و فروش کالایی است که بین صاحب سرمایه (مالک) و عامل توافق گردیده است (محمودی گلپایگانی، ۱۳۸۱). مضاربه عقدی است که به شرکت، ودیعه و وکالت شباهت دارد. مضاربه ماهیت اعتباری مستقل دارد که در بعضی احکام و شرایط با عقد دیگری مشترک است (کاتوزیان، ۱۳۷۸؛ باریکلو، ۱۳۸۸).

ب) مزارعه: قراردادی است که در آن بانک، زمین مشخصی را برای مدت معین در اختیار طرف دیگر قرار می‌دهد تا در آن کشاورزی کند؛ در نهایت سود حاصل بین طرفین تقسیم می‌شود. البته معمولاً بانک‌ها زمین کشاورزی در اختیار ندارند مگر آنکه مشتری صاحب زمین، زمین خود را به بانک اجاره دهد و به این وسیله بانک مالک منافع زمین شود و آن را به مزارعه در اختیار همان کشاورز یا زارع دیگری قرار دهد. مزارعه عقدی لازم و یکی از روش‌های تأمین مالی کوتاه‌مدت در بخش کشاورزی محسوب می‌شود؛ زیرا

حداکثر مدت مزارعه یک سال است، مگر اینکه دوره زراعی زراعت موضوع قرارداد بیش از یک سال باشد. البته قرارداد مزارعه می‌تواند طولانی‌مدت مثلاً سی ساله باشد.

ج) مساقات: معامله‌ای است که بین صاحب درخت و مانند آن، با عامل منعقد می‌گردد و براساس آن صاحب درخت، درخت یا درختان خود را به عامل می‌سپارد تا وی فعالیت‌های مربوط به نگهداری و آبیاری را انجام دهد و در مقابل بخشی از محصول را مالک شود. عقد مساقات در مورد درختانی صحیح است که دارای ریشه ثابت باشند و از آن‌ها میوه مورد استفاده به دست آید. درختان باید فعال و میوه رسان باشند؛ بنابراین مساقات در مورد درختانی که قابلیت میوه‌دار شدن دارند، صحیح است. به موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها می‌توانند درختان مثمری را که مالک عین یا منفعت آن‌ها بوده یا به هر عنوان مجاز در تصرف و بهره‌برداری از آن‌ها باشند، به منظور افزایش بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی به مساقات داده و عندالزوم نیز سایر عوامل لازم نظیر آب، کود، سم و وسیله حمل و نقل را تأمین نمایند (هدایتی، ۱۳۸۱).

د) مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود. این ابزار کارآمد اگر در قلمرو تأسیس و راه‌اندازی واحدهای جدید یا تکمیل و توسعه واحدهای موجود به کار گرفته شود، موجب رشد تولید و خدمات بازرگانی شده که منجر به افزایش کالا و خدمات در جامعه و در نتیجه کمک به توسعه اقتصاد کشور خواهد شد.

و) مشارکت مدنی: یکی از عقود مؤثر به منظور ایجاد تسهیلات برای توسعه فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی است. مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع، به منظور انتفاع و طبق قرارداد، متقاضیان می‌توانند با توجه به کارایی این عقد از تسهیلات بانکی استفاده کنند.

در قانون مدنی، شرکت مدنی به معنای مالکیت مشاع مورد بحث قرار گرفته است؛ ولی در فقه امامیه که مواد قانون مدنی که از آن اقتباس شده، شرکت به دو معنای مالکیت مشاعی و عقدی از عقود که اثر ذاتی آن جواز تصرف در مال مشاع است مورد بحث قرار گرفته است (موسویان، ۱۳۷۹).

ه) استصناع: قراردادی است بین تولیدکننده و سفارش‌دهنده برای ساختن چیزی که در آن سفارش‌دهنده «مستصنع»، از تولیدکننده «صانع» تقاضا دارد و کالای ساخته‌شده نیز «مصنوع» نامیده می‌شود یا توافقی است بین تولیدکننده (به‌عنوان فروشنده) و خریدار برای فروش کالایی که به هنگام انعقاد قرارداد وجود ندارد و به سفارش خریدار با اوصاف معین در آینده ساخته و تحویل می‌شود. نکته مهم در استصناع و وجه تمایز آن با عقود مشابه، مؤجل بودن ثمن آن است. استصناع عقدی است لازم، یعنی طرفین عقد نمی‌توانند بدون رضایت یکدیگر به‌طور یک‌جانبه آن را فسخ کنند. در قرارداد استصناع نمی‌توان شرطی مبنی بر عدم مسئولیت فروشنده در قبال عدم تحقق شرایطی که برای کالای موضوع قرارداد (مصنوع) شمرده می‌شود، درج نمود.

۱۲. فواید و مشکلات عقود مشارکتی

۱۲-۱. فواید اختصاصی عقود مشارکتی

عقود مشارکتی اگر به‌طور واقعی و صحیح به‌کار گرفته شود، نتایج مطلوب اقتصادی را به دنبال خواهد داشت که هزینه‌های مربوط به چالش‌های فوق را برطرف خواهد کرد؛ برخی از نتایج مطلوب اقتصادی عبارتند از:

۱. تنوع زمینه‌های فعالیت؛
۲. نداشتن سقف سود معین و ثابت؛
۳. طولانی بودن دوره برگرداندن وجوه؛
۴. توزیع عادلانه درآمد؛
۵. کاهش فشارهای تورمی و هزینه تولید؛
۶. افزایش بهره‌وری؛
۷. افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال؛
۸. نیاز نبودن به وثیقه؛
۹. توزیع ریسک (اکبرزاده، ۱۳۹۲).

۱۲-۲. مشکلات اختصاصی عقود مشارکتی

عقود مشارکتی دارای مشکلاتی نیز هستند که عبارتند از:

۱- افزایش هزینه‌های بانک جهت نظارت و دخالت در فعالیت‌های اقتصادی، هزینه‌بر بودن فرآیند نظارت از جهت هزینه‌های کارشناسی؛ ۲- احتمال تبانی بین کارشناس ناظر و مدیر طرح؛ ۳- شفاف نبودن شاخص‌های نظارت و نگرانی شریک درباره افشای اطلاعات به علت ترس از امکان بروز سوءاستفاده‌های احتمالی در بعضی موارد را می‌توان از مشکل‌های نظام بانکی در نظارت بر قراردادهای مشارکتی دانست (احمدی حاجی‌آبادی و بهاروندی، ۱۳۹۰). مشکل اطلاعات نامتقارن و عدم اعتماد به گزارش سودوزیان از طرف متقاضی نیز از جمله مشکلات اجرای عقود مشارکتی در کشور است. آنچه فی‌الحال وجود دارد بانک‌ها اطلاعات کافی دارند و این اطلاعات در بندهای قرارداد گنجانده شده است که سرمایه‌گذار و وام‌گیرنده بدون مطالعه دقیق بندهای قرارداد آن را امضا می‌کنند و نتیجه اینکار بدین‌صورت است که منبع تغذیه افراد از عقود اسلامی تنها مفاد قراردادها است و موج بانکداری اسلامی و ترویج فرهنگ استفاده از آن، آن‌طور که باید به جامعه منتقل نشده و آن را در برنگرفته است. این مسأله به مشکلات اجرایی در امر انعقاد قراردادها برمی‌گردد. در بندهای مفاد قرارداد بسیار کلی‌گویی شده و تک‌تک آن برای مشتری قابل بحث و بررسی است. همچنین از سویی واژه‌هایی در آن استفاده می‌شود که برای مردم عادی قابل فهم نیست و مردم به‌درستی در جریان قرار نمی‌گیرند. وجود اطلاعات نامتقارن، مانع از کاربرد کارآمد ابزارهای مشارکتی می‌شود، مگر آنکه صاحبان بانک از طریق نظارت بر اجرای قرارداد، مشکل عدم تقارن اطلاعات را حل کنند (صدر، ۱۳۸۴). متأسفانه در حال حاضر، در اکثر موارد نه سپرده‌گذاران و نه سرمایه‌گذاران (و اغلب حتی کارمندان و مدیران بانک) درک مشخصی از رابطه حقوقی فرد با بانک در عقود مختلف نداشته و نقل‌وانتقال وجوه فقط محدود به امضای چند قرارداد شده است. این مسأله به شدت سبب تردید در صحت شرعی اجرای قراردادهای بانکی می‌شود (عیوضلو، ۱۳۸۷؛ قلیچ، ۱۳۹۰). در ادامه به بررسی بیشتر چالش‌های نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی خواهیم پرداخت.

۱۲-۳. چالش‌های پیاده‌سازی عقود مشارکتی در نظام بانکی

برای بررسی میزان انطباق شرایط عقد مشارکت با آنچه به‌عنوان عقد مشارکت در بانکداری اسلامی استفاده می‌گردد، باید نحوه به‌کارگیری عقد مشارکت در نظام بانکی نیز بررسی گردد. زمانی که یک فرد برای اخذ تسهیلات مشارکتی به بانک مراجعه می‌کند، براساس

قراردادی که بین آنها امضا می‌شود، بانک در طرح سرمایه‌گذاری شریک می‌شود. طرح پیشنهادی دارای یک‌میزان پیش‌بینی شده از سرمایه‌گذاری مورد نیاز است. بانک نسبتی را برای مشارکت انتخاب می‌کند و متعهد می‌شود سهم خود از سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده مورد نیاز را طی اقساطی با توجه به پیشرفت کار به تسهیلات گیرنده بپردازد و در نهایت نیز به نسبت مشارکت، از میزان سود حاصل از این طرح بهره‌مند شود (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین عقود مشارکتی بخشی از عقود اسلامی هستند که مبتنی بر مشارکت بانک با گیرنده تسهیلات در سود (زیان) فعالیت است و به همین خاطر در مقایسه با فعالیت متعارف بانک‌ها ریسک بالایی دارد (Sarker, 2004).

اگر بانک‌ها بخواهند این ریسک را به‌درستی مدیریت نمایند، ناگزیر باید در انتخاب طرح‌ها و پیشبرد آنها تا مرحله بهره‌برداری و پس از آن، به‌وسیله کارشناسان باتجربه نظارت و کنترل کنند و این امر به‌صورت طبیعی با توجه به محدود بودن توان کارشناسی بانک و نبود نهادهای تخصصی مشاوره و ارزیابی طرح‌ها و تعدد طرح‌ها، برای بانک‌های تجاری غیرممکن است و هزینه عملیات اعتباری آنها را به‌شدت افزایش می‌دهد (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱)؛ از سوی دیگر ممکن است متقاضیان تسهیلات قصد فریب بانک و شریک کردن بانک در زیان احتمالی طرح پرریسه خود را داشته باشند؛ لذا ورود به قرارداد مشارکت برای بانک ممکن و مطلوب نبوده است؛ بنابراین اگرچه ممکن است عقدهای مشارکتی، موضوع اولیه قرارداد بانکی باشد، اما بانک‌ها در زمان انعقاد قرارداد حداقل سود مورد انتظار خود را پیش‌بینی و در تاریخ سررسید از مشتری مطالبه می‌کنند. در این صورت عقد مشارکتی در عمل به عقدی با بازده ثابت تبدیل شده است (رزمی، اشرف‌زاده، لطفعلی‌پور و فیضی، ۱۳۹۵)؛ علت این است که فقط قراردادهای مبادله‌ای با ماهیت بانک‌های تجاری سازگار است؛ در نتیجه کلیه عملیات و قراردادهای بانک‌های تجاری به سمت قراردادهای مبادله‌ای سوق داده می‌شوند و از به‌کار بستن قراردادهای مشارکتی که ریسک بالاتری دارند، بازمی‌مانند (موسویان، ۱۳۸۴). به‌نظر می‌رسد نمی‌توان اشکال را به بانک یا مشتری یا قابلیت‌های عقد مشارکت وارد کرد بلکه دلیل اصلی، همان عدم انطباق ظرف بانک و مظهر مشارکت است.

باتوجه به مباحث مزبور، ممکن است این نکته مطرح شود که دلیل عدم اجرای عقود مشارکتی در نظام بانکی به شکلی که در فقه برای این عقود ترسیم شده است، بانک‌ها و

قراردادهای آن‌هاست؛ بدین معنا که بانک‌ها می‌توانند قراردادهای مرتبط با عقود مشارکتی خود را طوری طراحی کنند که اشکال‌های قبلی به آن‌ها وارد نباشد. به علت عدم انطباق ماهیت بانک با الزامات اجرایی عقود مشارکتی، امکان اجرای این عقود به نحوی که در فقه به آن پرداخته شده، برای بانک‌ها وجود ندارد و این عدم انطباق را می‌توان در دو حوزه خرد و کلان بررسی کرد. از یکسو اجرای عقود مشارکتی به شکل صحیح آن دارای ویژگی‌هایی است که با قابلیت‌ها، کارکردها و وظایف نهاد بانک در سطح خرد در تضاد است و از سوی دیگر، به‌کارگیری عقود مشارکتی در بانک با کارکردهای بانک در سطح کلان اقتصاد نیز مغایر است (طالبی و کیایی، ۱۳۹۱). توضیحات مربوط به عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح خرد و کلان در قالب جدول (۳) آمده است.

جدول (۳): عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح خرد و کلان

توضیحات	عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح خرد
<p>در بسیاری از موارد وقتی یک مشتری با بانک وارد عقد مشارکت می‌شود، هیچ‌کدام از بانک و مشتری قصد واقعی برای مشارکت در طرح را ندارند. مشتری به دنبال دریافت تسهیلات برای تأسیس یا تکمیل طرح خود است و اتفاقاً تمایل دارد خودش همه طرح را در اختیار داشته باشد، اما چون راهکار دیگری در نظام بانکی برای دریافت تسهیلات ندارد، مجبور است از تسهیلات مشارکتی استفاده کند. همچنین، بانک نیز همان‌طور که گفته شد، توان نظارتی و اجرایی ورود به مشارکت را ندارد و بنابراین، ترجیح می‌دهد همه امور مرتبط با طرح توسط مشتری انجام شود و بانک همان سود ثابت موجود در قرارداد را دریافت کند. البته این مناقشه با آموزش و ایجاد انگیزه در کارکنان بانک و مشتریان قابل‌رفع است.</p>	<p>نبود قصد واقعی برای مشارکت</p>
<p>یکی از اصلی‌ترین مصادیق عدم تطابق ماهوی عقد مشارکت با بانک، تفاوت آن‌ها در درجه ریسک است. عقد مشارکت در ذات خود دربردارنده درجه ریسک بالایی است. اگر بانک به‌صورت واقعی در یک طرح شریک شود، هرگونه خطر یا زیان عمدی و غیرعمدی که در مورد طرح ممکن است رخ</p>	<p>عدم تطابق مشارکت با ریسک قابل‌پذیرش بانک</p>

توضیحات	عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح خرد
<p>دهد، منابع بانک را تهدید می‌کند و از آنجا که منابع بانک برای خودش نیست و متعلق به سپرده‌گذاران است و درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران معمولاً کم است، پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود.</p>	
-	عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح کلان
<p>بانک به‌مثابه نهاد مجری سیاست‌های پولی شناخته می‌شود. اجرای سیاست‌های انقباضی و انبساطی از طریق ابزارهایی انجام می‌شود که عمده آن‌ها در ساختار و کارکرد بانک تعریف شده است. اجرای عقود مشارکتی تعهداتی برای تأمین سرمایه طرح‌ها برعهده بانک می‌گذارد که اجتناب‌ناپذیر است. در طول اجرای طرح، صرف‌نظر از انقباضی یا انبساطی بودن سیاست پولی، بانک موظف به تأمین منابع مالی موردنیاز طرح‌هاست و این امر می‌تواند فرایند سیاست‌های پولی بانک مرکزی را با اختلال همراه کند.</p>	بروز اختلال در سازوکار اعمال سیاست پولی
<p>در رابطه با نرخ سود بانکی نیز که به‌عنوان یک شاخص مهم اقتصادی در هدایت سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود، موکول کردن آن به نرخ سود طرح‌ها و طرح‌های انعطاف‌پذیری و تنوع زیادی در نرخ سودهای بانکی ایجاد می‌کند که منجر به اختلال در نرخ بازدهی مورد انتظار سرمایه‌گذارانی که در خارج از بانک فعالیت می‌کنند، می‌شود. براساس نظریه‌های اقتصادی، زمانی که سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی ارزیابی می‌گردد، نرخ سود حاصل از آن با نرخ سود بدون ریسک در اقتصاد مقایسه می‌شود. اگر نرخ سود این سرمایه‌گذاری از نرخ سود بدون ریسک به‌اندازه‌ای بیشتر باشد که صرف ریسک در آن حوزه را پوشش دهد، سرمایه‌گذاری انجام می‌شود، در غیراین‌صورت، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد پول خود را صرف دریافت همان نرخ سود بدون ریسک کند. البته می‌توان دو نوع عملیات بانکی تعریف کرد و این مشکل را برطرف نمود: ۱- عملیات بانکی مبتنی بر عقود مبادله‌ای یا بازدهی</p>	ایجاد اختلال در سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران

توضیحات	عدم تطابق ماهیت بانک با عقود مشارکتی در سطح خرد
تقریباً معین؛ ۲- عملیات بانکی مبتنی بر عقود مشارکتی با بازدهی نامعین و غالباً با سود بیشتر.	
<p>در اقتصاد متعارف برای جمع‌آوری وجوه از افراد با ذائقه‌های ریسکی متفاوت، نهادهای متفاوتی وجود دارد. افراد ریسک‌پذیرتر به سمت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ها می‌روند و افراد ریسک‌گریز نیز وجوه خود را در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهند. در صورتی که بانک‌های اسلامی تنها از عقود مبادله‌ای برای اعطای تسهیلات استفاده کنند، درآمد آن‌ها با ریسک بسیار پایینی همراه خواهد بود و بر این اساس، می‌توانند به سپرده‌گذاران نیز سود با ریسک پایین اعطا کنند؛ اما اگر بانک‌های اسلامی وارد فعالیت‌های مشارکتی واقعی شوند آن‌ها نیز همانند سایر واسطه‌های مالی یک‌نهاد ریسک‌پذیر محسوب می‌شوند و دیگر نمی‌توان انتظار داشت به سپرده‌گذاران خود درآمدی با ریسک کم ارائه دهند. این امر موجب می‌شود تا این بانک‌ها نتوانند سپرده‌های افراد ریسک‌گریز را به سمت سرمایه‌گذاری هدایت کنند؛ بنابراین در چنین نظام اقتصادی بخشی از منابع بی‌استفاده و سرگردان رها خواهد شد. البته در جهان، بانک‌های توسعه‌ای بسیار فعال‌اند و در طرح‌های بزرگ وارد می‌شوند و به نحو مشارکت سرمایه‌گذاری می‌کنند که در این‌گونه طرح‌ها امکان نظارت بانک کاملاً فراهم است و این طرح‌ها امکان حسابرسی سود و زیان دارند و بازدهی سرمایه در آن‌ها بالا است و هزینه‌های نظارت را پوشش می‌دهد که نمونه مهم آن بانک توسعه اسلامی است.</p>	<p>عدم جهت‌دهی منابع افراد ریسک‌گریز به سمت سرمایه‌گذاری</p>

منبع: (طلالی و کیایی، ۱۳۹۱)

۱۳. مدل عملیاتی اجرای روش IDO در ایران

بر اساس توضیحات بخش‌های قبلی پژوهش، روش IDO می‌تواند به‌عنوان یکی از روش‌های تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا و کوچک مقیاس استفاده شود؛ اما اجرای این روش در ایران با دو چالش اساسی روبه‌رو است. یکی چالش قانونی و نظارتی است که باید منطبق بر قوانین کشور باشد و دیگری چالش اسلامی است که اجرای این روش باید

کاملاً منطبق بر موازین فقهی و اسلامی باشد. لذا در معرفی مدل پیشنهادی باید هر دو چالش در نظر گرفته شود. در ادامه به معرفی مدل عملیاتی پیشنهادی برای اجرای روش IDO در ایران با توجه به دو چالش قانونی و اسلامی خواهیم پرداخت.

۱۴. چالش قانونی

برای اجرای روش IDO در کشور باید پذیرش حاکمیتی صورت پذیرد؛ لذا پیش از صحبت در ارتباط با روش IDO و به‌عنوان مقدمه نیاز است تا قوانین منسجم و مشخصی در کشور در ارتباط با بلاکچین، رمز دارایی‌ها و قراردادهای هوشمند تدوین شود. بحث در ارتباط با این مقدمات، پژوهش را طولانی و از هدف اصلی خود دور می‌کند؛ بنابراین ما فرض می‌کنیم قوانین مشخصی در کشور در ارتباط با بلاکچین و رمز دارایی‌ها تدوین خواهد شد و بحث را از نحوه اجرای روش IDO در کشور آغاز می‌کنیم.

با توجه به اینکه روش IDO به‌موازات سایر روش‌های تأمین مالی برای کسب‌وکارهای نوپا و کوچک مقیاس نظیر تأمین مالی جمعی و صندوق‌های خطرپذیر قرار می‌گیرد و اجرای قانونی این روش‌ها و مجوز فعالیت آن‌ها با فرابورس ایران است، پیشنهاد می‌شود تا راه‌اندازی صرافی‌های غیرمتمرکز به‌منظور اجرای روش IDO نیز با فرابورس ایران باشد؛ لذا برای رفع چالش‌های نظارتی و قانونی، فرابورس ایران می‌تواند قرارداد هوشمند صرافی غیرمتمرکز را براساس دیدگاه‌های قانونی خود کدنویسی کرده و نخستین صرافی غیرمتمرکز داخلی را راه‌اندازی نماید. می‌توان تمام پروتکل‌های نظارتی و هویت‌سنجی نظیر KYC/AML^{۳۴} و یا بحث‌های وثیقه‌گذاری را در قرارداد هوشمند در نظر گرفت.

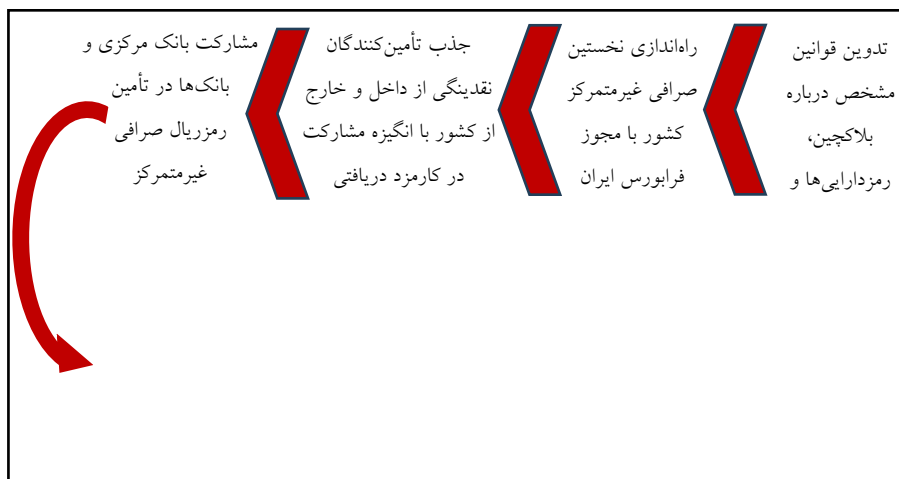
صرافی‌های غیرمتمرکزی که برای اجرای روش IDO مورد استفاده قرار می‌گیرند مبتنی بر استخر نقدینگی و AMM هستند. لذا نیاز هست تا تأمین‌کنندگان نقدینگی در راه‌اندازی صرافی غیرمتمرکز مشارکت نمایند. به همین منظور می‌توان باانگیزه دریافت کارمزد از معاملات صرافی، تأمین‌کنندگان نقدینگی را از افراد داخل یا خارج از کشور جذب کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به راه‌اندازی رمز ریال توسط بانک مرکزی

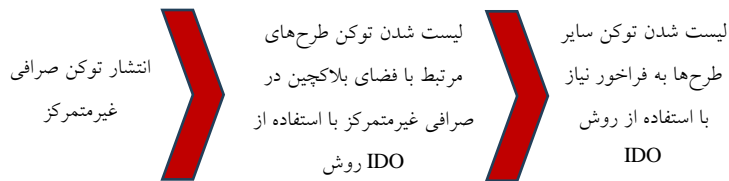
۳۴. قوانین ضدپولشویی (Anti-Money Laundering) به دسته‌ای از قوانین بین‌المللی گفته می‌شود که به امید جلوگیری و مقابله سازمان‌های تبه‌کار یا اشخاص از انجام پولشویی با استفاده از ارزهای دیجیتال وضع شده است.

ایران، بانک مرکزی و بانک‌ها نیز به تأمین رمز ریال در استخر نقدینگی پردازند و رمز ریال نیز به‌عنوان یکی از دارایی‌های دیجیتال در نخستین صرافی غیرمتمرکز داخلی وجود داشته باشد.

پس از راه‌اندازی نخستین صرافی غیرمتمرکز توسط فرابورس ایران نوبت به انتشار توکن خود صرافی می‌رسد، به‌عبارت‌دیگر خود صرافی غیرمتمرکز نخستین طرحی خواهد بود که با استفاده از روش IDO تأمین مالی خواهد شد. توکن صرافی غیرمتمرکز توسط همه سرمایه‌گذاران از جمله سرمایه‌گذاران حقوقی نظیر صندوق‌های خطرپذیر و صندوق‌های خصوصی یا سرمایه‌گذاران حقیقی می‌تواند با استفاده از سایر دارایی‌هایی دیجیتال مانند رمز ریال خریداری شود.

اکنون که صرافی غیرمتمرکز راه‌اندازی شده و توکن آن نیز منتشر شده است، نوبت به سایر کسب‌وکارهای کوچک مقیاس می‌رسد که توکن خود را در صرافی غیرمتمرکز منتشر کنند و با استفاده از روش IDO تأمین مالی شوند. پیشنهاد می‌شود نخست طرح‌های مربوط به فضای بلاکچین توکن‌های خود را به روش IDO منتشر کنند تا در تمام خدمات مختلفی که در فضای بلاکچین وجود دارد یک نمونه بومی داشته باشیم و جایگاه کشور را در فضای بلاکچین که یک فناوری آینده‌دار و روبه‌رشد است، مستحکم کنیم. سپس سایر کسب‌وکارهای کوچک و نوپا که پتانسیل استفاده از روش IDO را دارند می‌توانند با استفاده از این روش تأمین مالی شوند. مراحل اجرای روش IDO در کشور در شکل (۳) به نمایش درآمده است.





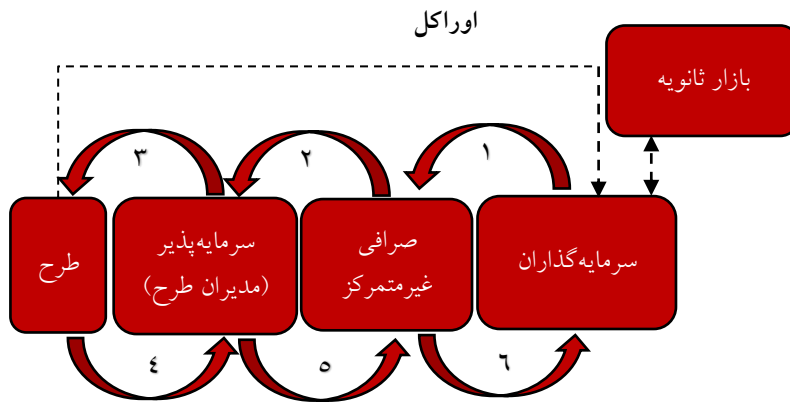
شکل (۳): مراحل اجرای روش IDO در کشور

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۱۵. چالش اسلامی

حال که مراحل اجرای روش IDO در کشور مشخص شد نیاز است تا ملاحظات اسلامی نیز در اجرای روش IDO مورد توجه باشد. با توجه به اینکه اجرای روش IDO مبتنی بر قرارداد هوشمند صرافی غیرمتمرکز است و ممکن است میان قراردادهای هوشمند صرافی‌های غیرمتمرکز موجود یا صرافی‌های غیرمتمرکزی که در آینده به وجود خواهند آمد تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، نمی‌توان حکم واحدی برای انطباق این روش با موازین اسلامی داد. لذا بهتر است برای رفع چالش اسلامی اجرای روش IDO در کشور به دنبال طراحی مدل اسلامی خود باشیم؛ بنابراین برای رفع اشکالات اسلامی مدل بهتر است قرارداد هوشمند صرافی غیرمتمرکز در قالب یکی از عقود اسلامی باشد. به عبارت دیگر انتشار توکن به روش IDO در قالب یکی از عقود اسلامی صورت پذیرد.

با توجه به توضیحاتی که در ارتباط با دیفای و روش IDO در پژوهش ذکر شد و همچنین با توجه به ویژگی‌های عقود مشارکتی که به آن‌ها اشاره شد، می‌توان از این عقود برای اجرای روش IDO در کشور استفاده کرد. تمامی ویژگی‌های عقود مشارکتی با بلاکچین و روش IDO هم‌خوانی دارد و می‌توان این عقود را در قالب قرارداد هوشمند بر بستر بلاکچین در قالب روش IDO اجرا نمود. استفاده از این روش چالش‌های موجود در نظام بانکی را ندارد. مدل عملیاتی پیاده‌سازی عقود مشارکتی با استفاده از روش IDO بر بستر بلاکچین در شکل (۴) به نمایش درآمده است. در ادامه به توضیح مراحل مختلف این مدل می‌پردازیم و تطبیق آن با ویژگی‌های عقود مشارکتی را بررسی خواهیم کرد.



شکل (۴): مدل عملیاتی اجرای روش IDO مبتنی بر عقود مشارکتی

منبع: (یافته‌های تحقیق)

مراحل اجرای مدل پیشنهادی برای اجرای روش IDO مبتنی بر عقود مشارکتی به شرح زیر است:

- **مرحله ۱:** پس از فهرست‌شدن طرح مربوطه در صرافی غیرمتمرکز و انتشار توکن طرح توسط آن، در مرحله ۱ سرمایه‌گذاران در قالب قرارداد هوشمند (عقد مشارکت) توکن مربوط به طرح را خریداری می‌کنند. لازم به ذکر است که تمامی مفاد عقد مشارکت متناسب با نوع آن (مضاربه، مشارکت مدنی و...) در قرارداد هوشمند به صورت کد قید شده است و با توجه به ماهیت تغییرناپذیر آن ضمانت اجرا دارد؛ بنابراین سرمایه‌گذاران به میزان سرمایه خود (تعداد توکن خریداری شده تقسیم بر کل توکن‌های طرح) در سودوزیان طرح سهیم هستند.
- **مرحله ۲:** در این مرحله با توجه به مفاد قیدشده در قرارداد هوشمند به صورت خودکار صرافی غیرمتمرکز پس از کسر کارمزد مربوط به خود سرمایه جمع شده را به کیف پول سرمایه‌پذیران (مدیران طرح) منتقل می‌کند.
- **مرحله ۳:** در این مرحله مدیران طرح سرمایه مربوطه را در طرح خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. موضوع طرح می‌تواند طیف گسترده‌ای از موضوعات را شامل شود. براساس

داده‌های وبگاه کریپتورنک موضوع طرح‌هایی که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ میلادی با استفاده از روش IDO تأمین مالی شده‌اند عبارتند از: خدمات بلاکچین، دیفای، صنعت بازی، صنعت املاک، خدمات سلامت و بهداشت، خدمات مرتبط با پردازش داده و بسیاری از موضوعات دیگر.

○ **مرحله ۴، ۵ و ۶:** در طی این مراحل مطابق با قرارداد هوشمندی که در ابتدا به‌وسیله صرافی غیرمتمرکز جهت انتشار توکن طرح استفاده شده بود و همچنین با استفاده از اوراکل صورت‌های مالی طرح به قرارداد هوشمند متصل شده و به‌صورت خودکار در بازه‌های زمانی که قبلاً در قرارداد هوشمند تعیین شده است (مثلاً به‌صورت سالیانه) سود طرح به حساب مدیران طرح و متناسب با میزان سرمایه هر فرد به حساب سرمایه‌گذاران در قالب توکن و براساس قیمت روز توکن در بازار ثانویه واریز می‌شود. در صورت زیان نیز توکن‌های کیف پول سرمایه‌گذار براساس قیمت روز توکن سوزانده خواهد شد.

۱۶. تطبیق مدل پیشنهادی با ویژگی‌های عقود مشارکتی

از مهم‌ترین ویژگی‌های عقود مشارکتی متغیر بودن سود، شراکت در سود و زیان متناسب با سرمایه هر فرد و نظارت بر حسن اجرای طرح است. در مدل پیشنهادی تمامی ویژگی‌های فوق وجود دارد. سود طرح‌ها متغیر و شفاف است و بدون دخالت انسان و به‌صورت خودکار توسط اوراکل به قرارداد هوشمند متصل می‌شود و چون غیرقابل تغییر است، ضمانت اجرا دارد. همچنین متناسب با میزان سرمایه هر فرد توسط قرارداد هوشمند در بازه‌های زمانی مختلف که از قبل مورد توافق مدیران طرح و سرمایه‌گذاران بوده است تقسیم می‌شود. نظارت بر حسن انجام طرح نیز به شکل مستمر توسط سرمایه‌گذاران انجام می‌شود، زیرا همان‌طور که در ابتدای پژوهش توضیح داده شد دیفای در صدد آن است که واسطه‌ها را حذف کند و در اینجا نیز در عمل سرمایه‌گذاران بدون واسطه با مدیران طرح در ارتباط هستند و می‌توانند داده‌های مربوط به سود طرح را به شکل شفاف رصد نمایند. همچنین با توجه به اینکه پیش از فهرست شدن طرح در صرافی غیرمتمرکز، مدیران طرح فایلی از توضیحات مربوط به طرح و کارنامک^{۳۵} خودشان ارائه می‌کنند، شفافیت و

تخصص مدیران طرح برای سرمایه‌گذاران روشن می‌شود. در جدول (۴) تطبیق ویژگی‌های عقود مشارکتی با مدل پیشنهادی برای اجرای روش IDO در ایران مبتنی بر آن‌ها قابل مشاهده است.

جدول (۴): تطبیق ویژگی‌های عقود مشارکتی با مدل پیشنهادی برای اجرای روش IDO در ایران

ردیف	ویژگی اصلی عقود مشارکتی	تطبیق مدل پیشنهادی اجرای روش IDO در ایران
۱	مستمر بودن قرارداد	با توجه به اینکه تا آخرین لحظه برقراری طرح قرارداد هوشمند صرافی غیرمتمرکز برای تأمین مالی طرح برقرار است و در صورت منحل شدن طرح قرارداد هوشمند نیز به‌طور خودکار بسته خواهد شد، در نتیجه ویژگی استمرار قرارداد در این مدل برقرار است.
۲	ریسکی بودن قرارداد و متغیر بودن نرخ سود	به‌طور کلی در طرح‌هایی که مرتبط با فضای بلاکچین هستند ریسک‌های متعددی وجود دارد که سرمایه‌گذار ضمن اطلاع از تمامی این ریسک‌ها اقدام به خرید توکن طرح مورد نظر خود می‌کند و همین مسأله موجب می‌شود تا نرخ سود طرح‌های مختلف کاملاً متغیر باشد و ماهیت ریسکی آن به علت انتقال تمامی جریان‌های درآمدی و هزینه‌ای مرتبط با طرح به قرارداد هوشمند که تحت تأثیر ریسک‌های مختلف هستند در نرخ سود طرح لحاظ شود.
۳	انتظار انتفاعی بودن	یقیناً سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران به انگیزه کسب منفعت در روش تأمین مالی IDO مشارکت می‌کنند.
۴	کنترل و نظارت مستمر	با توجه به شفافیت که فناوری بلاکچین دارد و با توجه به اینکه داده‌های مربوط صورت‌های مالی طرح اعم از تمامی اقلام درآمدی و هزینه‌ای به صورت الگوریتمی و در فواصل مشخص به قرارداد هوشمند وارد می‌شود (داده‌های خارج از فضای بلاکچین با استفاده از اوراکل به قرارداد هوشمند متصل خواهند شد). در نتیجه سرمایه‌گذاران همواره می‌توانند کنترل و نظارت کافی را بر طرح داشته باشند.
۵	وجود اذن و اعتماد طرفین	پیش از اجرای طرح، مدیران طرح سپیدنامه‌ای شامل اطلاعات دقیق طرح و مشخصات تخصصی خود را به شکل عمومی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار

تطبيق مدل پیشنهادی اجرای روش IDO در ایران	ویژگی اصلی عقود مشارکتی	ردیف
می‌دهند و به علت اینکه نهادهای قانون‌گذار و صرافی غیرمتمرکز نیز پروتکل‌هایی را برای هویت‌سنجی مدیران و سرمایه‌گذاران در قرارداد هوشمند در نظر گرفته‌اند در نتیجه طرفین با اعتماد کافی در این مدل شرکت می‌کنند.		

منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به اینکه موضوع دیفای و روش IDO نه تنها در ایران بلکه در دنیا موضوع جدیدی در ادبیات مالی محسوب می‌شود، در ابتدا سعی شد به‌طور مفصل به مبانی نظری دیفای و روش IDO پرداخته شود. از آنجاکه روش IDO برای تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا و کوچک مقیاس کاربرد دارد و همچنین با توجه به آثار مثبت اجرای صحیح عقود مشارکتی در کشور و باوجود چالش‌های اسلامی در اجرای روش IDO در ایران، پس از بیان مبانی نظری عقود مشارکتی و چالش‌های نظام بانکی در اجرای صحیح آن‌ها، مدلی عملیاتی را برای اجرای روش IDO در کشور مبتنی بر عقود مشارکتی معرفی نمودیم که چالش‌های اسلامی در آن مرتفع شده باشد.

براساس توضیحاتی که در این پژوهش ارائه شد، اجرای صحیح عقود مشارکتی منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش تولید، تخصیص بهینه منابع و در نتیجه افزایش اشتغال و تولید ناخالص داخلی کشور خواهد شد. با توجه به اینکه نظام بانکی در اجرای عقود مشارکتی با چالش‌های زیادی مواجه است و بخش عمده‌ای از این چالش‌ها به دلیل مناسب نبودن ظرف بانک برای اجرای عقود مشارکتی است، در نتیجه بهتر است به فکر راهکاری مناسب و جایگزین برای اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی باشیم. در پژوهش حاضر بستر بلاکچین با استفاده از دیفای و روش IDO برای اجرای عقود مشارکتی پیشنهاد شد؛ زیرا ویژگی‌های اصلی عقود مشارکتی اعم از متغیر بودن سود، انتظار انتفاع طرفین، مشارکت در سود و زیان به نسبت سرمایه، امکان نظارت و پایش مستمر به دلیل شفافیت بالا و وجود اذن و اعتماد طرفین در مدل عملیاتی پیشنهادی با استفاده از

دیفای فراهم است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا ضمن ایجاد بسترهای قانونی و زیرساختی مناسب برای اجرای خدمات دیفای در کشور، از روش IDO برای تأمین مالی طرح‌های مختلف مبتنی بر عقود مشارکتی استفاده شود. با اجرای مدل پیشنهادی پژوهش هم روشی نوین برای تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا و کوچک مقیاس ایجاد خواهد شد و هم بستری برای اجرای صحیح عقود مشارکتی در کشور به وجود خواهد آمد.

کتابنامه

۱. احمدی حاجی‌آبادی، سید روح‌الله؛ و بهاروندی، احمد (۱۳۹۰). راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران. *اقتصاد اسلامی*. ۱۰(۳۸)، ۱۱۹-۱۴۶.
2. Ahmadi Hajiabadi, R. Baharvandi, A. (2010). Solutions for the Correct Implementation of Partnership Contracts in the Banking System of Iran. *Islamic Economics*, 10(38), 119-146. (In Persian).
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن* (چاپ اول). سوریه، دمشق: دارالعلم - الدارالشامیه.
4. Esfahani, Hossein bin Muhammad Ragheb (1412 AH). *Al-Qur'an Vocabulary* (Chapter 1). Syria, Damas: Dar al-Alam - Al-Dar al-Shamiya. (in persian).
۵. اکبرزاده، معین. (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آن‌ها در نظام بانکداری اسلامی. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۲(۴ و ۵)، ۱۶۱-۱۹۸.
6. Akbarzadeh, M. (2013). Comparative Collaborative and Exchange Contracts and Identify Problems and Benefits of its Application in the Islamic Banking System. *Islamic Economics & Banking*, 2(4 & 5), 161-198. (In Persian).
۷. باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۸). *حقوق مدنی (۷)*. ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
8. Bariklou, A. (2008). *Civil Rights (7)*. Iran, Tehran: Majd Scientific and Cultural Forum. (In Persian).
۹. حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (جلد چهارم، چاپ دوم)، ایران، قم: اسماعیلیان.
10. Helli, Mohaghegh, Najm al-Din, Jafar bin Hassan (1408 AH). *Islamic Laws in Halal and Haram Issues* (Vol. 4, Ch. 2), Qom: Ismailian. (In Persian).
۱۱. خوانساری، سیداحمد بن یوسف (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع* (جلد هفتم، چاپ دوم). قم: اسماعیلیان.
12. Khawansari, Seyyed Ahmad bin Youssef (1405 AH). *Jame al-Madarak fi*

- Sharh Khazrat al-Nafi (Vol7, Ch2), Qom: Ismailian. (In Persian).
۱۳. رزمی، محمدجواد؛ اشرفزاده، شکوفه‌سادات؛ لطفعلی‌پور، محمدرضا؛ و فیضی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی نرخ وصول در قراردادهای مشارکتی و بازدهی ثابت. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۳(۱۱)، ۲۰-۱.
14. Razmi, S., Ashrafzadeh, S., Lotfalipour, M., Feizi, M. (2017). Investigation of Profit-Loss Sharing and Fixed-Return Contracts Recovery Rate Using Game Theory Approach. *Applied Theories of Economics*, 3(11), 1-20. (In Persian).
۱۵. رضایی صدرآبادی، محسن (۱۳۹۹). *تبیین اقتصادی ماهیت پول‌های مجازی و تحلیل آن از نظر اقتصاد اسلامی* (رساله دکتری). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
16. Rezaei Sadrabadi, M., (2019). *Economic Explanation of the Nature of Virtual Money and its Analysis from the Point of View of Islamic Economics* (Ph.D). Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian).
۱۷. سبحانی، حسن؛ و ملکی، منصور (۱۳۹۳). محدودیت‌های بانکداری مشارکتی و لزوم تفکیک نهادی کارکرد تأمین مالی در جهت اصلاح نظام بانکداری اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۵(۲۰)، ۲۵-۵.
18. Sobhani, H., & Maleki, M. (2014). The Limitations of Cooperative Banking and the Necessity of Institutional Separation of the Financing Function in Order to Reform the Islamic Banking System. *Ma'rifat-e Eghtesadi-e Islami*, 2(20), 5-25 (In Persian).
۱۹. سبزواری، محقق، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق). *کفایه الأحکام* (چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
20. Sabzevari, Mohaghegh, Muhammad Baqir bin Muhammad Momin (1423 AH). *Kfayat al-Ahkam* (Ch. 1). Iran, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with the Qom Theological Seminary Society. (In Persian).
۲۱. شاکری شمسی، محمدجمال؛ توکلی، محمدجواد (۱۳۹۷). تحلیل ماهیت عقود مشارکتی. *معرفت*، ۲۷(۲۵۳)، ۵۱-۶۰.
22. Shakeri Shamsi, M., Tavakoli, M. (2017). Analysis of the Nature of Partnership Contracts. *Ma'rifat*. 27(253), 51-60. (In Persian).
۲۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)* (سید محمد کلاتر شارح) (چاپ اول). ایران، قم: کتابفروشی داورى.
24. Shahid Sani, Zain al-Din bin Ali (1410 AH), al-Rawda al-Bahiyyah fi Sharh al-Lamaa al-Damashqiya (al-Mahshi-Kalantar), commentator: Seyyed Muhammad Kalantar (Ch 1). Iran, Qom: Davari Bookshop. (In Persian).

۲۵. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۴). انتخاب کارآمد ابزارهای مالی اسلامی و اطلاعات نامتقارن (رساله دکتری). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
26. Sadr, S.K. (2014). Efficient Selection of Islamic Financial Instruments and Asymmetric Information. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (In Persian).
۲۷. طالبی، محمد، و کیایی، حسن (۱۳۹۱). ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*. ۲(۱)، ۳۷-۵۵. DOI: 10.30497/ifr.2012.1522
28. Talebi, M., & Kiaee H. (2013). Root Cause Analysis of Challenges of Musharakah Contracts in the Banking System of Islamic Republic of Iran. *Islamic Financial Research*, 1(2), 37-55. DOI: 10.30497/ifr.2012.1522 (In Persian).
۲۹. طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه* (سیدمحمدتقی کشفی: شارح) (چاپ دوم). ایران، تهران: المکتبه‌المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
30. Tousi, Abu Jaafar, Muhammad bin Hassan (1387 AH). *Al-Mabusut fi Fiqh al-Imamiya* (Seyyed Mohammad Taqi Kashfi, Shareh). (Ch. 2). Iran, Tehran: Al-Mortazawiyya Library for the Revival of Al-Jaafriya Antiquities. (In Persian).
۳۱. عسگری، قاسم؛ و صمصامی، حسین (۱۴۰۰). الگوی مطلوب اجرای عقود مشارکتی در نظام مالی اسلامی. *جستارهای اقتصادی ایران*. ۱۸(۳۵)، ۲۲۵-۲۴۷.
32. Askari, G., & Samsami, H. (2021). The Optimal Model for the Implementation of Partnership Contracts in the Islamic Financial System. *Iran's Economic Essays (JIEE)*, 18(35), 225-247. (In Persian).
۳۳. عقیلی کرمانی، پرویز (۱۳۸۱). مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه بانکداری بدون ربا. سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، مؤسسه عالی آموزش بانکداری، تهران، ایران.
34. Aghili Kermani, P. (2002). *Risk Management in Traditional Banking Compared to Interest-Free Banking*. The 13th Islamic Banking Conference, Higher Institute of Banking Education, Tehran, Iran. (In Persian).
۳۵. عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۸(۲۹)، ۹۳-۳۵.
36. Eyvazlou, H. (2008). Principles and Foundations of Monetary System in Islamic Economy. *Islamic Economy*, 8(29), 35-62. (In Persian).
۳۷. فیض مشکینی، علی (۱۳۸۱). *مصطلحات الفقه* (چاپ سوم). ایران، قم: الهادی.
38. Faiz Meshkini, A., (2008). *Termes de Jurisprudence* (Ch3). Iran, Qom : Al-Hadi.

۳۹. قلیچ، وهاب (۱۳۹۰). طرح ساماندهی بانکها براساس عقود اسلامی. *تازه‌های اقتصاد*، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی ۱۳۹۰.
40. Qelich, W. (2011). Bank Organization Plan Based on Islamic Contracts. *New Economic*. (In Persian).
۴۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد چهارم، چاپ پنجم). ایران، تهران: شرکت سهامی.
42. Katouzian, N. (2008). *Civil Rights: General Rules of Contracts* (Vol, Fifth edition). Iran, Tehran: Sahami Company. (In Persian).
۴۳. محقق‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳). *الگوی بانکداری اسلامی*. ایران، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشرالمصطفی.
44. Mohagheghnia, M. J., (2013). *Islamic Banking Model*. Iran, Qom: International Center for Translation and Publishing Al-Mustafa. (In Persian).
۴۵. محمودی گلپایگانی، سیدمحمد (۱۳۸۱). *مبانی فقهی نظام مشارکت در بانکداری بدون ربا*. ایران، تهران: دانشگاه تهران.
46. Mahmoudi Golpayegani, S. A., (2002). *Legal Foundations of the Participation System in Interest-Free Banking*. Iran, Tehran: University of Tehran. (In Persian).
۴۷. موسویان، سیدعباس (۱۳۷۹). *بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل*. ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
48. Mousaviyan, S.A., (2000). *Banking without Usury from Theory to Practice*. Tehran: Place of Publication. (In Persian).
۴۹. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱). آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره. *اقتصاد اسلامی*، ۲(۵)، ۵۹-۸۶.
50. Mousaviyan, S.A., (2002). The Economic Effects of Replacing the Participation System Instead of the Interest System. *Islamic Economics*, 2(5), 59-86. (In Persian).
۵۱. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴). ارزیابی قراردادها و شیوه‌های اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا. *اقتصاد اسلامی*، ۵(۱۹)، ۴۵-۶۹.
52. Mousaviyan, S.A., (2005). Evaluation of Contracts and Methods of Granting Facilities in Interest-free Banking; *Islamic Economy*, 5(19), 45-70. (In Persian).
۵۳. موسویان، سید عباس (۱۳۹۱). *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

54. Mousaviyan, S.A., (2011). *Jurisprudential Foundations of Money and Capital Markets*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۵۵. هدایتی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۱). *عملیات بانکی داخلی*. مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.
56. Hedayati, A. (2002). *Domestic Banking Operations*. Higher Institute of Banking of Iran, Central Bank of the Islamic Republic of Iran, Tehran, Iran. (In Persian).
۵۷. یعقوبی، محمد؛ فخریمی اکمل، متین؛ و صادقی شاهدانی، مهدی (۱۴۰۱). سیستم مالی غیرمتمرکز (دیفای) با تأکید بر IDOها و کاربرد آن برای کسب‌وکارهای نوپا و کوچک مقیاس. مدیریت کسب‌وکار، ۱۴(۵۴)، ۲۴۵-۲۶۵.
58. Bashir, I. (2020). *Mastering Blockchain: A Deep Dive Into Distributed Ledgers, Consensus Protocols, Smart Contracts, DApps, Cryptocurrencies, Ethereum, and more*. Packt Publishing Ltd.
59. Chapra, M. U. (1985). *Towards a Just Monetary System* (Vol. 8). International Institute of Islamic Thought (IIIT).
60. Chen, Y., & Bellavitis, C. (2020). Blockchain Disruption and Decentralized Finance: The Rise of Decentralized Business Models. *Journal of Business Venturing Insights*, 13, e00151.
61. Clack, C. D., Bakshi, V. A., & Braine, L. (2016). Smart Contract Templates: Essential Requirements and Design Options. *ArXiv Preprint ArXiv:1612.04496*.
62. Deshmukh, S., Warren, S., & Warbach, K. (2021). Decentralized Finance (DeFi) Policy-Maker Toolkit. In *World Economic Forum* (Vol. 8, No. 6, p. 2021).
63. Gogel, D. (2021). DeFi Beyond the Hype: The Emerging World of Decentralized Finance. In *Collab. with Wharton Blockchain and Digital Asset Project and World Economic Forum*. Wharton. url: <https://wifpr.wharton.upenn.edu/wp-content/uploads/2021/05/DeFi-Beyond-the-Hype.pdf>.
64. Josey, C. W., & England, K. (2009). Utilizing a Project Profile Matrix to Determine Project Management Requirements. In *Proceedings of the PMI® Global Congress, Orlando, FL, USA*. 10-13.
65. Kazdin, A. E. (1982). The Token Economy: A Decade Later. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 15(3), 431-445.
66. Kolomiets, A. (2021). All You Need to Know About Initial DEX Offering (IDO) Development. <https://ideasoft.io/blog/all-you-need-to-know-about-initial-dex-offering-ido-development/>.
67. Lipusch, N. (2018). Initial Coin Offerings—a Paradigm Shift in Funding Disruptive Innovation. Available at SSRN 3148181.

68. Liu, B., Szalachowski, P., & Zhou, J. (2021). A First Look Into Defi Oracles. In *2021 IEEE International Conference on Decentralized Applications and Infrastructures (DAPPS)* 39-48.
69. Sarker, A. A. (2004). Concept and Ideology, Issues and Problems of Islamic Banking.
70. Siddiqi, M. N. (1983). *Issues in Islamic Banking*. Islamec Foundation.
71. Trend, T. B. (2021). *Decentralized Finance (DeFi) A new Fintech Revolution ? The Blockchain Trend explained*.
72. Werner, S., Perez, D., Gudgeon, L., Klages-Mundt, A., Harz, D., & Knottenbelt, W. (2022). Sok: Decentralized Finance (Defi). In *Proceedings of the 4th ACM Conference on Advances in Fin*
73. Yacoubi, M ; Fakhimi Akmal, M; & Sadeghi Shahdani, M., (2022). Système Financier Décentralisé (DeFi) Avec un Accent Sur les IDO et Son Application Aux Startups et Aux Petites Entreprises. *Gestion D'entreprise*, 14(54), 245-265. (In Persian).
74. Zetzsche, D. A., Arner, D. W., & Buckley, R. P. (2020). Decentralized Finance (Defi). *Journal of Financial Regulation*, 6, 172-203. <https://doi.org/10.1093/jfr/fjaa010>.
75. Yun, D., (2019). ICO, STO, IEO, and IDO: What is the Difference? <https://coinmod.com/ico-sto-ieo-and-ido-what-is-the-difference/>



Socially Responsible Investment Sukuk: A Systematic Review of the Scientific Literature

Reza Yarmohammadi*
Mohammad Tahidi***

Ali Salehabadi**
Adel Azar****



10.30497/ifr.2023.243025.1709

20.1001.1.22518290.1402.12.2.3.4



Abstract

One of the recent developments in the Islamic securities market is the issuance of Socially Responsible Investment Sukuk (SRI), which focuses on environmental, social and governance (ESG) issues. Despite the dramatic growth of these papers over the past few years, only a handful of studies have addressed this issue. Therefore, the purpose of this study is to systematically review the literature on Islamic securities investment with social responsibility in order to provide comprehensive guidance for future research. A total of 383 articles from the Science and Scopus Network database were selected for analysis of bibliographic studies during the years 2000 to May 2021. The present study shows that the literature of SRI Sukuk is mainly in 10 areas: (1)definition of SRI Sukuk, (2)competitiveness, (3)types, (4)nature of risk and return, (5)terms and characteristics of plans and projects Eligible, (6)Defines strategies for selecting eligible projects, (7)Measures and indicators of effectiveness, (8)Potential actors, (9)Motivational policies and (10)Monitoring and reporting methods. However, there are very few studies on the criteria and indicators of effectiveness and the conditions and characteristics of eligible designs and projects of this type of sukuk. Research also shows that the United States, the United Kingdom, China, Germany, Australia, and Italy have done the most research on socially responsible investment sukuk.

Keywords

Socially Responsible Investment Sukuk, Risk Sharing, Financing, Islamic Finance, Systematic Review of Literature.

JEL Classification: D81, E44, G23, G51.

* PhD Student, Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

yarmohammadi@isu.ac.ir

0000-0001-8842-4489

** Assistant Professor, Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

ali.salehabadi@isu.ac.ir

0000-0003-1839-774X

*** Associate Professor, Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

tohidi@isu.ac.ir

0000-0002-1289-1256

**** Professor, Management, Department of Industrial Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

azara@modares.ac.ir

0000-0003-2123-7579

اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی: مروری نظام‌مند بر ادبیات علمی

رضا یارمحمدی*

محمد توحیدی***

علی صالح‌آبادی**

عادل آذر****

چکیده

یکی از پیشرفت‌های اخیر بازار اوراق بهادار اسلامی، انتشار «اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی» است که بر مسائل «زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی» تمرکز دارد. علی‌رغم رشد چشم‌گیر این اوراق در چند سال گذشته، تنها تعداد معدودی از مطالعات به این مسأله پرداخته‌اند. از این رو، هدف این مطالعه بررسی سامانمند ادبیات اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی به منظور ارائه راهنمایی جامع برای تحقیقات آینده است. در مجموع، تعداد ۳۸۳ مقاله از پایگاه شبکه علم و اسکوپوس برای تجزیه و تحلیل مطالعات کتاب‌شناسی در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا می ۲۰۲۱ انتخاب شد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ادبیات «اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی» عمدتاً در ۱۰ حوزه: (۱) تعریف «اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی»، (۲) رقابت‌پذیری، (۳) انواع، (۴) ماهیت ریسک و بازدهی، (۵) شرایط و ویژگی‌های طرح‌ها و طرح‌های واجد شرایط، (۶) راهبردهای موردنظر در انتخاب طرح‌های واجد شرایط، (۷) معیارها و شاخص‌های اثربخشی، (۸) بازیگران بالقوه، (۹) سیاست‌های انگیزشی و (۱۰) شیوه نظارت و گزارش‌دهی تعریف می‌شود. با وجود این، مطالعات در زمینه معیارها و شاخص‌های اثربخشی و شرایط و ویژگی‌های طرح‌های واجد شرایط این نوع اوراق بسیار اندک است. پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند که کشورهای ایالات متحده آمریکا، انگلستان، چین، آلمان، استرالیا و ایتالیا بیشترین مطالعات را در زمینه اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی به عمل آورده‌اند.

واژگان کلیدی: اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی؛ تسهیم ریسک؛ تأمین مالی؛ مالی اسلامی؛ مرور نظام‌مند.

* دانش‌آموخته دکتری، مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
yarmohammadi@isu.ac.ir

** استادیار، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
ali.salehabadi@isu.ac.ir

*** دانشیار، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
tohidi@isu.ac.ir

**** استاد، مدیریت، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
azara@modares.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه و بیان مسأله

رسیدن به جایگاه اول اقتصادی در سطح منطقه، آرمان اقتصادی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران است. دستیابی به این آرمان، مستلزم رشد و توسعه اقتصادی است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی، ارائه روش‌های متنوع تأمین مالی در بازارهای مالی کشور است.

پس از اجرای موفق ایده بانکداری بدون‌ریا در بسیاری از کشورهای اسلامی و بروز نوآوری‌های گوناگون در زمینه طراحی ابزارهای مالی، اندیشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی از طریق فرآیند تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها^۱ افتادند و برای این منظور مطالعات گسترده‌ای در حوزه عقود شرعی و قابلیت آن‌ها برای ابزارسازی صورت گرفت. آن‌ها توانستند با رعایت ضوابط و مقررات شرعی متناسب با نیازهای جوامع اسلامی، انواع گوناگونی از ابزارهای مالی به نام اوراق را طراحی کنند. در سال‌های اخیر این ابزارها رشد چشم‌گیری داشته و بارها توسط شرکت‌ها و دولت‌ها طراحی و منتشر شده است. کشورهای اسلامی و حتی برخی کشورهای غیرمسلمان نیز در چند سال اخیر اقبال خوبی نسبت به طراحی و انتشار اوراق بهادار اسلامی نشان داده‌اند و حجم انتشار اوراق بهادار اسلامی در دنیا افزایش یافته است.

یکی از پیشرفت‌های اخیر بازار اوراق بهادار اسلامی، انتشار اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی^۲ است که بر مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۳ تمرکز دارد. منظور از سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی، ادغام ارزش‌های شخصی و دغدغه‌های اجتماعی با تصمیمات سرمایه‌گذاری است. به عبارتی، اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی، هم نیازهای مالی سرمایه‌گذار و هم تأثیر سرمایه‌گذاری بر جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. علاوه‌براین، کارایی اوراق در حوزه سرمایه‌گذاری‌های پایدار و مسئولانه، به تقویت معاملات آن نزد طیف وسیعی از سرمایه‌گذاران، علی‌الخصوص سرمایه‌گذاران خرد منجر می‌شود و چشم‌انداز این ابزار را برای دستیابی به اهداف والای شریعت روشن می‌نماید.

-
1. Securitization
 2. Socially Responsible Investment Sukuk
 3. Environmental, Social and Government

اصطلاح سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی با تعابیر دیگری همچون؛ «سرمایه‌گذاری تأثیرگذار»، «سرمایه‌گذاری اخلاقی»، «سرمایه‌گذاری سبز» و «سرمایه‌گذاری پایدار و مسئولیت‌پذیر» نیز شناخته می‌شود.

عوااید حاصل از انتشار اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی در طرح‌هایی که گذشته از سودآور بودن، فاکتورهای نظیر دوستی و سازگاری با محیط‌زیست یا منافع اجتماعی و انسانی نیز در آنها لحاظ می‌گردد، سرمایه‌گذاری می‌کند. به عبارتی، اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی می‌تواند باعث ایجاد هم‌گرایی و هم‌پوشانی در دو حوزه سرمایه‌گذاری منطبق با موازین شرعی و سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی شود (Losse & Geissdoerfer, 2021, pp. 1-3).

براساس گزارش ارائه‌شده توسط اتحادیه سرمایه‌گذاری پایدار جهانی^۴، بازار سرمایه‌گذاری‌های پایدار و مسئولانه در جهان همواره در حال رشد بوده به‌گونه‌ای که سهم دارایی‌های سرمایه‌گذاری پایدار در اروپا، آمریکا، ژاپن، کانادا و استرالیا در ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی، معادل ۳۵.۳ تریلیون دلار بوده که افزایشی ۵۵ درصدی را طی ۴ سال گذشته (۲۰۱۶-۲۰۲۰) به نمایش می‌گذارد. همچنین، بازار اوراق سبز به‌واسطه بانک‌های تجاری و شرکت‌ها در سال ۲۰۱۴، رشد سرسام‌آوری را تجربه کرد به‌نحوی که در سال ۲۰۱۷، حجم آن دو برابر شد (Tang & Zhang, 2020, p. 5). همان‌طور که مشاهده می‌شود، آمارها حکایت از تمایل سرمایه‌گذاران و بانیان مختلف نسبت به انتشار اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی دارد.

علی‌رغم رشد چشم‌گیر این اوراق در چند سال گذشته، تنها تعداد معدودی از مطالعات به این مسأله پرداخته‌اند. برای مثال، وانگ و دیگران در سال ۲۰۲۱ میلادی، ادبیات علمی سرمایه‌گذاری‌های سبز را به‌صورت جامع و نظام‌مند مرور کرده‌اند، اما در این مقاله، تنها ادبیات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های سبز به‌عنوان یکی از انواع سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی بررسی شده و به سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی به‌صورت کامل پرداخته نشده است (Wang et al., 2021, pp. 3-9).

جکسون^۵ در سال ۲۰۱۳ میلادی، سؤالات، چالش‌ها، نوآوری‌ها و امکان ارزیابی نتایج حاصل از اوراق تأثیرگذار اجتماعی را مورد بررسی قرار داد. در این مقاله، اطلاعات مربوط به سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار گرفته است و تمرکز جغرافیایی این مطالعه عمدتاً اقتصادهای پیشرفته را شامل می‌شود (Jackson, 2013, pp. 611-615).

لوسی و گیسدورفر^۶ نیز در سال ۲۰۲۱ میلادی، ادبیات علمی سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی را به صورت جامع و نظام‌مند مرور کرده‌اند، اما در این مقاله نیز تنها ۳ کلیدواژه در رابطه با سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی در جستجوی ادبیات به کار رفته و سایر موضوعات مربوط به این حوزه مغفول واقع شده است (Losse & Geissdoerfer, 2021, pp. 1-3).

پژوهش حاضر، با بررسی پیشینه ادبیات علمی و خلأهای موجود، فرصتی برای مطالعات کاربردی پژوهشگران و دلالت‌های اجرایی برای متصدیان حاصل می‌کند. بر این اساس، سؤالات پژوهش بدین قرار است:

۱. تعریف اوراق بهادار اسلامی SRI چگونه است؟
۲. مزیت رقابتی اوراق بهادار اسلامی SRI نسبت به سایر اوراق چگونه است؟
۳. انواع اوراق بهادار اسلامی SRI کدام است؟
۴. ماهیت ریسک و بازدهی اوراق بهادار اسلامی SRI چگونه است؟
۵. شرایط و ویژگی‌های طرح‌های واجد شرایط اوراق بهادار اسلامی SRI چگونه باید باشد؟
۶. راهبردهای موردنظر در انتخاب طرح‌های واجد شرایط اوراق بهادار اسلامی SRI چیست؟
۷. معیارها و شاخص‌های اثربخشی اوراق بهادار اسلامی SRI کدام است؟
۸. بازیگران بالقوه اوراق بهادار اسلامی SRI چه افراد، شرکت‌ها و نهادهایی هستند؟
۹. سیاست‌های انگیزشی موردنیاز برای توسعه بازار اوراق بهادار اسلامی SRI چیست؟
۱۰. ارزیابی و گزارش‌دهی در فرآیند انتشار اوراق بهادار اسلامی SRI چگونه است؟

5. Jackson

6. Losse & Geissdoerfer

ساختار مقاله بدین شکل است که در بخش دوم، پیشینه مطالعات سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی بیان شده است. در بخش بعد، روش مرور نظام‌مند و فرآیند اجرای آن توصیف شده است. در بخش چهارم، نتایج مرور، منطبق با سؤال‌های پژوهش به ترتیب و تفصیل شرح داده شده و خلأ نظری ادبیات علمی در ذیل هرکدام از سؤال‌های پژوهش تبیین شده است. در بخش پایانی نیز، جمع‌بندی مقاله آمده است.

۱. پیشینه مطالعات سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی

ریشه تاریخی سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی به صدها سال قبل بازمی‌گردد. در آن زمان، سرمایه‌گذاران مذهبی از سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که فعالیت آن‌ها مرتبط با فروش محصولات الکل، دخانیات و بازی‌های غیرمجاز بود اجتناب می‌کردند.

برامکی یزدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه سرمایه اجتماعی در اقتصاد اسلامی و تأثیرات آن بر توسعه»، عنوان می‌کند دین اسلام به‌عنوان یک دین جامع باید به‌تمامی جوانب زندگی انسان توجه داشته و برای تمامی شئون آن برنامه داشته باشد. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی بشری، معیشت است. دانشمندان مسلمان، از دستورات و مکتب اقتصادی اسلام با عنوان اقتصاد اسلامی نام می‌برند. همان‌گونه که در اسلام به جوانب اجتماعی زندگی انسان‌ها توجه خاصی شده است، اقتصاد اسلامی نیز باید به نظام‌های اجتماعی توجه داشته باشد. در این مقاله، ابتدا لزوم وجود مکتب اقتصادی برای اسلام صحبت می‌شود، پس از آنکه ضرورت وجود مکتب اقتصادی اسلام مورد تأیید واقع شد، به وجود سرمایه اجتماعی و اهمیت جایگاه آن در اقتصاد اسلامی پرداخته می‌شود. در ادامه به تأثیرات سرمایه اجتماعی در توسعه نیز اشاره می‌شود. در پایان نیز بیان شده که در واقع سرمایه اجتماعی حلقه واسطه میان اقتصاد اسلامی و توسعه است یا به‌عبارت‌دیگر سرمایه اجتماعی ابزار توسعه در اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌آید.

عاقلی و صادقی (۱۳۸۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «روند تخریب زیست‌محیطی در ایران، کاربرد منطق فازی»، پس از پرداختن به مفهوم تخریب محیط‌زیست با ارائه شاخص‌هایی برای دو سری از منابع (تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر) و سپس ترکیب این شاخص‌ها با انتساب سطوح همراهی فازی (توابع چند ارزشی) و الگوریتم فازی به‌صورت عدد و رقم، وضعیت کلی تخریب زیست‌محیطی را نشان می‌دهند.

ریشه‌های جنبش سرمایه‌گذاری اجتماعی مدرن را می‌توان در دهه ۱۹۶۰ میلادی جستجو کرد. یعنی زمانی که عوامل قدرتمند اجتماعی از جمله عوامل زیست‌محیطی و فعالیت‌های ضد جنگ، در نگرش جامعه به ایمان، ارزش‌ها و روابط فی‌مابین، تحول اساسی ایجاد نمود. در آن دوران، موضوعات گوناگون همچون نگرانی در مورد بروز جنگ سرد و نابرابری زنان مورد توجه قرار گرفت. بعدها کلیسای متدیسم^۷ نیز از سرمایه‌گذاری در تسلیحات نظامی، الکل، قمار و دخانیات ممانعت به عمل آورد. این نگرانی‌ها در دهه ۱۹۸۰ به‌طور چشم‌گیری افزایش یافت، تا آنجا که تظاهرات گسترده‌ای برای مقابله با تبعیض نژادی شکل گرفت (Trelstad, 2016, p. 5).

بعدها وزارت دارایی در سال ۲۰۰۲ میلادی، گروهی تشکیل داد که وظیفه آن تصویب قوانین و مقررات در راستای سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی بود. این گزارش با عنوان (گزارش گراور^۸) در جولای ۲۰۰۳ ارائه شد و مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی پذیرفته شده بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر، حاکمیت شرکتی و حفاظت از محیط‌زیست را براساس اصول سازمان ملل متحد و اصول OECD شناسایی می‌کرد (Wirth, 2018, p. 9).

پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی، اعتماد عمومی به صنعت مالی به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و یکی از استراتژی‌هایی که سرمایه‌گذاران اتخاذ کردند، سرمایه‌گذاری در طرح‌های با مسئولیت اجتماعی بود.

اصطلاح سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲ میلادی، به «سرمایه‌گذاری‌های ترکیبی»^۹ یا «سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی از طریق شرکت‌های اجتماعی» یا «سرمایه‌گذاری‌های بشردوستانه خطرپذیر»^{۱۰} اشاره داشت. به عبارت دیگر، تعاریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی بین سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۲، معمولاً کلی و گسترده بوده و عمدتاً بر تمایز آن با مؤسسات خیریه و سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز تأکید می‌نمود.

تعریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی از سال ۲۰۱۶ میلادی با پیچیدگی‌هایی همراه شد. نویسندگان، این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را با ترکیب مؤلفه‌های ذی‌نفعان، سود و

7. Methodist Church

8. Graver Report

9. Blended Value Investing

10. Venture Philanthropy

انگیزه‌های اجتماعی تعریف می‌نمایند. برای مثال، کوین و مونیر^{۱۱} (۲۰۱۷م) بر نقش فعال سرمایه‌گذاران تأثیرگذار در حین مدیریت سرمایه‌گذاری‌هایشان اشاره می‌کنند. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تعاریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی در ابتدا بسیار گسترده بوده، اما در سال‌های اخیر مشخص‌تر و قابل‌سنجش‌تر شده است (Agrawal & Hockerts, 2021, pp. 164-175).

۲. روش پژوهش

به‌منظور بررسی مطالب علمی منتشرشده در زمینه اوراق بهادر اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی، از روش «مرور نظام‌مند بر ادبیات» استفاده شده که منابع پیشین را به‌دقت جمع‌آوری می‌کند و پیشنهادهایی را برای پژوهش‌های آینده طرح می‌کند. این روش، به‌صورت کاملاً شفاف و منظم و با ارائه نتایج منسجم و جامع، شناخت نسبت به یک پدیده را در متون علمی افزایش می‌دهد و اقدامات اجرایی در دنیای واقعی را جهت‌دهی می‌کند (Strauss et al, 1998)

برای انجام این روش، دستورالعملی نوشته می‌شود، بر آن اساس، دستور جستجو تعریف‌شده و جستجوی مقاله‌ها آغاز می‌شود. برای آنکه فرآیند نگارش مقاله‌ها مرور نظام‌مند، به‌صورت صحیح پیش رود، از بازبینی پریزما که شامل ۱۷ بخش است، استفاده می‌شود تا موارد ترجیحی در گزارش مقاله‌های مروری مورد استفاده قرار گیرد (Shamseer et al, 2015, pp. 320-334; Moher et al, 2015, p. 1)

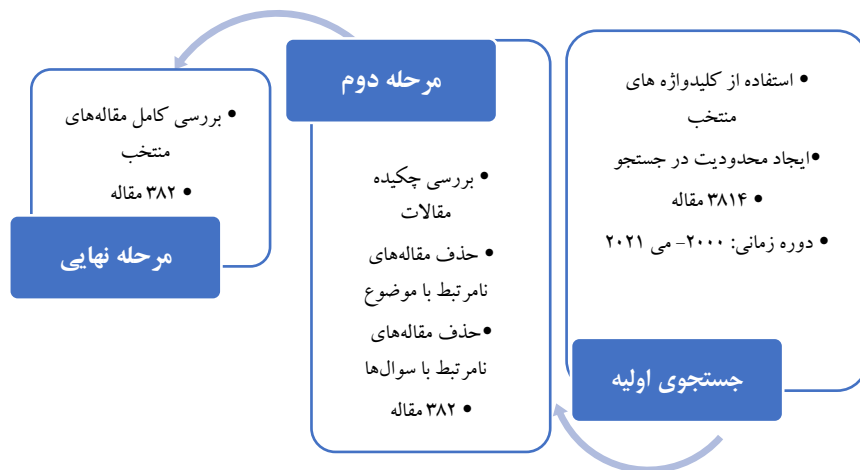
در پژوهش حاضر برای جستجوی مقاله‌ها، از هر دو پایگاه اصلی نمایه مقاله‌های علمی، یعنی شبکه علم^{۱۲} و اسکوپوس^{۱۳} استفاده شده است. همچنین، مقاله‌های علمی و مروری منتشر شده به زبان انگلیسی از سال ۲۰۰۰ تا می ۲۰۲۱ بدون محدودیت جغرافیایی و با استفاده از کلیدواژه‌ها/ اصطلاحات ۱- اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی به همراه شیوه‌های گوناگون نگارش این کلمه مانند؛ اوراق سرمایه‌گذاری پایدار و مسئولیت‌پذیر، اوراق اجتماعی، اوراق تأثیرگذار اجتماعی؛ ۲) کلیدواژه‌های مرتبط با اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی که از این لفظ استفاده نکرده اما دربرگیرنده همان مفهوم است، همچون: اوراق سبز، اوراق قرضه سبز، اوراق قرضه با مسئولیت اجتماعی،

11. Quinn & Munir

12. Web of science

13. Scopus

اوراق قرضه اجتماعی، اوراق قرضه تأثیرگذار اجتماعی، اوراق قرضه مهاجرتی، اوراق وقف، اوراق قرض الحسنه، اوراق قرضه اسلامی SRI، اوراق قرضه اسلامی با مسئولیت اجتماعی، اوراق قرضه اسلامی پایدار و مسئولیت پذیر، اوراق قرضه اسلامی تأثیرگذار اجتماعی و اوراق قرضه اسلامی اجتماعی؛ (۳) کلیدواژه‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی مانند؛ سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار، سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی، سرمایه‌گذاری‌های سبز، سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی اسلامی و سرمایه‌گذاری‌های پایدار و مسئولیت‌پذیر اسلامی در عنوان، چکیده و واژگان کلیدی مورد بررسی قرار گرفت و در مجموع ۳۸۱۴ مقاله پدید آمد. در مرحله دوم، چکیده مقاله‌ها توسط نویسنده مورد بررسی قرار گرفت و تعداد ۳۴۳۲ مقاله به دلایلی همچون؛ عدم ارتباط با عنوان مقاله یا نامرتب بودن با سؤال‌های پژوهش از فهرست مقاله‌ها حذف شدند و در نهایت تعداد ۳۸۲ مقاله باقیمانده برای مطالعات کتاب‌شناسی به صورت کامل مورد بررسی قرار گرفت. شیوه جستجوی ادبیات علمی در شکل (۱)، نمایش داده شده است.

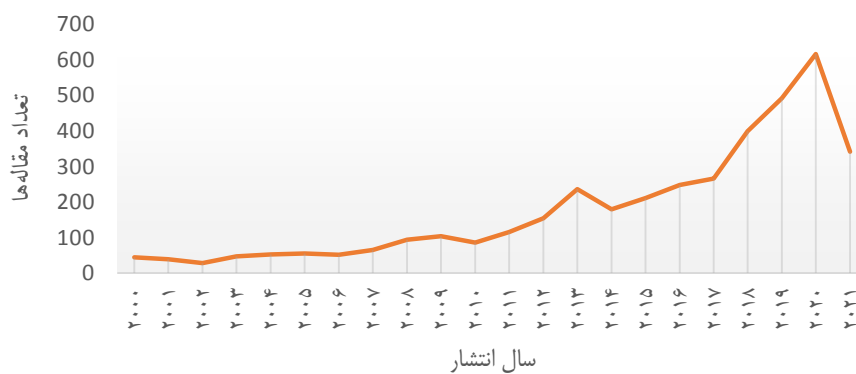


شکل (۱): شیوه جستجوی ادبیات علمی

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. تحلیل توصیفی مقاله‌ها

در نمودار (۱)، تعداد مقاله‌های منتخب این مطالعه براساس سال انتشار و در جدول (۱)، پراکندگی مقاله‌ها براساس نشریه همراه شاخص H نمایش داده شده است.



نمودار (۱): توصیف مقاله‌ها براساس سال انتشار

همان‌طور که از نمودار (۱) مشخص است، روند انتشار مقاله‌ها در چند سال اخیر به شدت رشد یافته و این اتفاق، نوپا بودن موضوع پژوهش را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، این تعداد مقاله منتشرشده در این مدت کوتاه، نشان‌دهنده اهمیت موضوع برای جامعه علمی است.

جدول (۱): توزیع آماری نشریات پراستناد همراه با شاخص H

نویسنده(گان)	سال	نشریه	DOI	تعداد استناد	h-index
Renneboog, L., Ter Horst, J., Zhang, C.	2008	Banking and Finance	10.1016/j.jbankfin.2007.12.039	658	161

h-index	تعداد استناد	DOI	نشریه	سال	نویسنده (گان)
299	620	6261.2008.01391.x	Finance	2008	Chava, S., Roberts, M.R.
161	504	10.1016/j.jbankfin.2004.06.035	Banking and Finance	2005	Bauer, R., Koedijk, K., Otten, R.
99	479	10.1108/09513570410567791	Accounting, Auditing & Accountability	2004	Adams, C.A.
121	367	10.2307/2676219	Financial and Quantitative Analysis	2001	Heinkel, R., Kraus, A., Zechner, J.
187	343	10.1023/B:BUSI.0000033106.43260.99	Business Ethics	2004	Sparkes, R., Cowton, C.J.
161	283	10.1016/j.jbankfin.2013.04.023	Banking and Finance	2003	Wu, M.-W., Shen, C.-H.
199	256	10.1016/j.biocon.2012.07.014	Biological Conservation	2003	Barua, M., Bhagwat, S.A., Jadhav, S.
53	253	10.1007/s11948-015-9652-2	Science and Engineering Ethics	2006	Mittelstadt, B.D., Floridi, L.

h-index	تعداد استناد	DOI	نشریه	سال	نویسنده(گان)
256	294	10.1016/j.jfineco.2011.07.001	Financial Economics	2001	Kumar, A., Page, J.K., Spalt, O.G.

۲-۳. تحلیل محتوایی مقاله‌ها

در این قسمت، وضعیت محتوایی هریک از مقاله‌های انتخابی براساس سؤال‌های موردبحث به تفصیل بیان شده است.

- پاسخ سؤال ۱): تعریف اوراق SRI

اصطلاح سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی با تعابیر دیگری همچون: «سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار»، «سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی»، «سرمایه‌گذاری‌های سبز» و «سرمایه‌گذاری‌های پایدار و مسئولیت‌پذیر» نیز شناخته می‌شود. ریشه این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به قرن ۱۸ میلادی (۱۷۵۸ شمسی) بازمی‌گردد. یعنی زمانی که اعضای یک جامعه مذهبی به نام «کواکرها»^{۱۴} شروع به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های گزینشی با منع مشارکت در تجارت بردگان به دلیل مغایرت آن‌ها با ارزش‌های اخلاقی نمودند. متعاقباً اعضای این فرقه، دستور حذف شرکت‌هایی که فعالیت آن‌ها مغایر با موازین شرعی بود و می‌توانست به محیط‌زیست آسیب رساند را صادر نمودند. در ادامه، وسلی^{۱۵} یکی از بنیان‌گذاران متدیسم (فرقه پروتستان مسیحی) در مورد نحوه استفاده از منابع مالی تأکید می‌کند که عواید حاصل از انتشار اوراق باید در طرح‌های سرمایه‌گذاری شود که به صنایع دیگر آسیب نرساند (Kassim & Abdullah, 2017, pp. 187-192).

این نوع سرمایه‌گذاری‌ها طبق تعریف GIIN^{۱۶}، سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که باهدف ایجاد تأثیرات مثبت قابل‌اندازه‌گیری اجتماعی و زیست‌محیطی همراه با بازده مالی، انجام می‌شوند و بسته به نوع مأموریت، چشم‌انداز و عملیات خود درجات و انواع مختلفی از

14. Quakers

15. Wesley

۱۶. شبکه سرمایه‌گذاری تأثیرگذار در جهان

ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کنند. (Meyskens & Bird, 2015, pp. 158-163). در جدول (۲)، تعاریف گوناگون سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی شرح داده شده است.

جدول (۲): فهرست تعاریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی توسط محققان مختلف

مطالعه	تعریف
Rizzello et al., (2016); Rebecca & Shah (2016); Rizzi, Pellegrini, & Battaglia (2018)	ارائه مدل‌هایی از سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار با در نظر گرفتن نهادهای دولتی، سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، سرمایه‌گذاران اثربخش و نتایج تأثیر هریک.
Roundy, Holzauer, & Dai (2017)	سرمایه‌گذاران تأثیرگذار هم‌زمان به دنبال کسب بازده مالی و تأثیرات اجتماعی هستند.
Quinn & Munir (2017)	این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به دنبال حل مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی باهدف کسب بازده مالی بوده و رویکردی پیشگیرانه داشته و به دنبال سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی هستند که تأثیرات مثبت اجتماعی داشته باشند.
Glanzel & Scheuerle, (2016)	سرمایه‌گذاری‌هایی که اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی آنها قابل اندازه‌گیری بوده و بازده مالی به دنبال دارند.
Weber (2016)	تعاریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار بر دو اصل زیر استوار است: <ul style="list-style-type: none"> ▪ اصل ارزش ترکیبی: هم‌زمان می‌توان به بازده مالی و تأثیرات اجتماعی دست یافت. ▪ اصل بازده مالی پایدار: در بلندمدت بازده مالی پایداری نصیب سرمایه‌گذاران خواهد شد.
Tekula & Shah (2016)	این نوع سرمایه‌گذاری‌ها دو هدف اصلی کسب بازده و تأثیرات اجتماعی را دنبال می‌کنند.
Daggers & Nicholls (2016)	سرمایه‌گذاری تأثیرگذار اجتماعی به «سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی» و «سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار» اشاره دارد. تعریف کلی از SII بدین صورت است: سرمایه‌گذاری در سازمان‌هایی که هدفشان عمدتاً

مطالعه	تعریف
	ایجاد ارزش اجتماعی یا زیست‌محیطی بوده و در سررسید، اصل سرمایه به همراه بازده مالی به سرمایه‌گذار خواهد رسید.
Rajan, Koserwal, & Keerthana (2014)	این نوع سرمایه‌گذاران به بازده مالی و بازده اجتماعی اهمیت داده و افق زمانی طولانی‌تری را دنبال می‌کنند.
GIIN (2013)	سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار، سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که در شرکت‌ها، سازمان‌ها و صندوق‌ها باهدف ایجاد تأثیر اجتماعی و زیست‌محیطی قابل‌اندازه‌گیری در کنار بازده مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند.
Jackson (2013b)	بسیج منابع برای سرمایه‌گذاری‌هایی باهدف ایجاد تأثیر اجتماعی مثبت در کنار بازده مالی است. دو مؤلفه کلیدی این تعریف، اول، قصد سرمایه‌گذار برای دستیابی به چنین تأثیراتی است و دوم، شواهد ملموس از خود تأثیرات و نتایج آن است.
Hebb (2013)	سرمایه‌گذاری تأثیرگذار زیرمجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری مسئولانه است. سرمایه‌گذار در این نوع سرمایه‌گذاری، برای دستیابی به اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی علاوه بر بازده مالی سرمایه‌گذاری می‌کند.
Moore, Westley, & Brodhead (2012)	تأمین مالی اجتماعی چیزی بیش از جریان پول به طرح‌های اجتماعی یا زیست‌محیطی است.
Battilana et al. (2012)	مدلهایی ترکیبی از ایجاد ارزش اجتماعی و درآمد تجاری.
Rangan et al. (2011)	این نوع سرمایه‌گذاری‌ها هم منافع اجتماعی یا زیست‌محیطی ایجاد می‌کنند و هم منافع مالی.
Nicholls (2010)	سرمایه‌گذاری اجتماعی نوعی نوآوری است که بر روابط منطق سرمایه‌گذاری (تمرکز بر نتایج سرمایه‌گذاری) و عقلانیت سرمایه‌گذاران نظارت می‌کند.
Bugg-levine & Goldstein (2009)	کمک به حل مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در حین ایجاد بازده مالی.
Pepin (2005)	سرمایه‌گذاران تأثیرگذار تمایل به برقراری ارتباط با کارآفرین اجتماعی

مطالعه	تعریف
	و در نظر گرفتن منابع انسانی و مالی برای دستیابی به اهداف مدل کسب و کار می‌باشند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعریف سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار اجتماعی از سال ۲۰۱۶ میلادی با پیچیدگی‌هایی همراه شد؛ به‌گونه‌ای که نویسندگان، این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را با ترکیب مؤلفه‌های ذی‌نفعان، سود و انگیزه‌های اجتماعی تعریف می‌نمایند (Agrawal & Hockerts, 2021, pp. 153-181).

یکی از پیشرفت‌های اخیر بازار اوراق بهادار اسلامی، انتشار «اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی» است که بر مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تمرکز دارد. منظور از سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی، ادغام ارزش‌های شخصی و دغدغه‌های اجتماعی با تصمیمات سرمایه‌گذاری است.

در تعریف اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی می‌توان گفت که این اوراق، قراردادهایی بین سرمایه‌گذاران، ارائه‌دهندگان خدمات و دولت‌هاست که باهدف کاهش مشکلات اجتماعی و ارائه بازده به سرمایه‌گذاران و ایجاد منافع برای دولت‌ها منتشر می‌شود. (Afik, Katz, Levy & Yosef, 2021, pp. 272-275).

چارچوب اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی در سال ۲۰۱۴ میلادی توسط گروه اوراق بهادار مالزی باهدف ارتقای سطح دانش سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی در زمینه سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی و اخلاقی به تصویب رسید. چارچوب مذکور بیان می‌کند که عواید حاصل از انتشار اوراق SRI، به‌منظور تأمین مالی طرح‌های واجد شرایط باهدف حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی، صرفه‌جویی در مصرف انرژی، ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا بهبود کیفیت زندگی در جامعه به‌کار می‌رود (Zain & Sori, 2020, p. 2). در رابطه با سرمایه‌گذاران این نوع اوراق نیز اکثر محققان از این فرض حمایت می‌کنند که سرمایه‌گذاران اوراق SRI محدود به کسانی هستند که در حال حاضر حداقل در یک محصول SRI یا صندوق اخلاقی سرمایه‌گذاری می‌کنند. یک تعریف محدودتر نشان می‌دهد که تصمیمات سرمایه‌گذاری باید تحت تأثیر ملاحظات اجتماعی باشد. تعریف

دیگری که از سرمایه‌گذاران SRI وجود دارد شامل هر سرمایه‌گذاری است که تاکنون سرمایه‌گذاری SRI انجام داده باشد (Wins & Zwergel, 2015, p. 13). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تعریف واحدی از اوراق SRI در سطح جهانی وجود ندارد و محققان تعاریف گوناگونی از این نوع اوراق ارائه نموده‌اند که وجه مشترک آن‌ها مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است.

- پاسخ سؤال ۲): مزیت رقابتی اوراق SRI

پژوهش‌ها در این زمینه به دودسته تقسیم می‌شوند: دسته اول، مطالعاتی است که مزیت اوراق SRI را از دید ناشران، سرمایه‌گذاران و سیاست‌گذاران ارزیابی می‌کنند و دسته دوم، مطالعاتی است که مزیت این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را نسبت به سایر ابزارهای مالی از جمله اوراق قرضه متعارف، صندوق‌های خطرپذیر و... موردبررسی قرار می‌دهند. در رابطه با مطالعات دسته اول می‌توان گفت که پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده که به ترتیب مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

مزیت آن برای ناشران بدین صورت است که سررسید این اوراق با سررسیدهای بلندمدت طرح هم‌خوانی داشته و هزینه‌های مالی بدهی را کاهش می‌دهد. همچنین، اوراق مذکور به عملکرد مالی شرکت و بهبود محیط‌زیست نیز کمک می‌کند. مزیت آن برای سرمایه‌گذاران نیز بدین صورت است که می‌توانند از طریق اطلاعات دریافتی از ناشران، از نحوه مدیریت منابع مالی خود مطلع شده و با سرمایه‌گذاری در مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی به جامعه کمک کنند (Deschryver & De Mariz, 2020, pp. 1-2). استفاده از این اوراق (به‌عنوان یک ابزار مالی) برای سیاست‌گذاران نیز جذاب است، زیرا دولت‌ها برای کاهش گرمایش جهانی به منابع مالی بلندمدت نیاز داشته و این ابزار به‌خوبی می‌تواند نیاز مذکور را رفع کند.

یکی از دلایل اصلی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در طرح‌های اخلاقی و اجتماعی، کسب شهرت و به دنبال آن سودآوری برای آن‌هاست. استانویک^{۱۷} (۱۹۹۸)، کینگ و لنوکس^{۱۸} (۲۰۰۱) و التویجری و دیگران^{۱۹} (۲۰۰۴) نشان می‌دهند که بهبود عملکرد زیست‌محیطی،

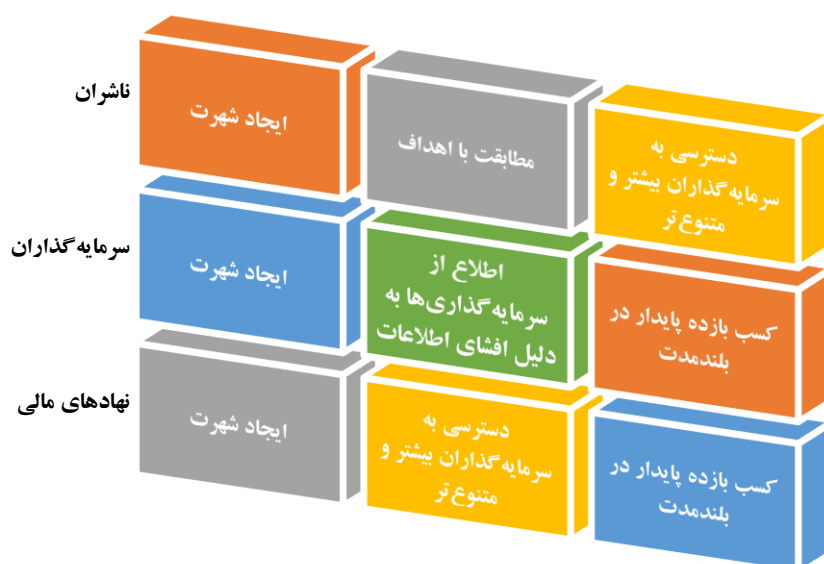
17. Stanwick

18. King & Lenox

19. Al-Tuwaijri et al

عملکرد مالی شرکت را نیز ارتقاء می‌دهد. (Nakamura, 2015, p. 5). در حقیقت، در رابطه با اوراق SRI یک سؤال اساسی این است که آیا هدف یک شرکت حداکثر کردن ارزش سهامداران است یا بالابردن ارزش اجتماعی؟ اقتصاد کلاسیک بیان می‌کند که هیچ تعارضی بین این دو هدف وجود ندارد. در بازارهای کامل و رقابتی، زمانی که شرکت‌ها سود خود را به حداکثر می‌رسانند، تخصیص بهینه منابع پارتو^{۲۰} بوده و رفاه اجتماعی نیز به حداکثر میزان خود می‌رسد. (Renneboog, Ter Horst & Zhang, 2008, pp. 1723-1730).

در شکل (۲)، مزیت‌های انتشار اوراق SRI برای ناشران، سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی نمایش داده شده است.



شکل (۲): مزیت‌های انتشار اوراق SRI برای ناشران، سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی
منبع: (Kajiita & Murote Kang'ethe, 2020, pp. 132-141).

در رابطه با مطالعات دسته دوم نیز تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که صندوق‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی به‌عنوان نوعی از سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی نسبت به

صندوق‌های متعارف در طول دوران بحران مالی و پس‌از آن، به دلیل در نظر گرفتن نقش بیمه برای سرمایه‌گذاران، عملکرد بهتری داشته‌اند. در واقع، شرکت‌های اخلاقی می‌توانند نشانه‌های مثبتی را روانه بازار کنند. زیرا آن‌ها بر پایداری و کیفیت مدیریت تمرکز می‌کنند و این امر سبب می‌شود شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی به آن‌ها تمایل نشان دهند (Jansson & Biel, 2011, pp. 135-142)

رنه‌بوگ، ترهوست و ژانگ^{۲۱} (۲۰۰۶م)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاران صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری SRI در مقایسه با سرمایه‌گذاران متعارف کمتر تحت تأثیر عملکرد مالی گذشته قرار می‌گیرند. در واقع، حامیان سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی معتقد هستند به‌کارگیری معیارهای مالی و اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری نه تنها بازده مالی به دنبال دارد بلکه به توسعه محیط اجتماعی نیز می‌انجامد.

- پاسخ سؤال ۳: انواع اوراق SRI

انواع اوراق SRI براساس ادبیات علمی به سه دسته «اوراق سبز»، «اوراق مهاجرتی (دیاسپورا)» و «اوراق وقف و اوراق تأثیرگذار اجتماعی»^{۲۲} تقسیم می‌شوند که در ادامه به معرفی هر یک پرداخته شده است. همچنین، تأمین مالی جمعی نیز به‌عنوان یکی از شیوه‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

- اوراق سبز

اوراق سبز، اوراق بهادار با درآمد ثابتی است که به‌منظور تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های کم‌کربن یا به‌طورکلی سرمایه‌گذاری‌های سازگار با محیط‌زیست به‌کار می‌رود. اگرچه OECD در ابتدا بحث سرمایه‌گذاری‌های سبز را عمدتاً بر سرمایه‌گذاری‌های کم‌کربن و مقاوم در برابر آب‌وهوا تعریف کرد. اما بعدها دامنه تعریف آن را گسترش داد و در سال ۲۰۱۶ میلادی، تعریف جامعی از اوراق سبز ارائه داد.

«اوراق سبز، ابزارهای بدهی هستند که برای تأمین مالی طرح‌های سبز که دارای مزایای زیست‌محیطی هستند، استفاده می‌شوند. این اوراق می‌توانند توسط بازیگران دولتی یا خصوصی منتشر شوند» (Tang & Zhang, 2020, p. 5).

21. Renneboog, Ter Horst & Zhang

22. Social Impact Bond

اولین اوراق سبز، «اوراق قرضه آب‌وهوایی» بود که توسط بانک سرمایه‌گذاری اروپا^{۲۳} در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر شد. در ژوئن ۲۰۱۷ نیز مالزی نخستین اوراق سبز اسلامی را برای تأمین مالی بخش آب‌وهوا در جهان منتشر کرد. همچنین، لهستان در دسامبر ۲۰۱۶ و بعدها فرانسه در ژانویه ۲۰۱۷ به انتشار چنین اوراقی مبادرت ورزیدند. بازار اوراق سبز در سال ۲۰۱۸ به رشد خود ادامه داد به طوری که در ۹ ماهه اول سال ۲۰۱۸، ۹۶۳ اوراق سبز از ۳۵ کشور جهان منتشر شد که خود مؤید رشد و توسعه این بازار است.

اصول اوراق قرضه سبز^{۲۴} و طرح اوراق قرضه آب‌وهوایی^{۲۵}، اصولی هستند که در زمینه اوراق قرضه سبز نوشته شده‌اند. اصول اوراق قرضه سبز یک دستورالعمل داوطلبانه است که در سال ۲۰۱۴ میلادی، توسط بانک‌های سرمایه‌گذاری از جمله بانک آمریکایی مری لینچ، سیتی، جی‌پی‌مورگان و اچ‌اس‌بی‌سی ایجاد شده است. طرح اوراق قرضه آب‌وهوایی نیز معیارهای واجد شرایط و طبقه‌بندی دقیق اوراق سبز را ارائه می‌دهد (Tang & Zhang, 2020, p. 6).

آگاهی افراد نسبت به محصولات سبز، موجب می‌شود تقاضا برای این نوع سرمایه‌گذاری‌ها افزایش یابد. علاوه‌براین، ملت‌های جهان بیش از گذشته به حمایت از محصولات سبز روی آورده و رفتار مصرف‌کنندگان نیز شرکت‌ها را مجبور به ایجاد نوآوری و اصلاحات سبز ساخته است. (Li et al., 2020, pp. 1-8).

اگرچه اوراق سبز تا حدودی نیاز سرمایه‌گذاران را رفع می‌کند اما منتقدان می‌گویند مسائلی مانند: عدم افشای اطلاعات کافی، هزینه‌های اولیه برای صدور گواهینامه و نبود استاندارد یکپارچه در این خصوص، بر چالش‌های آن می‌افزاید (Tang & Zhang, 2020, pp. 7-10).

– اوراق مهاجرتی^{۲۶}

اوراق مهاجرتی (اوراق دیاسپورا)، اوراق بهاداری است که توسط یک دولت میهن‌پرست به‌منظور جذب سرمایه از اعضای دلسوز و عاشق وطن منتشر می‌شود. این اوراق برای

23. European Investment Bank

24. Green Bond Principles

25. Climate Bond Initiative

26. Diaspora Bond

اعضای خود فرصتی را فراهم می‌آورد تا در توسعه کشورشان مشارکت نموده و در عین حال از چشم‌انداز بازگشت منابع مالی خود همراه با بهره نیز برخوردار شوند. بانک جهانی^{۲۷} که به دنبال ترویج منابع مالی غیردولتی برای توسعه بخش‌های اقتصادی است، در سال‌های اخیر ایده انتشار اوراق دیاسپورا را به‌عنوان یکی از راه‌های ممکن برای کمبود سرمایه در کشورهای در حال توسعه، پیشنهاد نموده است. کشورهایی مانند هند، سریلانکا، غنا، ارمنستان، رواندا، نپال و اخیراً یونان کمپین‌هایی برای توسعه و ترویج اوراق دیاسپورا راه‌اندازی نموده‌اند. (Lainer-Vos, 2013, pp. 145-157).

مقامات کشور هند از این ابزار برای حمایت از تراز پرداخت‌ها استفاده می‌کنند تا در مواقعی که به بازارهای سرمایه بین‌المللی دسترسی ندارند، بتوانند منابع مالی را افزایش دهند. در واقع، کشور هندوستان در پی بحران تراز پرداخت‌ها در سال ۱۹۹۱ میلادی و نیز پس از آزمایش هسته‌ای در سال ۱۹۹۸، یعنی زمانی که کشور با تحریم‌های جامعه بین‌المللی مواجه بود، توانست با انتشار این اوراق منابع مالی خوبی به دست آورد. (Ketkar & Ratha, 2011, pp. 160-168).

– اوراق وقف

قرار دادن املاک و دارایی‌های وقفی به‌عنوان یکی از طرح‌های واجد شرایط اوراق SRI جهت سرمایه‌گذاری بسیار حائز اهمیت است، زیرا برای سرمایه‌گذاران فرصتی را فراهم می‌آورد تا سرمایه خود را به اموالی با بازدهی مادام‌العمر و سودمند برای جامعه اختصاص دهند. (Zain & Sori, 2020, p. 2).

– اوراق تأثیرگذار اجتماعی

در «اوراق تأثیرگذار اجتماعی»^{۲۸}، سرمایه‌گذاران، ارائه‌دهندگان خدمات و دولت‌ها برای کاهش یک معضل اجتماعی با یکدیگر همکاری می‌کنند. همچنین، عواید حاصل از این اوراق برای تأمین مالی پروژه‌هایی با مزایای اجتماعی همچون مسکن مقرون‌به‌صرفه، آموزش، امنیت غذایی و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی به‌کار می‌رود. (Afik Katz, Levy & Yosef., 2021, pp. 272-275).

27. World Bank

28. Social Impact Bonds (SIB)

مدل «اوراق تأثیرگذار اجتماعی» اولین بار در سال ۲۰۱۰ میلادی در پیتربورو^{۲۹} بریتانیا ارائه شد و به سرعت در سطح بین‌المللی و در بخش‌های مختلف گسترش یافت. SIBها نوع جدیدی از پرداخت براساس نتیجه هستند. آن‌ها بر نتایجی متمرکز هستند که در آن نهادهای عمومی با سرمایه‌گذاران خصوصی برای تأمین مالی اقدامات باهدف مقابله با مشکلات اجتماعی همکاری می‌کنند. SIBها از طریق قراردادی میان ارائه‌دهندگان خدمات عمومی و سرمایه‌گذاران خصوصی بازده را به نتایج حاصل از طرح گره‌زده و از سرمایه‌گذاران برای اهداف اخلاقی و اجتماعی منابع مالی جذب می‌کنند.

- تأمین مالی جمعی

سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای از تأمین مالی جمعی به‌عنوان شیوه‌ای برای تأمین مالی برنامه‌ها و عملیات خود استفاده می‌کنند. زیرا تأمین مالی جمعی جایگزینی برای جذب سرمایه‌گذاران فردی است که بیشتر به ارزش‌های اجتماعی علاقه‌مند هستند تا ارزش‌های مادی.

فعالیت‌های تأمین مالی شده طیف گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها از جمله سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار و طرح‌های اجتماعی و املاک و مستغلات از استارت‌آپ‌های فناوری گرفته تا هنرهای زیبا و تجهیزات پزشکی را شامل می‌شود. سکوه‌های تأمین مالی جمعی مبتنی بر وب بوده و سازوکاری از تأمین مالی را تشکیل می‌دهند تا از شرکت‌های غیرانتفاعی و سرمایه‌گذاری‌هایی که به دلیل عدم وجود سابقه یا کمبود وثیقه نزد بانک‌ها از تأمین مالی محروم هستند، حمایت کنند. طبق گزارش بانک جهانی، پیش‌بینی می‌شود که تأمین مالی جمعی تا سال ۲۰۲۵ میلادی، از ۳۰۰ میلیارد دلار فراتر رود (Meyskens & Bird, 2015, pp. 155-166).

- پاسخ سؤال ۴): ماهیت ریسک و بازده اوراق SRI

در رابطه با ماهیت ریسک و بازده اوراق SRI، دو نظریه وجود دارد. پژوهشگران دسته اول معتقدند که این نوع اوراق از ریسک و بازده بالایی برخوردار است. برای مثال، اقتصاد نوکلاسیک فرض می‌کند که تنوع‌بخشی باعث کاهش ریسک غیرسیستماتیک پرتفوی خواهد شد و از آنجایی که پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی و اخلاقی به

29. Peterborough

دلیل اعمال غربالگری منفی از تنوع کافی برخوردار نیست، به نظر می‌رسد این نوع سرمایه‌گذاری‌ها از ریسک بالایی برخوردار باشند (Michelson et al., 2004, PP. 1-10). در واقع، فقدان روش‌های ارزیابی کمی طرح‌های انرژی تجدیدپذیر به همراه عدم اطمینان نسبت به بازده حاصله منجر به افزایش ریسک و کاهش حجم سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی می‌شود (Mokhov, Chebotareva & Khomenko, 2018, pp. 156-159). طبق این رویکرد، سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و اجتماعی به دلیل انتخاب طیف محدودی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تحمیل هزینه مازاد نظارت بر عملکرد اجتماعی، کاهش ثروت سهامداران را به دنبال دارند. این مسأله در بلندمدت صادق نیست، چراکه این نوع سرمایه‌گذاری‌ها از طریق کاهش ریسک دعوی حقوقی و... موجب کاهش هزینه‌های بلندمدت می‌شوند. (Cummings, 2000, pp. 82-92).

نظریه‌پردازان مالی بعد از مارکویتز^{۳۰} (۱۹۵۲م) استدلال می‌کنند که سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی به دلیل عدم تنوع کافی پرتفوی، در بلندمدت موفق عمل نمی‌کنند. استدلال دیگری که اغلب مطرح می‌شود این است که انتخاب سهام براساس روش غربالگری منفی یک روش گران‌قیمت بوده و در نهایت تأثیر منفی بر بازدهی سهم خواهد داشت. با وجود این، ادبیات تجربی موجود، شکاف عملکرد قابل توجهی را بین پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و غیراخلاقی نیافته است. برای مثال، دیلتز^{۳۱} (۱۹۹۵م)، جرارد^{۳۲} (۱۹۹۷م) و زاوئر^{۳۳} (۱۹۹۷م) به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین بازده طرح‌هایی که از نظر اخلاقی غربالگری شده و آن‌هایی که غربالگری نشده‌اند، وجود ندارد. استاتمن^{۳۴} (۲۰۰۰م) و گرگوری و دیگران^{۳۵} (۱۹۹۷) نیز با استفاده از مدل‌های تک عاملی جنسن و آلفا تفاوت معناداری بین عملکرد مالی واحدهای سرمایه‌گذاری اخلاقی و غیراخلاقی در ایالات متحده و بریتانیا مشاهده نکردند (Bauer, Otten & Rad, 2006, pp. 33-48).

30. Markowitz

31. Diltz

32. Guerard

33. Sauer

34. Statman

35. Gregory et al

در مقابل، پژوهشگران دسته دوم نظرات متفاوتی ارائه می‌دهند. برای مثال، بولن (۲۰۰۷م) و رنه‌بوگ و همکاران^{۳۶} (۲۰۰۵م) دریافته‌اند که نوسانات در صندوق‌های SRI کمتر از نوسانات در صندوق‌های متعارف است. در واقع، سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی که ارزش فعلی خالص مثبتی داشته و بر جامعه تأثیر مثبتی می‌گذارند، منجر به افزایش قیمت سهم و عملکرد بهتر صندوق‌های سرمایه‌گذاری SRI خواهد شد (Renneboog, Ter Horst & Zhang, 2008, pp. 1723-1742).

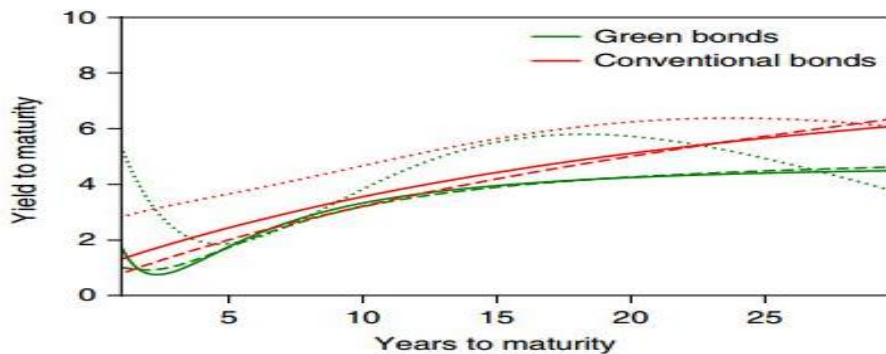
تانگ و ژانگ^{۳۷} (۲۰۱۸م) نیز تأثیر اوراق سبز بر بازده سهام را مورد ارزیابی قرار دادند و دریافته‌اند که انتشار اوراق سبز به‌طور قابل‌توجهی موجب بهبود نقدینگی سهام خواهد شد. علاوه‌براین، ژو و همکاران (۲۰۲۱) دریافته‌اند که انتشار اوراق سبز بر قیمت سهام شرکت مؤثر بوده و سودآوری، عملکرد عملیاتی، توانایی نوآوری و همچنین مسئولیت اجتماعی شرکت را ارتقاء می‌دهد.

همان‌طور که در ادبیات علمی مشاهده می‌شود، نظرات در رابطه با ریسک و بازده این نوع سرمایه‌گذاری‌ها متفاوت بوده و نقطه اشتراک تحقیقات گذشته این است که ریسک سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی در بلندمدت پایین‌تر از ریسک سایر سرمایه‌گذاری‌های مشابه است.

همان‌طور که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود، سرمایه‌گذاران برای جبران ریسک بالای سرمایه‌گذاری‌های خود که ناشی از افق زمانی سرمایه‌گذاری است (افق زمانی بلندمدت)، نرخ بازدهی بالاتری را درخواست می‌کنند. نمودار مذکور نشان می‌دهد که منحنی بازده اوراق سبز نسبت به اوراق متعارف در سطح پایین‌تری قرار گرفته است. این بدان معناست که سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در اوراق سبز به‌طور متوسط نرخ بهره پایین‌تری مطالبه می‌کنند. مسأله دیگر اینکه با افزایش سرسید، اختلاف بازده بین اوراق سبز و متعارف بیشتر می‌شود. تفسیر آن این‌گونه است که سرمایه‌گذاران، پروژه‌های اوراق سبز منطبق با اهداف توسعه پایدار را در بلندمدت کم‌ریسک دانسته و در مقایسه با اوراق متعارف بازدهی پایین‌تری را مطالبه می‌کنند (Karpf & Mandel, 2018, pp. 161-165).

36. Renneboog

37. Tang & Zhang



نمودار (۲): مقایسه بازده اوراق سبز نسبت به اوراق متعارف

منبع: (Karpf & Mandel, 2018)

- پاسخ سؤال ۵): شرایط و ویژگی‌های طرح‌های واجد شرایط اوراق SRI یکی از ویژگی‌های کلیدی طرح‌های با مسئولیت اجتماعی، پایدار بودن آنهاست. انتشار گازهای گلخانه‌ای، رشد سریع جمعیت جهان، افزایش وابستگی به انرژی سوخت‌های فسیلی و به خطر افتادن زندگی نسل‌های آینده به دلیل تخریب محیط‌زیست و... اهمیت اقتصاد پایدار را دوچندان کرده است. (Batrancea et al., 2020, p. 74). مفهوم پایداری نخستین‌بار در سال ۱۹۸۷ میلادی در گزارش «آینده مشترک ما» توسط گروه جهانی محیط‌زیست و توسعه^{۳۸} مطرح شد. اگرچه تعاریف متعددی از مفهوم پایداری وجود دارد اما بسیاری از آنها براساس اصطلاح خط پایین سه‌گانه^{۳۹} ال‌کینگتون^{۴۰} (۲۰۰۴م)، سه بُعد اساسی پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را در نظر می‌گیرند: پایداری شامل وزن‌های برابر میان ثبات اقتصادی، سازگاری محیطی و تعادل اجتماعی است. همچنین پایداری، برنامه جامع اقدامات اخلاقی است. مطابق با قوانین اتحادیه اروپا، طرح‌های واجد شرایط سبز باید از الزامات زیر برخوردار باشند:

38. Brundtland

39. Triple Bottom Line

40. Elkington

اهداف انتشار



نمودار (۳): شرایط لازم برای واجد شرایط بودن طرح‌های سبز

منبع: (Alonso-Conde & Rojo-Suarez, 2020, P. 5).

با توجه به اینکه کشورها برای پیشرفت و توسعه نیازمند ایجاد مؤلفه‌هایی همچون تضمین استانداردهای مناسب زندگی، خلق ثروت، دسترسی آزاد به حوزه‌های اجتماعی و کیفیت بالای خدمات اجتماعی هستند، می‌توان گفت که حوزه‌های اصلی سرمایه‌گذاری اجتماعی در سطح دولتی عبارتند از: توسعه زیرساخت‌های اجتماعی، پایبندی به کیفیت خدمات اجتماعی، ایجاد جو اجتماعی مثبت در جامعه، عملکرد مؤثر بازار کار، رعایت اصول اجتماعی و زیست‌محیطی در کشور و... (Батракова, 2017) همچنین، قرار دادن املاک و دارایی‌های وقفی به‌عنوان یکی از طرح‌های واجد شرایط اوراق SRI جهت سرمایه‌گذاری بسیار حائز اهمیت است، زیرا برای سرمایه‌گذاران فرصتی را فراهم می‌آورد تا سرمایه خود را به اموالی با بازدهی مادام‌العمر و سودمند برای جامعه اختصاص دهند (Zain & Sori, 2020, p. 5).

ویژگی دیگر طرح‌های با مسئولیت اجتماعی، نوآورانه بودن آن‌هاست. استارت‌آپ‌ها و نوآوری‌های مالی به‌عنوان پاسخی به مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی در نظر گرفته می‌شوند. استارت‌آپ‌ها نقشی کلیدی در پیدایش کسب‌وکارهای پایدار دارند. برای مثال،

همان‌طور که اتحادیه اروپا (۲۰۱۲م) توضیح می‌دهد: SMEها و به‌ویژه استارت‌آپ‌ها می‌توانند گزینه‌های ایده‌آلی برای نوآوری‌های زیست‌محیطی باشند و محصولات، خدمات و فرآیندهای جدیدی را به محیط‌زیست عرضه نمایند (Bocken, 2015, pp. 648-657).

پاسخ سؤال ۶): راهبردهای موردنظر در انتخاب طرح‌های واجد شرایط اوراق SRI - معیارهای واجد شرایط شامل معیارهایی است که از سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی که ریسک‌های محیطی و اجتماعی به همراه دارند، جلوگیری به عمل می‌آورد. معیارهای انتخاب طرح‌های واجد شرایط معمولاً توسط کارشناسان مستقل ارائه می‌شود تا سرمایه‌گذاران اطمینان حاصل کنند که این طرح‌ها با معیارهای فنی مطابقت دارند.

حسن، چاچی و منشی^{۴۱} (۲۰۲۰م) عملکرد شاخص جهانی بازار اسلامی داوجونز و شاخص پایداری بازار اسلامی داوجونز را مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که فرآیند غربالگری شرعی در انتخاب طرح‌های واجد شرایط مؤثر بوده و منجر به عملکرد ضعیف نخواهد شد (Hassan, Chachi & Munshi, 2020, pp. 1-7).

غربالگری، عبارت است از وارد یا خارج نمودن شرکت‌ها از معیارهای محیطی یا اجتماعی. به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاران اجتماعی به دنبال سودآوری هستند که تأثیرات مثبتی بر جامعه می‌گذارد (Tippet, 2001, pp. 170-178).

غربالگری طرح‌های تأمین مالی شده به دو صورت انجام می‌گیرد: ۱- غربالگری منفی: سرمایه‌گذاران در این روش، «خطوط قرمز» ایجاد می‌کنند تا شرکت‌هایی که استراتژی‌های پایدار را توسعه نمی‌دهند کنار گذاشته شوند. برای مثال، شرکت‌هایی که در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی، تنباکو، قمار، پرنوگرافی و... فعالیت می‌کنند، حذف می‌شوند. ۲- غربالگری مثبت: سرمایه‌گذاران در این روش، طرح‌هایی را انتخاب می‌کنند که به حفظ محیط‌زیست و توسعه کسب‌وکارهای اجتماعی همچون انرژی‌های تجدیدپذیر و شرکت‌های حمل‌ونقل پایدار کمک می‌کنند (Garcia- Bernabeu et al., 2019, p. 3).

- پاسخ سؤال ۷): معیارها و شاخص‌های اثربخشی اوراق SRI
 شاخص‌های اخلاقی برای حمایت از سرمایه‌گذاران در فرآیندهای سرمایه‌گذاری، نوعی
 گواهی کیفیت در مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی فراهم آورده و به ارائه خدمات مشاوره
 تشویق می‌کنند.
 جدول (۳)، استانداردهای لازم برای اثربخشی صندوق‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و
 اجتماعی را به نمایش می‌گذارد.

جدول (۳): استانداردهای لازم در خصوص اثربخشی صندوق‌های
 سرمایه‌گذاری اخلاقی و اجتماعی

رفتار مشاور با مشتریان	دوستانه (خندان، برقراری ارتباط چشمی و...)
مدیریت داده‌های اطلاعاتی	شناخت و درک صحیح مطالب
کفایت داده‌های اطلاعاتی	متناسب با توصیه‌های مشاور و نیازهای مشتریان
قابل درک بودن اطلاعات	انطباق با دانش مشتریان، عدم استفاده از اصطلاحات فنی غیرقابل فهم، شفاف بودن فرآیند
ویژگی‌های فردی مشتریان	در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی مشتریان و ایجاد پروفایل شخصی برای هر شخص
در دسترس بودن زمان ^{۴۲}	زمان کافی برای مشاوره دادن و صبور بودن در پاسخ به پرسش‌های مشتریان
درخواست مشاور	درخواست مشاور از سرمایه‌گذار جهت سرمایه‌گذاری
اطلاعات مالی	هزینه‌ها، عملکرد، ریسک، نقدینگی
استراتژی‌ها	اهداف و سیاست‌های سرمایه‌گذاری، ساختار صندوق، مشخص نمودن صنعت و...
اطلاعات اخلاقی	رویکرد غربالگری، معیارهای سرمایه‌گذاری
نحوه ایجاد پرتفوی	فرآیند تحقیق، انتخاب و کنترل شرکت‌ها
معیارهای اعتبارافزا	اخذ نظرات کارشناسان، نتایج آزمون و ارزیابی مجلات تجاری

آموزش اخلاقی مدیر صندوق و همکاری با سازمان‌های غیردولتی	صلاحیت اخلاقی شرکت‌ها
وجود نظارت‌های برون‌سازمانی	کنترل‌های بیرونی

منبع: (Schrader, 2006, PP. 200-214).

طی مطالعاتی که رنه‌بوگ، ترهوست و ژانگ (۲۰۰۶م) به عمل آوردند به این نتیجه رسیدند که برای اینکه سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی مؤثر واقع شوند، اقدامات زیر باید صورت پذیرد:

- ۱- عملکرد شرکت باید قابل‌اندازه‌گیری باشد. فقدان اهداف و اقدامات سازمانی دقیق خلاصه شده، ارزش شرکت و رفاه اجتماعی را در بلندمدت از بین می‌برد.
- ۲- در نظر گرفتن افق زمانی بلندمدت: به حداکثر رساندن ارزش شرکت در بلندمدت با حداکثر کردن رفاه اجتماعی سازگاری دارد.
- ۳- در نظر گرفتن هم‌زمان حداکثر کردن ارزش حقوق صاحبان سهام و رفاه ذی‌نفعان (کارکنان، جامعه و محیط‌زیست).
- ۴- تئوری‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند زمانی که مدیریت شرکت‌ها مستحکم بوده و در برابر مکانیسم‌های تصاحب محافظت می‌شوند، یا هنگامی که رقابت در بازار محصولات شدید نباشد، تمایل بیشتری برای چشم‌پوشی از سود برای رسیدن به مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند.
- ۵- اجرای راهبردهای CSR. در واقع CSR مجموع کارایی زیست‌محیطی (حفاظت از منافع ذی‌نفعان محیطی) و پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی است. (Renneboog, Ter Horst & Zhang, 2008, PP. 1723-1742).

تحقیقات در کشور ویتنام نیز نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، سیاسی، زیرساختی و اجتماعی و فرهنگی موجب توسعه بازار اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی خواهند شد. از میان معیارهای انتخاب‌شده، عوامل زیرساختی و اقتصادی مهم‌ترین نقش را در توسعه بازار اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی ویتنام ایفا می‌کنند. در واقع، وجود یک سیاست پولی کارآمد و نرخ بهره بالا در اوراق سبز برای توسعه این بازار بسیار مهم است. از میان عوامل سیاسی نیز حمایت دولت می‌تواند

بسیار حیاتی باشد. همچنین توجه اجتماع به محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی نیز می‌تواند نرخ ورود و سرمایه‌گذاری به این بازار را تشدید کند (Tu et al., 2020).

- پاسخ سؤال ۸): بازیگران بالقوه اوراق SRI

بازیگران بالقوه سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی در مجموع به ۴ دسته زیر تقسیم می‌شوند:

۱- سرمایه‌گذاران نهادی همچون؛ صندوق‌های بازنشستگی^{۳۳}، شرکت‌های بیمه و اتحادیه‌های بانکی.

۲- سرمایه‌گذاران فردی که عمدتاً به سرمایه‌گذاری در صندوق‌های خرده‌فروشی تمایل دارند.

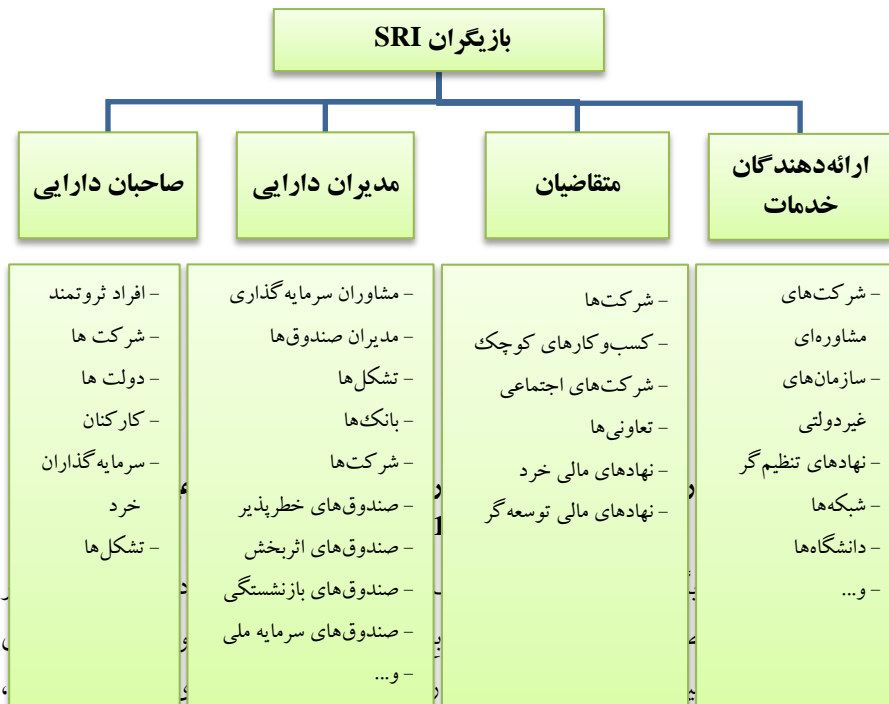
۳- طیف وسیعی از NGOها. اخیراً سازمان‌های مردم نهاد دوستدار محیط‌زیست، اتحادیه‌های کارگری، سازمان حقوق بشر و چندین سازمان مدنی دیگر در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها مشارکت فعالی داشته‌اند.

۴- صنعت مالی نیز یکی دیگر از بازیگران مهم SRI است که گاهی اوقات به‌عنوان سهامدار عمل کرده و به‌عنوان تسهیل‌گر برای دیگر سرمایه‌گذاران نقش ایفا می‌کند. (Wagemans & Koppen, 2013, pp. 235-252).

در تقسیم‌بندی دیگری، بازیگران کلیدی سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار به چهار دسته صاحبان دارایی که در واقع صاحبان سرمایه محسوب می‌شوند، مدیران دارایی که سرمایه را به‌کار می‌گیرند، متقاضیانی که سرمایه را به‌کار گرفته و مورد استفاده قرار می‌دهند و ارائه‌دهندگان خدماتی که به کارکرد این بازار کمک می‌کنند، تقسیم می‌شوند.

در نمودار (۴)، بازیگران کلیدی سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی نمایش داده

شده است:



ایمنی و مراقبت‌های بهداشتی در محیط کار مشارکت دارند (-Ballester, Pérez) (Gladish & Garcia-Bernabeu, 2015, pp. 3-22).

پاسخ سؤال ۹): سیاست‌های انگیزشی مورد نیاز برای توسعه اوراق SRI

پژوهش‌ها در این زمینه به دودسته تقسیم می‌شوند. دسته اول، مطالعاتی است که عوامل انگیزشی لازم برای سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در این اوراق را مورد بررسی قرار می‌دهند. در مطالعات دسته اول، سرمایه‌گذاران به دو نوع سرمایه‌گذاران خصوصی و نهادی تقسیم می‌شوند که در ادامه، سیاست‌های انگیزشی لازم برای هر یک شرح داده شده است.

الف. سرمایه‌گذاران خصوصی: سرمایه‌گذاران خصوصی برخلاف شرکت‌های سرمایه‌گذاری که بیشتر به دنبال سودآوری بوده، تحت تأثیر ارزش‌های اخلاقی هستند. (Jansson & Biel, 2011, pp. 135-142). این نوع سرمایه‌گذاران، عمدتاً

سازمان‌هایی هستند که فعالیت‌های بشردوستانه انجام داده و نقشی فعال در توسعه سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی ایفا می‌کنند.

زمانی که شرکت‌ها براساس پارامترهای شاخص SRI رتبه‌بندی می‌شوند، انگیزه لازم را جهت بهبود عملکرد خود به منظور سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های با مسئولیت اجتماعی کسب می‌کنند (Liaw, 2020, p. 193). صدور گواهی‌نامه (تأییدیه مستقل) سبز، ارائه گزارش‌ها مستمر به سهامداران، ظهور مؤسسات رتبه‌بندی و شاخص‌های اخلاقی نیز علی‌رغم اینکه هزینه‌هایی را در کوتاه‌مدت به طرح تحمیل می‌کند، اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داده و اندازه بازار را ارتقاء می‌دهند (Liaw, 2020, p. 193).

ب. سرمایه‌گذاران نهادی: یکی از دلایل سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران نهادی جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های با مسئولیت اجتماعی، قوانین و مقررات است. برای مثال، در سال ۲۰۰۰ میلادی در کشور انگلستان، قانونی به تصویب رسید که صندوق‌های بازنشستگی را ملزم می‌کرد ملاحظات اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی را در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود وارد نمایند. در اوایل دهه ۲۰۰۰ نیز قوانین مشابهی در سوئد، نروژ و دانمارک تصویب شد که صندوق‌های بازنشستگی را به استفاده از سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی ترغیب می‌نمود. اسپارکس و کاوتون^{۴۴} (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که فشار ذی‌نفعان دومین دلیل سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های با مسئولیت اجتماعی توسط سرمایه‌گذاران نهادی است. همچنین، آسیب‌پذیری کمتر در برابر بحران‌های مالی نیز از دلایل دیگر سرمایه‌گذاری در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها به حساب می‌آید. در حقیقت، دغدغه و نگرانی سرمایه‌گذاران نهادی نسبت به مسائل اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی و نقش نهادهای نظارتی در شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های پایدار و مسئولانه در جامعه، عوامل انگیزشی مهمی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی محسوب می‌شوند (Taghizadeh-Hesary & Yoshino, 2020, p. 788).

یک سازمان مردم‌نهاد ممکن است به دلیل انگیزه‌های درونی اقدام به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی نماید. درحالی‌که، قانون‌گذاری و فشار از سوی

ذینفعان، انگیزه‌ای خارجی جهت سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی محسوب می‌شود (Wagemans & Koppen, 2013, pp. 242-250).

در واقع، با مطالعه ادبیات علمی می‌توان گفت که انگیزه سرمایه‌گذارانی که جذب سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی می‌شوند، بدین صورت است که گروهی احساس می‌کنند که باید منابع مالی خود را در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که با ارزش‌ها و اولویت‌های شخصی آن‌ها سازگار باشد و گروهی دیگر احساس می‌کنند که باید منابع مالی خود را در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که به بهبود کیفیت زندگی در جامعه منجر شود (Schueth, 2003, pp. 190-192).

دسته دوم، مطالعاتی است که مشوق‌های لازم برای ناشران اوراق SRI را بررسی می‌کنند. این مشوق‌ها، به شرح جدول (۴) نمایش داده شده است.

جدول (۴): طبقه‌بندی انگیزه‌های ناشران برای مشارکت در بازار اوراق SRI

انگیزه‌های مالی	انگیزه‌های کسب‌وکار	محرك‌های قانونی / نهادی
بازده مالی بهتر	برند سازی	مشروعیت خواهی و مجوز اجتماعی برای فعالیت
کاهش ریسک مالی	کارایی عملیاتی	پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان شناخته شده
هزینه سرمایه کمتر	ایجاد بازارهای جدید	فشارهای نهادی
دسترسی بهتر به سرمایه	کاهش ریسک‌های تجاری	-

منبع: (Maltais & Nykvist, 2020, p. 7).

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، ناشران به دلایل گوناگون همچون: انگیزه‌های مالی، انگیزه‌های کسب‌وکار و محرك‌های قانونی (نهادی) جذب این نوع سرمایه‌گذاری‌ها می‌شوند.

علاوه بر موارد مطرح‌شده در ادبیات علمی می‌توان گفت که سیاست‌گذاران نیز در جذب سرمایه‌گذاری در این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای مثال، یکی از مواردی که می‌تواند اشتیاق سرمایه‌گذاران را به سرمایه‌گذاری در طرح‌های سبز برانگیزاند، اختصاص بخشی از مالیات اخذشده از صنایع آلاینده به این طرح‌ها است؛ چراکه این مسأله علاوه بر جذابیت برای سرمایه‌گذاران سبب افزایش راندمان طرح

شده و شرکت‌های آلاینده را نیز مجبور به استفاده از فناوری‌های سبز می‌نماید (Taghizadeh- Hesary & Yoshino, 2020, p. 788).

دولت‌ها برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی گزینه‌های مختلفی را در پیش دارند. برای مثال، می‌توانند در نقش تنظیم‌کننده یا تسهیل‌گر عمل کنند، با برداشتن موانع یا محدودیت‌های زائد، به رشد و توسعه صنایع سبز کمک کنند یا مجموعه‌ای از سیاست‌ها را به منظور گسترش فناوری‌های پاک از جمله پرداخت یارانه، کمک‌هزینه‌های ویژه سرمایه‌گذاری، اعطای وام با شرایط بازپرداخت مناسب و... به کار گیرند (Agliardi & Agliardi, 2019, pp. 614-620).

- پاسخ سؤال ۱۰: نحوه نظارت و گزارش‌دهی در فرآیند انتشار اوراق SRI

رایج‌ترین شیوه نظارت بر اجرای سرمایه‌گذاری‌های اخلاقی و اجتماعی، ارائه گزارش‌های منظم توسط مدیران به متولی است. این عمل به منظور اجتناب از ایجاد تعارض میان اهداف اخلاقی و عملکرد طرح و حداکثر نمودن بازده سرمایه‌گذاری رخ می‌دهد. به عبارتی، نظارت مستمر بر عملکرد پروژه‌ها، سبب افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری‌های با مسئولیت اجتماعی خواهد شد.

می‌توان با تدوین سیاست‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی، اصلاح و تجدیدنظر در سیاست‌های سرمایه‌گذاری موجود به منظور کاهش تعارضات بین اهداف و سرمایه‌گذاری‌ها و افشای سیاست‌های سرمایه‌گذاری اخلاقی و نظارت بر اجرای دقیق آن‌ها در پیشبرد این نوع سرمایه‌گذاری‌ها موفق عمل نمود (Kreander, Beattie & McPhail, 2009, pp. 154-160). برای مثال، استرالیا در مارس ۲۰۰۳، الزامات افشای اطلاعات اخلاقی را تحت قانون اصلاح خدمات مالی^{۴۵} به تصویب رساند. اصلاحات مذکور، شرکت‌ها را ملزم به افشای میزان رعایت استانداردهای کاری، محیطی، اجتماعی یا ملاحظات اخلاقی در انتخاب، حفظ یا نگهداری فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌نماید. (Bauer, Otten & Rad, 2006, p. 35). همچنین، در بحث انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز می‌توان با کاهش یارانه سوخت‌های فسیلی، اخذ مالیات و طراحی سیاست‌هایی جهت وادار نمودن شرکت‌ها به

45. Financial Services Reform Act (FSRA)

افزایش شفافیت، افشای اطلاعات مالی و انعکاس ریسک‌های عملیاتی در نتایج مالی خود، به بهبود شرایط موجود اقدام نمود.

اهمیت شیوه‌های بازار برای توسعه سیستم مالی سبز در گزارش منتشرشده توسط بانک خلق چین و UNEP در سال ۲۰۱۵ میلادی مورد تأکید قرار گرفته است. این گزارش خاطرنشان می‌کند که از طریق سیاست‌ها و اقدامات نظارتی طراحی شده، مشارکت‌کنندگان در سرمایه‌گذاری‌های سبز می‌توانند با کاهش هزینه‌های تأمین مالی و بهبود در دسترس بودن منابع مالی، بازده سرمایه‌گذاری ناشی از طرح‌های سبز را افزایش دهند. وانگ و ژی^{۴۶} (۲۰۱۶) استدلال کردند که چارچوب مقرراتی مناسب و حمایت دولتی می‌تواند سازوکار بازار اوراق سبز را بهبود بخشد (Anh Tu, Sarker & Rasoulinezhad, 2020, p. 126). در جدول (۵)، تجربه کشورهای مختلف در زمینه قانون‌گذاری و نظارت در سرمایه‌گذاری‌های SRI نمایش داده شده است (Renneboog, Ter Horst & Zhang, 2008, p. 1733).

جدول (۵): تجربه کشورهای مختلف در زمینه قانون‌گذاری و نظارت در سرمایه‌گذاری‌های SRI

کشور	تجارب قانون‌گذاری
بریتانیا	بریتانیا اولین کشوری بود که افشای سیاست‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی صندوق‌های بازنشستگی و مؤسسات خیریه را تنظیم نمود. در ژوئیه ۲۰۰۰، اصلاحیه قانون بازنشستگی ۱۹۹۵ به اجرا درآمد و طبق این اصلاحیه متولیان صندوق‌های بازنشستگی در بریتانیا ملزم به رعایت ملاحظات اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی شدند.
استرالیا	در لایحه سال ۲۰۰۱، مقرر شد که کلیه خدمات ارائه‌شده توسط شرکت‌ها شامل توصیفی از «میزان استاندارد به‌کار گرفته‌شده یا ملاحظات زیست‌محیطی، اجتماعی یا اخلاقی» باشد. همچنین از سال ۲۰۰۱، تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار استرالیا ملزم به تهیه گزارش مسئولیت اجتماعی سالیانه شدند. بلژیک: این کشور در سال ۲۰۰۱، قانون «Vandebroucke» را تصویب نمود که براساس آن صندوق‌های بازنشستگی باید میزان قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاری‌های خود را به جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و زیست‌محیطی اختصاص دهند.

کشور	تجارب قانون گذاری
فرانسه	قانون «مقررات اقتصادی جدید» در سال ۲۰۰۱، شرکت‌های بورسی را ملزم می‌کرد اطلاعات اجتماعی و زیست‌محیطی را در گزارش‌های سالانه خود منتشر کنند. فرانسه اولین و تنها کشور اروپایی است که گزارش‌دهی اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی را برای همه شرکت‌های فهرست شده اجباری نمود.
آلمان	سال ۱۹۹۱ در این کشور قانونی تصویب شد که به صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری با سرمایه محدود ^{۴۷} جهت سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر امتیازاتی همچون امتیازات مالیاتی را اعطا می‌کرد.
ایتالیا	کلیه صندوق‌های بازنشستگی از سپتامبر ۲۰۰۴، ملزم به افشای عوامل غیرمالی همچون عوامل اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر داشت، شدند.
هلند	اداره مالیات هلند در سال ۱۹۹۵ «طرح سرمایه‌گذاری و پس‌انداز سبز» را معرفی نمود که بر اساس آن برای سرمایه‌گذاری‌های سبز مانند انرژی‌های بادی و خورشیدی و کشاورزی ارگانیک معافیت مالیاتی در نظر گرفته می‌شد.
سوئد	صندوق‌های بازنشستگی ملی سوئد نیز از سال ۲۰۰۲، موظف به رعایت جنبه‌های زیست‌محیطی و اخلاقی در سیاست‌های سرمایه‌گذاری خود شدند.

۴. خلأ نظری

پس از بررسی ادبیات علمی موجود، می‌توان خلأهای نظری این حوزه را برشمرد و برنامه‌ای برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد کرد. در ادامه، ذیل هرکدام از سؤال‌های پژوهش حاضر، مهم‌ترین خلأهای نظری و پیشنهادها بیان شده‌اند:

✓ سؤال اول پژوهش: تعریف واحدی از اوراق SRI در سطح جهانی وجود ندارد و محققان تعاریف گوناگونی از این نوع اوراق ارائه نموده‌اند. برای مثال، برخی از تعاریف به ریسک و بازده این اوراق توجه داشته و برخی دیگر به تأثیرگذاری این اوراق می‌پردازند. پیشنهاد می‌شود در تعریف اوراق، وجه اشتراک تعاریف ارائه شده در ادبیات علمی یعنی مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مدنظر قرار گیرد.

- ✓ **سؤال دوم پژوهش:** پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، مزیت این اوراق را عمدتاً نسبت به اوراق قرضه متعارف بررسی کرده و نسبت به ابزارهای مالی همچون صندوق‌های سرمایه‌گذاری یا سایر اوراق بهادر اسلامی مطالعه جامعی صورت نگرفته است.
- ✓ **سؤال سوم پژوهش:** پژوهش مستقلی در زمینه انواع اوراق SRI صورت نگرفته و مقاله‌ها به‌صورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند و این مسأله می‌تواند در پژوهش‌های بعدی به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، در مقاله‌های حاضر صرفاً به بررسی اوراق سبز، اوراق دیاسپورا، اوراق وقف و اوراق با تأثیرگذاری اجتماعی پرداخته شده، درحالی‌که انواع دیگری همچون اوراق واکسیناسیون، اوراق طول عمر و... نیز می‌تواند مبنای تحقیقات آینده قرار گیرد.
- ✓ **سؤال چهارم پژوهش:** نظرات در رابطه با ریسک و بازده این نوع سرمایه‌گذاری‌ها متفاوت بوده و پژوهشگران از روش‌های کیفی در مطالعات خود بهره جسته‌اند. استفاده از روش‌های کمی برای سنجش ریسک و بازده این نوع سرمایه‌گذاری‌ها بسیار راهگشا بوده و خلأ آن در ادبیات علمی مشاهده می‌شود.
- ✓ **سؤال پنجم پژوهش:** مطالعات در این زمینه بسیار اندک و به‌صورت پراکنده انجام شده است. این مسأله می‌تواند در پژوهش‌های بعدی به‌صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.
- ✓ **سؤال ششم پژوهش:** مطالعات در این زمینه تنها به روش‌های غربالگری منفی و مثبت توجه داشته و روشی کمی برای انتخاب طرح‌های واجد شرایط ارائه نشده است. در روش‌های غربالگری نیز شاخصی برای سنجش میزان مؤثر بودن طرح‌ها وجود نداشته و سرمایه‌گذاران تنها به گزارش‌ها ارائه‌شده توسط مؤسسات اکتفا می‌کنند.
- ✓ **سؤال هفتم پژوهش:** پژوهش‌ها در این خصوص به‌صورت کیفی بوده و لازم است شاخصی کمی تعریف شود که اثربخشی این نوع اوراق را مورد ارزیابی قرار دهد. همچنین، به دلیل کیفی بودن معیارها و شاخص‌ها، تنوع سلاقی وجود داشته و سرمایه‌گذاران جهت اطمینان از میزان اثربخشی این اوراق مقداری با سردرگمی مواجه خواهند شد.

- ✓ سؤال هشتم پژوهش: مورد خاصی مشاهده نشد.
- ✓ سؤال نهم پژوهش: پژوهش مستقلی در این زمینه صورت نگرفته و مقاله‌ها به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند و این مسأله می‌تواند در پژوهش‌های بعدی به صورت مجزا مورد بررسی قرار گیرد.
- ✓ سؤال دهم پژوهش: درباره نحوه نظارت و گزارش‌دهی، مقاله‌های متعددی وجود دارد ولی سیر تطوری این پدیده کمتر در ادبیات علمی بحث شده و روند پژوهی فقط به مطالعات اوراق SRI پرداخته است. مطالعات تحلیل روند می‌تواند تحلیل بهتری از وضعیت این پدیده، سیر تطور آن و افق پیش‌رو ارائه کند.

جمع‌بندی

ماهیت عملیاتی اوراق SRI به‌عنوان یک ابزار مالی در سراسر جهان مورد پذیرش قرار گرفته است. با توجه به این واقعیت، تحقیقات در مورد اوراق SRI نیز توجه گسترده‌ای را مخصوصاً در چند سال اخیر در بین محققان به خود جلب کرده است.

مرور نظام‌مند بر ادبیات علمی نشان می‌دهد که چگونه پیکره دانشی «اوراق بهادار اسلامی SRI» به‌مرور زمان شکل گرفته و چکیده‌ای برای فهم آن فراهم می‌کند. هدف پژوهش حاضر، بررسی ادبیات موجود در زمینه اوراق بهادار اسلامی SRI است. بدین منظور، مطالب کلیدی مقاله‌های علمی در محورهای تعریف، مزیت رقابتی، ماهیت ریسک و بازدهی، شرایط و ویژگی‌های طرح‌های واجد شرایط، راهبردهای مورد نظر در انتخاب طرح‌ها، معیارها و شاخص‌های اثربخشی، بازیگران بالقوه، سیاست‌های انگیزشی و شیوه نظارت و گزارش‌دهی اوراق SRI نوشته شده است. انتخاب این بخش از اوراق برای مرور در کنار سایر ابزارهای مالی اسلامی، تأکیدی بر نقش و اهمیت این موضوع در بوم سازگان مالی است.

در مقاله حاضر، سؤال‌های متعددی درباره اوراق SRI طرح شد و سیر تطوری آن مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در ادبیات علمی مشاهده می‌شود، کشورهای ایالات متحده آمریکا، انگلستان، چین، آلمان، استرالیا و ایتالیا بیشترین مطالعات را در زمینه اوراق سرمایه‌گذاری با مسئولیت اجتماعی به عمل آورده‌اند. تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که محققان، بیشتر به عملکرد و ماهیت این اوراق پرداخته و به جنبه‌های دیگر از جمله

ویژگی دارایی‌های مبنای انتشار، نحوه محاسبه ریسک و بازدهی، پایداری مالی، تمایز این اوراق با سایر ابزارهای مالی همچون صندوق‌های سرمایه‌گذاری و... توجه چندانی نشده است.

کتابنامه

- ۱- برامکی یزدی، حجت‌اله (۱۳۸۷). جایگاه سرمایه اجتماعی در اقتصاد اسلامی و تأثیرات آن بر توسعه. همایش اقتصاد اسلامی و توسعه، مشهد، ایران.
- 2- Baramaki, H., (2008). *The Place of Social Capital in Islamic Economic and its Effects on Development*. Islamic Economics and Development Conference, Mashhad, Iran. (In Pesian).
- ۳- عاقلی، لطفعلی؛ و صادقی، حسین (۱۳۸۰). روند تخریب زیست‌محیطی در ایران (کاربرد منطق فازی). *اقتصاد کشاورزی و توسعه*. ۹(۳۶)، ۱۷۴-۲۲۰.
- 4- Agheli, L., & Sadeghi, H. (2001). The Process of Environmental Destruction in Iran (The Use of Fuzzy Logic). *Agricultural Economics and Development*, 9 (36), 174-220. (In Pesian).
- 5- Afik, Z., Katz, H., Levy, A., & Yosef, R. (2021). New Development: Does Investment in Social Impact Bonds Affect Equity Prices? An Event Studies. *Public Money & Management*, 41(3), 272-275.
- 6- Agliardi, E., & Agliardi, R. (2019). Financing Environmentally-Sustainable Projects with Green Bonds. *Environment and Development Economics*, 24(6), 608-623.
- 7- Agrawal, A., & Hockerts, K. (2021). Impact Investing: Review and Research Agenda. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 33(2), 153-181.
- 8- Alonso-Conde, A.-B., & Rojo-Suárez, J. (2020). On the Effect of Green Bonds on the Profitability and Credit Quality of Project Financing. *Sustainability*, 12(16), 6695.
- 9- Anh Tu, C., Sarker, T., & Rasoulinezhad, E. (2020). Factors Influencing The Green Bond Market Expansion: Evidence from a Multi-Dimensional Analysis. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(6), 126.
- 10- Ballesteros, E., Pérez-Gladish, B., & Garcia-Bernabeu, A. (2015). The Ethical Financial Question and the MCDM Framework. In *Socially Responsible Investment*, 3-22. Springer.
- 11- Batrancea, I., Batrancea, L., Maran Rathnaswamy, M., Tulai, H., Fatacean, G., & Rus, M.-I. (2020). Greening the Financial System in USA, Canada and Brazil: A Panel Data Analysis. *Mathematics*, 8(12), 2217.
- 12- Bauer, R., Otten, R., & Rad, A. T. (2006). Ethical Investing in Australia: Is there a Financial Penalty? *Pacific-Basin Finance Journal*, 14(1), 33-48.
- 13- Bocken, N. M. (2015). Sustainable Venture Capital-Catalyst for Sustainable Start-up Success? *Journal of Cleaner Production*, 108, 647-658.
- 14- Cummings, L. S. (2000). The Financial Performance of Ethical Investment Trusts: An Australian Perspective. *Journal of Business Ethics*, 25(1), 79-92.

- 15- Deschryver, P., & De Mariz, F. (2020). What Future for the Green Bond Market? How Can Policymakers, Companies, and Investors Unlock the Potential of the Green Bond Market? *Journal of Risk and Financial Management*, 13(3), 61.
- 16- Garcia-Bernabeu, A., Salcedo, J. V., Hilario, A., Pla-Santamaria, D., & Herrero, J. M. (2019). Computing The Mean-Variance-Sustainability Nondominated Surface by Ev-MOGA. *Complexity*.
- 17- Hassan, A., Chachi, A., & Munshi, M. R. (2020). Performance Measurement of Islamic Mutual Funds Using DEA Method. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*.
- 18- Jackson, E. T. (2013). Evaluating Social Impact Bonds: Questions, Challenges, Innovations, and Possibilities in Measuring Outcomes in Impact Investing. *Community Development*, 44(5), 608–616.
- 19- Jansson, M., & Biel, A. (2011). Motives to Engage in Sustainable Investment: A Comparison Between Institutional and Private Investors. *Sustainable Development*, 19(2), 135–142.
- 20- Kajiita, R. M., & Murote kang'ethe, S. (2020). Investing in People and Communities for Social Change: Lessons from Social Enterprises in South Africa. *Journal of Progressive Human Services*, 31(2), 126–143.
- 21- Karpf, A., & Mandel, A. (2018). The Changing Value of the Green Label on the US Municipal Bond Market. *Nature Climate Change*, 8(2), 161–165.
- 22- Kassim, S., & Abdullah, A. (2017). Pushing the Frontiers of Islamic Finance Through Socially Responsible Investment Sukuk. *Al-Shajarah: Journal of the International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC)*, 187–213.
- 23- Ketkar, S. L., & Ratha, D. (2011). Diaspora bonds for funding education. *Migration Letters*, 8(2), 153.
- 24- Kreander, N., Beattie, V., & McPhail, K. (2009). Putting our Money Where Their Mouth is: Alignment of Charitable Aims with Charity Investments–Tensions in Policy and Practice. *The British Accounting Review*, 41(3), 154–168.
- 25- Lainer-Vos, D. (2013). The Practical Organization of Moral Transactions: Gift Giving, Market Exchange, Credit, and The Making of Diaspora Bonds. *Sociological Theory*, 31(2), 145–167.
- 26- Li, G., Shi, X., Yang, Y., & Lee, P. K. (2020). Green Co-Creation Strategies Among Supply Chain Partners: A Value Co-Creation Perspective. *Sustainability*, 12(10), 4305.
- 27- Liaw, K. T. (2020). Survey of Green Bond Pricing and Investment Performance. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(9), 193.
- 28- Losse, M., & Geissdoerfer, M. (2021). Mapping Socially Responsible Investing: A Bibliometric and Citation Network Analysis. *Journal of Cleaner Production*, 296, 126376.
- 29- Maltais, A., & Nykvist, B. (2020). Understanding the Role of Green Bonds in Advancing Sustainability. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 1–20.

- 30- Meyskens, M., & Bird, L. (2015). Crowdfunding and Value Creation. *Entrepreneurship Research Journal*, 5(2), 155–166.
- 31- Michelson, G., Wailes, N., Van Der Laan, S., & Frost, G. (2004). Ethical Investment Processes and Outcomes. *Journal of Business Ethics*, 52(1), 1–10.
- 32- Moher D, Shamseer L, Clarke M, Chersi D, Liberati A, Petticrew M. (2015). Preferred Reporting Items for Systematic Review and Meta-Analysis Protocols (PRISMA-P) *Statement. Systematic Reviews*; 4:1.
- 33- Mokhov, V. G., Chebotareva, G. S., & Khomenko, P. M. (2018). Modelling of " Green" Investments Risks. *Вестник Южно-Уральского Государственного Университета. Серия: Математическое Моделирование и Программирование*, 11(2), 154–159.
- 34- Nakamura, E. (2015). The Bidirectional CSR Investment–Economic Performance Relationship. *Journal of Global Responsibility*.
- 35- Renneboog, L., Ter Horst, J., & Zhang, C. (2008). Socially Responsible Investments: Institutional Aspects, Performance, and Investor Behavior. *Journal of Banking & Finance*, 32(9), 1723–1742.
- 36- Schrader, U. (2006). Ignorant Advice–Customer Advisory Service for Ethical Investment Funds. *Business Strategy and the Environment*, 15(3), 200–214.
- 37- Schueth, S. (2003). Socially Responsible Investing in the United States. *Journal of Business Ethics*, 43(3), 189–194.
- 38- Shamseer L, Moher D, Clarke M, Gherzi D, Liberati A, Petticrew M, Shekelle P, Stewart L, PRISMA-P Group. (2015). Preferred Reporting Items for Systematic Review and Meta-Analysis Protocols (PRISMA-P): *Elaboration and Explanation*. *BMJ*. 2;349(jan02 1): g7647.
- 39- Sparkes, R & Cowton, C. The Maturing of Socially Responsible Investment: A Review of the Developing Link with Corporate Social Responsibility, *Journal of Business Ethics*, 52, 45-57 (2004).
- 40- Strauss A, Corbin J. *Basics of Qualitative Research Techniques: Sage Publications Thousand Oaks, CA; 1998.*
- 41- Taghizadeh-Hesary, F., & Yoshino, N. (2020). Sustainable Solutions for Green Financing and Investment in Renewable Energy Projects. *Energies*, 13(4), 788.
- 42- Tang, D. Y., & Zhang, Y. (2020). Do Shareholders Benefit from Green Bonds? *Journal of Corporate Finance*, 61, 101427.
- 43- Tippet, J. (2001). Performance of Australia's Ethical Funds. *Australian Economic Review*, 34(2), 170–178.
- 44- Trelstad, B. (2016). Impact Investing: A Brief History. *Capitalism & Society*, 11(2).
- 45- Tu, C. A., Rasoulinezhad, E., & Sarker, T. (2020). Investigating Solutions for the Development of a Green Bond Market: Evidence from Analytic Hierarchy Process. *Finance Research Letters*, 34, 101457.
- 46- Wagemans, F. A., Koppen, C. (Kris) van, & Mol, A. P. (2013). The Effectiveness of Socially Responsible Investment: A Review. *Journal of Integrative Environmental Sciences*, 10(3–4), 235–252.

- 47- Wang, M., Li, X., & Wang, S. (2021). Discovering Research Trends and Opportunities of Green Finance and Energy Policy: A Data-Driven Scientometric Analysis. *Energy Policy*, 154, 112295.
- 48- Wins, A., & Zwergel, B. (2015). Private Ethical Fund Investors Across Countries and Time: A Survey-Based Review. *Qualitative Research in Financial Markets*.
- 49- Wirth, E. (2018). *The Norwegian Government Pension Fund Global, Corporate Social Responsibility and Climate Change*.
- 50- Zain, N. S., & Sori, Z. M. (2020). An Exploratory Study on Musharakah SRI Sukuk for the Development of Waqf Properties/Assets in Malaysia. *Qualitative Research in Financial Markets*.
- 51- Zhou, X., Zhang, R., & Polochova, V. (2021). The Dependence of Chinese Green and Conventional Bond Markets Under Extreme and Normal Market Conditions. *Environmental Science and Pollution Research*, 28(38), 53208–53223.
- 52- Батракова, Т. І., Кушнір, С. О., & Басенко, К. О. (2017). *The Activation of Regulatory Policy Towards the Development of Social Investment*.



Re-evaluation of Public Companies from a Jurisprudential and Legal Point of View

Amirhossein Etesami*

Zahra Shiri**



10.30497/ifr.2023.244552.1836




Abstract


Transparency of information and up-to-dateness of financial statements of joint-stock companies is one of the important elements in realizing market efficiency. During the last few decades, significant inflations in Iran's economy have doubled the need to reassess the assets of companies, especially public companies and capital market asset-based companies. In inflationary conditions, if the assets are not reassessed, the company's financial statements will not be a favorable report of the company's current situation. Since, from the point of view of famous jurists, shares are the common share of the company's assets, transparency in the description of the characteristics and characteristics of the sold item is one of the conditions for the validity of the sale, and if the description of the sold item is ambiguous in some ways and does not reflect the reality of the sale, will face the transaction with the suspicion of being fraudulent. This research, with an analytical-descriptive method, has investigated the jurisprudence of the necessity of revaluation of assets in public companies. As a result, it can be said that in a situation where the inflation rate is significant and causes a significant difference in the value of book assets from their fair value on the day, in order to avoid suspicion of fraud in stock trading, especially asset-oriented companies. It is necessary to reassess the assets of these companies and reflect them in the financial statements.

Keywords

Revaluation of Assets; Public Company; Information Transparency; Luxury Transactions.

JEL Classification: G12, G32, K22, K25.

* Researcher, Center for Research, Development and Islamic Studies, Securities and Exchange Organization, Tehran, Iran (Corresponding Author).
etesami66@gmail.com  0001-0001-7866-8519

** Islamic Finance Researcher; & DBA Student, Islamic Financial Scientific Association of Iran, Tehran, Iran. z.shiri@iaif.ir  0001-0001-7866-8519

Received: 2023/05/22

Accepted: 2023/09/25

تجدید ارزیابی شرکت‌های سهامی عام از دیدگاه فقهی و حقوقی

زهرا شیری**

امیرحسین اعتصامی*

چکیده

شفافیت اطلاعاتی و به‌روزر بودن صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی یکی از ارکان مهم در تحقق کارایی بازار است. طی چند دهه گذشته تورم‌های قابل توجه در اقتصاد ایران، لزوم تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها، خصوصاً شرکت‌های سهامی عام و شرکت‌های دارایی محور بازار سرمایه را دوچندان کرده است. در شرایط تورمی در صورت عدم تجدید ارزیابی دارایی‌ها، صورت‌های مالی شرکت گزارشگر مطلوبی از وضعیت موجود شرکت نخواهند بود. از آنجاکه از دیدگاه مشهور فقها، سهام حصه مشاعی از دارایی‌های شرکت است، شفافیت در توصیف ویژگی‌ها و خصوصیات مبیع مورد معامله یکی از شروط صحت بیع است و در صورتی که توصیف مبیع از جهاتی مبهم باشد و بیانگر واقعیت مبیع نباشد، معامله را با شبهه غرری بودن مواجه خواهد کرد. این پژوهش با روشی تحلیلی - توصیفی به بررسی فقهی لزوم تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی عام پرداخته است. در نتیجه می‌توان گفت در شرایطی که نرخ تورم قابل توجه است و موجب ایجاد تفاوت معنادار ارزش دارایی‌های دفتری از ارزش منصفانه روز آنها می‌شود، به‌منظور احتراز از بروز شبهه غرری بودن در معامله سهام به‌خصوص شرکت‌های دارایی محور، لازم است دارایی‌های این شرکت‌ها تجدید ارزیابی و در صورت‌های مالی منعکس گردد.

واژگان کلیدی: تجدید ارزیابی دارایی‌ها؛ شرکت سهامی عام؛ شفافیت اطلاعاتی؛ معاملات غرری.

* پژوهشگر، مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
etesami66@gmail.com

** پژوهشگر حوزه مالی اسلامی؛ و دانشجوی DBA، انجمن علمی مالی اسلامی ایران، تهران، ایران
z.shiri@iaif.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳

مقاله مدت ۱۵ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

تا قبل از سال ۱۳۹۰ استفاده از روش تجدید ارزیابی در شرکت‌های ایرانی بسیار محدود بود؛ اما به دنبال بخشی از قانون بودجه سال ۱۳۹۰، مبنی بر معافیت مالیاتی افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی از محل تجدید ارزیابی دارایی‌ها، شرکت‌های زیادی به یک‌باره به تجدید ارزیابی دارایی‌ها و ارائه گزارش دارایی‌های خود به ارزش منصفانه در صورت‌های مالی روی آوردند. به دنبال تغییر روش از بهای تمام‌شده تاریخی به ارزش منصفانه، چندین پژوهش در مورد این پدیده در ایران صورت گرفت. مسلماً معافیت مالیاتی ایجادشده، تسهیل‌کننده بزرگی برای شرکت‌های ایرانی در انتخاب روش تجدید ارزیابی بوده است (حاجیان، یوسفی اصل و خلقی، ۱۴۰۰، ص. ۸۹). تورم شدید طی سالیان اخیر و دارایی محور بودن بسیاری از سهام بازار سرمایه ایران و همچنین تفاوت فاحش میان ارقام صورت‌های مالی و ارزش واقعی، در بسیاری از شرکت‌ها، میل به تجدید ارزیابی جهت پوشش زیان انباشته را تقویت کرده است. براساس اصلاحیه قانون تجارت، شرکت‌هایی که دارای زیان انباشته بیش از نصف سرمایه در ترازنامه باشند، مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت شده و بایستی ضمن برگزاری مجمع فوق‌العاده در خصوص ابقا یا انحلال شرکت تصمیم‌گیری نمایند. در صورتی که در مجمع مزبور تصمیم به ادامه فعالیت گرفته شد، شرکت بایستی اقدام به افزایش سرمایه نماید تا از شمولیت این ماده خارج گردد. برای شرکت‌هایی که دارای سود انباشته نیستند و وضعیت مناسبی جهت افزایش سرمایه از محل آورده ندارند، افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها جهت خروج از شمولیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت یکی از راهکارهای مناسب خواهد بود.

از طرف دیگر، ایران کشوری است که طی چند دهه گذشته با نرخ‌های تورم بالایی مواجه بوده است و در شرایط تورمی تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش منصفانه روز دارایی‌های شرکت، ابهام و جهالت در صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. فارغ از عوامل بنیادین اقتصادی و وضعیت بازار سرمایه، صورت‌های مالی افشاشده توسط شرکت‌ها یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است. شفافیت و به‌روزر بودن کامل و به‌موقع بودن افشا اطلاعات نقش به‌سزایی شکل‌گیری یک بازار رقابتی و کارا تر

شدن^۱ بازار دارد. ابهام و عدم شفافیت اطلاعاتی در صورت‌های مالی شرکت‌ها می‌تواند معاملات سهام آن‌ها را با شبهه غرری بودن مواجه سازد.

پژوهش حاضر از نوع پژوهش بنیادی و از نوع توصیفی - تحلیلی است. سؤال‌هایی که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم به شرح زیر است:

- تجدید ارزیابی شرکت‌های سهامی عام از دیدگاه فقهی و حقوقی چگونه است؟
به عبارت دیگر آیا عدم تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌های سهامی عام در شرایط تورمی می‌تواند معاملات سهام را با شبهه غرر مواجه سازد و الزامات تجدید ارزیابی چگونه خواهد بود؟

به منظور پاسخ‌گویی به سؤال‌های فوق، پس از بررسی پیشینه پژوهش و جایگاه و کارکرد تجدید ارزیابی دارایی‌ها به بررسی فقهی این موضوع در خصوص شرکت‌های سهامی عام پرداخت خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی با رویکردهای مختلف، متأسفانه تحقیقات زیادی انجام نشده است خصوصاً با رویکرد فقهی و حقوقی ولی محققانی بوده‌اند که تلاش کرده‌اند تا رابطه بین تصمیمات برای انتخاب دارایی‌های ثابت برای عملکرد آتی شرکت را مشاهده نمایند. عبودی، بارت و کازنیک^۲ (۱۹۹۹م) با مشاهده داده‌های شرکت‌های انگلیسی از ۱۹۸۳-۱۹۹۵ میلادی، دریافتند که یک رابطه مثبت بین تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و عملکرد آتی شرکت وجود دارد که با تغییرات در درآمد عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی برای یک، دو و سه سال بعد سنجیده می‌شود. با استفاده از یک طرح تحقیق مشابه عبودی، بارت و کازنیک (۱۹۹۹م)، با مشاهده شرکت‌های هونگ‌کونگ، جاگی و تیسو^۳ (۲۰۰۱م) دریافتند که رابطه بین تجدید ارزیابی

۱. بازار کارا، بازاری است که در آن اطلاعات یک سهم یا یک کالا با سرعت بالا منتشر می‌شود و با همان سرعت بر قیمت سهام تأثیر می‌گذارد، این اطلاعات سبب می‌شود که قیمت‌های خود را تعدیل کنند. در بازار کارا تمامی اطلاعات در قیمت‌ها منعکس می‌شود و این اطمینان را به سرمایه‌گذاران می‌دهد که همه آن‌ها اطلاعات مشابهی در مورد قیمت‌ها در اختیار دارند.

2 Aboody, Barth & Kasznik
3 Jaggi & Tsui

افزایشی دارایی‌های ثابت و درآمد عملیاتی آتی شرکت به صورت معناداری مثبت است. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تجدید ارزیابی دارایی ثابت با انگیزه انتقال ارزش منصفانه به کاربر صورت‌های مالی انجام می‌گیرد. همسو با دو نتیجه قبلی، زای^۱ (۲۰۰۷م) بدین نتیجه رسید که تصمیم به اتخاذ مدل تجدید ارزیابی برای دارایی‌های ثابت بر درآمد عملیاتی آتی شرکت‌های نیوزلند تأثیر مثبتی دارد. از سوی دیگر، برخلاف نتیجه اکثر تحقیقات در این موضوع، لوپیس و واکر^۲ (۲۰۱۲م) دریافتند که تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت رابطه منفی با عملکرد عملیاتی آتی شرکت دارد که با تغییرات در درآمد عملیاتی برای یک، دو و سه سال بعد سنجیده می‌شود که ناشی از انگیزه فرصت‌طلبانه ناشی از بدهی و عدم نقدینگی است. همچنین بین امتیاز شاخص حاکمیت شرکتی برزیلی و انتخاب تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت رابطه منفی است.

آملیندا و مورنی^۳ (۲۰۱۸م)، به عوامل مؤثر بر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در شرکت‌های بخش تولیدی پذیرش شده در بورس اندونزی طی دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷ میلادی پرداختند و نشان دادند که متغیرهای اهرمی، نقدینگی و نسبت دارایی‌های ثابت بر تصمیم شرکت برای انجام تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت تأثیری ندارند. درحالی‌که متغیر اندازه شرکت بر تصمیم شرکت برای انجام تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت تأثیر دارد.

بای، لی و کیم^۴ (۲۰۱۹م)، در پژوهشی با بررسی اینکه آیا تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت باعث ایجاد اعتماد بین مدیریت و سرمایه‌گذاران می‌شود نشان دادند تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت با بهبود به موقع و مرتبط بودن اطلاعات افشاشده، تأثیر مثبتی بر پایداری دارد و در نتیجه ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد. در مقابل، شرکت‌هایی با شرایط مالی ناسالم و درجه بالایی از عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش احتمال سقوط پس از تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را نشان می‌دهند. یافته‌ها نشان دادند که رابطه بین تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و ریسک قیمت سهام به انگیزه مدیریت در طول فرآیند تجدید ارزیابی بستگی دارد.

1 Zhai

2 Lopes & Walker

3 Amelinda & Murni

4 Bae, Lee & Kim

رحمان، حسین و هاگ^۱ (۲۰۲۱م)، در پژوهشی باهدف بررسی زمان و تعداد دفعات تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در بنگلادش، نشان دادند در بورس اوراق بهادار داکا^۲، با استفاده روزافزون از مدل تجدید ارزیابی، صنعت نساجی شاهد بیشترین تعداد تجدید ارزیابی بود. همچنین نشان دادند شرکت‌هایی که مدل تجدید ارزیابی را انجام می‌دهند باید تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را در فواصل منظم انجام دهند تا عدم تقارن اطلاعاتی در مورد ارزش دارایی‌ها را کاهش دهند و در نتیجه به بهبود اعتماد سرمایه‌گذاران کمک کنند. تقی‌نجاج، مؤمن‌زاده مؤمن‌زاده (۱۳۹۲)، با تحلیل بنیادی و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها نشان دادند، گرچه افزایش سرمایه از این محل مزایایی همچون افزایش نسبت مالکانه و افزایش ظرفیت استقرایی را به همراه دارد، اما کاهش بسیاری از نسبت‌های مالی، کاهش نرخ رشد شرکت اعم از نرخ رشد داخلی و نرخ رشد قابل تحمل (پایدار)، کاهش ارزش ذاتی سهم و کاهش نسبت سود هر سهم در کنار افزایش ریسک و بازده مورد انتظار سهامداران از جمله پیامدهای آن است.

حاجیان، یوسفی اصل و خلقی (۱۴۰۰)، با بررسی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و اثر آن بر عملکرد شرکت و بازده سهام بیان کردند که بین تجدید ارزیابی دارایی‌ها و عملکرد آتی شرکت رابطه‌ای وجود ندارد و بین مازاد تجدید ارزیابی و قیمت سهام شرکت رابطه مستقیم تعریف شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تحقیقات صورت گرفته ناظر به تأثیر تجدید ارزیابی در نسبت‌های عملکردی شرکت و یا تأثیر آن بر اعتماد سرمایه‌گذاران است. در این تحقیق از دیدگاه فقهی و حقوقی به مسأله تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌های سهامی پرداخته شده است که نوآوری این پژوهش محسوب می‌شود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. انواع و طبقه‌بندی دارایی‌ها

در چارچوب مفهومی، دارایی‌ها به صورت «منبعی که در نتیجه رویدادهای گذشته توسط واحد تجاری کنترل می‌شود و انتظار می‌رود از آن منافع اقتصادی آتی به واحد تجاری سرازیر شود» تعریف می‌شود (IASB, 2018, p. 17).

1. Rahman, Hossain & Haque
2. Dhaka Stock Exchange

علاوه بر این، منافع اقتصادی آتی را می‌توان به عنوان کمک بالقوه به فعالیت‌های عملیاتی واحد تجاری در نظر گرفت (IADB, 2018, p. 18)؛ بنابراین، کلیه دارایی‌ها یک ویژگی مشابه دارند که توانایی بالقوه ارائه منافع یا خدمات آتی است (Weygandt, Kimmel & Kieso, 2011, p. 15). یک دارایی، یک قدرت یا منبع اقتصادی یک شرکت است. این قدرت یا منبع برای تولید ارزش اقتصادی یا قدرت اقتصادی یک شرکت مصرف می‌شود. در صورتی که ارزش اقتصادی یک شرکت افزایش یابد بدین معنا است که دارایی‌های ملموس یا غیرملموس به صورت منطقی مصرف می‌شوند. به زبان ساده، دارایی‌ها نشان‌دهنده مالکیت ارزش است که می‌توان به وجه نقد تبدیل کرد (گرچه خود وجه نقد نیز به عنوان یک دارایی در نظر گرفته می‌شود) (Sullivan & Steven, 2003, p. 57). ترازنامه یک شرکت، ارزش پولی دارایی‌های تحت مالکیت شرکت را ثبت می‌کند (Siegel, Dauber & Shim, 2005, p. 184). دارایی، پول و سایر دارایی‌های ارزشمند متعلق به یک فرد یا کسب‌وکار است (Sullivan & Steven, 2003, p. 69). به عبارت دیگر، دارایی یکی از اقلام ترازنامه و تحت کنترل نهاد اقتصادی برای کسب سود در آینده است.

به طور کلی، مهم‌ترین دارایی ثابت از نظر ارزش، سرمایه‌گذاری شرکت در املاک و تجهیزات است. این‌ها دارایی‌هایی هستند که شرکت پول زیادی از بابت آن‌ها متعهد می‌شود و وقتی آن‌ها خریداری می‌شوند اغلب به آن‌ها «هزینه‌های سرمایه» شرکت اطلاق می‌گردد. هزینه‌های سرمایه نشان‌دهنده هزینه‌هایی هستند که برای بیش از یک دوره منافع دارند. به عنوان مثال، ترازنامه شرکت X مجموع هزینه‌های سرمایه را ۱۵۰,۰۰۰ دلار گزارش می‌کند. این ارزش نشان‌دهنده هزینه کسب و خرید اقلام سرمایه‌گذاری بسیاری در گذشته است که ممکن است سال‌ها پیش و شاید دهه‌ها پیش خریداری شده باشند (Reitel, 1936, p. 206).

دارایی‌ها به طور کلی به دو گروه بزرگ طبقه‌بندی می‌شوند: «دارایی جاری» و «دارایی غیرجاری». به علاوه، «دارایی غیرجاری» به دو گروه تقسیم می‌شود: دارایی‌های غیرجاری ملموس و غیرملموس. اولی معمولاً به دارایی‌های ثابت اطلاق می‌شود یا در استانداردهای کنونی آن را املاک، کارخانه و تجهیزات می‌نامند. برای دسته‌بندی یک دارایی به عنوان یک دارایی ثابت باید دو معیار برآورده شود: در عملیات کسب‌وکاری عادی، اجاره، اداره کالاها

و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد و قصد نگهداری و استفاده از آن برای بیش از یک دوره وجود دارد (Weygandt, Kimmel & Kieso, 2011). مثال‌هایی از دارایی‌های ثابت شامل زمین، ساختمان، سازه‌ها و تجهیزات می‌شوند.

اگر بتوان یک دارایی را به‌عنوان دارایی‌های ثابت شناسایی کرد، بند ۱۵، ۱۶ استانداردهای گزارش‌دهی بین‌المللی^۱ بیان می‌کند که شناسایی اولیه دارایی‌های ثابت باید به بهای تمام‌شده اندازه‌گیری شود (IASB, 2013, p. 31). سه عنصر هزینه وجود دارد که در استاندارد حسابداری ۱۶ مقرر شده است: (۱) قیمت خرید، (۲) هزینه قابل انتساب مستقیم و (۳) برآورد اولیه هزینه تخلیه.

بعد از شناسایی یک‌قلم دارایی‌های ثابت، یک‌نهاد در اتخاذ مبنای سنجش و اندازه‌گیری اختیاردارند. پاراگراف ۲۰ از IAS ۱۶ امکان سنجش و اندازه‌گیری به دو روش را ممکن می‌سازد:

الف) روش هزینه: در صورتی که یک شرکت اتخاذ مدل هزینه را انتخاب کند، دارایی‌های ثابت همچنان به هزینه اولیه‌اش ثبت می‌شود و برخی اصلاحات با استفاده از هزینه استهلاک یا هزینه تعمیرات صورت خواهد گرفت (Picker et al, 2016, p. 108). مقدار استهلاکی که برای دارایی‌ها در هر سال مالی هزینه می‌شود منعکس‌کننده مصرف منافع اقتصادی در طول آن دوره است. باین‌حال وقتی مبلغ باز یافتنی دارایی‌ها کمتر از مبلغ دفتری آن‌ها باشد، دارایی‌های ثابت لازم است به مبلغ باز یافتنی آن کاهش یابد (IASB, 2013, p. 51). تحت IAS ۳۶، در صورتی که مبلغ باز یافتنی نشان‌دهنده این باشد که مبلغ دفتری بیش از مبلغ باز یافتنی یک دارایی است، یک‌نهاد ملزم به انجام آزمون کاهش است (Picker et al, 2016, p. 109).

ب) روش تجدید ارزیابی: در روش تجدید ارزیابی، دارایی‌های ثابت به ارزش منصفانه ثبت می‌شود. ارزش منصفانه به‌صورت قیمت خروج موقع فروش یک دارایی در یک معامله متعارف یا یک معامله منظم و حساب‌شده تعریف می‌شود (IASB, 2013, p. 71). IAS ۱۶ اغلب تعیین نمی‌کند تجدید ارزیابی‌ها باید چگونه انجام شوند، این اصل، بیان می‌کند که تجدید ارزیابی به‌صورت تدریجی انجام می‌شود تا اختلاف بین مبلغ دفتری و ارزش منصفانه یک دارایی را حداقل نماید (Picker et al, 2016, p. 116). مدل تجدید

ارزیابی باید در مورد گروه دارایی‌ها به کار گرفته شود، اما حسابداری برای هر یک از دارایی‌ها به رسمیت شناخته می‌شود می‌شود (IASB, 2013, p. 85).

انتخاب روش برای یک دارایی به تنهایی به کار نمی‌رود، بلکه برای کل دارایی‌های دسته دارایی‌های ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد (Picker et al, 2016, p. 106).

در مواردی که ارزش منصفانه بیشتر از مبلغ دفتری یک دارایی می‌شود، مدیران شرکت کاری را انجام می‌دهند که به آن تجدید ارزیابی می‌گویند. افزایش این مبلغ دفتری در درآمد جامع دیگری شناسایی و در بخش حقوق صاحبان سهام مازاد تجدید ارزیابی انباشته می‌شود می‌شود (IASB, 2013, p. 88). با این حال، در صورتی که افزایش بعد از کاهش تجدید ارزیابی قبلی رخ داده باشد (تجدید ارزیابی نزولی)، این افزایش به صورت یک منفعت در صورت‌های سود و زیان شناخته می‌شود تا حدی که کاهش تجدید ارزیابی قبلی را جبران نماید (IASB, 2013, p. 88).

در مورد تجدید ارزیابی نزولی که در آن ارزش منصفانه دارایی کمتر از مبلغ دفتری آن است، کاهش در صورت‌های سود و زیان به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال، در صورتی که کاهش بعد از تجدید ارزیابی نزولی قبلی رخ دهد، این کاهش به صورت ضرر در درآمد جامع ثبت می‌شود تا حدی که افزایش تجدید ارزیابی قبلی را جبران نماید (IASB, 2013, p. 89).

۲-۲. تعریف تجدید ارزیابی، نظریه‌های مثبت و منفی

تجدید ارزیابی به بیان ساده به معنای به‌روزر کردن ارزش دارایی‌های شرکت است. در واقع افزایش مبلغ دفتری یک دارایی در نتیجه تجدید ارزیابی آن مستقیماً تحت عنوان مازاد تجدید ارزیابی ثبت و در ترازنامه به عنوان بخشی از حقوق صاحبان نمایش داده می‌شود. در سال‌های اخیر حسابداری ارزش منصفانه، به صورت گسترده‌ای مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما استانداردهای عمومی پذیرفته شده حسابداری ایالات متحده و IFRS موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به به‌کارگیری ارزش منصفانه برای دارایی‌های غیرمالی دارند. با وجود اینکه هر دو استاندارد در شناسایی کاهش ارزش برای دارایی‌های ثابت مشترک‌اند، اما در IFRS مفهوم تجدید ارزیابی شناسایی اضافه ارزش ناشی از تجدید ارزیابی است (Choi, Pae & Yoo, 2013, p. 21). مطالعات در مورد استانداردهای حسابداری نشان می‌دهد که استانداردهای حسابداری در انتخاب روش ارزیابی دارایی‌ها،

آزادی قابل توجهی به شرکت‌ها می‌دهند. این اختیار در استانداردها، در ارزیابی دارایی‌های غیرجاری داده می‌شود. یک روش بسیار مرتبط و نزدیک به ارزش بازار، تجدید ارزیابی دارایی‌ها است. روش تهیه گزارش‌های مالی به روش معمول و متعارف موردانتقاد قرار می‌گیرد زیرا مرتبط و مناسب نیست. روش‌های تجدید ارزیابی، ارزش دارایی را در دفاتر حساب‌ها از ارزش تاریخی به ارزش بازار تغییر می‌دهند؛ بنابراین، ارزش مرتبط‌تر و واقعی‌تری از دارایی‌ها ارائه می‌دهند (Henderson & Goodwin, 1992, p. 76). با افزایش ارزش دارایی‌ها براساس تجدید ارزیابی، هزینه بدهی کاهش می‌یابد. تجدید ارزیابی دارایی ثابت همچنین ممکن است بر قدرت شرکت در مذاکره در مورد قراردادهای بدهی با طلب‌کاران تأثیر بگذارد (Asad & Qadeer, 2014, p. 50). در همین حوزه، جنبه دیگر در راستای تجدید ارزیابی دارایی‌ها، کاهش جریان‌های وجوه نقد حاصل از عملیات-ها است. ظرفیت وام گرفتن شرکت نه تنها به اهرم مالی موجود بلکه به توانایی شرکت برای بازپرداخت بدهی بستگی دارد (Bashir & Asad, 2018, p. 20). کاهش جریان‌های وجوه نقد حاصل از عملیات‌ها ممکن است باعث شود طلب‌کاران نگران نقدینگی شرکت شوند (Asad & Farooq, 2009, p. 34). همچنین اعتقاد بر این است که اندازه شرکت نیز عامل بسیار مرتبط در تصمیم تجدید ارزیابی است. در همان زمان وقتی ارزش دارایی‌ها افزایش یافت سپس بازده دارایی‌ها نیز کاهش می‌یابد؛ بنابراین، توجه سیاسی اتحادیه‌های کارگری برای اعتصاب برای درخواست پاداش کاهش می‌یابد. جهت کاهش تأثیر سیاسی معکوس، شرکت‌ها تمایل دارند از گزارش بیش‌ازحد بازده‌های بالای دارایی اجتناب نمایند. یک تجدید ارزیابی رو به بالای دارایی می‌تواند یک روش کارآمد برای کاهش سود گزارش‌شده از طریق افزایش هزینه‌های استهلاک ناشی از افزایش تجدید ارزیابی دارایی باشد؛ بنابراین انتظار کاهش فشارهای سیاسی پیش روی شرکت‌های بزرگتر از سوی اتحادیه‌ها می‌رود (Haider, Fatima, Asad & Ahmad, 2016; Haider, Asad & Fatima, 2017).

۳. کارکردهای تجدید ارزیابی

۳-۱. بهبود تصویر و وضعیت مالی شرکت

جهت بهبود تصویر ذهنی، شرکت ممکن است اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌ها نماید (Cartwright & Cooper, 2014, p. 181). به علاوه، جهت بهبود قیمت مناقصه تجدید

ارزیابی ممکن است انجام شود. همراه با اطلاعات تصاحب، آخرین تجدید ارزیابی نیز حائز اهمیت است. از آنجایی که تجدید ارزیابی هزینه‌بر است، یک شرکت ممکن نیست تجدید ارزیابی هر ساله دارایی‌هایش را انتخاب نماید. در عوض، شرکت ممکن است انجام تجدید ارزیابی را به زمان دیگری که تجدید ارزیابی سودمندترین دانسته شود، موکول کند (Andison & Nasser, 2017, p. 93). از آنجایی که نابرابری بین ارزش دفتری و ارزش جاری باگذشت زمان افزایش می‌یابد، تأثیر این نابرابری بر روی صورت‌های مالی ممکن است بیشتر شود (Riahi-Belkaoui, 2004, p. 91)؛ بنابراین، تصمیم در مورد انجام تجدید ارزیابی در سال جاری ممکن است بستگی به طول زمانی از آخرین تجدید ارزیابی شرکت داشته باشد. از آنجایی که فرآیند تجدید ارزیابی هزینه‌بر است، سرمایه‌گذاری زیاد در دارایی‌ها امکان انجام تجدید ارزیابی به صورت مقرون‌به‌صرفه را فراهم می‌کند و بنابراین به‌صرفه‌تر است (Baek & Lee, 2016, p. 2808).

۳-۲. اخذ تسهیلات

انجام تجدید ارزیابی به شرکت‌ها کمک می‌نماید قدرت وام گرفتن خود را بازایی نمایند، هزینه بدهی را کاهش دهند و از سرمایه‌گذاری کمتر از حد بالقوه اجتناب نمایند (Baek & Lee, 2016, p. 2808).

۳-۳. عدم تقارن اطلاعاتی

عدم تقارن اطلاعاتی نقش مهمی در تجدید ارزیابی دارایی‌ها ایفا می‌کند. چون عدم تقارن اطلاعاتی در مورد چشم‌اندازهای آتی شرکت به‌عنوان اهداف اصلی تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت مدنظر قرار می‌گیرد. (Whittred & Chan, 1992, p. 58). عدم تقارن اطلاعاتی وقتی وجود دارد که به خاطر اختلافات در موقعیت واقعی و اطلاعات گزارش شده در صورت مالی، اطلاعات درستی به کاربران خارجی صورت‌های مالی شرکت ارائه نشود (Wali, 2015, p. 82). این عدم تقارن اطلاعاتی بر تصمیم‌مدیریت در مورد تجدید ارزیابی دارایی‌ها با توجه به زمان، یعنی موقع انجام تجدید ارزیابی دارایی‌ها تأثیر می‌گذارد (Tabari & Adi, 2014, p. 374).

۴. تجدید ارزیابی در سایر کشورها

اصولاً مرجع منطقی برای وضع مقررات، اعطای مجوز و چگونگی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در هر کشور، قوانین تجاری است. شمولیت مالیاتی تمام یا بخشی از مابه‌التفاوت استهلاک دارایی‌های تجدید ارزیابی‌شده در قوانین و مقررات مالیاتی مقرر می‌شود و نحوه حسابداری و چگونگی اعمال روش‌های تجدید ارزیابی در استانداردهای حسابداری وضع می‌شود. موضوع تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت از سال‌ها پیش مورد توجه بوده است. اگرچه تجدید ارزیابی دارایی‌ها در دهه ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۰ میلادی در برخی از کشورهای صنعتی اروپا مانند انگلستان متداول بوده است، اما اوج به‌کارگیری تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشورهای اروپایی مانند، انگلستان، فرانسه ایتالیا، اسپانیا و پرتغال متداول و مرسوم بوده است. با کاهش تورم در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تمایل به تجدید ارزیابی دارایی‌ها نیز کاهش یافت (کمپته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۹).

۴-۱. بریتانیا

در بریتانیا قانون سال ۱۹۸۵ میلادی به بیان اصول حسابداری پذیرفته‌شده همگانی تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌پردازد. این اصول تجدید ارزیابی دارایی‌های بلندمدت از جمله انواع دارایی‌های نامشهود، به‌استثنای سرقفلی را مجاز می‌داند. تجدید ارزیابی‌هایی که با کاهش ارزش دارایی‌ها همراه بوده برای همه دارایی‌های بلندمدت از جمله سرقفلی ضروری است. این حالت زمانی پیش می‌آید که ارزش دفتری دارایی بیشتر از خالص ارزش بازیافتنی آن باشد. شواهد نشان می‌دهد تعداد اندکی از شرکت‌های بریتانیایی اقدام به تجدید ارزیابی دارایی‌های نامشهود خود کرده‌اند، اما تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود، یعنی زمین، ساختمان، ماشین‌آلات و تجهیزات در بریتانیا متداول است. بیانیه استاندارد رویه عمل حسابداری شماره ۱۲ بریتانیا تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت مشهود را در صورتی تشویق می‌کند که اطلاعات سودمند و اثرگذاری را برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی فراهم کند. براساس اصول حسابداری پذیرفته‌شده عمومی بریتانیا، تفاوت بین ارزش دفتری دارایی و ارزش ارزیابی‌شده آن در صورتی که به افزایش ارزش دفتری دارایی منجر شود تجدید ارزیابی همراه با افزایش ارزش به بستانکار حساب اندوخته (مازاد) تجدید ارزیابی

حقوق صاحبان سرمایه منظور می‌شود تا حدزیادی با صلاحدید مدیریت انتقال بین حساب اندوخته تجدید ارزیابی و دیگر اندوخته‌های حقوق صاحبان سرمایه مجاز است. تجدید ارزیابی از راه‌های زیر بر سود اثر می‌گذارد:

۱. هزینه‌های استهلاک که بر مبنای مبلغ تجدید ارزیابی شده^۱ محاسبه می‌شود.
۲. تجدید ارزیابی‌هایی که با کاهش ارزش دارایی همراه است در حالتی که قبل از آن افزایش ارزش دارایی در همان دارایی شناسایی شده باشد.
۳. سود یا زیان حاصل از واگذاری دارایی که بر مبنای ارزش دفتری دارایی شناسایی می‌شود انتقال مازاد تجدید ارزیابی به حساب سود (زیان) انباشته معادل تفاوت بین استهلاک مبتنی بر مبلغ تجدید ارزیابی دارایی و استهلاک مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی مجاز است. بر پایه اصول حسابداری پذیرفته‌شده عمومی بریتانیا شرکت‌ها ملزم به افشای تغییرات در مازاد تجدید ارزیابی هستند (Ashbaugh & Olsson, 2002, p. 108).

با توجه به آنکه هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بر مبنای نتایج حاصل از جلسات دستیابی به مدل، همگرایی تصمیم گرفت بهترین استانداردها را از میان استانداردهای ملی موجود و استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی انتخاب کند (آقایی و رسائیان، ۱۳۸۸، ص. ۵).

۲-۴. آمریکا

براساس استانداردهای بین‌المللی و اصول پذیرفته‌شده حسابداری، آمریکا، اموال ماشین‌آلات و تجهیزات به بهای تمام‌شده ثبت می‌شوند، با این تفاوت که استانداردهای بین‌المللی ارزیابی مجدد اموال ماشین‌آلات و تجهیزات و دارایی‌های نامشهود را مجاز

۱. فرمول محاسبه استهلاک به روش مستقیم: در روش مستقیم مانده ارزش دفتری دارایی ظرف مدت باقیمانده عمر مفید (عمر مفید دارایی طبق جدول جدید منهای مدت مستهلک شده دارایی)، مستهلک خواهد شد و در صورتی که باقی مانده عمر مفید معادل یا کمتر از یکسال باشد، کل مانده ارزش دفتری در سال اول اجرای این جدول، قابل استهلاک خواهد بود.

فرمول محاسبه استهلاک به روش نزولی: در روش نزولی مانده مستهلک نشده دارایی، طبق نرخ جدید مندرج در جداول پیوست قابل استهلاک خواهد بود.

می‌داند در صورتی که اصول پذیرفته شده حسابداری آمریکا انجام تجدید ارزیابی را مجاز نمی‌داند (International Accounting Standards Committee, 2003, p. 16; Paton & Dixon, 1958, 31).

۳-۴. کانادا

در کانادا در زمان شناسایی اولیه از روش بهای تمام شده استفاده می‌شود و تجدید ارزیابی به طور کلی تحت اصول پذیرفته شده حسابداری کانادا ممنوع است (International Accounting Standards Committee, 2003, p. 19).

۴-۴. چین

در چین مطابق ۴ ASBE و در هنگ کنگ بر اساس ۱۶ HKAS فقط مدل بهای تمام شده مجاز است (مدل تجدید ارزیابی مجاز نیست). (Herrmann, Saudagaran & Thomas, 2006, p. 17).

۵-۴. ژاپن

ژاپن نیز شهرت زیادی در مورد تبعیت شدید از بهای تاریخی دارد. این کشور تنها در یک مورد استثنایی آن‌هم فقط برای یک مرتبه قرار داده است. شرکت‌های ژاپنی بر طبق ماده ۷ قانون تجارت ژاپن مصوب سال ۱۹۹۹ میلادی در خصوص تجدید ارزیابی، زمین مجاز به تجدید ارزیابی زمین از ۳۱ مارس ۱۹۹۸ تا ۳۱ مارس ۲۰۰۲ شدند. این قانون این اختیار را فقط برای یک مرتبه در طول این مدت چهار ساله به شرکت‌های ژاپنی می‌دهد که زمینی را که برای استفاده خودشان نگه می‌دارند در ترازنامه‌شان به ارزش منصفانه گزارش کنند.

آمریکا و ژاپن به منظور دستیابی به استانداردهای جهانی با کیفیت بالا در طرح‌های جداگانه‌ای با هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۱ همکاری و در جهت همگرایی اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری خود با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تلاش می‌کنند. همچنین هیأت‌های استانداردهای حسابداری آمریکا و ژاپن پیشرفته‌ای خود در همگرایی با استانداردهای بین‌المللی را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند (International Accounting Standards Committee, 2003, p. 13). می‌توان گفت

به‌طور کلی آمریکا و ژاپن اجازه تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت را نمی‌دهند (رحمانی و حمیدی، ص. ۸).

۴-۶. آلمان

روش مورد استفاده اصول پذیرفته شده حسابداری آلمان نیز روش بهای تمام شده است. در آلمان هم استفاده از مدل تجدید ارزیابی مجاز نیست. در این خصوص دو استثناء وجود دارد یکی مربوط به بانک‌ها و نهادهای مالی است که در آن‌ها ابزارهای مالی نگهداری شده برای معامله به ارزش منصفانه گزارش می‌شوند و استثناء دیگر مربوط به دارایی‌هایی است که دسترسی سایر بستانکاران و اعتباردهندگان به آن محدود شده است و فقط به منظور ایفای تعهدات بازنشستگی یا بدهی‌های بلندمدتی مانند آن می‌باشند. این دارایی‌ها به ارزش منصفانه اگر در اثر شرایط خاصی صورت‌های مالی نمایش درست و منصفانه‌ای نداشت، آنگاه ارائه اطلاعات اضافی در یادداشت‌ها ضروری است (Walker, 1992, p. 3; Weston, 1953, p. 489).

جدول (۱): مقایسه ارزیابی اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در چند کشور و تحت استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی (IFRS)

شرح	آمریکا	کانادا	چین	هنگ‌کنگ	آلمان	ژاپن
مبانی ارزیابی	بهای تمام شده	بهای تمام شده	بهای تمام شده	بهای تمام شده	بهای تمام شده	بهای تمام شده
تعدیلات تجدید ارزیابی اولیه	افزایش ارزش تجدید ارزیابی نمی‌شود ^۱	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود
		کاهش ارزش تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود	تجدید ارزیابی نمی‌شود
لزوم استفاده از	تجدید	تجدید	تجدید	تجدید	تجدید	تجدید

۱. به‌عنوان مثال: یعنی در کشورهای آمریکا، کانادا، چین، هنگ‌کنگ و آلمان، تعدیلات تجدید ارزیابی اولیه (افزایش ارزش، کاهش ارزش) تا زمان بررسی پژوهش، توسط شرکتی انجام نشده است.

شرح	آمریکا	کانادا	چین	هنگ‌کنگ	آلمان	ژاپن
ارزیاب مستقل برای تجدید ارزیابی‌ها	ارزیابی نمی‌شود	ارزیابی نمی‌شود	ارزیابی نمی‌شود	ارزیابی نمی‌شود	ارزیابی نمی‌شود	ارزیابی نمی‌شود
شناسایی زیان کاهش ارزش (اگر مبلغ بازیافت کمتر از ارزش دفتری باشد)	بله	بله	بله	بله	بله	خیر

منبع: (یافته‌های تحقیق)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اکثر کشورها با نرخ تورم پایین دارایی شرکت‌ها تجدید ارزیابی نمی‌شوند، ولی چنانچه در برخی از کشورها مشاهده می‌شود، در شرایط تورمی تجدید ارزیابی دارایی‌ها تجویز شده است.

۵. رویکرد حسابداری IFRS و استانداردهای حسابداری ایران نسبت به تجدید ارزیابی دارایی‌ها

قواعد جاری برای ارزیابی اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱۶ ارائه شده است. این استاندارد دو مدل حسابداری را برای سنجش اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات پس از شناسایی اولیه مجاز می‌داند. در مدل بهای تاریخی اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به بهای تاریخی منهای استهلاک انباشته و زیان انباشته ناشی از کاهش ارزش گزارش می‌شوند. براساس مدل تجدید ارزیابی اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی منهای استهلاک انباشته پس از تجدید ارزیابی گزارش می‌شود. تجدید ارزیابی‌ها به‌گونه‌ای انجام می‌شود که تفاوت چشم‌گیری با ارزش منصفانه در تاریخ ترانزنامه ندارد و به‌نظر می‌رسد رویه تجدید ارزیابی رو به بالای دارایی‌ها (شناسایی افزایش ارزش دارایی‌ها) برای گزارشگری شرکت‌ها در راستای استانداردهای بین‌المللی امری عادی باشد (مرفوع، مؤمن‌زاده و مؤمن‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۵۶).

سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی^۱ با استناد به استفاده از ارزش متعارف در محاسبه زکات، ارزش متعارف را مناسب حسابداری اسلامی می‌داند. استاندارد حسابداری شماره نه با موضوع زکات، دارایی‌های مشمول زکات را وجه نقد و معادل نقد، حساب‌های دریافتی پس از کسر ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، دارایی‌های کسب‌شده برای دادوستد (برای مثال: موجودی‌ها، اوراق بهادار قابل خرید و فروش، املاک و...) و دارایی‌های تأمین مالی (برای مضاربه و مشارکت) معرفی و به ارزش متعارف اندازه‌گیری می‌نماید (Financial Accounting Standard, 2010, p. 14).

شرکت‌ها از طریق تجدید ارزیابی دارایی‌ها به دنبال این هستند که بتوانند ترازنامه خود را در وضعیت مناسب‌تری از ارقام تاریخی نشان بدهند و IFRS استانداردهای مرتبط با این موضوع را در استنادی برای ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها براساس «ارزش منصفانه» و «به‌روزشدن ارزش دارایی‌ها» استوار کرده است.

در IFRS، تجدید ارزیابی دارایی‌ها به معنای بازبینی مجدد ارزش عادلانه یک دارایی است. با توجه به ماهیت دارایی و شرایط موجود، این تجدید ارزیابی ممکن است منجر به تغییر در ارزش دارایی و در نتیجه در سود یا زیان شرکت شود. به‌طور خاص، استاندارد «IAS 16 دارایی‌های ثابت» و «IAS 38 دارایی‌های نامشهود»، مشخصاتی را برای تجدید ارزیابی دارایی‌ها در اختیار قرار می‌دهند. براساس این استانداردها، اگر تغییری در شرایط دارایی (مانند کاهش ارزش بازار یا تغییر در تجهیزات مورد استفاده) رخ دهد، باید تجدید ارزیابی مجدداً انجام شود.

همچنین، استاندارد «IFRS 13 ارزیابی عادلانه»، روش‌هایی را برای ارزیابی عادلانه دارایی‌ها و سایر واحدهای شرکت در اختیار قرار می‌دهد. با توجه به این استاندارد، ارزش عادلانه دارایی باید با استفاده از یکی از سه روش زیر تعیین شود:

۱. روش هزینه: برای ارزیابی دارایی‌های استفاده‌شده در فعالیت‌های شرکت، مانند دارایی‌های ثابت؛
۲. روش بازار: برای ارزیابی دارایی‌هایی که در بازار معامله می‌شوند، مانند سهام، ارزها یا کالاهای طلا؛

۳. روش درآمد: برای ارزیابی دارایی‌هایی که درآمد برای شرکت تولید می‌کنند، مانند مجوزهای نرم‌افزار.

به‌طورکلی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در IFRS برای حفظ دقت و روشنی در ارزیابی دارایی‌ها انجام می‌شود (International Accounting Standards Board, 2017). در این خصوص استاندارد «IAS 16 دارایی‌های ثابت»: بیان می‌کند که «وقتی یک دارایی ثابت دوباره ارزیابی می‌شود، هر یک از سپرده‌های تجمعی در تاریخ ارزیابی به‌عنوان یک جزء از هزینه دارایی محسوب می‌شود». همچنین در خصوص دارایی‌های نامشهود استاندارد IAS 38 بیان می‌کند که «بعد از شناسایی اولیه، یک شرکت باید دارایی نامشهود خود را باکم کردن هرگونه استهلاک تجمعی و هرگونه خسارت تجمعی ارزیابی کند». استاندارد IFRS 13 در خصوص ارزیابی عادلانه اشاره می‌کند که «ارزش عادلانه، قیمتی است که در تاریخ ارزیابی به‌عنوان مبلغی برای فروش یک دارایی در یک معامله منظم بین شرکت‌هایی که در بازار فعالیت می‌کنند، دریافت می‌شود یا به‌عنوان پرداختی برای انتقال یک بدهی در یک معامله منظم بین شرکت‌هایی که در بازار فعالیت می‌کنند، پرداخت می‌شود» (International Accounting Standards Board, 2017).

استانداردهای حسابداری ایران در صورت رعایت ضوابط مربوط به تناوب تجدید ارزیابی، انتخاب دارایی جهت تجدید ارزیابی و مشخصات ارزیاب، تجدید ارزیابی دارایی غیر پولی را مجاز می‌داند (مرفوع، مؤمن‌زاده و مؤمن‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۵۱). در صورت اتخاذ روش تجدید ارزیابی، پس از شناخت اولیه یک‌قلم دارایی غیر پولی در صورت‌های مالی (به بهای تمام‌شده)، این قلم باید به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه دارایی در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته مبتنی بر مبلغ تجدید ارزیابی، نمایش یابد. پس از انجام تجدید ارزیابی، استهلاک انباشته قبلی حذف و مبلغ تجدید ارزیابی، از هر نظر جایگزین ناخالص مبلغ دفتری قبلی آن دارایی خواهد شد. رویه حسابداری دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود در ایران در استاندارد حسابداری شماره ۱۱ دارایی‌های ثابت مشهود و استاندارد حسابداری شماره ۱۷ دارایی‌های نامشهود تعیین شده است. براساس این استانداردها واحد تجاری باید یکی از دو روش بهای تمام‌شده یا تجدید ارزیابی را به‌عنوان رویه حسابداری خود انتخاب کند و آن را در مورد تمام اقلام یک طبقه

دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود به‌کار گیرد. در روش بهای تمام‌شده دارایی ثابت پس از شناخت باید به مبلغ دفتری یعنی بهای تمام‌شده پس از کسر هرگونه استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته منعکس شود. در روش تجدید ارزیابی پس از شناخت دارایی ثابت، چنانچه ارزش منصفانه به‌گونه‌ای اتکاپذیر قابل‌اندازه‌گیری باشد باید آن را به مبلغ تجدید ارزیابی یعنی ارزش منصفانه در تاریخ تجدید ارزیابی پس از کسر استهلاک انباشته و کاهش ارزش انباشته بعد از تجدید ارزیابی ارائه کرد. تجدید ارزیابی باید در فواصل زمانی منظم انجام شود تا اطمینان حاصل گردد مبلغ دفتری دارایی تفاوت بااهمیتی با ارزش منصفانه آن در تاریخ ترازنامه ندارد. پس از انجام تجدید ارزیابی، استهلاک انباشته قبلی حذف و مبلغ تجدید ارزیابی از هر نظر جایگزین ناخالص مبلغ دفتری قبلی آن دارایی خواهد شد. ارزش منصفانه دارایی‌های ثابت مشهود معمولاً براساس ارزش بازار آن‌ها و توسط ارزیابان باصلاحیت حرفه‌ای تعیین می‌گردد (استاندارد حسابداری ۱۱ و ۱۷). ارزش منصفانه، اندازه‌گیری مبتنی بر بازار است و اندازه‌گیری مختص واحد تجاری نیست (استاندارد حسابداری ۴۲).

۶. مزایا و معایب تجدید ارزیابی شرکت سهامی عام در کشور

مهم‌ترین مزایای افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی به‌روزرسانی ارزش دارایی‌های شرکت و تا حدی شفافیت و مربوط بودن صورت‌های مالی و امکان خروج از شمولیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت است (مرفوع، مؤمن‌زاده و مؤمن‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۵۲). همچنین از سایر مزایا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ارائه اطلاعات به‌موقع به سرمایه‌گذاران جهت کنارگذاری وجوه کافی برای جایگزینی دارایی‌های ثابت در پایان عمر مفید، زیرا محاسبه استهلاک بر مبنای بهای تمام‌شده ذخیره‌ای ناکافی برای جایگزینی آتی بوده و متورم شدن سود و در نتیجه پرداخت سود اضافی و غیرواقعی به سهامداران را در بردارد.
۲. ارائه اطلاعات مفید به مدیریت جهت تصمیم‌گیری در خصوص قیمت‌های فروش و در نتیجه قیمت‌گذاری واقعی محصولات با توجه به نرخ تورم خصوصاً در شرکت‌هایی که محصولاتشان به‌صورت اجباری کمتر از قیمت تمام‌شده واقعی به فروش می‌رسد و شرکت‌های مشمول خصوصی‌سازی.

۳. مذاکره قیمت عادلانه دارایی‌ها پیش از ادغام یا فروش یا اجاره سرمایه‌ای دارایی به واحد تجاری دیگر و در نتیجه انعکاس مبالغ واقعی در حساب‌ها و ثبت مناسب‌ترین رویدادها (دیلمی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۹).
۴. به منظور صدور سهام جایزه برای سهامداران فعلی که در نتیجه‌ی آن قیمت هر سهم کاهش یافته و منجر به تسهیل چرخه خرید و فروش سهام می‌گردد (پوریان‌سب، ۱۳۹۰، ص. ۱۱).
۵. ارزش‌گذاری مناسب دارایی‌های ثابت مورد وثیقه‌گذاری نزد بانک‌ها یا مؤسسات تأمین مالی، منجر به دریافت مبلغ وام بیشتر و یا وثیقه‌گذاری اقلام کمتری از دارایی‌ها می‌گردد (دیلمی‌پور، ۱۳۹۰، ص. ۹).

از معایب تجدید ارزیابی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تجدید ارزیابی‌های غیرمستند دارایی‌ها و کاهش سودآوری شرکت سال‌های پس از انجام تجدید ارزیابی به دلیل افزایش هزینه استهلاک در زمان تجدید ارزیابی دارایی‌های استهلاک‌پذیر و عدم قبول هزینه مربوطه از سوی سازمان امور مالیاتی از مهم‌ترین معایب آن است (مرفوع، مؤمن‌زاده و مؤمن‌زاده، ۱۳۹۹، ص. ۵۳).
۲. پیش‌بینی زیان انباشته بالا در سال‌های آینده توسط شرکت‌های سرمایه‌بری که به دلایل قانونی یا رقابتی الزام به فروش محصولات یا خدمات خود با قیمت ثابت دارند و ایجاد مشکلات تأمین مالی از آنجاکه بخش اعظم بهای تمام‌شده این شرکت‌ها را استهلاک دارایی‌های ثابت آن‌ها تشکیل می‌دهد در آینده بیش‌ازپیش با مازاد بهای تمام‌شده بر قیمت فروش و در نتیجه افزایش زیان انباشته مواجه‌اند. هرچند مبلغ سرمایه شرکت‌ها یکی از معیارهای اساسی برای دریافت تسهیلات مالی تلقی می‌شود، اما بهای تمام‌شده تولیدات با تجدید ارزیابی افزایش یافته و به تبع آن نسبت‌های بازده دارایی و سودآوری کاهش می‌یابد و کاهش توان کسب سود مناسب از عملیات به‌نوبه خود تأمین مالی را با مشکل مواجه می‌کند (خادم‌الحسینی، ۱۳۹۰، ص. ۹).

۳. انتقال مازاد تجدید ارزیابی دارایی به حساب سودوزیان یا اندوخته یا توزیع آن به هر شکل بین صاحبان سرمایه به منزله رعایت استانداردهای حسابداری و تحقق درآمد در آن سال است و مشمول مالیات بر درآمد خواهد بود.

۴. در ماده ۱۱ این آیین نامه بر مطالبه و وصول مالیات متعلق در صورت عدم رعایت هریک از شرایط مندرج در آن تصریح و تأکید شده است. در این صورت با توجه به بند «ج» ماده یک اشخاص حقوقی متحمل پرداخت مالیاتی به نرخ ۲۵ درصد نسبت به مبلغ مازاد تجدید ارزیابی طبق مفاد ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم و اشخاص حقیقی متحمل پرداخت مالیاتی به نرخ ۱۵ الی ۳۵ درصد این مبلغ طبق مفاد ماده ۱۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم می‌شوند. همچنین مالیات حق تمبر افزایش سرمایه انجام شده از محل مازاد موضوع ماده ۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم نیز به همراه جرایم متعلقه بایستی پرداخت گردد (خمس، ۱۳۹۱، ص. ۶).

بی‌شک تجدید ارزیابی سبب واقعی‌تر شدن بهای تمام شده کالاها، سود و همچنین دارایی‌های شرکت‌ها می‌شود و یک عامل مهم برای تقویت منابع مالی شرکت‌هاست. مزیت‌های تجدید ارزیابی آن قدر مهم است که مشکلات و موانع تجدید ارزیابی را به‌خصوص در مورد شرکت‌های تولیدی سرمایه‌بر، کم‌رنگ می‌کند و برای کمک به توسعه پایدار شرکت‌ها نباید این فرصت را از دست داد. معافیت مالیاتی تجدید ارزیابی در شرایط تورمی بهتر است به یک قانون دائم تبدیل شود تا شرکت‌ها بتوانند براساس استانداردهای حسابداری، اینکار را ادامه دهند و با ارائه اطلاعات باکیفیت بهتر به توسعه پایدار کشور کمک کنند. همچنین از دید فقهی عدم بروز شبهه غرر در معاملات یکی از ضوابط عمومی قراردادها و معاملات است که در ادامه به تبیین این قاعده در رابطه با تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی عام پرداخته خواهد شد.

۷. تبیین فقهی ضرورت تجدید ارزیابی

جهت بررسی ضرورت فقهی تجدید ارزیابی در شرکت‌های سهامی لازم است ابتداً به بحث ماهیت سهام پرداخته شود. تبیین ماهیت سهام از آنجا در درک تجدید ارزیابی اهمیت دارد که مشخص می‌کند در معاملات سهام متعاملین چه چیز را مبادله می‌کنند و در این

معامله چه الزاماتی فقهی مدنظر است. پس از بررسی ماهیت فقهی سهام به بحث بیع به وصف و تبیین بروز غرر در این نوع معاملات پرداخته خواهد شد.

۱-۲. ماهیت فقهی سهام

از آنجاکه شکل‌گیری شرکت‌های سهامی عام امروزی پدیده‌ای نوظهور است و در منابع اصیل فقهی به آن پرداخته نشده است، فقهای بزرگوار بحث فقهی مفصلی پیرامون ماهیت فقهی شرکت‌های سهامی و معاملات آن‌ها ندارند اما طی مسائلی و پاسخ به استفتائات، مشروعیت شرکت‌های سهامی را اعلام کرده‌اند، به‌عنوان مثال:

- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جواب سؤال در این باره می‌فرمایند: اگر ارزش مالی سهام کارگاه، کارخانه، شرکت یا بانک به اعتبار خود سهام و بر اثر اعطای اعتبار به آن‌ها توسط کسی که انجام آن به وسیله او صحیح است باشد، خرید و فروش آن اشکالی ندارد و همچنین اگر به اعتبار قیمت کارگاه، شرکت، کارخانه یا بانک یا سرمایه آن‌ها باشد، با توجه به اینکه هر سهمی بیانگر جزئی از آن است، در نتیجه خرید و فروش سهام اشکالی ندارد به شرطی که علم به مجموع سهام شرکت و امور دیگری که عرفاً برای رفع غرر، علم به آن‌ها لازم است، داشته باشد و فعالیت‌های شرکت یا کارخانه و کارگاه یا بانک شرعاً حلال باشد (رساله اجوبه الاستفتائات، ص. ۳۹۶، سؤال ۱۶۹۵).
- از دیدگاه امام خمینی (ره)، شخصیت حقوقی اعم از شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری و... در صدور چک و اسناد تجاری و مبادلات معتبر هستند. در پاسخ به سؤال که آیا صندوق قرض‌الحسنه شخصیت حقوقی مستقلی دارد؟ اگر داشته باشد، آیا به سود حاصل، خمس تعلق می‌گیرد؟ اگر شخصیت حقوقی مستقلی نداشته باشد، کیفیت پرداخت خمس آن چگونه است؟ می‌فرمایند: اگر سرمایه صندوق ملک شخصی اشخاص به نحو اشتراک باشد، سود حاصل از آن، نسبت به سهم هر یک از اعضا ملک شخصی او خواهد بود و باید خمس آن را در زائد بر مئونه سالش بپردازد. ولی اگر سرمایه صندوق ملک شخص یا اشخاص نباشد مثل اینکه از مال وقف عام و مانند آن باشد، سود حاصل از آن، خمس ندارد (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص. ۸۵). در سایر استفتائات، ایشان مالکیت شخصیت حقوقی را معتبر می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص. ۹۲۲).

- علامه شعرانی در تعلیقه بر تبصره المتعلمین شخصیت حقوقی را معتبر می‌داند و قائل به تملک برای شخصیت حقوقی است (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص. ۷۲۵).
- آیت‌الله مکارم نیز در مسأله ۱۷۹۱ توضیح المسائل خود، قائل هستند که: «شخصیت‌های حقیقی و حقوقی هر دو مالک می‌شوند و می‌توانند طرف معامله واقع گردند؛ بنابراین هر مؤسسه خیریه یا انتفاعی که تأسیس گردد و دارای شخصیت حقوقی شود، با اشخاص حقیقی از این نظر تفاوت نمی‌کند».
- آیت‌الله خوئی معتقداند که تنها شخص حقیقی می‌تواند مالک شود و دولت صلاحیت مالک شدن ندارد (خوئی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۴، ص. ۳۲۲).
- شیخ حسین حلی در مورد وجوهی که از بانک گرفته می‌شود می‌فرماید: «واضح است مالی که از بانک گرفته می‌شود از نوع مجهول‌المالک است و تصرف در آن نیاز به اجازه حاکم شرع دارد» (حلی، ۱۳۸۴ق، ص. ۹۹). آیت‌الله سیستانی هم بر همین نظر، مالی که از بانک گرفته می‌شود را مجهول‌المالک می‌دانند (سیستانی، ۱۴۱۴ق، مسأله ۷). اصل فرض گرفتن ملک و ذمه برای شرکت، یکی از آثار و نتایج فرض گرفتن شخصیت حقوقی برای شرکت است (جمعی از مؤلفان، ج ۲۱، ص. ۱۹). از جمله آثار شخصیت حقوقی عبارت است از اینکه:
 ۱. طلب‌کاران شرکت، به‌صورت مستقیم بر مال شرکت حق دارند و می‌توانند بی‌آنکه طلب‌کاران شخصی شرکا مزاحم آن‌ها شوند حق خود را از مال شرکت استیفا کنند؛ درحالی‌که اگر فرض شود مال شرکت، ملک شایع شرکاست نه ملک شخصیت حقوقی شرکت، طلب‌کار شرکت در حقیقت طلب‌کار شرکا می‌شود و با او همانند دیگر طلب‌کاران شخصی شرکا رفتار می‌شود؛ بنابراین اگر شرکا ورشکست شوند، بین این طلب‌کار و سایر طلب‌کاران فرقی نخواهد بود؛ بلکه تمام دارایی شخص مفلس چه در شرکت و چه در غیر شرکت، به‌طور مساوی بر سهم طلب‌کاران تقسیم می‌شود.
 ۲. بین طلب شخص از شریک و بدهی به شرکت، مقاصه واقع نمی‌شود؛ بنابراین اگر طلب‌کار شخص شریک، بدهکار به شرکت بود، حق ندارد بدهی خود به شرکت را در مقابل طلبی که از شریک دارد، ساقط کند؛ زیرا طلب‌کار از شخص حقیقی طلب دارد و در مقابل به شخص حقوقی دیگر بدهکار است؛ نه به آن

شخص تا اینکه تساقط یا تقاص به وجود آید؛ همچنین اگر بدهکار شخص شریک از شرکت طلب‌کار بود، حق ندارد از پرداخت حق شریک به این بهانه که با دین شرکت تقاص کرده، استنکاف کند.

همچنین شرکت به اعتبار شخصیت حقوقی دارای حق مرافعه است و می‌تواند علیه شرکا و غیر آن اقامه دعوا کند. یکی دیگر از آثار شخصیت حقوقی آن است که شخصیت حقوقی مکانی غیر از مکان هر یک شرکا دارد.

چنان‌که بیان شده هرچند برخی از فقها شخصیت حقوقی را معتبر می‌دانند و قابلیت تملک ملک و ذمه برای آن قائل هستند، ولی به نظر می‌رسد اولاً، برخی از آثار شخصیت حقوقی مانند ملکیت و ذمه بیشتر مورد تأکید و قبول واقع شده‌اند و تمامی آثار یک شخصیت حقوقی را نپذیرفته‌اند و اگر نه باید تمامی حقوق و تعهداتی که بر یک شخص حقیقی بار می‌شود را برای یک شخصیت حقوقی معتبر بدانند مانند خمس؛ ثانیاً، نهادهایی مانند دولت، وقف، زکات که در فقه مورد بحث هستند مدنظر قرار گرفته است و در مورد مالکیت و ماهیت خود شخصیت حقوقی و یکی از مصادیق آن یعنی شرکت سهامی سخنی به میان نیامده است. فقهای که شخصیت حقوقی را معتبر می‌دانند از آن به عنوان یک مال اعتباری یاد می‌کنند، صاحب عروه الوثقی می‌فرماید «در معقول بودن و عدم آن بین عنوان مالک و متعلق ملک فرقی وجود ندارد. از نظر فقها تملیک مال کلی در ذمه باینکه وجود خارجی ندارد، جایز است اگر تملیک متعلق ملک که معدوم در وعاء خارج و موجود در ظرف ذمه است، جایز باشد، عنوان مالک هم می‌تواند معدوم در ساحت خارج و موجود در عالم اعتبار باشد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص. ۳۱۵). ماهیت شخصیت، همان صلاحیت و اهلیت تحمل حقوق معین و تعریف شده است، این اهلیت در افراد واجد شرایط یک امر ذاتی و واقعی و غیرقابل انفکاک از شخص آن‌هاست که از آن به شخصیت حقیقی تعبیر می‌شود و در عناوین حقوقی مانند مؤسسات و شرکت‌ها، یک امر اعتباری و قابل انفکاک از آن‌هاست و قانون‌گذار این اهلیت را برای آن‌ها اعتبار می‌کند (نظری، ۱۳۹۲، ص. ۶۱). ولی تحلیل این دسته از فقها صرفاً ناظر به آن است که مالک این شخصیت اعتباری یک فرد واحد مانند دولت است و در مورد شرکت‌های سهامی که مالکان متعدد دارند، بحثی در این خصوص مطرح نشده است. سهامداران این شخصیت

اعتباری، آیا مالک یک مال اعتباری هستند یا همانند سایر فقهای که شخصیت حقوقی را معتبر نمی‌شمارند، ایشان نیز سهام را ملکیت مشاع در اموال و دارایی‌های شرکت می‌دانند؟ به نظر می‌رسد، چنانکه گذشت طبق نظر موسوی بجنوردی، این اعتبار برای شخصیت حقوقی، حاکی از یک دارایی دیگر نباشد، بلکه همانند پول که قانون‌گذار به آن اعتبار بخشیده، مالیت و قیمت برای این شخصیت معتبر باشد و این مال اعتباری خود عینیت داشته باشد، بنابراین با خرید سهام در حقیقت اموال و دارایی‌های شرکت خریداری می‌شود. در صورتی که شخصیت حقوقی را نپذیریم، با توجه به ویژگی‌های سهام، می‌توان گفت سهامداران براساس عقد شرکت مالکان مشاع دارایی‌ها و تعهدات شرکت هستند. همانند شرکت عقدی، سرمایه نقدی و غیرنقدی شرکا ممزوج شده و متناسب با سرمایه هر فرد سودوزیان میان آن‌ها تقسیم می‌شود، در مورد ویژگی‌های خاص سهام مانند وجود حق رأی برای سهامداران، شرط عدم تقسیم دارایی‌های شرکت، عدم ابطال شرکت در صورت فوت و حجر سهامداران که با برخی از ویژگی‌های شرکت عقدی در تعارض است می‌توان گفت که اولاً، معاملات سهام از جمله عقود تشریفی است و با برقراری شرایط خاص، معامله آن صحیح است، لذا می‌توان موارد مذکور را ذیل عقد خارج لازمی شرط نمود و در حقیقت شرکا همگی این شروط را قبول کرده و اجرای آن را بر خود لازم می‌دانند.

کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار در پاسخ به سؤال از چیستی و ماهیت سهام اظهار داشته است: «در خصوص ماهیت سهام، دیدگاه‌های متعددی در بین صاحب نظرات مطرح است که بسیاری از آن‌ها مبتنی بر قانون مدنی یا قانون تجارت است و هرکدام سعی کرده‌اند بر مبنای مفروضاتی، ماهیت سهام را تبیین نمایند؛ اما از نظر کمیته تخصصی فقهی، با توجه به نظر بسیاری از مراجع عظام تقلید، سهم یک سند است که نشان‌دهنده حصة‌ای از مالکیت دارنده آن در مجموعه اموال یک شخص حقوقی به نحو اشاعه است.» (مصوبات کمیته تخصصی فقهی، ۱۴۰۱، ص. ۴۷)؛ بنابراین اظهار نظر می‌توان نتیجه گرفت که از نظر کمیته فقهی سازمان بورس، شخص حقوقی مورد پذیرش قرار نگرفته و دارای آثار حقوقی نخواهد بود و برای مثال رابطه سهامداران با اموال شرکت بدون در نظر گرفتن شخص حقوقی لحاظ شده و سهامداران مالک دارایی‌های شرکت خواهند بود. بدیهی است چنین تحلیلی در بسیاری از معاملات، آثار متفاوتی نسبت به فرض وجود شخص حقوقی خواهد داشت. بر این مبنا کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار وقف،

رهن و اجاره سهام را نیز جایزه دانسته است. در اینجا نیز اگر خرید و فروش سهام را خرید و فروش حصه مشاع دارایی‌های شرکت بدانیم، متعاملین باید نسبت به تمامی اوصاف و ویژگی‌ها و ارزش روز دارایی‌های شرکت واقف باشند.

غالب فقهای اهل سنت مانند محی‌الدین القره داغی، عبدالغفار الشریف و مصطفی‌الزحیلی ماهیت سهام را حصه مشاعی از دارایی‌های شرکت می‌دانند (موسویان و میرزاخانی، ۱۴۰۰، ج ۵) بیانیه نهایی مجمع فقه اسلامی، سمینار بازارهای مالی از نظر اسلامی، در مغرب سال ۱۴۱۰ق (۱۹۸۹م) در مورد ماهیت سهم می‌گوید که سهام، یک گواهی است که شرکت آن را صادر می‌کند و این گواهی حق سهام‌دار در شرکت و ملکیت وی بر سهم مشاع از دارایی‌های شرکت را مشخص می‌کند؛ بنابراین، به اعتقاد مشهور فقهای شیعه و اهل سنت، معاملات بازار اولی سهام براساس قرارداد شرکت و معاملات بازار ثانوی آن براساس بیع، با رعایت ضوابط شرکت و بیع صحیح است (موسویان و میرزاخانی، ۱۴۰۰، ج ۵؛ موسویان، حسن‌زاده سروستانی، نیکومرام، ۱۳۹۴، ص. ۴۱).

اساساً سهامداران عمده و سرمایه‌گذاران با افق سرمایه‌گذاری بلندمدت یا به عبارت دیگر اشخاصی که به صورت بنیادی اقدام به خرید و فروش سهام می‌کنند، عموماً مبتنی بر اطلاعات و رویدادهای ابرازی توسط شرکت‌ها اقدام به خرید و فروش سهام می‌نمایند. مهم‌ترین منبع درج صورت‌های مالی و رویدادهای شرکت در بازار سرمایه ایران، وبگاه کدال است که شرکت‌ها ملزم به ارائه صورت‌های مالی دوره‌ای، افشاء کلیه اطلاعات بااهمیت و مؤثر بر رفتار سرمایه‌گذار هستند؛ بنابراین سرمایه‌گذاران برای خرید یا فروش سهام یک ناشر اقدام به مشاهده دارایی‌ها و تجهیزات شرکت نمی‌کنند، بلکه با اوصاف و ویژگی‌های بیان‌شده در قالب صورت‌های مالی و افشاء اطلاعات تصمیم‌گیری می‌کنند. هرچند غیر از ترازنامه شرکت عوامل دیگری در تصمیم‌گیری سهامداران در معاملات سهام دخیل هستند، ولی ترازنامه یک شرکت آئینه از وضعیت کنونی شرکت است و توصیف جامع از شرکت از قبیل دارایی‌ها، بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام در آن مندرج می‌شود و شخصی که می‌خواهد ویژگی‌های جامع مبیع (سهام) را در یک قاب ببیند باید به ترازنامه رجوع کند.

۲-۷. بیع به وصف و لزوم عدم وجود غرر

چنانچه از نظر مشهور فقها برداشت شد، با فرض عدم اعتبار شخصیت حقوقی، سهامداران مالکان مشاع حصه دارایی‌های شرکت و به عبارت دیگر مالکان اعیان شرکت هستند. در خصوص بیع اعیان، شرایطی در فقه آمده است که به شرح ذیل به آن پرداخته می‌شود. بیع اعیان به دو صورت قابل فرض است، «بیع با مشاهده اعیان» و «بیع به خیار رؤیت» (یا به عبارت دیگر بیع به وصف مبیع). اگر معامله به صورت غیرمشاهده باشد، در خصوص اعیانی که نیاز به توصیف جنس یا اوصاف و ویژگی‌های مبیع است، واجب است به صورتی مبیع وصف شود که رافع جهالت باشد (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص. ۱۶۷)؛ چنین بیعی، اصطلاحاً بیع خیار رؤیت گفته می‌شود، در صورتی که اوصاف یادشده در مبیع وجود داشته باشد، بیع لازم است و خیاری وجود نخواهد داشت و در صورتی که اوصاف و ویژگی‌های بیان شده مطابقت نداشته باشد، برای مشتری اختیار فسخ یا برقراری قرارداد وجود خواهد داشت (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص. ۱۵۰؛ بحرانی، ۱۴۲۱ق، ص. ۴۸۰). مطابق ماده ۴۱۰ قانون مدنی در خیار تخلف وصف «هرگاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد، بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می‌شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید». هرچند در رویه معاملات سهام امکان فسخ معاملات توسط سرمایه‌گذاران، خصوصاً در معاملات خرد، وجود ندارد، لیکن عدم وجود چنین حقی برای سرمایه‌گذار به معنی عدم رعایت قواعد شفافیت و در توصف کالا و معاملات سهام نیست، بلکه این قضیه لزوم بیشتر شفافیت در خصوص تمامی ابعاد شرکت و من جمله ارزش منصفانه روز دارایی‌ها را می‌طلبد. علاوه بر این، در صورتی که اوصاف مبیع در حین عقد با جهالت همراه باشد معامله را با غرر مواجه می‌کند. در تعیین قلمرو معاملات غرری میان علما اتفاق نظر وجود ندارد. با بررسی آراء فقها

می‌توان غرر را در سه گروه دسته‌بندی کرد:

۱. اشتراط قدرت بر تسلیم عوضین معامله؛
۲. اشتراط علم تفصیلی به عوضین؛
۳. اشتراط علم به شرایط معامله (علیدوست، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۰).

در خصوص علم تفصیلی متعاقدين به عوضین در عقد بیع که محل مناقشه این مقاله است، مشهور فقها از جمله امام خمینی (ره) که به اجماع فقها تمسک کرده‌اند، علم تفصیلی

متعاقدين به مقدار و کیفیت عوضين را شرط صحت بيع می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص. ۳۵۳). آیت‌الله سبحانی علم به مکيل و وزن را از شرایط صحت معامله می‌دانند. آیت‌الله مکارم شیرازی هرگونه جهالت نسبت به مقدار ثمن یا مثن را موجب غرر دانسته و آن را باطل می‌دانند (علیزاده اصل و موسویان، ۱۳۹۴، ص. ۲۴).

نکته اساسی در غرر آن است که آیا مطلق جهالت منجر به ایجاد غرر در معامله می‌شود؟ معیار و حد جهالت در بروز غرر یکی از نکات کلیدی در تشخیص معاملات غرری است. برخی از فقها مانند صاحب جواهر، شیخ انصاری، مراغی و ملااحمد نراقی، سبحانی و جواد آملی در تبیین جهالتی که منجر به غرر می‌شود ملازمه آن با خطر شرط می‌دانند (علیزاده اصل و موسویان، ۱۳۹۴، ص. ۱۷). محقق خوبی می‌فرماید «مشهور فریقین معنای خطر را در نظر گرفته‌اند و تفاوتی ندارد که این خطر از ناحیه جهالت نسبت به قدرت بر تسلیم، یا جهالت نسبت به اوصاف کمی یا کیفی مورد معامله باشد و این موضوع منجر به فساد معامله می‌شود» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص. ۲۶۱)؛ بنابراین جهالت همراه با خطر غیرقابل تسامح ملاک غرر است. در مورد تشخیص نوع و شدت خطر در ایجاد یک معامله غرری برخی از فقها به معیار عرفی بودن آن اشاره کرده‌اند.

شهید اول، شیخ انصاری، ملااحمد نراقی و صاحب‌جواهر ملاک در تحقق غرر را عرف دانسته‌اند (علیزاده اصل و موسویان، ۱۳۹۴، ص. ۲۴). غرر احتمال خسارتی است که عرف از آن خودداری می‌کند و عدم خودداری از آن موجب توبیخ شود (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص. ۹۲). در اینجا منظور از خطر، ضرر و زیانی است که فرد با انجام معامله با آن مواجه می‌شود و این زیان قابل تسامح نیست. در ادبیات فقه، منظور از زیان، خسارت اصل مال و یا تضييع سود حاصل شده است، بنابراین عدم نفع و یا عدم تحقق سود مازاد مورد انتظار ملاک ایجاد زیان نخواهد بود.

در اینجا سؤال آن است که آیا عدم شفافیت در ارزش روز دارایی‌های شرکت موجب ایجاد ارزش‌گذاری غلط و یا فریب برخی از سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای بازار خواهد شد یا خیر؟

هرچند در بازار سهام سرمایه‌گذاران براساس ریسک‌های کلی اقتصاد و بازار و پیش‌بینی آتی از سودآوری شرکت اقدام به ارزش‌گذاری قیمت‌های بازاری سهم می‌نمایند،

ولی یکی از روش‌های ارزش‌گذاری سهام، ارزش خالص روز دارایی‌های شرکت^۱ است که بسیاری از شرکت‌های ارزش‌گذار از این روش به همراه سایر روش‌ها اقدام به تعیین ارزش منصفانه سهام شرکت‌ها می‌کنند. در صورتی که ماهیت فقهی سهام را حصه مشاعی از دارایی‌های شرکت ندانیم و سرمایه‌گذاران ادعای مستقیمی بر دارایی‌های شرکت نداشته باشند، در حقیقت سرمایه‌گذاران یک مال اعتباری تحت عنوان شرکت را خریداری می‌کنند که ارزش آن ناشی از ریسک‌های بازاری و ارزش روز تنزیلی جریان نقد آتی شرکت خواهد بود و عدم شفافیت در ارزش روز دارایی‌ها تأثیر شگرفی بر قیمت سهم نخواهد داشت، ولی اگر مبنای غالب فقها در خصوص سهم، یعنی ملکیت حصه مشاع دارایی شرکت را بپذیریم، عدم شفافیت در ارزش روز دارایی‌ها منجر به ارزش‌گذاری غلط بسیاری از شرکت‌ها خصوصاً شرکت‌هایی که دارایی محور هستند خواهد شد. از آنجاکه بازار سهام محل تعاملات افراد حقیقی و حقوقی با سطوح اطلاعاتی مختلف است، عدم وجود شفافیت لازم در صورت‌های مالی می‌تواند منجر به زیان سهامداران خرد گردد. این موضوع در خصوص بازارهای مالی کشورهای نوظهور من جمله ایران که دارای بازارهای کم‌عمق و کارایی متوسط و ضعیف هستند بیشتر نمود پیدا می‌کند.

۳-۷. لزوم تجدید ارزیابی در شرکت‌های مختلف از دید میزان دارایی ثابت

تجدید ارزیابی در شرکت‌های مختلف متفاوت است و باید با توجه به نوع فعالیت شرکت و نوع دارایی‌های ثابتی که دارد، صورت گیرد. تجدید ارزیابی در شرکت‌های تولیدی به دلیل داشتن دارایی‌های ثابت بیشتری مانند ماشین‌آلات، تجهیزات و ساختمان‌های بزرگ، اهمیت بیشتری دارد. نرخ تورم بیشتر تأثیر خودش را بر روی ارقام کالایی می‌گذارد و شرکت‌های دارایی محور بیشتر از شرکت‌های خدماتی مانند شرکت‌های واسطه خدماتی در جهت رشد دارایی‌ها حرکت خواهند کرد. از طرف دیگر هرچند تورم در رشد درآمدهای شرکت‌های خدماتی و واسطه‌ای اثرگذار است، ارقام درآمدی و وجوه نقد معمولاً به‌روز هستند و جزو دارایی‌های جاری شناسایی می‌شوند که نیاز به ارزیابی مجدد ندارند؛ بنابراین با توجه به ادله فقهی ذکر شده، در شرایط تورمی لزوم تجدید ارزیابی برای

شرکت‌های دارایی محور بیش از شرکت‌های خدماتی و واسطه‌ایی و یا شرکت‌هایی که دارایی‌های نامشهود عمده دارایی آن‌هاست محرز می‌شود.

جمع‌بندی و پیشنهادها

تورم موجب تفاوت معنادار ارزش دارایی‌های دفتری با ارزش منصفانه روز آن‌ها خواهد شد. در چنین شرایطی، عدم تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها می‌تواند منجر به ارائه صورت‌های مالی مبهمی شود که ناشی از تفاوت میان ارزش دفتری و ارزش منصفانه دارایی‌های ثابت است. این امر می‌تواند شبیه‌گرایی بودن در معاملات سهام را تقویت کند. به عبارت دیگر، عدم تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت می‌تواند باعث کاهش شفافیت و صحت اطلاعات مالی شرکت‌ها شود. با توجه به اینکه بازار سرمایه به‌عنوان یکی از عوامل حیاتی اقتصاد، باید براساس اطلاعات صحیح و شفاف عمل کند، لذا تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها منجر به بهبود کارایی بازار می‌گردد.

در این پژوهش با رویکرد فقهی و حقوقی به بررسی لزوم تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی عام پرداخته شده است. با عنایت به ماهیت فقهی سهام که از دیدگاه مشهور فقها آن را حصه مشاع از دارایی‌ها می‌دانند، بیع سهام نوعی بیع با تبیین اوصاف و ویژگی‌های مبیع است و بروز و ظهور تبیین این اوصاف به‌صورت رسمی در صورت‌های مالی و گزارش‌های شرکت بالاخص ترازنامه شرکت است. در مورد شرکت‌های سهامی عام این صورت‌ها و گزارش‌ها در تارنمای کدال افشا می‌گردد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شرایطی که نرخ تورم قابل توجه است و موجب ایجاد تفاوت معنادار ارزش دارایی‌های دفتری از ارزش منصفانه روز آن‌ها می‌شود، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی عام، خصوصاً شرکت‌های دارایی محور، ضروری است. این امر به‌منظور احتراز از جهالت در عوضین معامله و بروز شبیه‌گرایی در معاملات سهام و حفظ شفافیت و صحت اطلاعات مالی شرکت‌ها است.

به‌طورکلی، می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط تورمی، تجدید ارزیابی دارایی‌ها در شرکت‌های سهامی عام، خصوصاً شرکت‌های دارایی محور لازم و ضروری است و با توجه به نرخ تورم و نوع دارایی شرکت، فواصل زمانی ارزیابی دارایی‌های شرکت تنظیم خواهد

شد؛ لذا لازم است نهاد ناظر با عنایت به نرخ تورم، نوع فعالیت و دارایی شرکت‌ها برنامه مدونی را برای تجدید ارزیابی شرکت‌ها در نظر بگیرد.

از دیدگاه سیاستی نیز با عنایت به ماده ۲ قانون بازار اوراق بهادار که یکی از اهداف تشکیل سازمان بورس و اوراق بهادار را حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و حفظ و توسعه بازار شفاف، منصفانه و کارای اوراق بهادار قلمداد کرده است، در شرایطی که اقتصاد طی چندین سال نرخ‌های تورم بالا را تجربه کرده باشد، الزام بر تجدید ارزیابی می‌تواند به شفافیت بازار و ارائه صورت‌های مالی منصفانه منجر شود. از آنجاکه تجدید ارزیابی همواره به‌عنوان یک عامل روانی مثبت برای تقویت قیمت‌ها محسوب می‌شود، در شرایط رکودی بازار می‌تواند به‌عنوان یک محرک مورد توجه سیاست‌گذاران بازار قرار گیرد.

کتابنامه

۱. آقایی، محمدعلی؛ و رسائیان، امیر (۱۳۸۸). معیارهای ارزش منصفانه اموال ماشین‌آلات و تجهیزات، حسابدار رسمی، ۲(۸)، ۷۲-۸۵.
2. Aghaei, M, A, & Rasaeyan, A., (2008) Fair Value Criteria for Machinery and Equipment. *Official Accountant*, 8(2), 72-85. (In Persian).
۳. بحرانی، حسین بن محمد (۱۴۲۱ق). *سداد العباد و رشاد العباد* (چاپ اول). ایران، قم: کتابفروشی محلاتی.
4. Bahrani, Hossein bin Muhammad (2001). *Sadad al-Abad and Rashad al-Abad* (First Edition). Iran, Qom: Mahalati Bookstore. (In Persian).
۵. بخشنده، محمدرضا؛ و ملکی، مهدی. (۱۳۹۷). مفاهیم ارزشیابی در حسابداری. *حسابداری و حسابرسی*، ۲۴(۹۴)، ۱۳۱-۱۵۲.
6. Bakhsandeh, Mohammadreza; Maleki, Mehdi. (2018). Evaluation concepts in accounting. *Accounting and Audit*, 24(2), 131-152. (In Persian).
۷. پوریانسب، امیر. (۱۳۹۰). مدل تجدید ارزیابی نیازمند تجدید ارزیابی (گفتگو با تعدادی از اساتید و صاحب‌نظران حسابداری). *حسابدار*. ۲۰(۲۴۰)، ۱۰-۲۹.
8. Puria Nesab, A. (2011). The Re-evaluation Model Requires a Re-evaluation of the Conversation with a Number of Accounting Professors and Experts. *Accountants*. 20(240). 10-29. (In Persian).
۹. تقی‌نجاج، غلامحسین؛ مؤمن‌زاده، محمد مهدی. مؤمن‌زاده، محمد هادی (۱۳۹۲). تحلیل بنیادی و افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها. *همایش حسابداری ایران*، تهران، ایران.

10. Taghi Netaj, G; Momenzadeh, M, M; & Momenzadeh, M, H., (2012). Fundamental Analysis and Capital Increase from the Excess of Asset Revaluation. Iran Accounting Conference, Tehran, Iran. (In Persian).
۱۱. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۴). *فقه اهل بیت علیهم السلام*. ایران، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
12. A Group of Authors (1995). *Ahl al-Bayt Jurisprudence*. Iran: Qom: Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute on Ahl al-Bayt Religion. (In Persian).
۱۳. حاجیان، نجمه؛ یوسفی اصل، فرزانه؛ و خلقی، رویا (۱۴۰۰). *تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت و اثر آن بر عملکرد شرکت و بازده سهام. حسابداری مالی*. ۱۳(۴۹). ۸۶-۱۰۹.
14. Hajian, N; Yousefi Assal, F; & Kholghi, R., (2021). Revaluation of Fixed Assets and Its Effect on Company Performance and Stock Returns. *Financial Accounting*. 13(49). 86-109. (In Persian).
۱۵. حلی، شیخ حسین (۱۳۸۴ق). *محاضرات، بحوث فقهیه*. لبنان، بیروت: دارالزهرا.
16. Hali, S, H., (1965). *Lectures, Jurisprudential Research*. Lobnan, Beirut: Dar al-Zahra. (In Persian).
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). *تبصره المتعلمین فی احکام الدین*. ایران، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
18. Hali, Hasan bin Yusuf (1991). *Note of the Learned in the Rulings of Al-Din*. Iran, Tehran: Publishing Institute Attached to the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
۱۹. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء* (چاپ اول). ایران، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.
20. Hali, Hasan bin Yusuf (1994). *Tazkira al-Fiqaha* (First Edition). Iran, Qom: Al-Bayt Institute. (In Persian)
۲۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق). *تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة* (چاپ اول). ایران، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
22. Hali, Hasan bin Yusuf (2000). *Tahrir al-Ahkam al-Sharia on the Imamate Religion* (First Edition). Iran, Qom: Institute of Imam Sadiq. (In Persian)
۲۳. خادم‌الحسینی، مصطفی (۱۳۹۰). *موانع و محدودیت‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها*. دنیای اقتصاد. ۹(۲۵۵۹).
24. Khadima Al-Hussaini, M., (2010). Obstacles and Limitations of Revaluation of Assets. *World of Economy*. 9(2559). (In Persian)
۲۵. خمسه، حسین (۱۳۹۱). *آیین‌نامه اجرایی معافیت مالیاتی تجدید ارزیابی دارایی‌ها در سال ۱۳۹۱*. یادداشت درج‌شده در <http://www.yektatadbir.com>
26. Khamsa, H., (2012). *Executive Regulations for Asset Revaluation Tax Exemption in 2013*. Note Posted at <http://www.yektatadbir.com> (In Persian)

۲۷. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، *موسوعه الامام الخویی*. ایران، قم: مؤسسه احیا آثار الامام الخویی.
28. Khoei, S, A., (1998). *Imam Al-Khoei Encyclopedia*. Iran, Qom: Imam Al-Khoei Works Revival Institute. (In Persian)
۲۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *مصباح الفقاهه*. ایران، قم: منشورات مکتبه الداوری قم.
30. Khoei, S, A., (1993). *Misbah al-Faqah*. Iran, Qom: The Pamphlets of the Al-Davari Library of Qom. (In Persian)
۳۱. دبیرخانه کمیته تخصصی فقهی (۱۴۰۱). *مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار (ویراست دوم)*. ایران، تهران: بورس.
32. Secretariat of the Shariah Committee (2022). *Resolution of Shariah Committee of the Securities and Exchange Organization (2nd Edition)*, Tehran: Bors Publications. (In Persian)
۳۳. دیلمی‌پور، مصطفی (۱۳۹۰). *نقدی بر تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت در ایران*. دنیای اقتصاد، ۹(۲۵۶۳).
34. Dilmipour, M., (2019). A Critique on Revaluation of Fixed Assets in Iran. *World of Economy*. 9(2563). (In Persian)
۳۵. رحمانی، علی؛ و حمیدی، الهام (۱۳۸۵). *مبانی نظری و موانع عملی تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت*. حسابدار، ۲۱(۱۷۶)، ۵۶-۶۳.
36. Rahmani, Ali; & Hamidi, E., (2008). Theoretical Foundations and Practical Obstacles of Revaluation of Fixed Assets. *Accountant*. 21(176), 56-63. (In Persian)
۳۷. سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ق). *منهاج الصالحین (جلد اول)*. ایران، قم: اعمال البنوک و المصارف.
38. Sistani, S, A., (1994). *Minhaj al-Salihin (Vol. 1)*. Iran, Qom: Acts of al-Bunk and al-Masraf. (In Persian)
۳۹. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الإمامیه*. لبنان، بیروت: دارالتراث.
40. First Martyr, Muhammad bin Makki (1990); *Al-Lamaa al-Damashkiyyah in Fiqh al-Imamiyah*. Iran, Beirut: Daral-Tarath. (In Persian)
۴۱. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۴ق). *غایه المراد فی شرح نکت الارشاد (چاپ اول)*. ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
42. First Martyr, Muhammad bin Makki Ameli (1994). *Ghaye al-Murad fi Sharh Nakat al-Arshad (First Edition)*. Iran, Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. (In Persian)
۴۳. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۳ق). *عروه الوثقی (جلد ششم)*. ایران، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

44. Tabatabaei Yazdi, S, M, K., (2003). *Arwa Al-Waghti* (Vol. 6). Iran, Qom: Islamic Publishing Institute. (In Persian)
۴۵. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲). قاعده نفی غرر در معاملات، *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۸۹-۱۰۶.
46. Alidost, A., (2012). The Rule of Negation in Transactions. *Islamic Economics*, 3(9), 89-106. (In Persian)
۴۷. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری سازمان حسابرسی (۱۳۸۸). *استانداردهای حسابداری*. ایران، تهران: سازمان حسابرسی.
48. Accounting Standards Development Committee of Audit Organization (2008). *Accounting Standards*. Iran, Tehran: Corporate Audit. (In Persian)
۴۹. مرفوع، محمد؛ مؤمن‌زاده، محمدمهدی؛ و مؤمن‌زاده، محمدهادی (۱۳۹۹). مروری بر ادبیات تجدید ارزیابی دارایی‌های ثابت. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۹(۳۴)، ۵۱-۶۶.
50. Marfoo, M; Momenzadeh, M, M; & Momenzadeh, M, H., (2019). A Review of Fixed Assets Revaluation Literature. *Accounting and Auditing Studies*. 9(34). 51-66. (In Persian)
۵۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۶ق). *توضیح المسائل*. ایران، قم: طاهری.
52. Mousavi Khomeini, S, R., (2005). *Tozih Almasael*. (Iran, Qom: Taheri. (In Persian)
۵۳. موسویان، سیدعباس، حسن‌زاده سروستانی، حسین، نیکومرام، هاشم (۱۳۹۴). تحلیل سهام عادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در جایگاه مبیع در عقد بیع براساس فقه امامیه، *تحقیقات مالی اسلامی*، ۴(۷)، ۴۴-۵. DOI: 10.30497/ifr.2014.1674
54. Mousaviyan, S, A; Hassanzadeh Sarostani, H; & Nikumram, H., (2014). Analysis of Ordinary Shares of Companies Admitted to the Tehran Stock Exchange in the Position of Seller in the Sale Contract Based on Imamiyyah Jurisprudence, *Islamic Financial Research*, 4(7), 5-44. DOI: 10.30497/ifr.2014.1674 (In Persian)
۵۵. موسویان، سیدعباس؛ و علیزاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید، *تحقیقات مالی اسلامی*، ۵(۹)، ۳۶-۵. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791
56. Mousaviyan, S, A; Alizadeh Assal, M., (2014). Review of Gharr Rule in New Transactions. *Islamic Financial Research*, 5(9), 5-36. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791 (In Persian)
۵۷. موسویان، سیدعباس؛ و میرزاخانی، رضا (۱۴۰۰). نقش شیعه در گسترش علوم اسلامی (جلد ۵). ایران، قم: امام علی ابن ابیطالب.

58. Mousaviyan, S, A; & Mirzakhani, R., (2021). *The Role of Shia in the Development of Islamic Sciences* (Vol 5). Iran, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib. (In Persian).
۵۹. نظری، حسن آقا (۱۳۹۲)، *مبانی فقهی - اقتصادی نهادهای مالی بازار سرمایه اسلامی*. ایران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
60. Nazari, H., (2012). *Jurisprudential - Economical Foundations of Islamic Capital Market Financial Institutions*. Iran, Qom: University and Field Research Institute. (In Persian).
61. Amelinda, F., & Murni, N. S. I. M. (2018). Factors That Influence the Revaluation of Fixed Assets in Manufacturing Sector Companies Listed on the Indonesia Stock Exchange Period 2014-2017. *The Indonesian Accounting Review*, 8(1), 71-80.
62. Asad, M., & Qadeer, H. (2014). Components of Working Capital and Profitability: A Case of Fuel and Energy Sector of Pakistan. *Paradigms*, 8(1), 41-52.
63. Asad, M., & Farooq, A. (2009). Factors Influencing KSE 100 Index/Share Prices. *Pardigms A Journal of Commerce, Economics, and Social Sciences*, 3(1), 34-51.
64. Aboody, D., Barth, M. E., & Kasznik, R. (1999). Revaluations of Fixed Assets and Future firm Performance: Evidence from the UK. *Journal of Accounting and Economics*, 26(1-3), 149-178.
65. Andison, A., & Nasser, E. M. (2017). Operating Cash Flow, Earning Response Coefficient, and Fixed Asset Revaluation: Study on Manufacturing Company. *Etikonomi*, 16(1), 194873.
66. Ashbaugh, H., & Olsson, P. (2002). An Exploratory Study of the Valuation Properties of Cross-Listed firms' IAS and US GAAP Earnings and book Values. *Accounting Review*, 77(1), 107-126.
67. Baek, H. Y., & Lee, D. Y. (2016). Motives for and Effects of Asset Revaluation: An Examination of South Korean Data. *Emerging Markets Finance and Trade*, 52(12), 2808-2817.
68. Bashir, A., & Asad, M. (2018). Moderating Effect of Leverage on the Relationship Between Board Size, Board Meetings and Performance: A Study on Textile Sector of Pakistan. *American Scientific Research Journal for Engineering, Technology, and Sciences (ASRJETS)*, 39(1), 19-29.
69. Bae J, Lee J, Kim E (2019). *Does Fixed Asset Revaluation Build Trust Between Management and Investors ?Sustainability*, 11, 1-22.
70. Riahi-Belkaoui, A. (2004). *Accounting Theory*. Cengage Learning EMEA. International Thomson.
71. Cartwright, S., & Cooper, C.L. (2014). *Mergers and acquisitions: The Human Factor*. Butterworth-Heinemann
72. Choi, T. H., Pae, J., & Yoo, C. Y. (2013). *Demand for Fair Value Accounting: The Case of Asset Revaluations in Private Versus Public Firms*. Working Paper, KAIST Business School, South Korea.
73. Financial Accounting Standard (FAS) No. 9, (2010) - "Ijarah and Ijarah Muntahia Bittamleek". Available at: <http://AAOIFI.com>

74. Herrmann, D., Saudagaran, S. M., & Thomas, W. B. (2006). The Quality of Fair Value Measures for Property, Plant, and Equipment. In *Accounting Forum* (Vol. 30, No. 1) 43-59.
75. Henderson, S., & Goodwin, J. (1992). The Case Against Asset Revaluations. *Abacus*, 28(1), 75-87.
76. Haider, S. H., Fatima, M., Asad, M., & Ala'A, Z. A. A. (2016). A Study on the Issues of Employment Contracts and Practices of Employment Contracts in UAE. *Paradigms*, 10(1), 58.
77. Haider, S. H., Asad, M., & Fatima, M. (2017). Entrepreneurial Orientation and Business Performance of Manufacturing Sector Small and Medium Scale Enterprises of Punjab Pakistan. *European Business and Management*, 3(2), 21-28.
78. International Accounting Standards Committee (2003). *International Accounting Standard* No. 16. Property, plant, and equipment. IASC.
79. IASC Foundation Education (2023). Technical Summary: *IAS 29 Financial Reporting in Hyperinflationary Economies*. IASC Foundation
80. International Accounting Standards Board. (2017). *IAS 16 Property, Plant and Equipment*. Retrieved from <https://www.iasplus.com/en/standards/ias/ias16>
81. International Accounting Standards Board. (2017). *IAS 38 Intangible Assets*. Retrieved from <https://www.iasplus.com/en/standards/ias/ias38>
82. International Accounting Standards Board. (2017). *IFRS 13 Fair Value Measurement*. Retrieved From <https://www.iasplus.com/en/standards/ifrs/ifrs13>
83. Jaggi, B., & Tsui, J. (2001). Management Motivation and Market Assessment: Revaluations of Fixed Assets. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 12(2), 160-187.
84. Lopes, A. B., & Walker, M. (2012). Asset Revaluations, Future Firm Performance and Firm-Level Corporate Governance Arrangements: New Evidence from Brazil. *The British Accounting Review*, 44(2), 53-67.
85. Paton, W. A., & Dixon, R. L. (1958). *Essentials of Accounting*.
86. Picker, R., Clark, K., Dunn, J., Kolitz, D., Livne, G., Loftus, J., & Van der Tas, L. (2019). *Applying IFRS standards*. John Wiley & Sons.
87. Rahman, M. T., Hossain, S. Z., & Haque, M. A. (2021). Timing, Recurrence, and Effects of Fixed Assets Revaluation: Evidence from Bangladesh. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 11(2), 67-75.
88. Reitel, C., (1936), *Accounting Principles for Engineers (The Importance of Fixed Asset Valuation)*, Chapter XIV, McGraw-HillBook Company, Inc, 206-207.
89. Siegel J. G., N. Dauber & J. K. Shim, (2005), *The Vest Pocket CPA*, Wiley, 184-185.
90. Sullivan, A.; Steven M. S. (2003). *Economics: Principles in Action*. Upper Saddle
91. Tabari, N. Y., & Adi, M. (2014). Factors Affecting the Decision to Revaluation of Assets in Listed Companies of Tehran Stock Exchange (TSE). *International Journal of Scientific Management and Development*, 2(8), 373-377.

92. Wali, S. (2015). Mechanisms of Corporate Governance and Fixed Asset Revaluation. *International Journal of Accounting and Finance*, 5(1), 82-97.
93. Walker, R. G. (1992). The SEC's Ban on Upward Asset Revaluations and the Disclosure of Current Values. *Abacus*, 28(1), 3-35.
94. Weston, J. F. (1953). Revaluations of Fixed Assets. *The Accounting Review*, 28(4), 482-490.
95. Weygandt, J. J., Kimmel, P. D., & Kieso, D. E. (2011). *Accounting Principles*. New Jersey: Wiley
96. Whittred, G., & Chan, Y. K. (1992). Asset Revaluations and the Mitigation of Underinvestment. *Abacus*, 28(1), 58-74.
97. Zhai, Y. H. (2007). *Asset Revaluation and Future Firm Operating Performance: Evidence from New Zealand* (Doctoral dissertation, Lincoln University).



Qarar in International Oil and Gas Contract

Mohammad Hossein Esfandiarpour*

Ahmad Shabani**



10.30497/ifr.2023.243806.1848




Abstract


International Petroleum Contracts (IPCs) has been made between Host Countries (HCs) and International Oil Companies (IOCs). By this kind of contracts, IOCs provide financial resources, technology and management necessary for oil and gas fields' development and benefit from the produced oil and gas. Needless to say, due to various and broad operations, unpredictable increase and decrease in market prices, unforeseeable reservoir behavior, and in one word, Because of major technical and financial risks, there is a great uncertainty in both sides of the contract, the amount and conditions of investment and outcomes. From the Islamic jurisprudence viewpoint, those risks would cause "Qarar" and affect the validity of contract. For reviewing abovementioned hypothesis, first, the precedent studies has been examined and the consequent is only those uncertainties that may lead to dispute from common sense view would enter "Qarar" into the contract. After that, this measurement is applied to the IPC's contents. At the end, it is concluded that it is not necessary for parties to know every aspect of the contract and its outcome in full and they could put the contract out of the "Qarar" area by implementing risk management tools such as price formulas, Adjustment terms and industrial standards. In other word, according to the oil and gas professionals' course of conduct such risks could be waived and consequently, the common risks of these contracts can not affect their validity totally.

Keywords

Risk; Qarar; International Petroleum Contracts.

JEL Classification: K12.

* PhD Student, Management of International Oil and Gas Contracts, Department of Energy Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). mh.esfandiarpour@isu.ac.ir  0009-0007-9668-7466

** Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. shabani@isu.ac.ir  0009-0007-5997-5362

Accepted: 2023/08/30

Received: 2023/10/23

بررسی قاعده غرر در «قراردادهای بین‌المللی نفتی»

احمد شعبانی**

محمد حسین اسفندیارپور*

چکیده

«قراردادهای بین‌المللی نفتی» فی‌مابین کشورهای صاحب منابع نفت و گاز و شرکت‌های بین‌المللی نفتی منعقد می‌گردد؛ تا این شرکت‌ها منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت خود را برای بهره‌برداری از این منابع به‌کار گیرند و درازای آن، از بخشی از تولیدات میدان منتفع می‌شوند. بدیهی است در غالب موارد، به دلیل تنوع و گستره عملیات لازم، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای خاص مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و نهایتاً مقدار تولید میدان دقیقاً قابل‌تعیین نیست. از این رو به‌نظر می‌رسد، این عقود غرری بوده و صحت آن محل تردید است. برای بررسی این فرضیه، از مطالعه پژوهش‌های پیشین روشن شد، ملاک غرری بودن معاملات وجود خطر و جهل منجر به اختلاف است که عرفاً قابل‌مسامحه نباشد. سپس این ملاک با ویژگی‌های خاص قراردادهای بین‌المللی نفت تطبیق داده شد. نتیجه اینکه علم اجمالی ناشی از به‌کاربردن ابزارهایی مدیریت ریسک در این قراردادها (مانند فرمول‌های تعیین قیمت، شرط تعدیل و تعیین استانداردهای مشخص برای اجرای عملیات) برای دور کردن غرر از این عقود کفایت می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، عرف حرفه‌ای فعالان صنعت نفت و گاز، در این قراردادها با وجود علم اجمالی نسبت به آینده، ریسک‌ها و خطرات احتمالی را قابل‌مسامحه و چشم‌پوشی می‌داند و در نتیجه حکم کلی بطلان قراردادهای بین‌المللی نفت به دلیل غرری بودن آن موردقبول نیست.

واژگان کلیدی: ریسک؛ قاعده غرر؛ جهل؛ قراردادهای بین‌المللی نفت.

* دانشجوی دکتری، مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، گروه اقتصاد انرژی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mh.esfandiarpour@isu.ac.ir

** دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران shabani@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

مقاله مدت ۱۰ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

عقود و معاملات از جمله اسبابی هستند که طرفین می‌توانند با قصد خود، آثار قانونی خاصی را انشا نموده و برپاساس آن کسب‌وکاری مشروع و سودآور داشته باشند. وجود شرایط اساسی صحت معاملات^۱، همسویی بانظم عمومی و اخلاق حسنه و به‌طور خاص عاری بودن از شرایط قمار، ربا و غرر از جمله مقررات امری است که در هیچ‌یک از معاملات، طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند.

براساس حدیث مشهور نبوی، «نهی النبی عن الغرر» (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص. ۶۸) یا «نهی النبی عن الغرر» (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص. ۴۶۷)، شرع همواره مردم را به معاملاتی تشویق می‌کند که طرفین نسبت به موضوع معامله آگاهی و اطمینان داشته باشند و در واقع آن‌ها را از وارد شدن به قراردادهایی که به‌واسطه جهل یا ابهام، خطر یا احتمال اذیت‌رفتن سرمایه وجود دارد، نهی می‌کند. حدیث فوق مبنای یک قاعده فقهی پذیرفته‌شده، تحت‌عنوان قاعده نفی غرر در معاملات است که به‌عنوان یک اصل اجماعی پذیرفته‌شده اما در تعریف، حوزه تأثیر و مصادیق غرر اختلافات جدی وجود دارد؛ از این‌رو، در مواجهه با عقود مستحدثه، بررسی غرری بودن این قراردادها از نخستین پرسش‌های پژوهشگران است.

۱. سؤال پژوهش

به‌طور مشخص این ابهام در مورد قراردادهای بین‌المللی نفتی مطرح است که آیا با توجه به تنوع و گستره عملیات لازم، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای خاص مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و نهایتاً مشخص نبودن میزان تولید میدان، انعقاد چنین قراردادهایی صحیح است؟

۱-۲. فرضیه

در پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح می‌شود که این عقود غرری بوده و صحت آن محل تردید است. برای بررسی این فرضیه در این پژوهش ابتدا به بررسی موشکافانه

۱. ماده ۱۹۰ قانون مدنی: برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛ ۲- اهلیت طرفین؛ ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴- مشروعیت جهت معامله.

مفهوم لغوی و اصطلاحی غرر خواهیم پرداخت و از این رهگذر در بخش دوم تلاش خواهیم کرد ضابطه و ملاک غرر را استخراج نموده و نسبت آن به قراردادهای نفتی را مشخص نماییم.

۳-۱. سابقه پژوهش

مقاله‌های بسیاری در تبیین مفهوم و قاعده غرر یا نسبت‌سنجی آن با عقود جدید به رشته تحریر درآمده است، از جمله:

موسوی بجنوردی و شیرازی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابهام و لزوم رفع آن از مورد معامله»، رفع ابهام از مورد معامله را به دلیل نهی غرر، ضروری دانسته‌اند.

نوری (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «بیع با ثمن شناور»، مسأله جهل در ثمن را به‌عنوان یکی از عناوین جهل موردبررسی قرار داده و نهایتاً تعیین قطعی و نهایی ثمن یا روشن بودن سازوکار تعیین قیمت را یکی از شروط خروج معامله از غرر دانسته است.

طالب احمدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر غرر در معاملات»، معاملات غرری را معامله توأم با خطر معرفی کرده است که طرفین معامله در هنگام انعقاد آن، توانایی تشخیص سودده یا زیان‌ده بودن معامله را ندارند.

علیدوست (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده نفی غرر در معاملات»، اشتراط قدرت بر تحویل عوضین، اشتراط علم به کم و کیف عوضین، اشتراط علم به اموری چون زمان و مکان تحویل را از مصادیق قاعده نفی غرر در بیع بیان کرده است.

مصباحی‌مقدم و رستم‌زاده گنجی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه»، شبهه غرری بودن مبادله اوراق اختیار معامله را به‌عنوان نوعی از بیع حق، رد می‌کنند.

نظرپور، یوسفی شیخرباط و ابراهیمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، شاخص‌هایی برای نظارت بر ممنوعیت غرر در قراردادها ارائه کرده‌اند.

مسجدسرایبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی حقوقی مبنای غرر در بیمه»، غرر و ریسک ذاتی موجود در عقد بیمه را از آنجاکه طرفین آن را عالمان و عامداً پذیرفته‌اند، به رسمیت شناخته است.

صفایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در مورد معامله»، ضابطه تخصیص بر اصل لزوم وجود علم تفصیلی برای نفی غرر را عرف می‌داند.

بهرامی احمدی و نجف‌آبادی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «معیار تعیین مصادیق مستثنی شده از اصل لزوم علم تفصیلی به مورد معامله» ضابطه ورود تخصیص بر ماده ۲۱۶ قانون مدنی^۲ را عرف دانسته‌اند.

بداوی^۳ (۱۹۹۸م) غرر را عدم‌طمینان دانسته است.

وگل و هایز^۴ (۱۹۹۸م) معتقداند که همانند ربا تشخیص دقیق محدوده غرر امکان‌پذیر نیست.

السویلیم^۵ (۲۰۰۰م) قاعده غرر را یک بازی بازدهی نامطمئن معرفی کرده است. او ریسک را به دو دسته غیرقابل‌تحمل و قابل‌تحمل طبقه‌بندی کرده و ریسک غیرقابل‌تحمل را منافی مبانی شریعت و غرری دانسته است.

الجمال^۶ (۲۰۰۱م) غرر را معادل نااطمینانی و ریسک دانسته و از بیع غرری به‌عنوان بیع در شرایط نااطمینانی یاد می‌کند.

الساعتی^۷ (۲۰۰۳م)، نیز معاملاتی را غرری و نهی شده می‌داند که همانند معاملات مبتنی بر قمار و شرط‌بندی، منجر به ایجاد نزاع و اختلاف شود.

چپرا^۸ (۲۰۰۸م) از غرر به‌عنوان نااطمینانی مضاعف یا نااطمینانی و ریسک ناشی از جهل یا نقصان اطلاعات یاد می‌کند.

عدنان و عویضه (۱۴۳۱ق) پذیرش ریسک را صرفاً وقتی پذیرفتند که ریسک همراه با افزایش دارایی باشد و در غیراین صورت آن را مانند معاملات غرری غیرقابل‌پذیرش دانسته اما ریسک موجود در عقود بیمه و تکافل و مشتقات را پذیرفته‌اند.

۴-۱. ضرورت و بیان مسأله

۲. ماده ۲۱۶ قانون مدنی: مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است

3. Badawi
4. Vogel & Hayes
5. Al-Suwailim
6. Al-Gamal
7. Al-Saati
8. Chapra

هرچند مقاله‌های متعددی در مورد غرر نگاشته شده، اما به‌طور خاص قراردادهای بین‌الملل نفت که نقش عمده‌ای در اقتصاد جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دارند، از حیث غرری بودن مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

در قراردادهای بین‌المللی نفت شرکت‌های بین‌المللی نفت منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت خود را برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز کشورهای میزبان به‌کار گیرند و درازای آن، از بخشی از تولیدات میداین نفت و گاز منتفع شوند.

با لحاظ شرایط شناخته‌شده حاکم بر صنعت نفت و گاز، به دلیل تنوع و گستره حوزه عملیات، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای غیرقطعی مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، شرایط و مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و درنهایت، شرایط و مقدار تولید میدان به‌طور قطعی قابل تعیین نیست. از این رو یکی از قوی‌ترین فرضیه‌های موجود در این زمینه این است که صحت معاملات مذکور به دلیل خطر و جهل فراوان نسبت به نتایج آن دچار اشکال است.

در این راستا ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی غرر، دیدگاه فقها در مورد ضابطه غرری بودن معامله با تأکید بر قراردادهای بین‌المللی نفت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. روش تحقیق به‌کاررفته در این مقاله براساس گردآوری و تحلیل داده‌ها، توصیفی است.

۲. مفهوم و ضابطه غرر

۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی غرر

○ الف) معنای لغوی «غرر» مبنای برخی اختلاف‌نظرها در میان اندیشمندان را روشن می‌سازد.

زبیدی تغیر را به هلاکت کشاندن خویش در اثر جهل می‌داند (زبیدی، ۱۳۰۶ق، ج ۳، ص. ۴۳۳). ابن اثیر، غرر را همان خطر دانسته است (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۵). از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که غرر عملی است که شخص از نتیجه و زیان آن در امان نباشد (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۷۸؛ نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص. ۳۸۷). از نظر مصطفوی بیع غرری، بیعی است که در آن خطری وجود دارد که مشتری نسبت به آن جاهل است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص. ۲۰۷). الخوری الشرتونی بیان داشته

که غرر به معنی در معرض خطر بودن است (الخوری الشرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۸۶۷). جوهری ضمن اذعان به برابری خطر و غرر، به این نکته اشاره کرده که در معنای غرر، غفلت و نیرنگ نیز نهفته است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۷۶۸). از نظر فراهیدی «غرر بماله» یعنی مال را به خطر انداخت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۳۴۶). الضریر نیز غرر را هرچیز «مستور العاقبه» دانستند (الضریر، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸). راغب اصفهانی نیز غرر را از ریشه الغر و به معنای خطر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۰۴). ابن منظور غرر را نیرنگ و فریب معنی و بیع غرری را بیع مشتمل بر مخاطره تفسیر کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۳). از نظر الطریحی، غرر به معنای در معرض هلاکت و تباهی قرار دادن چیزی است (الطریحی، ۱۴۱۶ق، ص. ۴۲۳). نراقی نیز غرر را به معنای خطر بیان کرده است. (نراقی، ۱۴۱۶ق، ص. ۹۳). در میان منابع فارسی، غرر به معنای هلاکت (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۳۱، ص. ۱۴۸) یا معنای خطر یا فریب خوردن (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص. ۲۴۰۰) یا آن چیزی که مایه تلف کسی یا چیزی باشد، آمده است (عمید، ۱۳۵۶، ص. ۵۳۷).

همه معانی ارائه شده را می توان در سه دسته خلاصه کرد: اول به معنای خدعه، غفلت یا جهالت؛ دوم به معنای خطر؛ و سوم مصادیق شیء خطری که از میان آن ها معنای دوم یعنی خطر توسط تعداد بیشتری از صاحب نظران پذیرفته شده است.

○ ب) غرر در اصطلاح بیشتر به همراه بیع به عنوان یکی از رایج ترین عقود آمده است و حدیث نبوی «نهی النبی عن بیع الغرر» نیز به همین مسأله اشاره دارد؛ اما روشن است که بیع در این باره خصوصیتی ندارد و غرر در هر عقد معوضی منجر به بطلان آن می گردد؛ و روایت «نهی النبی عن الغرر» نیز که به طور عام غرر را نفی می کند و اشاره مستقیمی به بیع ندارد، مؤید همین مسأله است. از این رو غرر اختصاص به بیع ندارد و سیره متشرعه که متصل به زمان معصوم بوده و نوعی سنت تقریری و حجت است، غرر را در تمام معاملات معوض مؤثر می داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص. ۶۵؛ محمدی، ۱۳۷۳، ص. ۷۳). به عنوان مثال در اجاره عقار و اراضی نیز دفع غرر لازم شمرده شده است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۴۱۹). همچنین در باب مضاربه نیز لازم است که سرمایه معلوم باشد و از آن رفع جهالت شود. به بیان بهتر در عقود مغابنی که هدف طرفین کسب سود است، لازم بوده غرر از ناحیه عوضین با معلوم

شدن منفعت از بین برود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۳۳۳). با این اوصاف نهی غرر حصر در موضوع بیع ندارد و سایر عقود معاوضی را هم در برمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که نهی از باب غلبه بیع به‌عنوان یکی از معاملات پرکاربرد به این عقد نسبت داده شده است.

طوسی بیعی را که یکی از طرفین در وجود مبیع، قدرت تسلیم، اوصاف مبیع یا زمان تحویل جهل داشته باشند، غرری و باطل می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶). حلی برای توضیح یک معامله غرری به بیع پرنده‌ای که قدرت بر تسلیم آن نیست اشاره می‌کند. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۵۶۶)؛ به‌عبارت‌دیگر جهل در هرکدام از ارکان معامله موجب غرر و بطلان می‌گردد. محقق ثانی با الغای خصوصیت از بیع، جهالت در انواع قراردادها را موجب غرر و بطلان عقد می‌داند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۱۰۵)؛ زیرا به دلیل رفع زمینه مخاطره و تنازع در معاملات، شارع معاملات غرری را باطل می‌داند. از نظر شهید اول غرر در شرع به‌معنای جهل در رسیدن شیء به‌دست منتقل‌الیه است. پس اگر حصول چیزی مجهول باشد آن معامله غرری است (شهید اول، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۱۳۷). حدیث مشهور نبوی در کتب روایی عامه، مانند صحیح مسلم، سنن ابی‌داوود، سنن نسائی و مسند احمد بن حنبل نیز آمده است (نراقی، ۱۴۱۶، ص. ۹۳). حنفیه غرر را چیزی می‌داند که علم نسبت به آن بر شخص پوشیده است. شافعی غرر را چیزی می‌داند که عاقبت آن مشخص نیست. شافعی نیز جهل نسبت به اوصاف و مقدار آنچه در ذمه شخص است را غرر دانسته است (موسوعه الفقهیه، ۱۴۱۴ق، ج ۹، صص. ۱۸۹-۱۸۶). کمتر عملی است که بشر انجام دهد و از ریسک و مخاطره خالی باشد، اما غرر نهی شده، مخاطره فاحش و فوق‌العاده را شامل می‌شود. در همین راستا حنفی‌ها برخلاف دیگران، هیچ‌گاه به‌صرف جهل حکم به بطلان عقد ندادند، بلکه فقط جهلی را در معامله دچار مشکل دانستند که به ایجاد مشکلی در اجرای عقد بیانجامد (تسخیری، ۱۳۹۲).

به‌نظر می‌رسد در تفاسیر فوق از غرر، اغلب به‌معنای حقیقی آن اشاره نکردند، بلکه برخی مفهوم غرر، برخی دیگر ملزومات تحقق غرر و گروه سوم هم مصادیق آن را بیان کرده‌اند؛ اما آنچه از ظاهر استعمال این واژه و کاربردهای آن برمی‌آید این است که معنای غرر بسیار به فریب و نیرنگ نزدیک است؛ و خطر، غفلت و در معرض

ضرر قرار گرفتن از لوازم آن است. البته از آنجا که هیچ‌کس با علم به نیرنگ طرف مقابل قراردادی منعقد نمی‌کند، نهی از امری که در اراده طرفین وارد نمی‌شود، بیهوده است و متعلق حدیث نبوی نیست؛ به عبارت دیگر، فریب خوردن امری ارادی نیست تا بتوان از آن نهی نمود، پس نهی از غرر به معنای نهی از در معرض خطر قراردادن خود است.

۲-۲. ضابطه و ملاک غرر

شهید اول برای اولین بار هدف از نهی غرر را پیش‌گیری از تنازع عنوان می‌کند (شهید اول، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۱۳۷)؛ به عبارت دیگر ضابطه غرر در معاملات جهالتی است که منتهی به نزاع می‌گردد. محقق کرکی نیز رفع نزاع را فایده معلوم بودن ارکان قرارداد می‌داند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۱۰۵). شهید ثانی نیز جهالت منجر به ایجاد نزاع بین طرفین معامله را، غرر دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص. ۱۷۸). شیخ‌انصاری بر این باور است که نهی شارع نسبت به معامله غرری، به دلیل از بین بردن زمینه مخاطره و تنازع بوده؛ به عبارت دیگر از منظر ایشان جهالت منتهی به خطر و نزاع، مرز قاعده غرر است (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۸۲). صاحب جواهر از دیدگاهی دیگر جهالت منتهی به خطر را ضابطه معامله غرری می‌داند (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص. ۳۸۸).

از طرف دیگر برخی صاحب‌نظران به این نکته اشاره دارند که، مطلق وجود جهالت در معامله، غرر نیست، بلکه هرگاه در معامله‌ای یکی از عوضین در معرض خطر یا هلاکت و تلف قرار گیرد یا در مورد دریافت یا وجود آن‌ها اطمینان وجود نداشته باشد، غرر اتفاق می‌افتد. در واقع در غرر، خطری نهفته است که منجر به ضرر می‌شود (نراقی، ۱۴۱۶ق، ص. ۹۳)؛ به عبارت دیگر اگر جهل نسبت به یک از ارکان معامله مخاطره‌ای در بر نداشته باشد، غرری نیز وجود نخواهد داشت و عقد صحیح است (نراقی، ۱۴۲۲، ص. ۳۰۱)؛ اما مقصود از خطر، احتمال وقوع ضرری است که عقلاً از آن اجتناب می‌کنند و این غیر از احتمال ضعیفی است که مردم به آن بهایی نمی‌دهند. حال منشأ این احتمال می‌تواند جهل نسبت به هر کدام از ارکان عقد باشد یا عدم اطمینان در مورد تعادل عوضین. در واقع در این حالت می‌توان به وضوح تشخیص داد که فلسفه ممنوعیت معاملات غرری از نظر شرع، مسدود کردن طریق منازعه میان طرفین است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۳۱۴). پس خطر مقصود

در اینجا خطری است که از نظر عقلاً اجتناب از آن لازم است و نه احتمال ضعیفی که عرف توجهی به آن ندارد. پس احتمال مؤثر در تحقق بیع غرری از این امور ناشی می‌شود:

- ۱- عدم اطمینان نسبت وجود مال؛ ۲- احتمال ضرر و عدم وثوق نسبت به امکان تسلیم مبیع حتی اگر مبیع معلوم الوجود باشد؛ ۳- جهل نسبت به احد اوصاف مبیع مانند مقدار، جنس یا وصف. از همین روی برخی از فقها غرر را خدعه می‌دانند که ظاهری پسندیده و باطنی ناخوشایند دارد (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ق). امام خمینی (ره) در تأیید نظر غروی اصفهانی این‌گونه می‌نویسد: «معانی غرر همچون: آنچه ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد، خطر، غفلت، آنچه انسان از ضرر آن ایمن نیست، آنچه مورد اعتماد نیست و جهالت که از طرف اهل لغت و فقیهان مطرح شده است، همگی به معنای خدعه برمی‌گردد و در حدیث نبوی مناسب‌ترین معنا برای غرر، معنای خدعه است» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص. ۲۹۸). به‌رحال غرر یا خود جهل است یا جهل منتهی به خطر که در دو حال ارشاد به سمت فساد معامله است (جوادی آملی، ۱۳۹۱-۱۳۹۲). غرر گاهی جهل نسبت به وجود مورد معامله و گاه جهل نسبت به حصول مورد معامله است. البته غرر مساوی جهل نیست و مقصود اصلی از آن خطر است؛ بنابراین جهل در همه جا مانع نیست و صرفاً جهل منجر به خطر، غرر خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۸). با این وصف دیگر در مورد عقد بیمه شبهه غرری بودن مطرح نیست، زیرا جهل در صورتی مانع است که ایجاد خطر کند. به‌عنوان یک مسأله روشن و مورد اتفاق، غرر با خطر رابطه نزدیکی دارد. منشأ این خطرگاه جهالت نسبت به یکی از عوضین یا مورد معامله است و گاه لابلالی‌گری یکی از طرفین، برای مثال گاهی نسبت به مورد معامله علم کامل داریم، اما در مورد قدرت تسلیم و وفای به عهد طرف اطمینان نداریم و این نیز نوعی غرر است.

همه نظرات فوق را می‌توان در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد. دیدگاه اول جهالت صرف در ارکان قرارداد را منجر به غرر و بطلان معامله می‌دانند؛ دیدگاه دوم ضابطه غرر را جهالت منتهی به نزاع دانسته‌اند. به عبارت دیگر هر جهالتی را غرر نمی‌دانند، بلکه در صورتی که جهل این نگرانی را ایجاد کند که میان طرفین کشمکش و اختلافی پیش بیاید، غرر تلقی می‌شود؛ دیدگاه سوم جهل همراه با احتمال خطر را غرر می‌دانند.

به نظر می‌رسد از میان تعاریف مذکور دیدگاه‌های دوم و سوم مکمل یکدیگرند. به این ترتیب که غرر هر جهالتی خواهد بود که با خطر و احتمال نزاع همراه باشد. البته

ملاک حد و اندازه این خطر نیز التفات عرف است. به بیان دیگر اگر عرف خطر را غیر قابل تسامح تلقی کند و از آن گذشت نکند (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص. ۳۸۷؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲، ص. ۹۶). پس همان‌طور که مشخص شد احتمال کم‌ضرر که در هر معامله‌ای وجود دارد و عقلاً به امید دستیابی به سود از آن ضرر کم چشم‌پوشی می‌کنند، غرر نیست. (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص. ۱۸۲). البته لازم به ذکر است که دایره غرر در شرع از دایره آن در عرف مضیق‌تر است (نجفی، ۱۳۵۹، ص. ۳۳). این بدین معناست که عرف منضبط را باید مبنا قرار داد و به دلایل شخصی، تسامح در یک معامله پذیرفته شده نیست. یکی از مهم‌ترین مصادیق قاعده غرر در فقه جهل طرفین نسبت به وجود یا مقدورالتسلیم بودن عوضین معامله است. از این مسأله در حقوق تحت‌عنوان «قاعده لزوم وجود علم به مورد معامله و رفع جهل متعاقدین نسبت به آن» یاد شده است (بهرامی و نجف‌آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۸۵). این قاعده به عقیده بعضی از حقوق‌دانان راجع به کلیه قراردادهای بوده مگر آنکه قانون به جهتی علم اجمالی را کافی و به تفصیل معلوم بودن مورد معامله را لازم نداند (امامی، ۱۳۶۸، ص. ۲۱۳). براساس این نظریه در همه عقود وجود علم تفصیلی لازم است. عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان در عین اذعان به اینکه قانون باید موارد استثنا از قاعده مذکور را مشخص کند، معتقدند که می‌توان با اخذ ملاک از موارد ذکر شده در قانون، محدوده استثنا را به عقود بیشتری گسترش داد. براساس این نظریه، هر جا بحث بر سر عقد از دسته عقود مسامحی (و نه مغابنی) یا ارفاق و احسان باشد، علم اجمالی کفایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۵). اما این دیدگاه پذیرفته شده نیست، چراکه مثال نقض آن عقد مضاربه است؛ یعنی با وجود اینکه مضاربه از عقود مغابنی است، اما قانون‌گذار علم اجمالی در آن را کافی می‌داند.^۹ همین دسته به‌عنوان یک ضابطه برای کفایت علم اجمالی به عرف استناد کرده‌اند (صفایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۴). اما به نظر می‌رسد که در موارد سکوت قانون مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده سوم قانون آیین دادرسی مدنی، عرف در نظام حقوقی ایران فقط وقتی پذیرفته است که در چارچوب منابع شرعی باشد و نمی‌توان مانند بعضی نظام‌های حقوقی دنیا (نظام حقوقی انگلیس) هر عرفی را پذیرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶). پس از آنجاکه حجیت عرف در مقام کشف حکم

۹ ماده ۵۵۳ قانون مدنی: در صورتی که مضاربه مطلق باشد یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد عامل می‌تواند هر قسم تجارتي را که صلاح بداند بنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند.

درگرو احراز استمرار آن تا زمان معصوم^{علیه‌السلام} و امضا یا عدم ردع ایشان است (صدر، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۲۳۶)، با استدلال طرح‌شده احراز چنین شرطی در مورد همه قراردادها محل تردید جدی است.

نظر به اینکه علم اجمالی در حقوق مدنی عبارت از حالتی است که در آن، در یک مورد دو جهت متمایز وجود دارد، یک‌جهت علمی و جهت دیگر تردیدی؛ یعنی از یک‌جهت علم حاصل است و در جهت دیگر تردید وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص. ۴۶۸)، به‌عنوان یک ضابطه برای کفایت علم اجمالی در عقود می‌توان گفت که ماده ۲۱۶ قانون مدنی، به قاعده غرر اشاره دارد. توضیح اینکه با توجه به معنای پذیرفته‌شده برای غرر، هرگاه جهل نسبت به عوضین یا یکی از اوصاف اساسی آن‌ها، برای متعاقدين، ایجاد مخاطره نموده و احتمال ایراد ضرر را بالا ببرد، علم اجمالی کفایت نمی‌کند.

علامه حلی در تذکره، ملاک را چیزی می‌داند که با تفاوت آن، قیمت تغییر می‌کند و این حمزه در الوسيله ملاک را چیزی می‌داند که با تفاوت آن، تفاوت رغبت حاصل می‌شود. (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۷۸) دیدگاه موجه‌تر در تعیین مخاطره‌آمیز بودن جهل، رجوع به عرف است (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴، ص. ۲۳۱)؛ بدین معنی که غرر نفی شده، آن تفاوتی است که اگرچه اندک باشد، عرف از آن گذشت نمی‌کند (نجفی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، ص. ۴۰۸). ماده ۳۴۲ قانون مدنی^{۱۰} نیز از همین ملاک تبعیت کرده است و معین بودن مبیع و علم نسبت به آن را تابع عرف می‌داند. برخی این رابطه را عموم و خصوص مطلق و عده‌ای دیگر آن را یک رابطه طولی می‌دانند (موسویان و علیزاده، ۱۳۹۴، ص. ۵). هرچند که جهل منشأ ایجاد غرر است اما علت تامه برای تحقق غرر نیز هست؟ همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد هدف و فایده قاعده نفی غرر جلوگیری از نزاع و مسدود کردن مسیر اختلاف و از بین رفتن ضرر احتمالی است؛ بنابراین صرف جهل نمی‌تواند ملاک مناسبی برای غرر باشد و غرر باید با خطر جدی و غیرقابل تسامح از نظر عرف، همراه باشد. به‌عبارت‌دیگر اگر معامله یا طرفین در معرض خطری باشند که در هنگام نزاع نتوان راه‌حلی برای آن پیدا کرد، حاصل این معامله غرر است. پس بنا به نظر فقها غرر در عقود وقتی محقق می‌شود که جهل منتهی به خطر، معامله یا یکی از عوضین را تهدید کند و در

۱۰. ماده ۳۴۲ قانون مدنی: مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده، تابع عرف بلد است.

مقابل با عوض معامله از نظر ارزش، تناسب نداشته باشد. به عبارت دیگر اساساً جهل و خطری که منجر به زبانی غیرقابل تسامح گردد، معامله را غرری می‌کند و گرنه عقلاً احتمال متحمل شدن زیان اندک یا احتمال اندک زیان را در مقابل امید به بهره‌مندی از فرصت کسب سود، شایسته و ترک آن را موجب سرزنش می‌دانند. پس غرر منهی عنه، همان ابهام و جهل موجب نزاع و مخاطره غیرقابل تسامح از نظر عرف است.

۳. تطبیق ضابطه غرر بر قراردادهای بین‌المللی نفت

برای حل مشکل غرر در قراردادهای نفتی راهکارهایی متصور است: اول اینکه با پذیرفتن و تأیید غرری بودن این معاملات سراغ قاعده اضطرار رفته و بنا بر حکم ثانوی حکم به حلیت این قراردادها داد؛ یعنی هرچند که وجود غرر محرز است، اما بنا بر اضطرار انعقاد آن‌ها را در شرایط فعلی بلااشکال بدانیم؛ دوم اینکه با تصور اینکه غرر اختصاص به بیع دارد، ماهیت این عقود را به غیر عقد بیع حمل نموده و این اشکال را حل نماییم؛ سومین راه هم تحلیل معنای غرر و تطبیق آن بر واقعیت و حل اساسی این مسأله است. راه‌حل اول به دلیل عدم وجود شرایط جریان قاعده اضطرار پذیرفته‌شده نیست. راه‌حل دوم نیز به دلیل تصور اشتباه اختصاص غرر به بیع که سابقاً در مورد آن بحث شد، از اساس نادرست است. از این‌رو به نظر می‌رسد با توجه به مقدمات مذکور در مورد ماهیت غرر و ضابطه و ملاک تحقق آن، راهکار سوم بهترین راه است؛ لذا در این قسمت مسأله مربوط به قراردادهای نفتی تبیین و با ضوابط تحقق غرر تطبیق داده خواهد شد.

۳-۱. قراردادهای بین‌المللی نفت

فرآیند «اکتشاف و تولید»^{۱۱} از میادین نفت و گاز، عملیاتی پیچیده، بلندمدت، سرمایه‌بر و پرمخاطره است که اکثر کشورهای صاحب منابع نفت و گاز^{۱۲} از منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت لازم برای پیشبرد آن بی‌بهره‌اند؛ از این‌رو برای توسعه میادین نفتی خود با «شرکت‌های نفتی بین‌المللی» قراردادهایی منعقد می‌کنند که در اصطلاح «قراردادهای بین‌المللی نفت» خوانده می‌شود. این شرکت‌ها در برابر قبول تمام ریسک ناشی از عدم

11. Exploration & Production

12. Host Countries (HCs)

تولید تجاری از یک میدان و تأمین تمام هزینه‌های توسعه میادین نفت و گاز از نفت تولیدشده از این میادین منتفع می‌شوند.

هرچند با ملاحظه شرایط طرفین قراردادهای فوق و میادین موضوع این قراردادها، قراردادهای متنوع و متعددی منعقد شده است، صاحب‌نظران این قراردادها را به سه دسته قراردادهای «امتیازی»^{۱۳}، قراردادهای «مشارکت در تولید»^{۱۴} و «قراردادهای خدمت»^{۱۵} طبقه‌بندی نموده‌اند. (شیروی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۶).

قراردادهای امتیازی، نخستین قراردادهای هستند که در این حوزه منعقد شده‌اند. به‌طور کلی در این قراردادها صاحب‌امتیاز اجازه دارد در برابر پرداخت «بهره مالکانه» به‌صورت انحصاری در بخشی از قلمرو دولت میزبان اقدام به اکتشاف و استخراج نفت و گاز و انجام سایر عملیات مربوطه نماید. گرچه نسل‌های بعدی این قراردادها مانند «مجوزهای بهره‌برداری و اجاره‌ها»^{۱۶} با ساختارهای مالی و مالیاتی پیچیده‌تری منعقد می‌شود، اما همچنان وجه تشابه این قراردادها انجام تعهدات شرکت نفتی بین‌المللی عمدتاً به‌صورت نقدی است.

در قراردادهای مشارکت در تولید، به‌طور کلی شرکت نفتی درازای قبول تمامی ریسک و هزینه‌ها، از بخشی از تولید میدان نفتی بهره‌مند می‌شود. تفاوت عمده این قراردادها با قراردادهای امتیازی آن است که در این مدل، دولت‌ها عمدتاً سهمی از نفت و گاز تولیدی میدان را دریافت می‌کنند و سهم پرداخت نقدی به دولت میزبان به نسبت محصولی که دریافت می‌کند ناچیز است.

قراردادهای خدمت به دودسته کلی، «قراردادهای خدمت با قبول ریسک»^{۱۷} و «قراردادهای خدمت بدون ریسک» تقسیم می‌شوند. قراردادهای دسته دوم تفاوتی با سایر قراردادهای پیمانکاری ندارند؛ یعنی در این قراردادها پیمانکار بدون قبول هرگونه ریسکی درازای انجام تعهدات خود، دستمزد مشخصی را طبق قرارداد دریافت می‌کند؛ اما در قراردادهای همراه با ریسک چنین نیست، در این قراردادها آنچه پیمانکار دریافت می‌کند اعم از محصول تولیدی یا پرداخت نقدی وابسته به تولید نهایی میدان نفتی است.

13 Concessions
14 Production Sharing Contracts
15 Service Contracts
16 Licenses & Leases
17 Risk Service Contracts

در عمده انواع قراردادها فوق‌الذکر به دلیل شرایط نامشخص میادین نفت و گاز در ابتدای فرایند اکتشاف و تولید، حجم و شرایط سرمایه‌گذاری برای رسیدن به میزان مشخصی از تولید تجاری به‌طور قطعی قابل تعیین نیست؛ از سوی دیگر، رسیدن میدان به تولید تجاری و عواید نهایی که به یکی از طرفین یا هر دوی آنها تعلق می‌گیرد، در هیچ‌یک از قراردادهای فوق‌به‌صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست. برآیند همین ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها در داده و ستانده طرفین است و ممکن است با در نظر گرفتن شرایط عقود غرری این پنداشت ایجاد شود که عقود نفتی نیز غرر که برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشته تا با غرری دانستن این عقود، صحت آن را زیر سؤال ببرند.

در حال حاضر سؤال این است که ملاک مناسب با وضعیت خاص قراردادهای بین‌المللی نفت چیست؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است که رابطه میان غرر و جهالت و همچنین غرر و ریسک را بررسی نماییم.

ریسک هر عامل و مؤلفه‌ای است که ممکن است نتیجه کار را تحت تأثیر قرار دهد. منشأ این احتمال وجود جهل نسبت به بخشی از اوضاع و احوال حاکم است. به عبارت دیگر جهل نسبت به برخی از شرایط همواره این نگرانی را به همراه خواهد داشت که چه وضعیتی ممکن است برای نتیجه کار رقم بخورد. می‌توان گفت آنچه به‌عنوان ریسک در قراردادهای امروزی شناخته می‌شود با غرر قرابت مفهومی دارد. به عبارتی، جهل خطرناکی که احتمال ضرر در معامله را بالا می‌برد و در نتیجه منجر به نزاع می‌گردد، ریسک نامیده می‌شود. این فرضیه وقتی تقویت می‌شود که تعریف ریسک، مخاطره، عدم اطمینان و تردید دانسته شود (Adnan, 2010, p. 10). عبدالله و عویضه، ۲۰۱۰م، ص. ۱۰). این بدین معنی است که ریسک با غرر تداخل و همپوشانی مفهومی دارند. به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران اهل سنت پذیرش ریسک را نوعی غرر دانستند (Al-Suwailim, 2000)؛ اما همان‌طور که ما جهل را به‌طور مطلق منجر به غرر و بطلان معامله ندانستیم، در مورد ریسک نیز مطلقاً نمی‌توان چنین حکمی صادر کرد. چه‌بسا عقلاً با سنجش میزان خطر و مقایسه آن با میزان سود حاصل از معامله، حاضر به پذیرش خطر شوند، یا اینکه با مهارت و تجربه خود بتوانند جهل خطرناک یا همان ریسک را طوری مدیریت کنند که کمترین تأثیر را بر نتیجه قرارداد بگذارد و منجر به ضرر نشود. در حال حاضر شرکت‌های صنعتی بزرگ از دانش مدیریت ریسک برای کنترل خطرات و جهت‌دهی به آنها بهره می‌برند، از این‌رو

نه تنها از ریسک فرار نمی‌کنند بلکه برای گرفتن طرح‌های پرریسک که درازای به سرانجام رساندن آن‌ها سود قابل توجهی دریافت خواهند کرد، با یکدیگر رقابت می‌کنند.

به بیان دیگر یکی از عناصر اصلی ریسک، عدم اطمینان است. در تعیین ضابطه غرر ذکر شد که هر نوع جهل یا عدم اطمینانی موجب غرر نیست، بلکه جهلی غرر است که خوف ضرر و ایجاد نزاع در آن وجود داشته باشد و به این ترتیب ممکن است جهل به موضوعی برای عموم اشخاص معامله‌ای را غرری کند اما همان موضوع برای یک شخص حرفه‌ای و متخصص، غرر محسوب نشود و چه بسا بتواند از این موقعیت فرصت‌های زیادی بسازد که هر دو طرف معامله از آن سود ببرند و از انعقاد معامله راضی باشند. در مورد قراردادهای مزبور نیز مسأله همین‌جاست که این قراردادها به خودی خود غرری نیستند، بلکه اگر طرفین بتوانند ریسک‌های موجود در یک طرح را به خوبی شناسایی کرده و طوری آن‌ها را مدیریت کنند که آثار ناشی از آن‌ها به حداقل برسد، دیگر نمی‌توان آن قرارداد را غرری دانست. به عبارت دیگر غرر موضوعی ذاتی قراردادهای نیست، بلکه امری عرضی و قابل مرتفع شدن است، لذا اگر در یک قرارداد طرفین بتوانند با کوشش بیشتر جزئیات انجام کار را بیان، شرح وظایف را دقیق مشخص میزان هزینه‌ها و سود را روشن و سایر ابعاد اصلی قرارداد و طرح را شفاف و مخاطرات موجود را تا حد قابل قبولی شناسایی و معرفی کنند، می‌توان گفت که دیگر غرر موضوعیت نخواهد داشت.

نکته دیگری که در مورد جهل در قرارداد باید به آن توجه شود این است که اگر جهل در موضوع قرارداد و اصل تعهدات طرفین به نحوی که پیش برد و اجرای قرارداد با ابهام همراه باشد از مصادیق غرر است، اما بحث ما مشخصاً مربوط به حالتی است که موضوع قرارداد مشخص است و فقط در مورد اقتضانات و شرایط اجرا ابهاماتی وجود دارد.

در قراردادهای نفتی مصادیق عمده ریسک را می‌توان به شش دسته کلی تقسیم نمود: ریسک‌های فنی^{۱۸}، ریسک‌های اقتصادی^{۱۹}، ریسک‌های مالی^{۲۰}، ریسک‌های قراردادی^{۲۱}، ریسک‌های زیست‌محیطی^{۲۲} و ریسک‌های حقوقی^{۲۳}. توضیح اینکه، در قراردادهای

18. Technical
19. Economical
20. Financial
21. Contractual
22. Environmental
23. Legal

بین‌المللی نفت، به دلیل وجود ابهامات در مورد قوانین و مقررات کشورهای که مخازن در آن‌ها قرار دارد، خطرات مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی، نرخ سنگین سرمایه‌گذاری، طولانی بودن دوره قرارداد، ارزش هنگفت نفت و گاز تولیدی، تنوع و گستره عملیات موضوع قرارداد، فهرست طولانی وظایف و اختیارات پیمانکار، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن برخی مسائل مربوط به مخزن و حتی احتمال به نتیجه نرسیدن طرح پس از انجام سرمایه‌گذاری هنگفت، ریسک‌های فراوانی وجود دارد. وجود همین ابهامات جدی در قراردادهای بین‌المللی نفت، تبیین منطقه ممنوعه پذیرش ریسک و خطر و یا ارائه معیار در پذیرش ریسک را ضروری می‌نماید.

از همین روست که در حال حاضر، جهت تحدید ریسک‌ها و ممانعت از غرری شدن این نوع قراردادها، راهکارهای زیر به کار بسته می‌شود:

الف) طرفین سعی در بیان تفصیلی و جزئی مفاد قرارداد و خواسته‌های خود از طرف مقابل می‌کنند. اهمیت علم تفصیلی در این دست از عقود وقتی پررنگ می‌شود که ذکر یا عدم‌ذکر یک مسأله جزئی می‌تواند آثار مالی زیادی داشته باشد و بار مالی زیادی را به طرفین قرارداد تحمیل نماید.

ب) جهت پاسخ به مسائلی که به‌هیچ‌وجه در ابتدای انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نیست، طرفین با تعیین اجمالی حدود تغییرات، در مذاکرات آغازین، شرط تعدیل قرارداد را از ابتدا در قرارداد می‌گنجانند. بدین معنا که طرفین در ابتدای قرارداد توافق می‌کنند که اگر در یک از مراحل اجرای قرارداد، لازم باشد کاری انجام شود که از قبل پیش‌بینی نشده و انجام آن در جداول شکست کار مورد توافق قرار نگرفته و برای آن در جداول هزینه، بودجه‌ای در نظر گرفته نشده، برای جلوگیری از توقف کلی قرارداد، برای آن مسأله مستحده، به مذاکره مجدد بپردازند یا اینکه قرارداد را تعدیل نموده و اینکه تحت‌عنوان اضافه‌کاری، بودجه‌ای برای کار فوق‌العاده در نظر بگیرند. البته سقف و موارد استفاده از این شرط نیز محدود و دارای شرایط و فرمول‌های خاصی خواهد بود.

ج) به دلیل تنوع و گستره عملیات موضوع این قرارداد، ممکن است کارفرما و پیمانکار در باب شیوه و کیفیت کار دچار اختلاف شوند. این مسأله نیز با در نظر گرفتن استانداردهای از پیش تعریف‌شده حل می‌گردد؛ یعنی طرفین هنگام انعقاد قرارداد به‌جای اینکه خود بر سر چگونگی انجام کار توافق کنند، از استانداردهای فنی، زیست‌محیطی،

ایمنی و... از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند تا هنگام تحویل کار اختلافات به حداقل برسد.

د) اشکال دیگر این قراردادها شناور بودن میزان بهره یکی از طرفین یا هر دو از نفت و گاز تولیدی یا قیمت آن است که ممکن است نوعی جهل به مورد معامله و غرر محسوب شود. برای حل این مشکل قیمت خدمات یا کالاها توسط فرمول‌هایی از ابتدا مشخص می‌شود و به این ترتیب طرفین قرارداد، این موضوع از یک طرف می‌تواند برای طرفین علم اجمالی ایجاد کند و از طرف دیگر، در صورت هرگونه اختلاف نظر موجب قلع ماده نزاع می‌گردد؛ به‌ویژه درجایی که این موضوع در صنعت نفت متعارف محسوب شود و علم اجمالی عموماً برای طرفین کفایت کند که در این صورت نیازی به علم تفصیلی نیست. به عبارت دیگر همین که حدود و ثغور تعیین ثمن معامله در قالب یک فرمول مشخص می‌شود، غرر را از معامله دور می‌کند. به عنوان مثال در عقد مضاربه قانون‌گذار مقرر داشته که حصه هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل از قبیل رُبع یا ثلث و غیره باشد. (ماده ۵۴۸ قانون مدنی) به فرض اینکه ماهیت عقد مضاربه اجاره اشخاص باشد، اجرت مضارب (اجیر) به نوعی نامعین و وابسته به میزان سود حاصله خواهد بود. پس اجرت نامعین در شرع و قانون پذیرفته شده و لزومی ندارد که اجرت معین باشد. به عبارتی چون نحوه محاسبه اجرت (نصف، ثلث یا مانند این‌ها از سود) مشخص است، صرف معین نبودن میزان اجرت از ابتدای انعقاد قرارداد، منجر به بطلان عقد نمی‌شود. یا در عقد جعاله که قانون‌گذار بیان داشته در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست؛ بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است، در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد (مواد ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مدنی)، ممکن است از ابتدا میزان جعَل یا اجرت مشخص نباشد و بعد انجام موضوع جعاله اجرت با فرمول خاصی مشخص گردد، از این رو صرف عدم معلوم بودن اجرت موجب غرری شدن عقد و بطلان آن نمی‌شود. این مسأله در مورد عقد بیع، تحت عنوان بیع با ثمن شناور نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (منصوری لطفعلی و انصاری، ۱۳۹۶، ص. ۸۳). البته لازم به ذکر است که این بدین معنا نخواهد بود که مسأله علم به مورد قرارداد را به‌طور کلی کنار گذاشته و غرر را بپذیریم.

ضمن آنکه هر معامله‌ای با خطر و نوعی ریسک عام همراه است که عقلاً لزوماً از آن هراسان و فراری نیستند و این دسته از ریسک‌ها محل بحث و مناقشه نیست. مسأله بر سر ریسک‌ها و مخاطراتی است که هرکسی قادر به درک آن نیست و افراد عادی در صورت مواجهه با آن به احتمال زیاد در ورطه خطر و ضرر می‌افتند. ممکن است مسأله در عرف قراردادهای بین‌المللی نفتی قابل چشم‌پوشی باشد، اما اگر یک شخص عادی وارد این دست از معاملات شود نتواند آن را تحمل کند. لذا بنابر آنچه گفته شد در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت باید گفت که غرری که عقلاً از آن تسامح کرده و عرف آن را پذیرفته است موجب بطلان عقد نمی‌شود. به عبارت دیگر میزان قابل‌پذیرش غرر از امور نسبی است و برحسب شخص، زمان، مکان، نوع نگاه و سایر اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود. با این اوصاف ممکن است یک معامله در زمان و مکانی غرری باشد و چندی بعد عرف آن را به عنوان یک معامله صحیح بپذیرد. در این دست از قراردادها ابعاد مالی، مدیریت ریسک، کنترل طرح و سایر مسائل، قبل از انعقاد قرارداد توسط طرفین اندازه‌گیری شده و نسبت به انواع نتایج محتمل، پیش‌زمینه‌های اجرای طرح و سایر جنبه‌های مهم مطالعه صورت می‌گیرد و در صورتی که احتمال سود را بیشتر از احتمال ضرر تشخیص دهند، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند. از این رو صرف بزرگ بودن آثار مالی قرارداد و ارقام و طولانی بودن مراحل انجام کار به معنای تحقق غرر نیست؛ بلکه اگر برای طرفین قرارداد مشخص باشد که هدف از انعقاد چیست و چه چیز را مطالبه می‌کنند، کفایت می‌کند تا مسأله غرر رفع شود. پس وجود ریسک بالا در قراردادهایی مانند قراردادهای بین‌المللی نفت، لزوماً به معنای تحقق غرر نیست. چه بسا عقدی مانند بیمه که موضوع آن ریسک و انتقال ریسک یا پوشش ریسک است هر لحظه ممکن بوده برای یکی از طرفین تعهدات مالی سنگینی به جای بگذارد، امروزه پذیرفته شده و به تکرار منعقد می‌شود. آنچه در عقد بیمه، غرر را از بیمه‌گر و بیمه‌گذار دور می‌کند این است که نتیجه و اثر عقد از قبل برای طرفین معلوم است و ابهام و جهل در آن راه نمی‌یابد و در این شرایط است که شرکت بیمه و ارائه‌دهنده خدمات بیمه‌ای، اقدام به سنجش احتمالات خطر و تعیین میزان هزینه مناسب برای ارائه پوشش بیمه، می‌نماید. بیمه‌گذار حق بیمه را پرداخت می‌کند و پوشش را خریداری و تأمین لازم را دریافت می‌کند. این تأمین متوقف بر حصول خطر نیست تا کسی بگوید وقوع خطر نامعلوم است؛ زیرا به مجرد انعقاد عقد بیمه تأمین حاصل می‌گردد

(محمودی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۹)؛ بنابراین دیگر عنصر احتمال و ابهام برای طرفین عقد بیمه آن‌قدر پررنگ نخواهد بود که بتوان آن را غرر نامید. بدین ترتیب بیمه، کاری عقلایی و مقرون‌به‌صرفه است که در شرایط اقتصادی فعلی ترک آن ناعاقلانه تلقی می‌شود. در مسأله سنجش ریسک در قراردادهای بین‌المللی نفت مسأله مهم دیگری که نباید مغفول بماند این است که گاه هدف از قرارداد صرفاً سود مالی نیست و مسائلی مانند کسب تجربه کاری، محک زدن توان فنی، حفظ روابط با طرف قرارداد، آن‌قدر مهم و اساسی تلقی می‌شوند که ممکن است سود مالی را تحت‌الشعاع قرار دهند. به‌عبارت‌دیگر در بحث سنجش غرری بودن معامله صرفاً سودهای مالی نباید مدنظر قرار گیرند، بلکه ممکن است انتفاع در مسائل غیرمالی برای شخصی مهم‌تر از سود مالی باشد. حالتی دیگری که بسیار اتفاق می‌افتد این است که پیمانکار سود کلی خود در انجام همه کار را در نظر می‌گیرد نه سود جزئی هر یک از مراحل را. توضیح اینکه ممکن است ریسک ضرر در مرحله حفاری مخزن زیاد باشد، اما پیمانکار به امید دستیابی به سود تولید نفت قرارداد را می‌پذیرد؛ یعنی سود نهایی ناشی از تولید نفت از هزینه و ضرر احتمالی در مرحله حفاری آن‌قدر بیشتر است که پیمانکار به سمت انعقاد قرارداد تشویق می‌شود.

نتیجه‌گیری

آنچه از ادبیات فقهی - حقوقی ما برمی‌آید این است که نمی‌توان صرف جهل را موجب غرر و بطلان معامله دانست. بلکه جهل و خطری منجر به غرر خواهند بود که غفلت از آن‌ها به اختلاف و نزاع میان طرفین یا ضرر و ریسک غیرقابل تسامح از نظر عرف بیانجامد. توضیح اینکه ملاک در غرری بودن قراردادها، وجود نوعی جهل است که ریشه خطر ایجاد نزاع است. در غیر این موارد نمی‌توان به‌صرف وجود میزانی از جهل، حکم به بطلان عقد داد. توضیح داده شد هدف و فایده قاعده نفی غرر جلوگیری از نزاع و مسدود کردن مسیر اختلاف و از بین رفتن ضرر احتمالی است؛ بنابراین صرف جهل نمی‌تواند ملاک مناسبی برای غرر باشد و غرر باید با خطر جدی و غیرقابل تسامح از نظر عرف، همراه باشد. پس بنا به نظر فقها غرر در عقود وقتی محقق می‌شود که جهل منتهی به خطر، معامله یا یکی از عوضین را تهدید کند و در مقابل با عوض معامله از نظر ارزش، تناسب نداشته باشد. پس

غرر منهی عنه، همان ابهام و جهل موجب نزاع و مخاطره غیرقابل تسامح از نظر عرف است.

در قراردادهای بین‌المللی نفتی به‌عنوان یک از عقود جدید، به دلایل مختلفی مانند شرایط نامشخص میادین نفت و گاز، در ابتدای فرایند اکتشاف و تولید، حجم و شرایط سرمایه‌گذاری برای رسیدن به میزان مشخصی از تولید تجاری، به‌طور قطعی قابل تعیین نیست؛ به‌عبارت‌دیگر رسیدن میدان به تولید تجاری یا درآمدی که به یکی از طرفین یا هردوی آن‌ها تعلق می‌گیرد، در هیچ‌یک از قراردادهای فوق به‌صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است این پنداشت ایجاد شود که عقود نفتی نیز غرری هستند و برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشته تا با غرری دانستن این عقود، صحت آن را زیر سؤال برند. لذا بنابر آنچه گفته شد در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت باید گفت که غرری که عقلاً از آن تسامح کرده و عرف آن را پذیرفته است موجب بطلان عقد نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر میزان قابل‌پذیرش غرر از امور نسبی است و برحسب شخص، زمان، مکان، نوع نگاه و سایر اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود. با این اوصاف ممکن است یک معامله در زمان و مکانی غرری باشد و چندی بعد عرف آن را به‌عنوان یک معامله صحیح بپذیرد. در این دست از قراردادها ابعاد مالی، مدیریت ریسک، کنترل طرح و سایر مسائل، قبل از انعقاد قرارداد توسط طرفین اندازه‌گیری شده و نسبت به انواع نتایج محتمل، پیش‌زمینه‌های اجرای طرح و سایر جنبه‌های مهم مطالعه صورت می‌گیرد و در صورتی که احتمال سود را بیشتر از احتمال ضرر تشخیص دهند، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند.

از همین‌روست که به‌عنوان راهکار و جهت تحدید ریسک‌ها و ممانعت از غرری شدن این نوع قراردادها، راهکارهایی اتخاذ می‌شود. برای مثال **اولاً** طرفین سعی در بیان تفصیلی و جزئی مفاد قرارداد و خواسته‌های خود از طرف مقابل می‌کنند و اهمیت علم تفصیلی در این دست از عقود پررنگ می‌شود؛ **ثانیاً** جهت پاسخ به مسائلی که به‌هیچ‌وجه در ابتدای انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نیست، طرفین با تعیین اجمالی حدود تغییرات، در مذاکرات آغازین، شرط تعدیل قرارداد را از ابتدا در قرارداد می‌گنجانند؛ **ثالثاً** در مواقعی که به دلیل تنوع و گستره عملیات موضوع این قرارداد، ممکن است کارفرما و پیمانکار در باب شیوه و کیفیت کار دچار اختلاف شوند نیز با در نظر گرفتن استانداردهای از پیش تعریف‌شده حل می‌گردد؛ **رابعاً** برای حل مشکل شناور بودن میزان بهره یکی از طرفین یا

هر دو از نفت و گاز تولیدی یا قیمت آنکه ممکن است نوعی جهل به مورد معامله و غرر محسوب شود، قیمت خدمات یا کالاها توسط فرمول‌هایی از ابتدا مشخص می‌شود و به این ترتیب طرفین قرارداد، این موضوع از یک طرف می‌تواند برای طرفین علم اجمالی ایجاد کند و از طرف دیگر، در صورت هرگونه اختلاف نظر موجب قلع ماده نزاع می‌گردد؛ به‌ویژه درجایی که این موضوع در صنعت نفت متعارف محسوب شود و علم اجمالی عموماً برای طرفین کفایت کند که در این صورت نیازی به علم تفصیلی نیست. یعنی همین که حدود و ثغور تعیین ثمن معامله در قالب یک فرمول مشخص می‌شود، غرر را از معامله دور می‌کند. از این رو صرف بزرگ بودن آثار مالی قرارداد و اعداد و ارقام و طولانی بودن مراحل انجام کار به معنای تحقق غرر نیست؛ بلکه اگر برای طرفین قرارداد مشخص باشد که هدف از انعقاد چیست و چه چیز را مطالبه می‌کنند، کفایت می‌کند تا مسأله غرر رفع شود. پس وجود ریسک بالا در قراردادهایی مانند قراردادهای بین‌المللی نفت، لزوماً به معنای تحقق غرر نیست.

در مسأله سنجش ریسک در قراردادهای بین‌المللی نفت مسأله مهم دیگری که نباید مغفول بماند این است که گاه هدف از قرارداد صرفاً سود مالی نیست و مسائلی مانند کسب تجربه کاری، محک زدن توان فنی، حفظ روابط با طرف قرارداد، آن‌قدر مهم و اساسی تلقی می‌شوند که ممکن است سود مالی را تحت الشعاع قرار دهند. به عبارت دیگر در بحث سنجش غرری بودن معامله صرفاً سودهای مالی نباید مدنظر قرار گیرند، بلکه ممکن است انتفاع در مسائل غیرمالی برای شخصی مهم‌تر از سود مالی باشد. حالتی دیگری که بسیار اتفاق می‌افتد این است که پیمانکار سود کلی خود در انجام همه کار را در نظر می‌گیرد نه سود جزئی هر یک از مراحل را. توضیح اینکه ممکن است ریسک ضرر در مرحله حفاری مخزن زیاد باشد، اما پیمانکار به امید دستیابی به سود تولید نفت قرارداد را می‌پذیرد؛ یعنی سود نهایی ناشی از تولید نفت از هزینه و ضرر احتمالی در مرحله حفاری آن‌قدر بیشتر است که پیمانکار به سمت انعقاد قرارداد تشویق می‌شود.

در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت، علی‌رغم غیرقطعی بودن، میزان تعهدات مالی و عملیاتی طرفین و نتایج حاصل از آن نمی‌توان حکم به غرری بودن این قراردادها نمود، چراکه با به‌کارگیری ابزارهای حقوقی، مالی و عملیاتی مدیریت ریسک، عرف حرفه‌ای این صنعت خطرات موجود در این حوزه را در مقابل سودی که تا حد زیادی پیش‌بینی است،

قابل تسامح می‌داند و از آن به امید کسب منافع بیشتر گذشت می‌کند. به بیان دیگر ابهامات به حدی نیستند که با استناد به آن‌ها قرارداد غرری شود.

کتابنامه

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۸۴). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. ایران، قم: اسماعیلیان.
2. Ibn Athir, M, bin M., (1981). *Finally, in the Strange Hadith and the Work*. Iran, Qom: Ismailian. (In Persian).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم؛ جلد پنجم). لبنان، بیروت: دارصار.
4. Ibn Manzoor, M, bin M., (1414 AH). *Lasan al-Arab* (Third Edition; Fifth Volume). Lebanon, Beirut: Darsar. (In Persian).
۵. الخوری الشرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقترب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد* (جلد ۲). لبنان، بیروت: مؤسسه النصر.
6. Al Khoury al-Shartouni, S., (1403 AH). *Aqrab al-Mawdar in Fasah al-Arabiya and al-Shaward* (Volume 2). Lebanon, Beirut: Al Nasr Institute. (In Persian).
۷. الضریر، الصدیق محمدالامین (۱۴۱۰ق). *الغرر و اثره فی العقود فی الفقه الاسلامی*. لبنان، بیروت: دارالجهیل.
8. Al-Dureer, A, M, A., (1410 AH). *Al-Gharar and the Effect of Contracts in Islamic Jurisprudence*. Lebanon, Beirut: Dar al-Jeil. (In Persian).
۹. الطریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*. لبنان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
10. Al-Tarihi, F., (1416 AH). *Bahrain Assembly*. Lebanon, Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. (In Persian).
۱۱. امامی، سیدحسن (۱۳۶۸). *حقوق مدنی* (جلد اول). ایران، تهران: اسلامیه.
12. Emami, S, H., (1989). *Civil Rights* (First Volume). Iran, Tehran: Islamia. (In Persian).
۱۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (۱۴۱۴ق). *الموسوعه الفقهیه*، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، دارالسلسل، الكويت، الطبعة الثانية.
14. Ministry of Endowments and Islamic Affairs - Kuwait (1414 AH). *Al-Musawat al-Fiqhiyah*, Ministry of Awqaf and Islamic Affairs, Dar al-Salsal, Kuwait, second edition. (In Persian).
۱۵. بهرامی احمدی، حمید؛ و مرتضی نجف‌آبادی (۱۳۹۵). معیار تعیین مصادیق مستثنی شده از اصل لزوم علم تفصیلی به مورد معامله. *آموزه‌های حقوقی گواه*، (۳)، ۸۳-۱۰۲.
16. Bahrami Ahmadi, H; & Morteza N., (2015). The Criteria for Determining Cases Excluded from the Principle of the Necessity of Detailed Knowledge About the Transaction. *Govah Law Teachings*, 1(3), 83-102. (In Persian).

۱۷. تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۲). دلیل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن بر معاملات. فقه مقارن، ۱(۱)، ۵۴-۳۳.
18. Taskhiri, M, A., (2012). The Reason for the Negation of Gharr and its Effect on Transactions. *Mogharen Jurisprudence*, 1(1), 33-54. (In Persian).
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). ترمینولوژی حقوق. ایران، تهران: گنج‌دانش.
20. Jafari Langroudi, M, J., (1995). *Legal Terminology*. Iran, Tehran: Ganjdanash. (In Persian).
۲۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱-۱۳۹۲). *تقریرات درس خارج فقه*. ایران، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت.
22. Javadi Amoli, A., (2012-2013). *Lectures on Foreign Jurisprudence*. Iran, Qom: Library of Jurisprudence School. (In Persian).
۲۳. جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ق). *صحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة* (جلد دوم؛ چاپ چهارم). لبنان، بیروت: دارالعلم للملایین.
24. Johari, I., (1407 AH). *Sahih: Tajul-Lughe and Sahih Al-Arabiyyah* (Volume 2; 4th edition). Lebanon, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. (In Persian).
۲۵. دهنخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). *فرهنگ دهنخدا* (جلد ۳۱۹). تهران: چاپخانه مجلس.
26. Dehkhoda, A, A., (1946). *Culture of Dehkhoda* (vol. 319). Tehran: Majlis Printing House. (In Persian).
۲۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن* (چاپ اول). لبنان، بیروت: دارالعلم و سوریه، دمشق: دارالشامیة.
28. Ragheb Esfahani, H., (1412 AH). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an* (First Edition). Lebanon, Beirut: Dar al-Alam and Syria, Damascus: Dar al-Shamiya. (In Persian).
۲۹. زبیدی، محمدمرتضی (۱۳۰۶ق). *شرح تاج العروس من جواهر القاموس* (جلد سوم؛ چاپ اول). مصر، قاهره: دارالإحياء التراث العربی.
30. Zubeidi, M, M., (1306 AH). *Description of Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos* (3rd volume; 1st edition). Egypt, Cairo: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (In Persian).
۳۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). *تقریرات درس خارج فقه*. ایران، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت.
32. Sobhani, J., (2009). *Lectures on Foreign Jurisprudence*. Iran, Qom: Library of Jurisprudence School. (In Persian).
۳۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). *دارسات موجزة فی الخیارات و الشروط*. ایران، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
34. Sobhani, J., (1423 AH). *A Brief Lecture on Options and Conditions*. Iran, Qom: International Center for Islamic Studies. (In Persian).
۳۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۰ق). *القواعد و الفوائد* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: کتابفروشی مفید.

36. Shahid Sani, M, bin M, A., (1400 AH). *Al-Qaseer and al-Faadiy* (Second Volume; First Edition). Iran, Qom: Mofid Bookstore. (In Persian).
۳۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (جلد چهارم). ایران، قم: داوری.
38. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1410 AH). *Al-Rawzah al-Bahiyyah in Sharh al-Lama'ah al-Damashqiyyah* (Volume IV). Iran, Qom: Davari. (In Persian).
۳۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۲۲ق). *حاشیه المختصر النافع* (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
40. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1422 AH). *Al-Mukhastar al-Nafi's Margin* (First Edition). Qom: Seminary Islamic Propaganda Office. (In Persian).
۴۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (جلد پانزدهم؛ چاپ اول). قم: المعارف الإسلامیه.
42. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1413 AH). *Masalak al-Afham and Revision of Islamic Laws* (15th Volume; 1st Edition). Qom: Al-Maarif al-Islamiyya. (In Persian).
۴۳. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب* (جلد ششم؛ چاپ اول). ایران، قم: اسلامی.
44. Sheikh Ansari, M., (1415 AH). *Al-Makasab* (Vol. 6; 1st Edition). Iran, Qom: Islamic. (In Persian).
۴۵. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق). *مکاسب* (جلد ۱۱). ایران، قم: دارالکتاب.
46. Sheikh Ansari, M, (1410 AH). *Al-Makasab* (Volume 11). Iran, Qom: Dar al-Kitab. (In Persian).
۴۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. ایران، تهران: میزان.
48. Shiravi, A, H., (2013). *Oil and Gas Law*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۴۹. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحوث فی العلم الاصول* (جلد چهارم). ایران، قم: مجمع الشهداء آیه‌الله الصدر العلمی.
50. Sadr, S, M, B., (1404 AH). *Researches in the Science of Knowledge* (Fourth Volume). Iran, Qom: Martyr's Assembly, Aya Allah Sadr Al-Alami. (In Persian).
۵۱. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها*. ایران، تهران: میزان.
52. Safai, S, H., (2014). *General Rules of Contracts*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۵۳. صفایی، سید حسین (۱۳۹۱). *نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در «مورد معامله»: تفسیر ماده ۲۱۶ قانون مدنی بر مبنای قاعده غرر. تحقیقات حقوقی، ۱۵(۵۹)، ۴۱-۶۱.*
54. Safai, S, H., (2011). Another Look at the Rule of Sufficiency of Summary Knowledge in the "Transaction Case": Interpretation of Article 216 of the Civil Code Based on the Gharr rule. *Legal Research*, 15(59), 41-61. (In Persian).

۵۵. طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۰). تأثیر غرر در معاملات. *علوم اجتماعی و انسانی*. ۹(۳۳)، ۴۳-۵۵.
56. Taleb Ahmadi, H., (2001). *The Influence of Noise in Transactions*. Social and Human Sciences, 9(33), 43-55. (In Persian).
۵۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه* (چاپ سوم). تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
58. Tusi, A, M, bin H., (2008). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Amamiyyah* (Third Edition). Tehran: Al-Muktabah Al-Mortazawieh for Revival of Al-Jaafariyya Antiquities. (In Persian).
۵۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء* (جلد اول؛ چاپ اول). ایران: قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
60. Hali, H, bin Y, bin M, A., (1414 AH). *Tazkirah al-Fiqaha* (First Volume; First Edition). Iran, Qom: Al-Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them. (In Persian).
۶۱. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲). قاعده نفی غرر در معاملات. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۸۹-۱۰۶.
62. Alidost, A., (2003). The Rule of Negation of Gharar in Transactions. *Islamic Economy*, 3(9), 89-106. (In Persian).
۶۳. عمید، حسن (۱۳۵۶). *فرهنگ فارسی عمید* (چاپ پانزدهم). ایران: تهران: امیرکبیر.
64. Omid, H., (1977). *Farhang Persian Omid* (15th Edition). Iran, Tehran: Amirkabir. (In Persian).
۶۵. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق). *الإجارة* (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
66. Ghoroi Esfahani, M, H., (1409 AH). *Al-Ejareh* (Second Edition). Qom: Islamic Publishing Office Affiliated with the Seminary Teachers Community. (In Persian).
۶۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین* (جلد چهارم؛ چاپ دوم). ایران: قم: منشورات المهجره.
68. Farahidi, K, bin A., (1410 AH). *Al-Ain* (Fourth Volume; Second Edition). Iran, Qom: Al-Hijrah Publications. (In Persian).
۶۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
70. Katouzian, N., (1992). *General Rules of Contracts* (Second Volume). Tehran: Publishing Company. (In Persian).
۷۱. کاشف الغطاء، شیخ‌مهدی (بی‌تا). *مورد الأنام فی شرح شرائع الاسلام* (جلد چهارم). نجف الاشرف: الکاشف الغطاء.
72. Kashif al-Ghita, S, M., (Bita). *Mord al-An'am in the Sharh of Sharia al-Islam* (Volume IV). Najaf Al-Ashraf: Al-Kashif al-Ghita. (In Persian).
۷۳. محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (جلد چهارم؛ چاپ دوم). ایران: قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

74. Mohaghegh Sani, A, bin H, A, K., (1414 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qasas* (Fourth Volume; Second Edition). Iran, Qom: Al-Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them. (In Persian).
۷۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (جلد ۲). لبنان، بیروت: دارالاضواء.
76. Mohagheq Hali, J, bin H., (1403 AH). *Islamic Laws in Halal and Haram Issues* (Volume 2). Lebanon, Beirut: Dar Al-Azwa. (In Persian).
۷۷. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۳). *قواعد فقه*. ایران، تهران: یلدا.
78. Mohammadi, A., (1994). *The Rules of Jurisprudence*. Iran, Tehran: Yalda. (In Persian).
۷۹. محمودی، مسعود (۱۳۹۳). *تحلیل حقوقی ریسک در صنعت بیمه و مقایسه آن با قاعده غرر*. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
80. Mahmoudi, M., (2014). *Legal Analysis of Risk in the Insurance Industry and its Comparison with the Gharar Rule*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۸۱. مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقیه* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
82. Maraghi, S, M, F, bin A, H., (1417 AH). *Al-Anawin Al-Faqih* (Volume II; First Edition). Qom, Iran: Islamic Publication Office Affiliated with the Seminary Seminary Community. (In Persian).
۸۳. مسجدرایی، حمید (۱۳۹۲). *تحلیل فقهی - حقوقی مبنای غرر در بیمه*. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۹(۳۳): ۱۳۱-۱۴۶.
84. Masjidsarai, H., (2012). Jurisprudence-Legal Analysis of the Basis of Insurance. *Fiqh and Islamic Law Research*, 9(33): 131-146. (In Persian).
۸۵. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ و رستمزاده گنجی، اسماعیل (۱۳۸۶). *غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه*. جستارهای اقتصادی، ۴(۸): ۳۹-۶۴.
86. Mesbahi Moghadam, G, R; & Rostamzadeh Ganji, I., (1386). Gharar in Option Transactions on Shares from the Perspective of Imami Jurisprudence. *Economic Studies*, 4(8), 39-64. (In Persian).
۸۷. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (جلد هفتم؛ چاپ اول). ایران، تهران: مرکز کتاب و ترجمه و النشر.
88. Mustafavi, H., (1402 AH). *Research on the Words of the Holy Qur'an* (7th volume; 1st Edition). Iran, Tehran: Al-Katab and Al-Targemeh and Publishing Center. (In Persian).
۸۹. معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی معین* (جلد دوم؛ چاپ چهارم). ایران، تهران: امیرکبیر.
90. Moin, M., (2007). *Moin Persian Dictionary* (Volume 2; 4th Edition). Iran, Tehran: Amirkabir. (In Persian).
۹۱. منصوری لطفعلی، لیلا؛ و انصاری، اعظم (۱۳۹۶). *عقد بیع با ثمن شناور* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

92. Mansouri Lotfali, L; & Ansari, A., (2017). *Floating Price Sales Contract* (Master's Thesis). Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (In Persian).
۹۳. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۱). جایگاه عرف در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام. پژوهشنامه متین، ۴(۱۵ و ۱۶)، ۲۳-۴۸.
94. Mousavi Bejnordi, S, M., (2001). The Place of Custom in International Law and Islamic Law. *Matin Research*, 4(15 and 16), 23-48. (In Persian).
۹۵. موسوی بجنوردی، سید محمد؛ و شیرازی، محمدرضا (۱۳۷۸). ابهام و لزوم رفع آن از مورد معامله. فقه و مبانی حقوق، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۶۱.
96. Mousavi Bojanvardi, S, M; & Shirazi, M, R., (1999). Ambiguity and the Need to Resolve it from the Transaction. *Fiqh and Fundamentals of Law*, 4(13), 125-161. (In Persian).
۹۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). *البيع* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
98. Mousavi Khomeini, S, R., (1421 AH). *Al-Bai* (First Edition). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian).
۹۹. موسویان، سید عباس؛ و عزیززاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید. تحقیقات مالی اسلامی، ۳(۹)، ۵-۳۶. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791
100. Mousaviyan, S, A; & Alizadeh Asl, M., (2014). Examining the Rule of Thumb in New Deals. *Islamic Finance Research*, 3(9), 5-36. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791 (In Persian).
۱۰۱. نائینی، میرزا (۱۴۱۳ق). *المکاسب و البيع* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
102. Naini, M., (1413 AH). *Al-Makasab and Al-Ba'i* (Volume Two; First Edition). Iran, Qom: Islamic Publication Office Affiliated with the Seminary Teachers Society. (In Persian).
۱۰۳. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجله* (جلد پنجم؛ چاپ اول). نجف: المکتبه المرتصویه.
104. Najafi Kashif al-Ghita, M, H., (1980). *Tahrir al-Majlah* (5th Volume; 1st Edition). Najaf: Al-Maktabeh al-Murtsawiyah. (In Persian).
۱۰۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام* (جلد ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
106. Najafi, M, H., (2021). *Jawaharlal Kalam in the Description of Shariah Al-Islam* (Volume 22). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. (In Persian).
۱۰۷. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۶ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام* (چاپ اول). ایران، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
108. Naraghi, M, A, bin M, M., (1416 AH). *The Results of the Days in the Statement of the Rulings of al-Ahkam* (First Edition). Iran, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary. (In Persian).

۱۰۹. نراقی، ملا محمد بن احمد (۱۴۲۲ق). مشارق الاحکام (چاپ دوم). قم: نراقیین.
110. Naraghi, M, M, bin A., (1422 AH). *Mashareq al-Ahkam* (Second Edition). Qom: Naraghin. (In Persian).
۱۱۱. نظریپور، محمدتقی؛ یوسفی شیخرباط، محمدرضا؛ و ابراهیمی، میمنت (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران (مطالعه مورد: بانک تجارت مشهد). *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۳)، ۱۵۷-۱۸۸.
112. Nazarpour, M, T; Yousefi Sheikh Rabat, M, R; & Ebrahimi, M., (2010). Examining the Indicators of the Prohibition of Bribery in the Operation of Interest-free Banking in Iran (Case Study: Bank Tejarat Mashhad). *Islamic Economy*, 11(43), 157-188. (In Persian).
۱۱۳. نوری، سید مسعود (۱۳۷۹). بیع با ثمن شناور. *نامه مفید*، ۶(۲۲)، ۳۳-۷۰.
114. Nouri, S, M., (2000). Selling at a Floating Price. *Useful Letter*, 6(22), 33-70. (In Persian).
115. Adnan A, M, O., (2010). Risk Theory in Islamic Economics; An Applied Study, International Institute of Islamic Thought.
116. El-Gamal, M. (2001). An Economic Explication of the Prohibition of Gharar in Classical Islamic Jurisprudence. *Islamic Economic Studies*, 8(2).
117. Al-Saati, A. (2003). The Permissible Qharar (Risk) in Classical Islamic Jurisprudence. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 16(2).
118. Al-Suwailem, S. (2000). Towards an Objective Measure of Gharar in Exchange. *Islamic Economic Studies*, 7(1).
119. Badawi, Z. (1998). The Question of Risk. *Islamic Banker*, 32, 16-17.
120. Chapra, M. U. (2011). The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help?. In *Islamic Economics and Finance: A European Perspective* (pp. 135-142). London: Palgrave Macmillan UK.
121. Vogel, F. E., & Hayes, S. L. (1998). *Islamic Law and Finance: Religion, Risk, and Return* (Vol. 16). Brill.



Examining the Methods of Guaranteeing Product Quality from the Perspective of Imami Fiqh, Iranian Law and European Union Law

Akbar Mahmoodi*



10.30497/ifr.2023.244520.1835



Abstract

According to the origin of the product quality, there are two types of obligation: mandatory and optional. Mandatory guarantee provisions are mandatory rules and there is no possibility of violating them and agreeing against them. Optional guarantee provisions are supplementary rules and according to the principle of sovereignty of will and the principle of freedom of contract, it is possible to violate them and agree against them. Product quality guarantee is divided into two types: one-way commitment and two-way commitment. In unilateral commitment, the guarantor imposes obligations on himself for the benefit of the consumer, and the consumer has no expectations. This type is realized in two forms, the first condition and the first condition, which does not need to be accepted by the consumer in both forms. All Imami jurists, Iranian jurists and European Union law consider unilateral commitment in the form of iqaa as necessary and binding. However, some Imami jurists did not accept the initial condition as binding; But other jurists of Imamia, all Iranian jurists and European Union laws have considered unilateral commitment as an initial condition mandatory. The bilateral obligation to guarantee the quality of the goods is of two types, depending on where the guarantee is inserted: the guarantee in the contract and the guarantee in the independent contract. In both types, the principle of guaranteeing a contract is separate from the first contract, and there is a similar one called customary guarantee. The two-way obligation to guarantee the quality of goods in terms of the guarantor is of two types: the supplier's guarantee and the third party's guarantee. The bilateral obligation to guarantee the quality of the goods is binding, which is resolved by liquidation or annulment of the contract. Product quality assurance is divided into two types: guaranteeing high performance and guaranteeing quality durability, both of which are rational and expected by many buyers; But there is a possibility to differentiate between the two in the product quality guarantee contract.

Keywords

Guarantee; Quality Guarantee; Product Quality; Product Quality Guarantee; Product Quality Guarantee Methods.

JEL Classification: Y7; Y8; Z10; Z12.

* Professor, Mustafa International University, Tehran, Iran.

mahmoodiakbar24@gmail.com

Accepted: 2023/05/21

0000-0002-1261-1728

Received: 2023/09/25

بررسی شیوه‌های تضمین کیفیت کالا از نگاه فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا

اکبر محمودی*

چکیده

«تضمین کیفیت کالا» به لحاظ منشأ الزام بر دو قسم: «اجباری» و «اختیاری» است. مقررات تضمین اجباری از قواعد آمره بوده و امکان تخطی از آن‌ها و توافق برخلاف آن‌ها وجود ندارد. مقررات تضمین اختیاری از قواعد تکمیلی بوده و طبق اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی، امکان تخطی از آن‌ها و توافق برخلاف آن‌ها وجود دارد. «تضمین کیفیت کالا» به لحاظ قالب تضمین بر دو قسم: «تعهد یک‌طرفه» و «تعهد دوطرفه» است. در تعهد یک‌طرفه تضمین‌کننده تعهداتی را بر خودش به نفع مصرف‌کننده تحمیل می‌کند و مصرف‌کننده هیچ انتظاری ندارد. این قسم در دو شکل ایقاع و شرط ابتدایی تحقق می‌یابد که در هر دو شکل نیاز به قبول مصرف‌کننده ندارد. همه فقهای امامیه، حقوق‌دانان ایرانی و حقوق اتحادیه اروپا تعهد یک‌جانبه در قالب ایقاع را لازم و الزام‌آور برشمردند. هرچند برخی فقهای امامیه الزام‌آور بودن شرط ابتدایی را نپذیرفتند؛ ولی فقهای دیگر امامیه، همه حقوق‌دانان ایرانی و حقوق اتحادیه اروپا تعهد یک‌جانبه در قالب شرط ابتدایی را الزام‌آور شمرده‌اند. «تعهد دوجانبه تضمین کیفیت کالا» به لحاظ محل درج تضمین بر دو نوع: «تضمین در ضمن قرارداد» و «تضمین در قرارداد مستقل» است. در هر دو نوع اصل تضمین یک قرارداد جدای از قرارداد اول است و مشابه آن با عنوان ضمان عرفی وجود دارد. «تعهد دوسویه تضمین کیفیت کالا» به لحاظ شخص تضمین‌کننده بر دو نوع: «تضمین عرضه‌کننده» و «تضمین شخص ثالث» است. تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا الزام‌آور است که با انحلال یا بطلان قرارداد رفع می‌شود. «تضمین کیفیت کالا» به لحاظ مفاد تضمین بر دو قسم: تضمین عملکرد بالا و تضمین دوام کیفیت است که هر دو عقلایی و مورد انتظار بسیاری از خریداران هستند؛ ولی امکان تفکیک میان آن دو در قرارداد تضمین کیفیت کالا وجود دارد.

واژگان کلیدی: تضمین؛ تضمین کیفیت؛ کیفیت کالا؛ تضمین کیفیت کالا؛ شیوه‌های تضمین کیفیت کالا.

۱. بیان مسأله، مرور پیشینه و روش تحقیق

امروزه با تنوع کالاهای مصرفی و نیازهای اعضای جوامع بشری به آنها بحث تضمین کیفیت کالا از مسائل مهم و ضروری به‌شمار می‌رود. بر همین اساس تحقیق درباره آن نیز از مسائل مهم و ضروری به حساب می‌آید.

با وجود اهمیت و ضرورت بحث تضمین کیفیت کالا و تحقیق درباره آن هنوز هیچ اثر علمی مستقلاً - اعم از کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقاله - درباره شیوه‌های تضمین کیفیت کالا کنکاش نکرده است. بر همین اساس نویسنده قصد دارد در این مقاله علمی با روش تحقیق توصیفی تحلیلی انتقادی نظریه‌پردازی و اسناد کتابخانه‌ای و میدانی با رویکرد تطبیقی در قلمرو اصول، قواعد و مقررات فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا به تحلیل و بررسی این مسأله بپردازد تا نتایج آن در مرحله نظر و مرحله عمل مورد استفاده قرار بگیرد.

نگارش مقاله حاضر در خصوص بحث مزبور با وجود خلأ علمی در زمینه آن می‌تواند نوآوری این مقاله در محتوا و ساختار به‌شمار آید.

۲. چیستی کالا

ماده دوم دستورالعمل محصولات معیوب ۱۹۸۵ اتحادیه اروپا کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «از نظر این دستورالعمل، کالا به کلیه اموال منقول به استثنای محصولات کشاورزی اولیه و شکار اطلاق می‌شود، حتی اگر در اموال منقول یا غیرمنقول دیگری ادغام شده باشد»؛ این ماده در ادامه مقرر داشته: «محصولات کشاورزی اولیه به معنای محصولات خاک، دامداری و شیلات است به استثنای محصولاتی که فرآوری اولیه شده‌اند»؛ ماده مزبور در پایان مقرر کرده: «کالا شامل برق است».

این ماده در اصلاحیه این دستورالعمل در ۱۹۹۹ تغییر یافته و مقرر شده: «از نظر این دستورالعمل، کالا به کلیه اموال منقول اطلاق می‌شود، حتی اگر در یک اموال منقول یا غیرمنقول دیگری ادغام شده باشند. محصول شامل برق است».

در دستورالعمل ۱۹۸۵ محصولات کشاورزی اولیه و شکار استثناء زده شده و جزو کالا به‌شمار نیامده بودند؛ ولی در اصلاحیه ۱۹۹۹ این استثناء برداشته شده و محصولات کشاورزی اولیه و شکار نیز از مصادیق کالا به حساب آورده شدند.

جزء «ب» بند دوم ماده یکم دستورالعمل جنبه‌های خاص فروش کالاهای مصرفی و تضمین‌های مرتبط ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «کالاهای مصرفی به هر شیء منقول مشهود اطلاق می‌شود به استثنای: (۱) کالاهایی که به صورت اجرائیه یا غیرقانونی به فروش می‌رسند؛ (۲) آب و گاز درجایی که در حجم یا مقدار محدود برای فروش قرار نگرفته باشند؛ (۳) برق.»

بند «ح» ماده دوم قانون مشترک فروش ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا نیز کالا را تعریف کرده و مقرر داشته: «کالا به معنای هرگونه اقلام منقول مشهود است.»

این مقرر نیز دو مورد را استثناء کرد و مقرر کرده: «آن را استثناء می‌زند: (۱) برق و گاز طبیعی؛ (۲) آب و سایر انواع گاز مگر اینکه در حجم یا مقدار معینی برای فروش گذاشته شوند.» بند سوم ماده دوم دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا نیز کالا را تعریف نموده و بیان کرده: «کالا عبارت است از هرگونه اقلام منقول مشهود به استثنای اقلامی که به واسطه اجرائیه یا غیر آن به موجب قانون فروخته می‌شوند.» این مقرر در ادامه ذکر کرده: «آب، گاز و برق در مفهوم این دستورالعمل در صورتی که در حجم محدود یا مقدار معینی برای فروش گذاشته شوند به عنوان کالا تلقی خواهند شد.»

بنابراین کالا به معنای هر نوع محصول و تولید مصرفی اعم از لوازم خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی، خوابیدنی، صوتی، تصویری، سرمایشی، گرمایشی، تزئینی، تحریری، ورزشی، تفریحی، گردشگری، آرایشی، بهداشتی، هنری، علمی، فرهنگی، نقلیه و... است که اعضای جامعه در زندگی روزمره خودشان از آن‌ها استفاده کرده و نیازهای خودشان را برطرف می‌کنند.

۳. چستی تضمین کیفیت کالا

تضمین یا ضمانت در اینجا در مفهوم عام به معنای اعلام شخصی به شخص دیگر مبنی بر تعهد نسبت به چیزی است.

جزء «ه» بند دوم ماده یکم دستورالعمل جنبه‌های خاص فروش کالاهای مصرفی و تضمین‌های مرتبط ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا ضمانت را تعریف کرده و مقرر داشته: «ضمانت عبارت است از هرگونه تعهد فروشنده یا تولیدکننده به مصرف‌کننده که بدون هزینه اضافی برای بازپرداخت قیمت پرداخت شده یا تعویض، تعمیر یا رسیدگی به کالاهای مصرفی به هر نحوی در صورتی که دارای مشخصات مندرج در بیانیه ضمانت یا در تبلیغات مربوطه باشد».

برخی از فرهنگ‌های حقوقی (آقایی، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۹۴) نوشتند که تضمین در معاملات تجاری عبارت است از اعلامی توسط فروشنده کالا به‌عنوان بخشی از قرارداد فروش و همراه با آن درباره ماهیت، کیفیت یا مالکیت کالا که به‌موجب آن فروشنده متعهد به وجود و صحت حقایق معینی که ذکر می‌شود است.

برخی از فقهای امامیه (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۱-۲۰) یکی از اقسام قرارداد ضمان را تعهد و التزام از سوی شخصی نسبت به وفای آنچه بر شخص دیگر ثابت شده ذکر کرده‌اند. عقلای جهان در ارتکاز ذهنی و بنای عملی خودشان ضمانت کالاها را انجام می‌دهند و منع شرعی و قانونی نسبت به این سیره عقلای جهان وجود ندارد؛ بنابراین عمومات و اطلاعات ادله صحت قراردادها و لزوم وفای به آنها شامل این قسم از ضمان نیز می‌شود (رضایی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۰).

کیفیت در اصطلاح علمی به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و اوصاف یک محصول یا خدمت گفته می‌شود که سبب فراهم شدن قابلیت آن محصول جهت برآورده کردن نیازهای موردنظر می‌گردد (Martin, 2003, p. 400).

منظور از تضمین کیفیت کالا در اینجا تعهد شخصی به مصرف‌کننده نسبت به وجود وصف یا اوصافی مطلوب در کالای مصرفی جهت رفع نیازهای مصرف‌کننده تا مدت‌زمان معین است.

بند ۱۴ ماده دوم دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا از تضمین کیفیت کالا با عبارت «ضمانت تجاری» یاد کرده و در تعریف آن مقرر کرده: «ضمانت تجاری عبارت است از هرگونه تعهد تاجر یا تولیدکننده (ضامن) به مصرف‌کننده علاوه بر تعهد قانونی او در

رابطه با ضمانت انطباق برای بازپرداخت بهای پرداخت شده یا تعویض، تعمیر یا سرویس کالا به هر نحو در صورتی که مشخصات یا هر نیاز دیگری را برآورده نکنند؛ این تعریف هرچند در مقام یک قسم از اقسام تضمین کیفیت کالا یعنی تضمین اختیاری بوده؛ ولی در اواسط آن به قسم دوم یعنی تضمین اجباری نیز اشاره شده است.

۳-۱. اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ منشأ الزام

۳-۱-۱. قسم اول: تضمین اجباری کیفیت کالا

۳-۱-۱-۱. مفهوم تضمین اجباری کیفیت کالا

مقصود از تضمین اجباری کیفیت کالا آن دسته از تضمین‌هایی است که توسط مقررات و قوانین بین‌المللی یا ملی یا محلی لازم و واجب شمرده شده و تخطی از آنها پیگیری قانونی دارد. برخی از مقررات و قوانین درباره کیفیت کالاهای گوناگون در سطح بین‌المللی، ملی یا محلی وضع و ابلاغ شده‌اند که اجرای آنها توسط تولیدکنندگان تحت شمول آن قوانین لازم است، اگرچه خریداران آنها را درخواست نکنند. از این رو اگر تولیدکنندگان از اجرای آن مقررات و قوانین تخطی کنند و کالاهای فاقد شرایط و ضوابط تعیین شده توسط این مقررات و قوانین را تولید کرده و تحویل خریداران بدهند مشمول جرایم گوناگون اعم از سنگین و سبک می‌شوند؛ حتی گاهی امکان دارد مجوز تولید آنان باطل شده و از تولید آنان جلوگیری شود.

۳-۱-۱-۲. مبنای تضمین اجباری کیفیت کالا

تضمین اجباری کیفیت کالا در حقوق ایران مبنای تقنین از سوی قانون‌گذار رسمی را دارد. چند قانون در ایران در برخی کالاها و در بخشی از امور آن کالاها تضمین کیفیت آنها را بر تولیدکنندگان و فروشندگان برای تأمین و حفظ حقوق و منافع مشتریان و مصرف‌کنندگان اجبار کرده‌اند.

در ایران قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۲۳ خرداد ۱۳۸۶، آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۹ اسفند ۱۳۹۳ و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در

راستای اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۵ مهر ۱۳۸۸ از قوانین مربوط به تضمین کیفیت کالا هستند که مجموعه‌ای از امور درباره کیفیت کالاها را الزامی کرده و تولیدکنندگان و فروشندگان ملزم هستند براساس آنها کالاهای خودشان را به خریداران عرضه کنند.

ماده دوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶ ایران مقرر کرده: «عرضه‌کننده موظف به رعایت استانداردهای ابلاغی در مورد ایمنی، کیفیت، سلامت خودرو و مطابقت آن با ضمانت ارائه‌شده به مصرف‌کننده می‌باشد».

خودرو از کالاهای اساسی و پراستفاده در سبد کالای مصرفی اعضای جامعه به‌شمار می‌رود که اشکال در کارکرد آن صدمه جانی، مالی و... برای آنان به دنبال دارد. بر همین اساس قانون‌گذار ایرانی همگام با برخی کشورهای جهان تضمین کیفیت خودرو را در برخی امور بر تولیدکنندگان و فروشندگان اجباری کرده تا جلوی برخی پیامدهای منفی اختلال در کارکرد و کیفیت پایین خودرو را بگیرد. واژه «موظف» تصریح در تکلیف قانونی تولیدکنندگان و فروشندگان دارد.

ماده سوم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸ ایران مقرر کرده: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات و تولیدکنندگان مکلف‌اند: (۱) ضمانت‌نامه‌ای را که در بردارنده مدت و نوع ضمانت است همراه با صورت‌حساب فروش که در آن قیمت کالا یا اجرت خدمات و تاریخ عرضه درج‌شده باشد به مصرف‌کنندگان ارائه نمایند؛ (۲) اطلاعات لازم شامل: نوع، کیفیت، کمیت، آگاهی‌های مقدم بر مصرف، تاریخ تولید و انقضای مصرف را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند».

این قانون و این ماده قانونی اختصاص به کالای خودور ندارد و شامل همه یا بیشتر کالاهای مصرفی اعضای جامعه می‌شود. تولیدکنندگان و فروشندگان کالاهای مصرفی طبق این مقرر و وظیفه قانونی دارند ضمانت‌نامه معتبر که دارای مدت مشخصی است به خریدار و مصرف‌کننده اعطا کنند و اطلاعات دقیق ضمانت‌نامه را در آن درج نمایند. کلمه «مکلف‌اند» تصریح در تضمین اجباری و الزامی دارد.

در حقوق اتحادیه اروپا نیز تضمین اجباری کیفیت کالا در برخی امور کالاها وجود دارد. دستورالعمل اتحادیه اروپا درباره مسئولیت محصولات معیوب مصوب ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۵ و اصلاحیه این دستورالعمل مصوب ۱۰ مه ۱۹۹۹ از قوانین بین‌المللی در سطح قاره اروپا هستند که مجموعه‌ای از تضمین‌ها را بر تولیدکنندگان و فروشندگان الزام داشته‌اند.

در فقه امامیه هرچند بحث تضمین اجباری کیفیت کالا به صراحت و به‌طور مستقل بحث نشده؛ ولی مقررات قانونی که با اصول و قواعد شرع مخالف نباشند در نظام جمهوری اسلامی واجب و لازم‌الاجرا بوده و تخطی از آن‌ها ممنوع و حرام است؛ زیرا این مقررات از طریق سازوکارهایی وضع و تصویب شده که مشروعیت آن توسط فقیه عادل (ولی فقیه) تأیید شده است؛ بنابراین لازم‌الاجرا است. فقه امامیه الزامات حکومت شرعی را که مبتنی بر حاکمیت الهی و مشروعیت دینی است به رسمیت می‌شناسد.

امام خمینی در جمهوری اسلامی بر پیروی از قوانین مصوب و غیرمخالف با اسلام تأکید داشته است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص. ۳۷۸). این قوانین از جمله موارد و مصادیق منطقه فراغ می‌تواند باشد که شهید صدر بر آن تأکید داشت (صدر، ۱۴۰۲ق، صص. ۶۸۹-۶۹۰). شارع در یک سری از امور جاری و نو آمد دست حاکمان اسلامی را جهت تقنین باز گذاشته که طبق مصلحت و براساس موازین اسلامی قانون‌گذاری کنند. مردم نیز موظف هستند که به این قوانین احترام گذشته و به آن‌ها عمل کنند.

طبق این تحلیل فقهی اگر تضمین کیفیت کالا در برخی امور بعضی از کالاها از سوی قانون‌گذار کشور اسلامی الزامی شود و با موازین فقه امامیه نیز مخالفت نداشته باشد فقه امامیه این الزام را به رسمیت شناخته و آن را شرعی می‌داند.

تضمین اجباری کیفیت کالا در ماده نهم قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ایران ۱۳۸۶ تعهد به‌شمار آمده است. این ماده مقرر کرده: «عرضه‌کننده مکلف است تعهدات موضوع این قانون را به‌صورت کتبی در اوراق ضمانت‌نامه قید نموده و در زمان تحویل خودرو به‌نحو مقتضی موضوع این قانون را به‌طور صریح و روشن به مصرف‌کننده اعلام نماید.»

۳-۱-۲. قسم دوم: تضمین اختیاری کیفیت کالا

۳-۱-۲-۱. معنای تضمین اختیاری کیفیت کالا

مراد از تضمین اختیاری کیفیت کالا آن دسته از تضمین‌ها هستند که به صورت اختیاری برای جلب اعتماد خریداران به عنوان ابزاری برای بازاریابی مورداستفاده تولیدکنندگان و فروشندگان محصولات گوناگون مصرفی قرار می‌گیرند تا توجه خریداران را به سوی یک برند ویژه متمرکز نمایند.

بند ۱۴ ماده دوم دستورالعمل حقوق مصرف‌کننده ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا از تضمین اختیاری کیفیت کالا با عبارت «ضمانت تجاری» یاد کرده و در تعریف آن مقرر کرده: «ضمانت تجاری عبارت است از هرگونه تعهد تاجر یا تولیدکننده (ضامن) به مصرف‌کننده علاوه بر تعهد قانونی او در رابطه با ضمانت انطباق برای بازپرداخت بهای پرداخت شده یا تعویض یا تعمیر کالای خدماتی یا محتوای دیجیتالی که به هرگونه دارای مشخصات یا سایر الزامات غیرمرتبط با انطباق مندرج در بیانیه تضمین یا تبلیغات مربوطه موجود در زمان یا قبل انعقاد قرارداد نباشد».

بند «ش» ماده دوم قانون مشترک فروش ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا نیز به همین شکل عمل کرده و مقرر داشته: «ضمانت تجاری عبارت است از هرگونه تعهد تاجر یا تولیدکننده به مصرف‌کننده علاوه بر تعهدات قانونی طبق ماده ۱۰۶ در صورت عدم انطباق برای بازپرداخت بهای پرداخت شده یا تعویض یا تعمیر کالای خدماتی یا محتوای دیجیتالی که به هر شکل دارای مشخصات یا سایر الزامات غیرمرتبط با انطباق مندرج در بیانیه تضمین یا تبلیغات مربوطه موجود در زمان یا قبل انعقاد قرارداد نباشد».

مقرر مزبور در این دو قانون ضمانت تجاری را در مقابل تعهد قانونی به کار برده که همان ضمانت و تضمین قانونی است.

امروزه بسیاری از تضمین‌های کیفیت کالا که در جامعه مطرح است تضمین اختیاری است که مباحث حقوقی و فقهی زیادی را برای عرضه‌کننده، مصرف‌کننده و گاهی اشخاص ثالث به دنبال دارد.

۳-۲-۱-۲. مبنای تضمین اختیاری کیفیت کالا

تضمین اختیاری کیفیت کالا یک تعهد و قرارداد بین تضمین‌کننده و تضمین‌گیرنده است. فرض بر این است که این تعهد و قرارداد با رضایت کامل ایجادکنندگان تعهد و قرارداد تحقق می‌پذیرد. از سوی دیگر تعهد و قرارداد تضمین با هر قالبی که پذیرفته شود (اعم از عقد جدید یا عقد ضمان یا ضمانت یا شرط ضمن عقد و...) به لحاظ فقهی و حقوقی مشروع و صحیح است و با اصول و قواعد فقهی و حقوقی مخالفت ندارد؛ بنابراین هیچ مانع و محذوری جهت صحت و نفوذ چنین نهاد فقهی و حقوقی وجود ندارد.

در حقوق اتحادیه اروپا بحث تضمین اجرای قرارداد در ضمن قرارداد مطرح شده است. بند یکم ماده ۱۰۵، اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «طرفی که به‌طور منطقی باور دارد که عدم‌ایفای تعهد قراردادی به‌صورت اساسی توسط طرف دیگر وجود خواهد داشت ممکن است تقاضای تضمین مناسب برای اجرای قرارداد بکند. همچنین می‌تواند تا زمانی که به این باور باقی است از اجرای تعهدات خودش نیز خودداری نماید». این ماده عمومیت داشته و اختصاص به تضمین کیفیت کالا ندارد؛ ولی می‌توان آن را نسبت به تضمین کیفیت کالا نیز سرایت داد.

ماده ۲۴۱ قانون مدنی ایران نیز به بحث ضمان در ضمن قرارداد تصریح کرده و مقرر داشته: «ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه به‌واسطه معامله مشغول‌الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد».

یکی از مصادیق شرط ضمان عرفی در قرارداد تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد است که حدود و شرایط آن در قرارداد باید توسط دو طرف قرارداد مشخص شود.

قانون مدنی ایران در ادامه در ماده ۲۴۳ برای ضمانت اجرای ماده ۲۴۱ نهاد حقوقی را در نظر گرفته و مقرر کرده: «هرگاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد مشروطه حق فسخ معامله را خواهد داشت».

این ماده نشان از آن دارد که ضمان در ضمن یک قرارداد الزام قانونی دارد و در صورت عدم‌وفای مشروط‌علیه به‌شرط موردتوافق، مشروط‌له حق فسخ قرارداد را خواهد داشت.

۲-۳. اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ قالب تضمین

۱-۲-۳. قسم اول: تعهد یک طرفه تضمین کیفیت کالا

۱-۲-۳-۱. مفهوم تعهد یک طرفه تضمین کیفیت کالا

گاهی تضمین کیفیت کالا از سوی عرضه کننده کالا به مصرف کننده کالا به شکل تعهد یک طرفه صورت می گیرد. یعنی مصرف کننده هیچ تضمین خاصی را از عرضه کننده غیر از صحت و سلامتی عادی و معمولی یک کالا انتظار ندارد؛ ولی عرضه کننده برای این که اعتماد مصرف کننده را به خودش جلب نماید و برند خودش را تبلیغ نماید به صورت اختیاری و یک طرفه تعهدی را نسبت به کیفیت خاصی در کالای عرضه شده تضمین می کند. این نوع از تعهد را تعهد خودتحمیلی و یک طرفه و این نوع از تضمین را تضمین خودتحمیلی می نامند.

۲-۱-۲-۳. انواع تعهد یک طرفه تضمین کیفیت کالا

تعهد یک طرفه در فقه امامیه و حقوق ایران گاهی در قالب ایقاع و گاهی در قالب شرط ابتدایی مورد بحث قرار می گیرد. (محقق داماد و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۹۴).

- نوع اول: ایقاع

ایقاع از مصطلحات مختص به فقه اسلامی است که حقوق ایران نیز از آن تأثیر پذیرفته است؛ زیرا منبع اصلی حقوق ایران فقه امامیه به شمار می رود.

ایقاع در اصطلاح فقهی به معنای انشای مستقلی در طرف ایجاب است که موجب تعلق جنس یا منفعتی از شخصی به شخص دیگر می شود و نیاز به انشای قبول از سوی طرف دیگری ندارد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص. ۷۴۶؛ مشکینی، ۱۳۷۹، ص. ۹۷).

قانون مدنی ایران برخلاف مباحث خود در باب عقود و قراردادها که بسیار گسترده و پرحجم است به طور تقریبی هیچ بابی را به طور مستقل به بیان ایقاعات اختصاص نداده و حتی زمانی که از ایقاعاتی مانند حیازت مباحثات یا تحجیر و... بحث می نماید از واژه ایقاع استفاده

نمی‌کند. تنها جایی که در قانون مدنی ایران از کلمه «ایقاع» استفاده شده بند پنجم از ماده ۱۳۱۲ در مورد شهادت (گواهی) است. با وجود این نقصان، ایقاعات در حاشیه قانون، کتاب‌های حقوقی و زندگی اجتماعی مردم به حیات خود ادامه داده‌اند و هیچ منطقی نمی‌تواند منکر اهمیت آن و نیاز جامعه به آن بشود.

در نزد حقوق‌دانان ایرانی ایقاع در معنای مصدری به انشای یک ماهیت حقوقی با یک اراده (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۲۰) و در معنای حاصل مصدری به ماهیت حقوقی ناشی از اراده یک طرف گفته می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۲۰). تعریف ایقاع با تعبیر «عمل حقوقی که با یک اراده واقع می‌شود» از سوی برخی حقوق‌دانان (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸) با رویکرد حاصل مصدری است.

هرچند در نظام‌های حقوقی دیگر به خصوص اتحادیه اروپا سخنی از ایقاع به میان نیامده؛ ولی شبیه آن استفاده شده و در بیشتر مواقع از آن با عنوان تعهد یک طرفه یاد می‌شود. به عنوان مثال ماده ۱۰۷ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا تعهدات یک طرفه را به رسمیت شناخته و آن را الزام‌آور دانسته و مقرر کرده: «یک تعهد به قصد ایجاد الزام قانونی بدون نیاز به قبولی الزامی است».

فقه‌های امامیه (مراغی، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۶) و حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۸) اصالت لزوم را در ایقاع جاری می‌دانند. همچنین فقه‌های امامیه (مراغی: ۱۴۱۷ق، ص. ۴۰) و حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۸۸؛ حمیتی، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۶) ایقاع را الزام‌آور می‌دانند؛ بنابراین ایجادکننده ایقاع به تمام آثاری که به موجب عرف یا قانون از ایقاع حاصل می‌شوند ملزم خواهد بود.

حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۳) ایقاع را همانند قرارداد در برابر همه قابل استناد دانستند و تصریح کردند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۰) که در صورت تخلف ایجادکننده ایقاع از تعهد خودش مسئول ضررهای ناشی از این اقدام است و قواعد مربوط به مسؤولیت‌های قراردادی درباره ایقاع نیز اجرا می‌شود.

- نوع دوم: شرط ابتدایی

منظور از شرط ابتدایی در نزد فقهای امامیه التزام و تعهد مستقلی است که به دلیل عدم ارتباط انشایی خود با یک قرارداد نمی‌توان آن را شرط ضمن قرارداد به‌شمار آورد. همچنین مراحل شکل یافتن آن به‌گونه‌ای بوده که قرارداد کاملی به‌وجود نیامده و اگر صورت توافق و تراضی دوطرفی هم داشته باشد به جهت فقدان شرایط شکل‌دهنده قرارداد نمی‌توان آن را قرارداد به حساب آورد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۱).

از نگاه حقوق‌دانان ایرانی (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۴) نیز شرط ابتدایی به معنای تعهد یک‌طرفه‌ای است که شخص با قصد انشای آن بر خود به‌وجود می‌آورد.

میان فقهای امامیه در الزام‌آور بودن شرط ابتدایی اختلاف نظر است. بسیاری (انصاری، ۱۴۳۲ق، ص. ۵۵؛ نائینی، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۳؛ کمپانی، ۱۴۱۸ق، ص. ۱۷۱؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، صص. ۲۷۸-۲۷۹؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۸۵) شرط ابتدایی را الزام‌آور ندانستند و گاهی آن را باطل به‌شمار آوردند. برخی نیز ادعای اجماع (نائینی، ۱۳۷۳، ص. ۱۲۳؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ص. ۲۷۹) و اتفاق (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۸۵) فقیهان امامیه را بر الزام‌آور نبودن شرط ابتدایی ذکر کردند.

عده‌ای از فقهای امامیه (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۱۷؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۴۲) قائل به الزام‌آور بودن شرط ابتدایی شدند. بسیاری از فقهای امامیه (حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۶۳؛ نجفی، ۱۳۶۲ق، ص. ۱۹۸) هم که سخنی از شروط ابتدایی به میان نیاوردند تنها شروطی را الزام‌آور دانستند که شروط ضمن قرارداد باشند و شروط خارج از قرارداد را الزام‌آور ندانستند.

برخی از حقوق‌دانان ایرانی (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص. ۸۹) از ماده ۱۰ قانونی مدنی ایران برداشت کرده‌اند که قانون‌گذار ایرانی به تبع حقوق اروپا همه تعهدات اعم از ابتدایی و در ضمن عقد را که مخالف صریح قانون نباشد صحیح، نافذ و لازم‌الاجرا دانسته است؛ بنابراین شرط ابتدایی نیز از نگاه قانون مدنی ایران صحیح، نافذ و لازم‌الاجرا است.

این تحلیل حقوقی از این ماده صحیح نیست؛ زیرا این ماده مقرر کرده: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد

نافذ است». در این ماده تعبیر «قراردادهای خصوصی» آمده و قرارداد معنای خاصی در قوانین موضوعه و حقوق ایران دارد و اختصاص به تعهد دوطرفه دارد. مقصود قانون‌گذار در ماده مزبور این است که قراردادهای نامعین که در قانون تصریح نشدند اگر با قانون ایران مخالفت صریح نداشته باشند معتبر هستند. بنابراین قانون‌گذار خواسته با وضع این ماده قراردادهای نامعین را در صورت عدم مخالفت با قانون به رسمیت بشناسند. بله اگر در این ماده از عبارت «تعهدات» استفاده می‌شد می‌توانست این تحلیل صحیح باشد. زیرا تعهد شامل شرط ابتدایی که نوعی از تعهد یک‌طرفه است می‌شود.

در حال حقوق‌دانان ایرانی (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۴) شرط ابتدایی را از جمله شروط لازم و الزام‌آور بر علیه متعهدعلیه و به نفع متعهدله به‌شمار آورده‌اند.

حقوق موضوعه ایران به‌صراحت از تعهد یک‌طرفه در خصوص تضمین کیفیت کالا سخن نگفته؛ ولی قانون‌گذار در تبصره یکم ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی ۱۳۹۵ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو ۱۳۸۶ ایران مقرر داشته: «عرضه‌کننده می‌تواند براساس سیاست تجاری خود و به‌منظور افزایش رضایت‌مندی مصرف‌کننده نسبت به افزایش دوره تضمین یا تعهد اقدام نماید که در این صورت باید جزئیات شرایط آن به‌طور کتبی و شفاف به مصرف‌کننده اعلام گردد».

در این ماده سخن از یک تضمین اضافی و غیرالزامی علاوه بر تضمین اجباری به میان آمده است. به این معنا که قانون‌گذار عرضه‌کننده کالا را آزاد گذاشته که جهت جذب مشتری و بازاریابی تضمین‌های دیگری غیر از تضمین الزامی ایجاد نماید. این همان تضمین اختیاری، آزاد و حقوقی است که محل بحث است؛ بنابراین حقوق موضوعه ایران تضمین کیفیت کالا به‌صورت تعهد یک‌طرفه را به رسمیت شناخته و آن را معتبر دانسته است.

حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا تضمین کیفیت کالا و آثار برآمده از آن را در برخی موارد لازم برشمردند. در برخی موارد این تضمین به‌صورت یک‌طرفه ایجاد می‌شود که در این صورت براساس اجباری بودن تضمین، این تعهد یک‌طرفه الزام‌آور است و آن‌هم به این جهت است که اساس این تضمین و آثار حقوقی آن بر عرضه‌کننده کالا الزامی است و عرضه‌کننده

باید به آن عمل نماید؛ زیرا مقررات این قوانین در بسیاری از موارد از قواعد آمره است و توافق برخلاف آن‌ها جایز نیست.

۲-۲-۲. قسم دوم: تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا

۱-۲-۲-۳. مفهوم تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا

مقصود از تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا این است که عرضه‌کننده کالا به درخواست مصرف‌کننده و با اشتراط تضمین کیفیت کالا آن کالا را به مصرف‌کننده انتقال می‌دهد. در بسیاری مواقع چنین تضمینی در مقابل عوضی صورت می‌گیرد. یعنی هزینه‌ای که مصرف‌کننده برای کالای منتقل شده به وی با تضمین کیفیت می‌دهد بیشتر از هزینه آن کالا بدون تضمین کیفیت است.

۲-۲-۲-۳. وضعیت حقوقی تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا

تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا در ضمن قراردادی که جهت نقل و انتقال کالا صورت می‌گیرد تحقق می‌پذیرد. به قرارداد مزبور قرارداد به شرط تضمین گفته می‌شود. در این صورت قرارداد نقل و انتقال کالا به صورت مشروط است و شرط آن تضمین کیفیت کالا است. یعنی مصرف‌کننده کالا به شرطی آن کالا را از عرضه‌کننده گرفته و در مقابل آن عوضی پرداخت می‌کند که کیفیت آن کالا برای وی تضمین شود. درغیراین صورت آن را از عرضه‌کننده خریداری و... نخواهد کرد.

حقوق اتحادیه اروپا چنین شروط ضمنی را در اصول کلی خودش به رسمیت شناخته و آن‌ها را معتبر دانسته است. ماده ۱۰۲ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «علاوه بر شروط صریح، قرارداد امکان دارد مشتمل بر شروط ضمنی باشد که با نشانه‌های زیر شناسایی می‌شود: الف) قصد طرفین؛ ب) ماهیت و هدف قرارداد؛ ث) حسن نیت و رفتار منصفانه».

حقوق دانان ایرانی (حیاتی، ۱۳۹۲، ص. ۳۲۴) شروط ضمنی قرارداد را یک عمل حقوقی به‌شمار آوردند که وجودی مستقل از قرارداد اصلی ندارد.

فقه‌های امامیه (حلی، ۱۴۱۱ق، ص. ۱۰۰؛ انصاری، ۱۴۲۱ق، ص. ۷۳؛ بجنوردی، ۱۴۰۱ق، ص. ۳۹۳) و حقوق‌دانان ایرانی (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۷؛ رسائی‌نیا، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۴) شروط ضمن قرارداد را به‌طور اجمالی مشروع، مجاز، صحیح و نافذ برشمردند که آثار حقوقی برای هردو طرف قرارداد به‌دنبال دارد.

برخی حقوق‌دانان ایرانی (حمیتی، ۱۳۸۸، ص. ۶۳) از شرط ضمن قرارداد با عنوان قرارداد دومی در کنار قرارداد اصلی و اولی یاد کرده‌اند.

فقه‌های امامیه (انصاری، ۱۴۳۲ق، ص. ۵۳؛ بجنوردی، ۱۴۰۱، ص. ۳۹۳) و حقوق‌دانان ایرانی (رسائی‌نیا، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۴) عمل به شروط مندرج در ضمن قراردادهای لازم را لازم و آن‌ها را الزام‌آور نسبت به دو طرف قرارداد دانستند که در محاکم قضایی قابل استناد و معتبر است.

بسیاری از فقه‌های امامیه (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ص. ۱۴۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۱) و حقوق‌دانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸، ص. ۲۶۷ و ۱۰۷؛ طاهری، ۱۴۱۸ق، ص. ۸۸) شروط درج‌شده در ضمن قراردادهای جایز را نیز لازم و آن‌ها را الزام‌آور نسبت به دو طرف قرارداد شمردند؛ بنابراین در محکمه‌های صالح قضایی اعتبار و قابلیت استناد دارد.

فقه‌های امامیه (طباطبایی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۱) و حقوق‌دانان ایرانی (امامی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۳) تصریح نمودند در قراردادهای جایز تا وقتی این شروط لازم و الزام‌آور هستند که اصل قرارداد برقرار باشد و در صورت زوال قرارداد دیگر این شروط نیز لازم و الزام‌آور نخواهند بود.

تضمین کیفیت کالا یک‌نهاد پذیرفته‌شده در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا به حساب می‌آید که امکان ایجاد آن در قالب تعهد دوطرفه نیز وجود دارد.

در تعهد دوطرفه هم تضمین‌کننده و هم مصرف‌کننده قصد ایجاد تضمین کیفیت کالا را دارند و به‌طور معمول برای این تضمین عوضی از سوی مصرف‌کننده به تضمین‌کننده انتقال می‌یابد. براین اساس هم تضمین‌کننده تعهدی نسبت به مصرف‌کننده ایجاد می‌کند و هم مصرف‌کننده تعهدی را نسبت به تضمین‌کننده ایجاد می‌کند. از این رو تعهد در برابر تعهد

صورت می‌گیرد. به این نوع از تعهد عنوان تعهد متقابل اطلاق می‌شود؛ بنابراین اجرای تعهد در مقابل اجرای تعهد و عدم اجرای تعهد در برابر عدم اجرای تعهد خواهد بود.

۳-۲-۲. انواع تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا به لحاظ محل درج تضمین

تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا از جهت آنکه محل درج و ذکر آن در چه جایی صورت می‌گیرد به دو نوع: «تضمین در ضمن قرارداد» و «تضمین با قرارداد مستقل» بخش‌بندی می‌شود.

- نوع اول: تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد

تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد از نظر تحلیل فقهی و حقوقی از نوع تعهد و شرط ضمن قرارداد به‌شمار می‌رود؛ بنابراین احکام شروط و تعهدات ضمن قرارداد در آن باید جریان یابد.

فقه‌های امامیه (انصاری، ۱۴۳۲ق، ص. ۵۹) شرط در ضمن قرارداد را به سه قسم: «شرط وصف»، «شرط فعل» و «شرط نتیجه» بخش‌بندی می‌کنند. شرط صفت به صفتی از صفات مورد و موضوع قرارداد مانند حامله بودن گوسفند تعلق می‌گیرد. شرط فعل نیز به فعل یکی از دو طرف قرارداد یا شخص ثالث مانند دوختن لباس تعلق می‌گیرد. شرط نتیجه به چیزی که غایت برای فعل است مانند تملک یک کالای خاص تعلق می‌گیرد.

ماده ۲۳۴ قانون مدنی ایران نیز شرط در ضمن قرارداد را به سه قسم: شرط صفت، شرط نتیجه و شرط فعل تقسیم کرده و مقرر کرده: «شرط بر سه قسم است: ۱) شرط صفت؛ ۲) شرط نتیجه؛ ۳) شرط فعل اثباتاً یا نفیاً».

این ماده قانونی در ادامه شرط صفت را تعریف نموده و ذکر کرده: «شرط صفت عبارت است از شرط راجعه به کیفیت یا کمیت مورد معامله». سپس شرط نتیجه را تعریف کرده و مزبور داشته: «شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود». آنگاه شرط فعل را تعریف کرده و بیان نموده: «شرط فعل آن است که اقدام یا عدم‌اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود».

حقوق دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۷؛ افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۴۹) نیز با توجه به این ماده شرط در ضمن قرارداد را به سه قسم: شرط صفت، شرط فعل و شرط نتیجه بخش‌بندی کردند و در تعاریف خودشان برای این سه قسم از شروط از این ماده قانونی بهره بردند.

شروط تعهدات جانبی در قرارداد و تعهد در تعهد به‌شمار می‌روند و تعهد جانبی و تعهد در تعهد الزام‌آور هستند. یعنی همچنان که التزام و تعهد الزام می‌آورد التزام در التزام و تعهد در تعهد نیز الزام را به‌دنبال دارد.

شرط مزبور تعهدی است که میان دو طرف قرارداد ردوبدل می‌شود و دو طرف نسبت به آن توافق می‌نمایند؛ بنابراین تا جایی که با اصول بنیادین حقوق کشور متبوع، نظم عمومی، اخلاق حسنه و قواعد آمره در تضاد نباشد الزام‌آور بوده و قابل استناد است.

ماده ۱۰۴ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا به الزام‌آور بودن و اولویت داشتن چنین شروطی اشاره کرده و مقرر داشته: «شروطی که به‌طور انفرادی و جداگانه مورد مذاکره قرار گرفته‌اند بر شروطی که به‌طور مجزا مورد مذاکره قرار نگرفته‌اند تقدم و اولویت دارند».

بند سوم ماده ۱۰۲ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا ماهیت و هدف قرارداد را یکی از مواردی دانسته که در تفسیر قرارداد باید مورد توجه قرار بگیرد.

اگر هدف مصرف‌کننده از پرداخت عوض در برابر کالا، کیفیت مقرر آن در قرارداد باشد این کیفیت در تفسیر قرارداد و استناد به آن اهمیت داشته و الزام‌آور خواهد بود.

تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد شرط فعل در قرارداد به‌شمار می‌رود. از این رو احکام شرط فعل در آن باید جاری شود.

فعل در شرط فعل طبق تصریح ماده ۲۳۴ قانون مدنی ایران و حقوق دانان ایرانی (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص. ۲۸۹؛ رسائی‌نیا، ۱۳۷۶، صص. ۱۳۵-۱۳۶؛ افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۵۶) شامل اثبات (انجام) و نفی (ترک) می‌شود. تضمین کیفیت کالا اگر از نوع شرط فعل در نظر گرفته شده باشد از قسم شرط فعل مثبت (انجام) است؛ زیرا در قرارداد انتقال کالا به مصرف‌کننده شرط می‌شود که عرضه‌کننده تضمینی را برای مصرف‌کننده ایجاد نماید که این ایجاد یک نوع

فعل مثبت (انجام) است. همچنین فعل در شرط فعل طبق تصریح حقوق‌دانان ایرانی (طاهری، ۱۴۱۸ق، ص. ۲۸۹) شامل عمل خارجی (مادی) مانند ساختن یک‌خانه و عمل حقوقی (قضایی) مانند ایجاد یک قرارداد می‌شود. قرارداد تضمین کیفیت یک عمل حقوقی است؛ بنابراین در صورت تعهد تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد انتقال کالا به مصرف‌کننده شرط انجام ایجاد قرارداد تضمین کیفیت کالا در قرارداد درج می‌شود.

حکم فقهای امامیه (روحانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۱) به عدم صحت اسقاط حق شرط وصف دلیل بر این است که تضمین کیفیت کالا از نوع شرط وصف نیست. برخی (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص. ۴۰۹) از آنان برای عدم صحت اسقاط حق شرط وصف استدلال کردند که در صورت عدم وصف فقط خیار وجود دارد و موضوعی برای اسقاط وجود نخواهد داشت. بعضی دیگر (روحانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۸۱) نیز استدلال آوردند که اگر وصف موجود باشد مطلوب حاصل شده و اگر موجود نباشد معنایی برای وجوب و فاء وجود ندارد؛ بنابراین حق شرط به‌ناچار سقوط خواهد کرد و باقی نخواهد ماند.

در تضمین کیفیت کالا در صورت عدم انطباق کالا با کیفیت مقرر در قرارداد، مصرف‌کننده علاوه بر حق خیار فسخ حق درخواست تعمیر یا تعویض را نیز دارد. بدین توضیح که اگر وصف در موضوع قرارداد نباشد در بسیاری از مواقع اصل قرارداد قابل ابقاء است. حال مشروطه حقی را از مشروط علیه طلب دارد و آن وصف مورد توافق در موضوع قرارداد است. در این صورت مشروطه یا از حق خودش نمی‌گذرد یا می‌گذرد. اگر از حق خودش نگذشت یا مشروط علیه در صورت امکان، موضوع قرارداد را تعمیر یا تعویض می‌کند یا مشروطه اعمال خیار تخلف شرط می‌کند که همان فسخ قرارداد است. اگر هم مشروطه از حق خودش گذشت آن شرط و حق شرط خودش را اسقاط می‌کند. در صورت کلی و معین نبودن موضوع قرارداد اگرچه مشروطه می‌تواند درخواست تعویض دهد؛ ولی می‌تواند باز از حق خودش بگذرد و به همان کالای تسلیم شده به وی اکتفا کند. زیرا این حقی است که اختصاص به وی دارد و می‌تواند طبق قاعده فقهی و حقوقی از این حق اختصاصی بگذرد؛ بنابراین شرط تضمین کیفیت کالا از نوع شرط وصف نیست.

اشتراط تضمین کیفیت کالا در ضمن یک قرارداد به این معنا است که اگر کالای منتقل شده به مصرف‌کننده کیفیت مطلوب و استاندارد یا کیفیت مورد انتظار خاص مصرف‌کننده را نداشته باشد آثار حقوقی و قانونی خاصی داشته و هردو طرف قرارداد باید به این آثار حقوقی و قانونی ملتزم و متعهد بوده و آن را اجرا نمایند.

- نوع دوم: تضمین کیفیت کالا در قرارداد مستقل

گاهی تضمین کیفیت کالا در یک قرارداد مستقل ایجاد می‌شود. در این صورت دو قرارداد وجود دارد که عبارتند از:

۱. قراردادی که یک کالا توسط آن قرارداد از سوی عرضه‌کننده به مصرف‌کننده در قالب قرارداد بیع و... انتقال یابد.
۲. قراردادی که جدای از قرارداد اول با مصرف‌کننده منعقد می‌شود و کالای منتقل شده به مصرف‌کننده را تضمین کیفیت می‌کند.

در صورت تضمین کیفیت کالا در قالب یک قرارداد مستقل تضمین خودش یک قرارداد است و قرارداد یکی از نهادهای رسمی شناخته‌شده در نزد فقهای امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا به‌شمار می‌رود.

عقد در نزد فقهای امامیه (مشکینی، ۱۳۷۹، ص. ۳۷۷) به معنای قراردادی است که میان دو یا چند طرف برقرار می‌شود و تبادل جنس یا منافع بدان وسیله انجام می‌پذیرد و نیاز به ایجاب از سوی دهنده و قبول از سوی گیرنده دارد.

ماده ۱۸۳ قانون مدنی ایران نیز عقد را که در نزد بسیاری از حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۱۱؛ محقق داماد، ۱۳۷۹، ص. ۹۰؛ جعفری، ۱۳۸۱، ص. ۵۳۲؛ شیروی، ۱۳۹۶، ص. ۱۰) مترادف قرارداد است تعریف کرده و مقرر داشته: «عقد عبارت است از این که یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد».

بند «الف» ماده دوم قانون مشترک فروش ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا قرارداد را تعریف نموده و مقرر کرده: «قرارداد به معنای توافقی است که به منظور ایجاد تعهدات یا سایر آثار حقوقی انجام می‌شود».

هرچند برخی درصدد این هستند که تضمین کیفیت کالا در قرارداد مستقل را یک قرارداد نوپدید به حساب آورند؛ ولی امکان تحلیل آن در قالب قراردادهای معین در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا وجود دارد. زیرا می‌توان آن را در قالب قرارداد ضمان و ضمانت تحلیل کرد.

ضمان در اصطلاح فقه امامیه در یک مقیاس عام به معنای مطلق اشتغال ذمه انسان به هر سببی از اسباب است (صدر، ۱۴۲۰ق، ص. ۳۲۰) و در مقیاس بعدی به معنای تعهد و التزام به مال یا نفس در ذمه شخص دیگر از سوی انسانی که ذمه او خالی است (هاشمی، ۱۳۸۲، صص. ۱۵۲-۱۵۳) و در مقیاس خاص تر به تعهد و التزام به مال ثابت در ذمه شخص دیگر از سوی انسان بریء اطلاق می‌شود. (قطان، ۱۴۲۴ق، ص. ۴۳۵؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ص. ۳۵۵؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ص. ۱۲۳؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ص. ۲۳).

ضمان به معنای دوم (اعم) و سوم (اخص) ضمان عقدی است. هرگاه ضمان به صورت مطلق به کار رود مراد ضمان به معنای اخص (معنای سوم) است (هاشمی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۳). ماده ۶۸۴ قانون مدنی ایران نیز معنای سوم ضمان را در نظر گرفته و قرارداد ضمان را تعریف نموده و مقرر داشته: «عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده بگیرد».

برخی فرهنگ‌های حقوقی (آقایی، ۱۳۸۵، ص. ۶۲۷) نوشته‌اند که اگر تعهدی به صورت مشترک با مسئولیت اصلی صورت گیرد و قرارداد مجزا و متمایزی در کار نباشد در این صورت قرارداد ضمان خواهد بود و اگر قرارداد مجزا و متمایزی در کار باشد در این صورت قرارداد ضمانت خواهد بود.

شاید بتوان گفته که مقصود از ضمان و ضمانت در بحث تضمین کیفیت کالا در قالب قرارداد مستقل ضمان عرفی است که برخی از فقهای امامیه و حقوق هم آن را پذیرفته‌اند. در

تضمین کیفیت کالا در قالب قرارداد مستقل تضمین‌کننده با مصرف‌کننده قرارداد می‌بندد که کالای انتقال داده‌شده به وی از کیفیت تعیین‌شده در قرارداد برخوردار است و در صورت عدم انطباق کالا با کیفیت مزبور در قرارداد تضمین‌کننده خسارت وارد شده به مصرف‌کننده را با تعمیر یا تعویض کالا یا استرداد وجه پرداختی به مصرف‌کننده جبران خواهد کرد.

۳-۲-۲-۴. انواع تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا به لحاظ شخص تضمین‌کننده

- نوع اول: تضمین کیفیت کالا توسط عرضه‌کننده

گاهی تضمین کیفیت کالا از سوی عرضه‌کننده کالا به مصرف‌کننده صورت می‌گیرد. عرضه‌کننده شامل تولیدکننده، واردکننده، صادرکننده، پخش‌کننده، فروشنده و... و همچنین دربرگیرنده شخص حقیقی و حقوقی است.

در این فرض شخصی که کالای مصرفی را به مصرف‌کننده عرضه و منتقل می‌کند همان شخص نیز کیفیت آن کالای مصرفی را برای مصرف‌کننده در مدت‌زمان مشخصی تضمین می‌نماید. این تضمین گاهی اجباری به حکم قانون و گاهی اختیاری به اراده دو طرف قرارداد است. در هر دو صورت مسئولیت عدم انطباق کالا با کیفیت مقرر برعهده عرضه‌کننده است و مصرف‌کننده در صورت عدم انطباق کالا با کیفیت مقرر می‌تواند به خود عرضه‌کننده رجوع کند.

- نوع دوم: تضمین کیفیت کالا توسط شخص ثالث

امکان دارد که تضمین کیفیت کالا از سوی شخص ثالثی غیر از عرضه‌کننده کالا برای مصرف‌کننده صورت بگیرد. در این فرض عرضه‌کننده هیچ تضمینی نسبت به کیفیت کالا به مصرف‌کننده نمی‌دهد و شخص دیگری که خارج از قرارداد اول است این تضمین را در قالب یک قرارداد مستقل از قرارداد انتقال کالا به مصرف‌کننده برای مصرف‌کننده ایجاد می‌نماید.

این نوع از تضمین کیفیت کالا نیز مبنای حقوقی و فقهی دارد و شکی در صحت و اعتبار آن نیست؛ زیرا می‌توان این قرارداد را در قالب ضمان عرفی ایجاد نمود. براین اساس در این نوع از تضمین، شخص ثالث برای عرضه‌کننده کالا به نفع مصرف‌کننده کالا ضمانت کیفیت کالا را

خواهد نمود و در صورت عدم مطابقت کالا با اوصاف معین در قرارداد باید به وظیفه قانونی خودش عمل نماید.

ماده ۲۴۱ قانون مدنی ایران به این نوع از قرارداد اشاره داشته و مقرر کرده: «ممکن است در معامله شرط شود که یکی از متعاملین برای آنچه به واسطه معامله مشغول‌الذمه می‌شود رهن یا ضامن بدهد».

ضامن در تضمین کیفیت کالا در قالب قرارداد مستقل از سوی شخص ثالث همان تضمین‌کننده است که کیفیت کالا را برای مصرف‌کننده و خریدار ضمانت می‌نماید.

۳-۲-۵. الزام‌آور بودن تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا

درجایی که تضمین کیفیت کالا از نوع تضمین اجباری باشد اتباع از آن قرارداد لازم است و نمی‌توان برخلاف آن توافق کرد و تعهدات مندرج در آن قرارداد را اسقاط کرد.

اگر تضمین کیفیت کالا در قرارداد مستقل از نوع تضمین اختیاری باشد بازهم اتباع از آن قرارداد برای هر دو طرف و عمل به تعهدات مندرج در آن قرارداد نیز لازم است؛ زیرا اگرچه ایجاد قرارداد براساس اصل آزادی و حاکمیت اراده اختیاری و آزاد است؛ ولی زمانی که قرارداد با قصد، رضایت دو طرف و با توفیر همه شرایط منعقد شود برای هر دو طرف الزام‌آور و لازم‌الاتباع خواهد بود و تخطی از آن جایز نبوده و امکان استناد به آن قرارداد در محکمه صالحه جهت الزام طرف مقابل و استیفای حقوق وجود دارد. بر همین اساس حقوق‌دانان ایرانی (افتخاری، ۱۳۸۲، ص. ۲۸) یکی از آثار اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی را التزام دو طرف قرارداد به اجرای قرارداد ذکر کرده‌اند.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران در همین راستا قراردادهای را لازم‌الاتباع برای دو طرف قرارداد برشمرده و مقرر نموده: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر این‌که به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

ماده ۲۲۰ این قانون نیز دو طرف قرارداد را به تعهدات خویش نسبت به طرف مقابل و آثار عرفی و عادت آن ملزم کرده و مقرر کرده: «عقود نه‌فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن

تصریح شده است ملزم می‌نماید؛ بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند».

چنانچه تضمین کیفیت کالا از نوع تضمین اختیاری کیفیت کالا و در ضمن قرارداد باشد باز الزام‌آور است؛ زیرا مشهور فقهای امامیه (انصاری، ۱۴۳۲ق، ص. ۶۲) قائل به لزوم وفای به شروط و تعهدات فعل در ضمن قرارداد هستند. ماده ۲۳۷ قانون مدنی ایران نیز وفای به شرط فعل در ضمن قرارداد را لازم برشمرده و مقرر داشته: «هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به‌جا بیاورد و در صورت تخلف، طرف معامله می‌تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفای شرط بنماید».

۳-۲-۲-۶. موارد رفع الزام تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا

۳-۲-۲-۶-۱. انحلال قرارداد

انحلال قرارداد در نزد حقوق‌دانان ایرانی (حمیتی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۲؛ نهرینی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۰) به معنای برهم خوردن قرارداد بعد از تحقق آن و ترتب آثار حقوقی بر آن است. این تعریف از انحلال یک تحلیل حقوقی را به ارمغان می‌آورد. بدین شرح که گسیختن پیوند ناشی از قرارداد با انحلال ارادی یا قهری از زمان پیدایش انحلال آثار خودش را نسبت به آینده خواهد داشت و آثار پیشین قرارداد را حذف نمی‌کند؛ زیرا قراردادی که با شرایط قانونی به شکل صحیح ایجاد شده باشد آثار خودش را به‌طور قهری برجای خواهد گذاشت، مگر اینکه سبب ارادی یا قانونی از ادامه آثار مزبور جلوگیری نماید. تنها موردی که اثر قرارداد را از ابتدای ظهور و تحقق ظاهری آن نابود می‌کند بطلان قرارداد است که در مباحث آینده شرح و بررسی می‌شود.

انحلال قرارداد با انفساخ، اقاله و فسخ قرارداد انجام می‌پذیرد که در ذیل به‌لحاظ فقهی و حقوقی بررسی می‌شوند.

- يك) انفساخ قرارداد

انفساخ قرارداد در نزد حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳۹۹) به معنای این است که قرارداد بدون آنکه نیاز به عمل حقوقی اضافی داشته باشد خودبه‌خود از میان می‌رود و حق انتخاب برای یکی از دو طرف قرارداد یا محکمه صالحه قضایی باقی نمی‌ماند.

ماده ۹۵۴ قانون مدنی ایرانی به انفساخ قرارداد تصریح کرده و مقرر کرده: «کلیه عقود جایزه به موت احد طرفین منفسخ می‌شود و همچنین به سغه در مواردی که رشد معتبر است».

انفساخ قرارداد تضمین کیفیت کالای منتقل شده به مصرف‌کننده در چند مورد اتفاق می‌افتد:

۱. دشوار شدید بودن اجرای تعهد بر تضمین‌کننده: در صورتی که اجرای تعهدی که بر تضمین‌کننده در قرارداد تضمین کیفیت کالا مقرر شده بود به جهت تغییر اوضاع و احوال خیلی دشوار و سخت باشد در این هنگام یکی از نهادهای حقوقی پیش‌بینی شده برای این قرارداد انفساخ قرارداد است. تضمین‌گیرنده در این فرض یا می‌تواند صبر کند تا اوضاع و احوال به حالت عادی برگردد یا به همان کالا با وضعیت کنونی رضایت دهد و یا اینکه قرارداد به‌خودی‌خود انفساخ یابد.

بند یکم ماده ۱۱۱-۶ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «طرف قرارداد ملزم است تعهداتش را انجام دهد حتی اگر اجرای آن بسیار دشوار باشد خواه هزینه اجرای تعهد افزایش یافته یا اینکه ارزش اجرای تعهد کاهش یافته باشد».

بند دوم آن مقرر کرده: «باین‌وجود اگر اجرای قرارداد به خاطر تغییر اوضاع و احوال بیش‌ازاندازه دشوار و طاقت‌فرسا باشد طرفین ملزم هستند در رابطه با تعدیل قرارداد یا خاتمه دادن به آن وارد مذاکره شوند مشروط به اینکه: الف) تغییر اوضاع و احوال پس از زمان انعقاد قرارداد حادث شده باشد؛ ب) احتمال تغییر اوضاع و احوال از جمله مواردی نباشد که در زمان انعقاد قرارداد به‌طور متعارف قابل پیش‌بینی بوده است؛ ث) احتمال تغییر اوضاع و احوال از جمله مواردی نباشد که مطابق با قرارداد، طرفی که تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرد آن را به‌وجود آورده باشد».

۲. بروز قوه قهری طبیعی مانع از اجرای تعهد توسط تضمین‌کننده: در صورتی که قوه قهریه طبیعی حدوث یابد و از اجرای تعهد مقرر در قرارداد تضمین کیفیت کالا از جانب تضمین‌کننده منع نماید در این هنگام قرارداد تضمین کیفیت کالا به خودی خود انفساخ می‌یابد.

بند چهارم ماده ۳۰۳-۹ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر کرده: «اگر یک طرف قرارداد مطابق ماده ۲۰۸ به واسطه عامل بازدارنده‌ای که مطلق و همیشگی باشد عذر موجهی برای عدم اجرای تعهد قراردادی داشته باشد قرارداد خودبه‌خود و بدون دادن اخطاریه در زمانی که عامل بازدارنده به وجود می‌آید منفسخ می‌شود».

مبنای این تحلیل حقوقی آن است که قرارداد تضمین کیفیت کالا از نوع قرارداد مستمر و تدریجی است و تعهد در آن در مدت‌زمان مشخصی به اجرا درمی‌آید؛ بنابراین اگر در طول این مدت معین شخص متعهدعلیه (تضمین‌کننده) به جهت بروز یک قوه قهریه طبیعی نتواند به تعهدات خودش نسبت به متعهدله (تضمین‌گیرنده) عمل نماید موضوعی برای قرارداد تضمین باقی نمی‌ماند و قراردادی که موضوع آن زوال یابد اصل قرارداد انفساخ یافته و منحل می‌شود. پس قرارداد تضمین نیز در این فرض انفساخ پذیرفته و انحلال می‌یابد.

در صورت بروز قوه قهریه طبیعی و عدم امکان اجرای تعهد از سوی متعهدعلیه اگر دو طرف قرارداد در زمان مناسب و متعارف به یک توافق قطعی نرسند، در این صورت باید به محکمه صالحه رجوع نمایند. در این صورت یا دادگاه زمان مشخصی را برای پایان دادن قرارداد تضمین کیفیت کالا مشخص می‌نماید یا قرارداد تضمین کیفیت کالا را تعدیل می‌کند. حکم محکمه صالحه در این هنگام الزام‌آور بوده و قابلیت استناد دارد.

بند سوم ماده ۱۱۱ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا در این خصوص به حکم محکمه صالحه تصریح نموده و مقرر کرده: «اگر طرفین در مدت‌زمان متعارف به توافق نرسند دادگاه ممکن است: الف) قرارداد را در تاریخ و شرایطی که خود دادگاه تعیین می‌کند به پایان برساند؛ ب) قرارداد را به منظور تقسیم مساوی و منصفانه سودو زیان

به وجود آمده در نتیجه تغییر اوضاع و احوال بین طرفین تعدیل کند. در هریک از این موارد دادگاه ممکن است به خاطر ضروری که به دلیل رد مذاکرات یا قطع مذاکرات توسط یکی از طرفین برخلاف حسن نیت و رفتار منصفانه وارد شده حکم به جبران خسارت دهد». در حقوق موضوعه ایران چنین مقرره‌ای وجود ندارد؛ ولی می‌توان از اصول و قواعد کلی حقوق حکم مربوطه را استخراج نمود. دادگاه برای فیصله دادن به نزاع تضمین‌کننده و تضمین‌گیرنده ناچار است انفساخ قرارداد را اعلام نماید یا زمان بیشتری را در اختیار تضمین‌کننده قرار دهد و یا قرارداد تضمین کیفیت کالا را تعدیل نماید.

- دو) اقاله قرارداد

انحلال قرارداد به تراضی را در نزد حقوق دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳) اقاله و گاهی تفاسخ می‌نامند. ماده ۲۸۳ قانون مدنی ایران آن را تفاسخ ذکر کرده و مقرر کرده: «بعد از معامله طرفین می‌توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند».

اقاله در اصطلاح فقهای امامیه به معنای فسخ قرارداد از سوی دو طرف قرارداد پس از وقوع آن است (حلی، ۱۴۰۸ق، ص. ۸۲؛ انصاری، ۱۴۲۱ق، ص. ۸۰؛ موسوی خمینی: بی‌تا، ص. ۵۵۴) خواه به انشای مستقل از دو طرف که هریک بگوید قرارداد را فسخ کردم یا انشای فسخ از سوی یک طرف و قبول از سوی طرف دیگر و یا درخواست از سوی طرفی و انشای فسخ از جانب طرف دیگر باشد.

اقاله یا تفاسخ در نزد حقوق دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۸) به مفهوم تراضی دو طرف قرارداد بر انحلال قرارداد ذکر شده است.

اقاله از حقوق بوده و از احکام نیست؛ زیرا به لحاظ عرفی مثل فسخ است. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۱۸) قلمرو اقاله همه قراردادهایی است که قوام آن‌ها از هر دو طرف به مال است (قراردادهای مالی) مانند اجاره، مزارعه، مساقات و مکاتبه. (موسوی خمینی: بی‌تا، ص. ۵۵۴؛ روحانی: ۱۴۱۲ق، ص. ۳۲۰).

اقاله در نزد حقوق دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳) از نوع قرارداد به‌شمار می‌رود که نیاز به تراضی دو طرف قرارداد دارد.

پس از تحقق اقاله هریک از دو عوض در صورت وجود عوض به صاحب خودش مسترد می‌شود و در صورت تلف عوض، تلف‌کننده ضامن مثل در امور مثلی و ضامن قیمت در امور قیمی خواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲، ص. ۳۵۷؛ انصاری، ۱۴۲۱ق، ص. ۸۰).

ماده ۲۴۶ قانون مدنی ایران مقرر کرده: «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد».

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران در همین راستا قراردادها را لازم‌الاتباع برای دو طرف قرارداد برشمرده و مقرر نموده: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

بند دوم ماده ۲۶۴ قانون مدنی ایران یکی از طرقی که تعهدات به وسیله آنها ساقط می‌شود را اقاله ذکر کرده است.

- سه) فسخ قرارداد

انحلال ارادی و یک‌طرفه قرارداد در نزد حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۳؛ نهرینی، ۱۳۸۵، ص. ۷) فسخ نامیده شده که یک نوع فعل اعتباری و ذهنی و یک عمل حقوقی است که به صورت یک‌طرفه واقع می‌شود. از این رو در نظرگاه حقوق‌دانان ایرانی (نهرینی، ۱۳۸۵، ص. ۶؛ بهرامی، ۱۳۹۰، ص. ۶۹۰) و فقهای امامیه (نائینی، ۱۳۷۳، ص. ۳۷؛ عراقی، ۱۴۱۴ق، ص. ۱۸۱) نوعی ایقاع به‌شمار می‌رود؛ بنابراین نیاز به قبول طرف مقابل ندارد و با ایجاد صاحب حق خیار فسخ انعقاد می‌یابد.

فسخ در کلام فقهای امامیه (هاشمی، ۱۳۸۲، ص. ۶۹۸) به معنای برهم زدن قرارداد است. فسخ از نگاه حقوق‌دانان ایرانی (شیروی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۲) به معنای به‌هم‌زدن ارادی و یک‌جانبه قراردادی است که به‌طور صحیح منعقد شده است.

از نگاه حقوق‌دانان ایرانی (نهرینی، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۰) اعمال حق فسخ قرارداد آثاری حقوقی را به دنبال دارد که صاحب این حق برای رسیدن به این آثار به اجرای آن اقدام

می‌نماید. مهم‌ترین اثر فسخ قرارداد گسسته شدن قرارداد و بازگشت دو طرف قرارداد به وضعیت قبل از قرارداد است.

یکی از پیامدهای مهم بازگشت دو طرف قرارداد به وضعیت قبل از قرارداد این است که دو عوضی که در قرارداد میان دو طرف قرارداد ردوبدل شده باید به صاحب اصلی آن برگردانده شود.

ماده ۱۱۵ اصول حقوق قرارداد ۲۰۰۱ اتحادیه اروپا مقرر داشته: «با فسخ قرارداد هریک از دو طرف ممکن است ادعای اعاده تصرف هر آنچه براساس قرارداد داده است را بکند مشروط بر اینکه هم‌زمان با آن هر آنچه را که دریافت کرده اعاده کند. اگر اعاده تصرف به هر دلیلی امکان نداشت مبلغ متعارف (بدل نقدی یا مالی) باید برای آنچه دریافت شده پرداخت گردد».

فسخ قرارداد در بحث تضمین کیفیت کالا به چند شکل می‌تواند انجام شود:

۱. فسخ قانونی: گاهی مواقع قانون به جهت دلایلی قرارداد میان دو طرف را فسخ می‌نماید که در این صورت رابطه حقوقی میان دو طرف از میان رفته و دو طرف دیگر هیچ تعهد و مسؤولیتی نسبت به هم نخواهند داشت.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران در همین راستا قراردادهای قابل فسخ از سوی قانون برشمرده و مقرر نموده: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم‌مقام آنها لازم‌الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود».

طبق این قاعده کلی گاهی اصل قرارداد انتقال کالای مصرفی به مصرف‌کننده نیز از سوی قانون فسخ می‌شود. در این صورت قرارداد تضمین کیفیت کالا نیز انحلال خواهد یافت و دیگر تضمین‌کننده هیچ تعهد و مسؤولیتی نسبت به تضمین‌گیرنده نخواهد داشت.

مبنای تحلیل مزبور این است که قرارداد تضمین کیفیت کالا مبتنی بر قرارداد انتقال کالای مصرفی است و اگر قرارداد نخست توسط قانون فسخ شود دیگر موضوعی برای تضمین باقی نخواهد ماند تا کیفیت آن ضمانت شود.

گاهی نیز امکان دارد قانون قرارداد تضمین کیفیت کالا را به سبب عواملی فسخ نماید که در این صورت رابطه حقوقی میان تضمین‌کننده و تضمین‌گیرنده در خصوص قرارداد تضمین قطع می‌شود؛ ولی اصل قرارداد انتقال کالا در جای خودش باقی است، مگر آنکه در قرارداد شرط شده باشد که قرارداد انتقال کالا مشروط به قرارداد تضمین باشد و در صورت انحلال قرارداد تضمین قرارداد انتقال نیز انحلال یابد یا تضمین کیفیت از اوصاف اساسی کالای مورد انتقال بوده باشد یا قانون تضمین اجباری چنین قابلیت را پیش‌بینی کرده باشد که در این فروض با فسخ قرارداد تضمین قرارداد انتقال کالا نیز انحلال خواهد یافت.

۲. فسخ توسط تضمین‌گیرنده: فقه امامیه، حقوق ایران، حقوق اتحادیه اروپا و دیگر نظام‌های حقوقی جهان به تضمین‌گیرنده این حق را دادند در برخی مواقع مقتضی قرارداد را فسخ نماید. در این صورت قرارداد مزبور انحلال یافته و طرف مقابل دیگر هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به تضمین‌گیرنده نخواهد داشت.

اگر تضمین‌گیرنده اصل قرارداد انتقال کالای مصرفی را به دلایلی فسخ نماید در این صورت قرارداد تضمین کیفیت کالا نیز انحلال خواهد یافت و تضمین‌کننده هیچ تعهد و مسئولیتی نسبت به وی نخواهد داشت؛ زیرا قرارداد دوم منوط به قرارداد اول است و با انحلال قرارداد اول (قرارداد انتقال کالا) قرارداد دوم (قرارداد تضمین کیفیت کالا) نیز منحل می‌شود.

ماده ۲۴۶ قانون مدنی ایران فسخ را موجب انحلال قرارداد و بی‌اعتبار شدن شرط در آن ذکر کرده و مقرر داشته: «در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد شرطی که در ضمن آن شده است باطل می‌شود و اگر کسی که ملزم به انجام آن شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد می‌تواند عوض او را از مشروطه بگیرد». اگر تضمین‌کننده قرارداد تضمین کیفیت کالا را به دلایلی فسخ نماید در این صورت اصل قرارداد انتقال کالا به وی انحلال نخواهد یافت؛ زیرا قرارداد اول مبتنی بر قرارداد دوم نیست، مگر آنکه در قرارداد انحلال قرارداد انتقال کالا با انحلال قرارداد

تضمین شرط شده باشد یا قانون تضمین اجباری آن را پیش‌بینی کرده باشد یا تضمین کیفیت از شروط اساسی آن کالا باشد که در این فروض با انحلال قرارداد تضمین قرارداد انتقال کالا نیز انحلال خواهد یافت.

۳-۲-۲-۲. بطلان قرارداد

بطلان قرارداد در نزد حقوق‌دانان ایرانی (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص. ۲۹۷) حالتی است که در آن قرارداد وجود حقوقی پیدا نمی‌کند خواه بر اثر عدم تحقق تراضی دو طرف قرارداد باشد و خواه به دلیل عدم وجود موضوع برای قرارداد باشد و خواه به دلیل منع قانونی از نفوذ تراضی نامشروع دو طرف قرارداد باشد.

در صورتی که قرارداد تضمین کیفیت کالا به دلایلی مانند رعایت نشدن شرایط ایجاد تضمین، شرایط ایجادکنندگان تضمین، شرایط موضوع تضمین و... باطل باشد در این هنگام هیچ تعهدی بر تضمین‌کننده نسبت به تضمین‌گیرنده وجود ندارد و مسئولیتی متوجه او نیست. پس دو طرف قرارداد به وضعیت نخستین پیش از قرارداد برمی‌گردند.

اگر اصل قرارداد انتقال کالای مصرفی به تضمین‌گیرنده نیز به جهت عواملی از اساس باطل باشد در این صورت نیز هیچ تعهد و مسئولیتی بر تضمین‌کننده وجود ندارد؛ زیرا قرارداد تضمین کیفیت کالا نوعی شرط فعل در قرارداد انتقال کالا بوده است و حقوق‌دانان ایرانی (ره‌پیک، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۳) تصریح کردند که اگر قراردادی باطل شود شرط ضمن آن نیز باطل می‌شود. زیرا انشای شرط در ضمن انشای قرارداد اصلی قرار دارد و با بطلان قرارداد اصلی از ابتدا شرط ضمن آن نیز زندگی پیدا نکرده است.

طبق این تحلیل حقوقی، قرارداد تضمین کیفیت کالا مبتنی بر قرارداد انتقال آن کالا است و اگر قرارداد اول باطل باشد دیگر کالایی به تضمین‌گیرنده انتقال نمی‌یابد. از این رو هیچ موضوعی برای تضمین باقی نخواهد ماند تا کیفیت آن ضمانت شود؛ بنابراین دو طرف قرارداد به وضعیت اولیه پیش از قرارداد برمی‌گردند.

۳-۲-۳. اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ مفاد تضمین

۳-۲-۳-۱. قسم اول: تضمین عملکرد بالای کالا

گاهی تضمین کیفیت کالا به معنای تضمین عملکرد بالای کالای منتقل شده به مصرف‌کننده است. یعنی اینکه تضمین‌کننده کالا به مصرف‌کننده تعهد می‌نماید که کالای انتقال داده شده به وی در نوع خودش از عملکرد بالایی برخوردار است و هیچ کالای مشابه در بازار با برندهای مختلف دیگر در عملکرد به کالای منتقل شده به مصرف‌کننده نمی‌رسد. این قسم از تضمین در بازار مورد کاربست عقلای جهان است و دیده می‌شود که حتی در مقابل این‌گونه از تضمین هزینه‌ای هم پرداخت می‌شود.

۳-۲-۳-۱-۱. قسم دوم: تضمین دوام کیفیت کالا

در برخی مواقع تضمین کیفیت کالا به مفهوم استمرار و پایداری کیفیت کالای منتقل شده به مصرف‌کننده در مدت‌زمان مشخصی است. در این نوع از تضمین کیفیت کالا، تضمین‌کننده به مصرف‌کننده تعهد می‌دهد که کالای منتقل شده به او تا زمانی که در قرارداد معین می‌شود کیفیت اولیه کالا را خواهد داشت و از کیفیت اولیه آن کم نخواهد شد. این نوع از تضمین در نزد عقلای جهان مطلوبیت و ارزش دارد و نسبت به آن اقدام می‌نمایند تا بتوانند از کالای مصرفی حداکثر استفاده را ببرند.

۳-۲-۴. نمودار اقسام تضمین کیفیت کالا

از مجموع مطالب پیشین می‌توان نموداری از اقسام تضمین کیفیت کالا ارائه نمود که به شرح ذیل است.

۱- اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ منشأ الزام:

۱-۱- تضمین اجباری تضمین کیفیت کالا؛

۲-۱- تضمین اختیاری تضمین کیفیت کالا.

۲- اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ قالب تضمین:

۱-۲- تعهد یک‌طرفه تضمین کیفیت کالا؛

- ۲-۲- تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا.
- ۳- اقسام تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا به لحاظ محل درج تضمین:
 - ۱-۳- تضمین کیفیت کالا در ضمن قرارداد؛
 - ۲-۳- تضمین کیفیت کالا در قرارداد مستقل.
- ۴- اقسام تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا به لحاظ شخص تضمین کننده:
 - ۱-۴- تضمین کیفیت کالا توسط عرضه کننده کالا؛
 - ۲-۴- تضمین کیفیت کالا توسط شخص ثالث.
- ۵- اقسام تضمین کیفیت کالا به لحاظ مفاد تضمین:
 - ۱-۵- تضمین عملکرد بالای کالا؛
 - ۲-۵- تضمین دوام کیفیت کالا.

یافته‌های پژوهش

تضمین کیفیت کالا تعهدی از جانب تضمین دهنده به مصرف کننده جهت وجود وصف یا اوصاف مشخصی در کالای منتقل شده به مصرف کننده برای برطرف کردن نیازهای او در زندگی است.

تضمین کیفیت کالا به لحاظ منشأ الزام به تضمین اجباری و تضمین اختیاری بخش بندی می شود. در تضمین اجباری قانون گذار اصل تضمین و برخی امور مرتبط با آن را الزام نموده است. بر همین اساس مقررات مربوط به آن از قواعد آمره بوده و امکان تخطی از آنها و توافق برخلاف آنها وجود ندارد. تضمین اختیاری با توافق دو طرف بوده و مقررات آن از قواعد تکمیلی است. بر همین اساس طبق اصل حاکمیت اراده و اصل آزادی قراردادی امکان تخطی از آنها و توافق برخلاف آنها وجود دارد.

تضمین کیفیت کالا به لحاظ قالب تضمین به تعهد یک طرفه تضمین و تعهد دوطرفه تضمین تقسیم می شود. در تعهد یک طرفه تضمین کیفیت کالا تضمین کننده با اراده یک جانبه تعهداتی را بر خودش به نفع مصرف کننده تحمیل می کند و مصرف کننده هیچ انتظاری از تضمین کننده در این زمینه ندارد. این قسم از تضمین در دو شکل: ایقاع و شرط ابتدایی تحقق

می‌یابد که در هردو شکل نیاز به قبول مصرف‌کننده ندارد و با ایجاد عرضه‌کننده تحقق می‌یابد. همه فقهای امامیه، حقوق‌دانان ایرانی و حقوق اتحادیه اروپا تعهد یک‌جانبه در قالب ایقاع را لازم و الزام‌آور برشمردند. هرچند برخی فقهای امامیه الزام‌آور بودن شرط ابتدایی را نپذیرفتند؛ ولی برخی دیگر از فقهای امامیه، همه حقوق‌دانان ایرانی و حقوق اتحادیه اروپا تعهد یک‌جانبه در قالب شرط ابتدایی را لازم و الزام‌آور شمرده‌اند.

مراد از تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا تضمینی است که در آن هم عرضه‌کننده و هم مصرف‌کننده کالا به دنبال ایجاد تضمین کیفیت کالا هستند. تعهد دوجانبه تضمین کیفیت کالا به لحاظ محل درج تضمین به تضمین در ضمن قرارداد و تضمین در قرارداد مستقل تقسیم می‌شود. در هردو نوع اصل تضمین یک قرارداد جدای از قرارداد اول به‌شمار می‌رود و در حقوق ایران، حقوق اتحادیه اروپا و فقه امامیه مشابه این قرارداد با عنوان ضمان عرفی مورد تأیید است. این ضمان در مورد تعهد شخص ثالث با ضمان شرعی هماهنگی داشته و در غیر این موارد از نوع مسامحه‌ای است.

تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا به لحاظ شخص تضمین‌کننده به دو قسم: تضمین توسط عرضه‌کننده و تضمین توسط شخص ثالث تقسیم می‌شود. در فقه امامیه، حقوق ایران و حقوق اتحادیه اروپا تردیدی در معتبر، الزام‌آور و قابل استناد بودن تعهد دوطرفه تضمین کیفیت کالا وجود ندارد. این الزام‌آوری با انحلال یا بطلان قرارداد رفع می‌شود. در انحلال قرارداد طبق اصول و قواعد، قرارداد تحقق می‌یابد و آثار حقوقی دارد؛ ولی به دلایلی (انفساخ، اقاله و فسخ) این قرارداد در مرحله استمرار گسسته شده و زوال می‌یابد. در بطلان قرارداد در زمان فهم بطلان روشن می‌شود که از اساس قراردادی تحقق نیافته و آثار حقوقی بر آن مترتب نشده است. تضمین کیفیت کالا به لحاظ مفاد تضمین به دو نوع: تضمین عملکرد بالای کالا و تضمین دوام کیفیت کالا تقسیم می‌شود که هردو عقلایی و مورد انتظار بسیاری از خریداران هستند؛ ولی امکان تفکیک میان آن دو در قرارداد تضمین کیفیت کالا وجود دارد.

کتابنامه

۱. آقایی، بهمن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوقی بهمن (چاپ سوم). ایران، تهران: گنج دانش.

2. Aghaei, B., (2005). *Bahman Legal Culture* (3Edition). Iran, Tehran: Ganj Danesh. (In Persian).
۳. افتخاری، جواد (۱۳۸۲). *حقوق مدنی ۳: کلیات عقود و حقوق تعهدات*. ایران، تهران: میزان.
4. Eftekhari, J., (2012). *Civil Laws 3: General Contracts and Laws of Obligations*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۵. امامی، حسن (۱۳۸۸). *حقوق مدنی* (چاپ ۲۱). ایران، تهران: اسلامیة.
6. Emami, H., (1388). *Civil Rights* (21Edition). Iran, Tehran: Islamia. (In Persian).
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۲۱ق). *صیغ العقود و الإیتماعات*. ایران، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
8. Ansari, M., (1421 AH). *Saygh al-Aqud wa al-Iqaat*. Iran, Qom: Majmaal al-Fikr al-Islami. (In Persian).
۹. انصاری، مرتضی (۱۴۳۲ق). *المکاسب* (چاپ ۱۳). ایران، قم: مجمع الفکر الإسلامی.
10. Ansari, M., (1432 AH). *Kitab al-Makasab* (13Edition). Iran, Qom: Majmaal al-Fikr al-Islami. (In Persian).
۱۱. بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقہیة*. ایران، قم: الهادی.
12. Bojnordi, M, H., (1419 AH). *Al-Qasas al-Fiqhiyyah*. Iran, Qom: Al-Hadi.
۱۳. بجنوردی، محمد (۱۴۰۱ق). *قواعد فقہیة* (چاپ سوم). ایران، تهران: عروج.
14. Bojnordi, M., (1401 AH). *Jurisprudential Rules* (3Edition). Iran, Tehran: Aruj. (In Persian).
۱۵. بهرامی، حمید (۱۳۹۰). *حقوق تعهدات و قراردادهای*. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
16. Bahrami, H., (2018). *Laws of Obligations and Contracts*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۱۷. جعفری، محمدجعفر (۱۳۸۱). *ترمینولوژی حقوق* (چاپ ۱۲). ایران، تهران: گنج دانش.
18. Jafari, M, J., (1381). *Legal Terminology* (12Edition). Iran, Tehran: Ganj Danesh. (In Persian).
۱۹. حلی، جعفر (۱۴۰۸ق). *شرائع الإسلام* (چاپ دوم). قم: اسماعیلیان.
20. Hali, J., (1408 AH). *Shar'e al-Islam* (2Edition). Qom: Ismailian. (In Persian).
۲۱. حلی، حسن (۱۴۱۱ق). *تبصرة المتعلمین*. ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
22. Hali, H., (1411 AH). *Tznagnat al-Talameen*. Iran, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian).
۲۳. حلی، حسن (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعة* (چاپ دوم). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
24. Hali, H., (1413 AH). *Various Shia* (2Edition). Qom: Islamic Publications Office. (In Persian).
۲۵. حمیتی، احمدعلی (۱۳۸۸). *حقوق مدنی ۳: کلیات قراردادهای و ایتماعها*. ایران، تهران: دانش نگار.
26. Hamiti, A, A., (2008). *Civil Laws 3: The Generalities of Contracts and Contracts*. Tehran: Daneshnagar. (In Persian).
۲۷. حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *حقوق مدنی ۳: قواعد عمومی قراردادهای*. ایران، تهران: میزان.

28. Hayati, A, A., (2012). *Civil Laws 3: General Rules of Contracts*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۲۹. رسائی‌نیا، ناصر (۱۳۷۶). *حقوق مدنی: عقود و تعهدات*. ایران، تهران: آوای نور.
30. Rseshnia, N., (1376). *Civil Rights: Contracts and Obligations*. Tehran: Avai Noor. (In Persian).
۳۱. رضایی، مجید (۱۳۹۴). *فقه معاملات جدید*. ایران، قم: المصطفی.
32. Rezaei, M., (2014). *New Transactions Jurisprudence*. Iran, Qom: Al-Mustafa. (In Persian).
۳۳. ره‌پیک، حسن (۱۳۸۵). *حقوق مدنی: حقوق قراردادها*. ایران، تهران: خرسندی.
34. Rahpik, H., (1385). *Civil Laws: Laws of Contracts*. Iran, Tehran: Khorsandi. (In Persian).
۳۵. روحانی، محمدصادق (۱۴۱۲ق). *فقه الصادق*. ایران، قم: دارالکتاب.
36. Rouhani, M, S., (1412 AH). *Fiqh al-Sadiq*. Iran, Qom: Darul Kitab. (In Persian).
۳۷. سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب‌الأحكام (چاپ چهارم)*. قم: دفتر آیت‌الله سبزواری.
38. Sabzevari, A., (1413 AH). *Mahdez al-Ahkam* (4Edition). Iran, Qom: Ayatollah Sabzevari's Office. (In Persian).
۳۹. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶). *حقوق قراردادها (انعقاد، آثار و انحلال)* (چاپ دوم). ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
40. Shiravi, A., (2016). *Laws of Contracts (Conclusion, Effects and Dissolution)* (2Edition). Iran, Tehran: Organization for Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (SAMT). (In Persian).
۴۱. صدر، محمدباقر (۱۴۰۲ق). *اقتصادنا (چاپ ۱۶)*. لبنان، بیروت: دارالتعارف.
42. Sadr, M, B., (1402 AH). *Economist* (16Edition). Lebanon, Beirut: Dar al-Taarif. (In Persian).
۴۳. صدر، محمدصادق (۱۴۲۰ق). *ماوراء‌الفقه*. لبنان، بیروت: دارالأضواء.
44. Sadr, M, S., (1420 A.H.). *Ma'ar al-Fiqh*. Lebanon, Beirut: Dar al-Audha. (In Persian).
۴۵. صدوق، محمد (۱۴۰۴ق). *من لایحضره‌الفقیه (چاپ چهارم)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
46. Sadouq, M., (1404 AH). *Man Lay Hazara Al-Faqih* (4Edition). Iran, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian).
۴۷. طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ق). *حقوق مدنی (چاپ دوم)*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
48. Taheri, H., (1418 AH). *Civil Rights* (2Edition). Iran, Qom: Islamic Publishing House. (In Persian).
۴۹. طباطبایی، تقی (۱۴۰۰ق). *دراساتنا من الفقه الجعفری*. ایران، قم: خیام.

50. Tabatabayi, T., (1400 AH). *Darastana Man al-Fiqh al-Jaafari*. Iran, Qom: Khayyam. (In Persian).
 ۵۱. طباطبایی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *حاشیة المکاسب* (چاپ دوم). ایران، قم: اسماعیلیان.
52. Tabatabayi, M, K., (1421 AH). *Hashiya al-Makasab* (2Edition). Iran, Qom: Ismailian. (In Persian).
 ۵۳. عاملی، محمد (۱۴۱۰ق). *اللمعه*. لبنان، بیروت: دارالتراث/الدار الإسلامیه.
54. Ameli, M., (1410 AH). *Al-Lama*. Lebanon, Beirut: Dar al-Tarath/Al-Dar al-Islamiyya. (In Persian).
 ۵۵. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق). *شرح تبصره المتعلمین*. ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
56. Iraqi, Z., (1414 AH). *Commentary on the Learned*. Iran, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian).
 ۵۷. قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۹). *حقوق مدنی: اصول قراردادها و تعهدات* (چاپ ۱۴). ایران، تهران: دادگستر.
58. Qasimzadeh, M., (1389). *Civil Law: Principles of Contracts and Obligations* (14Edition). Tehran: Dadgstar. (In Persian).
 ۵۹. قطان، محمد (۱۴۲۴ق). *معالم‌الدین*. ایران، قم: مؤسسه امام صادق.
60. Qattan, M., (1424 AH). *Ma'alim al-Din*. Iran, Qom: Imam Sadiq Institute. (In Persian).
 ۶۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *حقوق مدنی: اقیاع* (چاپ سوم). ایران، تهران: میزان.
62. Katouzian, N., (1384). *Civil Rights: Iqaa* (3Edition). Tehran: Mizan. (In Persian).
 ۶۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها* (چاپ چهارم). ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار.
64. Katouzian, N., (2013). *Civil Laws: General Rules of Contracts* (4Edition). Tehran: Ataheh Publishing Co. (In Persian).
 ۶۵. کمپانی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). *حاشیة کتاب المکاسب*. ایران، قم: انوارالهدی.
66. Kompany, M, H., (1418 AH). *Margin of Al-Makasab Book*. Iran, Qom: Anwar Al-Hadi. (In Persian).
 ۶۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق). *ملاذال‌خبار*. ایران، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
68. Majlisi, M, B., (1406 AH). *Malaz al-Akhbar*. Iran, Qom: Ayatollah Marashi Library. (In Persian).
 ۶۹. محقق داماد، سیدمصطفی؛ فنواتی، جلیل؛ وحدتی شبیری، حسن؛ و عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۷۹). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت).
70. Mohaghegh Damad, M; Qanwati, J; Vahdati Shobeyri, H; & Abdipour, I (1379). *Laws of Contracts in Imami Jurisprudence*. Iran, Tehran: Organization for

- Studying and Compiling Academic Books in Islamic and Human Sciences (SAMT). (In Persian).
۷۱. مراغی، عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه*. ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
72. Maraghi, A., (1417 AH). *Al-Tawheel al-Fiqhiyyah*. Iran, Qom: Islamic Publications Office. (In Persian).
۷۳. مشکینی، علی (۱۳۷۹). *مصطلحات الفقه* (چاپ دوم). ایران، قم: الهادی.
74. Mishkini, A., (1379). *Jurisprudence Terms* (2Edition). Iran, Qom: Al-Hadi. (In Persian).
۷۵. موسوی خمینی، روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. ایران، قم: دارالعلم.
76. Mousavi Khomeini, R., (Bita). *Tahrir al-Wasilah*. Iran, Qom: Dar al-Alam. (In Persian).
۷۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
78. Mousavi Khomeini, R., (1378). *Sahifa Imam*. Iran, Tehran: Institute for Editing and Publishing Imam Khomeini's Works. (In Persian).
۷۹. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۳ق). *منیة الطالب*. ایران، قم: محمدی.
80. Naini, M, H., (1373 AH). *Maniya al-Talib*. Iran, Qom: Mohammadi. (In Persian).
۸۱. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. ایران، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
82. Najafi, M, H., (1362). *Jawaharlal Kalam*. Iran, Tehran: Dar Al-Kutb al-Islamiyya. (In Persian).
۸۳. نراقی، احمد (۱۴۱۷). *عوائد الایام*. ایران، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
84. Naraghi, A., (1417). *Awaed Al-Ayyam*. Iran, Qom: Islamic Propaganda Office. (In Persian).
۸۵. نهرینی، فریدون (۱۳۸۵). *ماهیت و آثار فسخ قرارداد در حقوق ایران* (چاپ دوم). ایران، تهران: گنج دانش.
86. Nahrini, F., (1385). *The Nature and Effects of Contract Termination in Iranian Law* (2Edition). Iran, Tehran: Ganj Danesh. (In Persian).
۸۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲). *فرهنگ فقه*. ایران، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.
88. Hashemi Shahroudi, M., (2012). *Farhang Fiqh*. Iran, Qom: Institute of Islamic Jurisprudence Encyclopedia. (In Persian).
89. Martin, E., (2003). *Oxford Dictionary of Law*. Oxford: University Press Oxford.



Conducting a SWOT Analysis for Financing Through Initial Coin Offerings (ICO)

Sina Sarvi*

Mehdi Nouri**

Mohammad Hossein Qhavam***



10.30497/ifr.2021.239864.1579



20.1001.1.22518290.1402.12.2.1.2




Abstract


Financing is one of the challenging issues for business owners no matter where they stand in the cycle of organization's life. The reason of failure for most of the newly started businesses (called startups) in their early stages is known to be the lack of cash resources. The problem of finance in Iran, no matter the source of it, whether from capital market or debt market, has had a long history. Initial coin offering could be a solution for this problem that could safely invest the increasing cash flow in the businesses. It was introduced in 2013 as a new method, utilizing the technology capacity of fintech's, and reached its peak in 2017, acquiring a worldwide name. The purpose of this study is to explain the different perspectives to this method which would be suitable for Iran's condition. This has accomplished by using GQR method while conducting semi-structured interviews with 12 experts on the subject. Advantaging from SWAT matrix, this paper attempted to offer a way to inform CEOs on the pros and cons of financing by this new method.


Keywords

Blockchain; ICO; Fintech; Token Sale; Digital Currency; SWOT.

JEL Classification: E22, M13, O16.

* PhD Student, Financial Management, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management; Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). s.sarvi@isu.ac.ir  0009-0005-2235-3944

** Assistant Professor, Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran. mahdinouri@ut.ac.ir  0009-0005-0699-7408

*** Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management; Imam Sadiq University, Tehran, Iran. ghavam@isu.ac.ir  0000-0001-5556-7846

بررسی تأمین مالی بر مبنای عرضه اولیه سکه با رویکرد سوات

سینا سروی* مهدی نوری** محمدحسین قوام***

چکیده

موضوع تأمین مالی یکی از چالش‌های صاحبان کسب‌وکار در تمامی مراحل چرخه حیات سازمان است. به نحوی که علت شکست بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در سطح جهان، کمبود منابع نقدی عنوان می‌شود. در ایران نیز تأمین مالی از طریق بازار سرمایه و بازار بدهی مشکلات فراوانی برای مدیران بنگاه‌ها به همراه دارد. با توجه به موانع موجود در مسیرهای رایج تأمین مالی، لزوم طراحی ابزار جدیدی برای جذب منابع نقدی برای بنگاه‌ها احساس می‌شود. عرضه اولیه سکه به عنوان روش جدید تأمین مالی، با بهره‌گیری از ظرفیت قراردادهای هوشمند در سال ۲۰۱۳ میلادی مطرح شد و در سال ۲۰۱۷ به اوج خود رسید. هدف این پژوهش تبیین زوایای مختلف استفاده از این روش با توجه به شرایط ایران است. مقاله حاضر با استفاده از روش GQR و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان این موضوع انجام شده است. در این مقاله تلاش شده است تا با تکمیل ماتریس سوات، صاحبان بنگاه‌ها را نسبت به مزایا و معایب استفاده از این روش تأمین مالی آگاه سازد.

واژگان کلیدی: بلاک‌چین؛ عرضه اولیه سکه؛ فروش توکن؛ فین‌تک؛ ارز دیجیتال؛ سوات.

* دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
s.sarvi@isu.ac.ir

** استادیار، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mahdinouri@ut.ac.ir

*** استادیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت؛ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
ghavam@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲

مقاله مدت ۳۲ روزه جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران سهم بالایی از اشتغال‌زایی را به خود اختصاص داده‌اند. مطابق با داده‌های مرکز آمار در پایان سال ۱۳۹۸ نرخ بیکاری به ۱۰ درصد رسیده است (عزیزخانی، ۱۳۹۹). لازم به ذکر است که در ساختار بازار کار کشور، بنگاه‌های کوچک و متوسط به دلیل وابستگی بیشتر به منابع داخلی برای تأمین سرمایه در گردش در معرض آسیب‌های شدیدتر ناشی از شوک کرونا در کوتاه‌مدت قرار دارند. این بدان معناست که از مجموع ۲۳/۸ میلیون نفر افراد شاغل کل کشور در سال ۱۳۹۷، ۱۵/۴ میلیون نفر در بنگاه‌های کوچک (۱ تا ۴ نفر) شاغل بودند و در مجموع حدود ۶۵ درصد اشتغال کشور را همین بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دادند. به همین دلیل شیوع ویروس کرونا، می‌تواند اثرات مخربی بر وضعیت اقتصادی این بنگاه‌ها داشته باشد و به تناسب آن موجب افزایش نرخ بیکاری شود (عزیزخانی، ۱۳۹۹). بنگاه‌های اقتصادی برای گسترش کسب‌وکار خود و اشتغال‌زایی نیازمند منابع نقدی هستند. در این شرایط شیوه‌های رایج تأمین مالی مانند دریافت تسهیلات یا ورود به بازار سرمایه برای شرکت‌های نوپا مناسب نیستند و سختی‌های خود را به همراه دارند. به‌عنوان مثال برخی قوانین نامناسب و رویه‌های دشوار برای ورود شرکت‌های نوپا به بازار سرمایه عبارتند از:

- ✓ بند ۹ شرایط عمومی پذیرش در بورس اوراق بهادار تهران: سود مالی شرکت در دو دوره مالی منتهی به پذیرش، از کیفیت بالایی برخوردار بوده و مجموع جریان وجه نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی آن طی این دوره‌ها مثبت باشد.
- ✓ بند ۱ شرایط خصوصی پذیرش در بازار دوم (به‌عنوان حداقلی‌ترین شرایط ورود به بازار بورس): سرمایه ثبت‌شده شرکت از ۲۰۰ میلیارد ریال کمتر نباشد.

فرآیند پرهزینه ورود به بورس و انجام هزینه‌های پذیرهنویسی به‌صورتی است که فقط شرکت‌های بزرگ و دارای ساختار مالی باثبات می‌توانند از پس این فرآیند برآمده و از طریق بازار سرمایه تأمین مالی کنند. بنابراین بسیاری از شرکت‌های نوپا به دلیل قوانین سخت‌گیرانه سازمان بورس صلاحیت لازم برای تأمین مالی از طریق بازار سرمایه را نخواهند داشت، علاوه‌براین پژوهش‌ها نشان می‌دهد تا زمانی که شرکت به‌صورت خصوصی مدیریت می‌شود، سود متعلق به صاحبان آن است اما از زمانی که صاحبان آن احساس کنند که ارزش و سودآوری شرکت در حالت سهامی عام بیشتر خواهد بود، آن را

به سهامی عام تغییر می‌دهند (Derrien, 2011). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که صاحبان این بنگاه‌ها به تأمین مالی از طریق بدهی تمایل بیشتری خواهند داشت. در حالی که تأمین مالی از طریق بدهی نیز مشکلات خاص خود را دارد و زمان بر بودن اعطای تسهیلات بانکی به شرکت‌ها، بروکراسی مخرب و فرآیند ارزیابی ناکارای طرح‌ها برای اعطای تسهیلات، از عمده مشکلات بیان شده توسط مدیران عامل بنگاه‌های خرد به شمار می‌رود. در راستای حل این مشکلات توجه به اسناد بالادستی مانند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، می‌تواند راهگشا باشد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیش‌رو و برون‌گرا تدوین شده است، این سند ما را به سمت یافتن راهی جدید برای تأمین مالی سوق می‌دهد، در ادامه برخی از بندهای مهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را از نظر می‌گذرانیم:

- ✓ بند ۱: تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- ✓ بند ۹: اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور باهدف پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

در راستای دستیابی به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، استفاده از «عرضه اولیه سکه»^۱ می‌تواند به تأمین شرایط و فعال‌سازی منابع مالی خرد افراد جامعه برای توسعه کارآفرینی و افزایش نقدینگی بنگاه‌ها اشاره کرد. همچنین به دلیل ارتباط تنگاتنگ این شیوه تأمین مالی با بخش واقعی اقتصاد، از حرکت نقدینگی به سمت فعالیتهای سفته‌بازانه جلوگیری شده و به تقویت بخش واقعی اقتصاد کمک خواهد شد. از مزیت‌های بسیار پررنگ این شیوه تأمین مالی فراهم شدن بازار مصرف برای خدمات و محصولات تولیدی بنگاه است که به توسعه و گسترش کسب‌وکار بنگاه کمک شایانی می‌کند.

حال با توجه به نیاز کشور به طراحی ابزار جدید تأمین مالی، این مقاله درصدد است تا در ابتدا تعریف دقیقی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه دهد، سپس با تعریف تأمین مالی و تبیین سیر تاریخی شکل‌گیری ارزش‌های مجازی، سازوکار جذب منابع نقدی از طریق روش «عرضه اولیه سکه» را تشریح کند و در انتها به معرفی نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید استفاده از این روش برای بنگاه‌های کوچک و متوسط پردازد و بدین منظور از روش GQR و روش مصاحبات نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. با توجه به نوآورانه بودن موضوع ارزش‌های مجازی، ادبیات موضوع تولید شده در منابع علمی بسیار محدود بوده و مقاله حاضر جزو نخستین پژوهش‌های انجام شده در این زمینه است.

ساختار کلی این مقاله در ادامه به‌این ترتیب خواهد بود که در ابتدا به معرفی بنگاه‌های کوچک و متوسط پرداخته می‌شود، سپس منظور از تأمین مالی شرکت‌ها و سازمان‌ها تبیین می‌گردد، در ادامه به سیر شکل‌گیری ارزش‌های مجازی پرداخته می‌شود و پس از تبیین مفهوم «عرضه اولیه سکه»، نکاتی که باید در تأمین مالی از این روش مدنظر قرار گیرد در قالب موضوع «اقتصاد توکن» بیان می‌شود. در بخش بحث‌وبررسی، به تشریح گزاره‌های استخراج شده از مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان مبتنی بر روش GQR پرداخته می‌شود. در قسمت پایانی نیز خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط

کشورهای زیادی تلاش کرده‌اند تا تعریف دقیقی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه دهند. در این زمینه دنیای غرب بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ نقش مهمی در پیشبرد این تعاریف ایفا کرده است. مهم‌ترین معیارهایی که براساس آن‌ها بنگاه‌های کوچک و متوسط از سایر بنگاه‌ها تفکیک می‌شوند، عبارتند از: تعداد کارکنان، میزان سرمایه، ارزش دارایی، میزان فروش سالیانه و نوع مالکیت. برخی از تعاریف بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس معیارهای مذکور در سازمان‌های بین‌المللی به شرح زیر است (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴).

جدول (۱): تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در سازمان‌های جهانی

سازمان	حداکثر تعداد کارکنان (نفر)	حداکثر درآمد یا گردش مالی (دلار)	حداکثر دارایی (دلار)
بانک جهانی	۳۰۰	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۰,۰۰۰
بانک توسعه قاره آمریکا	۱۰۰	۳,۰۰۰,۰۰۰	-
بانک توسعه آفریقا	۵۰	-	-
بانک توسعه آسیا ^۲	-	-	-
برنامه توسعه سازمان ملل	۲۰۰	-	-

منبع: (مصطفی زاده، ۱۳۹۴)

در ایران تعریف واحد و رسمی از بنگاه‌های کوچک و متوسط موجود نیست، همچنین همه تعاریف موجود از طرف سازمان‌های رسمی بر مبنای تعداد کارکنان ارائه شده است. مهم‌ترین تعاریف موجود در زمینه بنگاه‌های کوچک و متوسط از سوی نهادهای مختلف کشور در جدول (۲) به شرح زیر است:

جدول (۲): تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران

نام سازمان	تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط
وزارت صنعت معدن و تجارت	بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن، بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف می‌شوند.
مرکز آمار ایران	کسب و کارها به چهار گروه طبقه‌بندی شده است: ✓ ۱ الی ۹ نفر کارکن «خرد» محسوب می‌شود. ✓ ۱۰ الی ۴۹ نفر کارکن «کوچک» محسوب می‌شود. ✓ ۵۰ الی ۹۹ نفر کارکن «متوسط» محسوب می‌شود. ✓ بیش از ۱۰۰ نفر کارکن «بزرگ» محسوب می‌شود.
وزارت جهاد کشاورزی	بنگاه‌های کمتر از ۵۰ نفر کارکن بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر گرفته می‌شوند.
سازمان صنایع کوچک و	بنگاه‌های بین ۵ تا ۵۰ نفر بنگاه‌های کوچک و متوسط تعریف

۲. بانک توسعه آسیا تعریف رسمی از بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه نکرده و از تعاریف نهادهای رسمی کشورهای عضو استفاده می‌کند.

تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط	نام سازمان
می‌شوند.	شهرک‌های صنعتی
✓ بنگاه‌های با کمتر از ۱۰ نفر کارکن «خرد». ✓ ۱۰ الی ۴۹ نفر کارکن «کوچک». ✓ ۵۰ الی ۹۹ نفر کارکن «متوسط». ✓ بالاتر از ۱۰۰ نفر کارکن «بزرگ» محسوب می‌شوند.	بانک مرکزی

منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳)

در این پژوهش با توجه به تعریف «اداره آمار بانک مرکزی» و «مرکز آمار ایران» شرکت‌های با تعداد نفرات کمتر از ۱۰۰ نفر را به‌عنوان بنگاه کوچک و متوسط در می‌گیریم.

۲. تأمین مالی

تأمین مالی به جذب منابع نقدی‌ای گفته می‌شود که قرض‌دهندگان یا صاحبان سرمایه برای دوره بلندمدت یا کوتاه‌مدت در اختیار صاحبان کسب‌وکار قرار می‌دهند. ساختار سرمایه شرکت از دو بخش بدهی و حقوق صاحبان سهام تشکیل شده است و کسب‌وکار این منابع را در جهت تولید محصولات (یا خدمات) خود به‌کار می‌گیرد. صاحبان سهام یا قرض‌دهندگان درازای منابع اعطایی خود انتظار دریافت سود، سود تقسیمی یا موارد دیگر را دارند (Friedlmaier, Tumasjan & Welpe, 2018). در یک رویکرد کلی تأمین مالی شرکت یا طرح به دو دسته تأمین مالی داخلی شرکت و تأمین مالی خارج از شرکت تقسیم می‌شود (ذاکرنیا، خواجه‌زاده‌دزفولی و فدایی‌واحد، ۱۳۹۵)، ازجمله روش‌های تأمین مالی برای شرکت‌های نوپا، می‌توان به سرمایه‌گذاری خطرپذیر^۳، تأمین مالی مرحله بذر (ایده)^۴، حمایت‌های دولتی (وام‌های کم‌بهره) نام برد (Tsindeliani, 2019).

۳. سرمایه‌گذاری خطرپذیر VC یا Lacapit Venture در واقع سرمایه‌ای است که از گروه‌های سرمایه‌گذاری‌ای دریافت می‌شود که با استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای کوچک کار می‌کنند. این گروه‌ها بر سرمایه سرمایه‌گذارانی که می‌خواهند در شرکت‌هایی با پتانسیل رشد قوی در ازای دریافت سهام سرمایه‌گذاری کنند، نظارت می‌کنند. سرمایه‌گذاران در هنگام انتخاب سرمایه‌گذاری VC خود به اندازه شرکت، دارایی‌ها و خطوط توسعه محصول نگاه می‌کنند. در مقایسه با انواع سرمایه‌گذاری‌های دیگر وجوه سرمایه‌گذاری خطرپذیر تنها بر سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه تمرکز می‌کند. تغییرات در دنیای سرمایه‌گذاری، این نوع از سرمایه‌گذاری را در میان انبوهی از

۳. سیر تاریخی شکل‌گیری ارزشهای مجازی

ایده پول‌های مجازی به تحقیقات واستفان برنندز^۵ در سال ۱۹۸۳ میلادی بازمی‌گردد. در اکتبر سال ۲۰۰۸، فردی به نام ناکاماتو^۶ در مقاله خود طرح سیستم پرداخت نظیر به نظیر را به‌طور عملیاتی مطرح کرد. در سال ۲۰۰۹، بیت‌کوین به‌عنوان اولین واحد پول مجازی و نمونه موفق عملیاتی طرح‌های سابق معرفی شد (چویداری، ۱۳۹۸). پس از آن تا سال ۲۰۱۳ بیت‌کوین به‌عنوان پرچم‌دار ارزشهای مجازی شناخته می‌شد تا اینکه اولین «عرضه اولیه سکه» توسط مسترکوین^۷ در ژوئیه ۲۰۱۳ انجام شد. پس از آن فردی به نام بوتترین^۸ که از اعضای گروه شبکه بیت‌کوین بود، برای رفع محدودیت‌های بیت‌کوین، اقدام به راه‌اندازی پلتفرم جدیدی به نام اتریوم کرد. بوتترین، مؤسس اتریوم، در ژانویه ۲۰۱۸ سیاست جدیدی را برای عرضه اولیه کوین‌ها پیشنهاد کرد تا سرمایه‌گذاران هم در فرایند توسعه طرح درگیر شوند. این سیاست دو ایده «سازمان غیرمتمرکز خودگردان»^۹ و «عرضه اولیه کوین»^{۱۰} را باهم ترکیب کرد و «عرضه اولیه غیرمتمرکز و خودگردان کوین»^{۱۱} را به وجود آورد. برخی اعتقاد دارند که «عرضه اولیه غیرمتمرکز و خودگردان کوین» مرهمی برای ناکارآمدی‌های

سرمایه‌گذاران مشروع قابل دسترس‌تر و امکان‌پذیرتر کرده است. بنگاه‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر عموماً نقش فعالی را در سرمایه‌گذاری خود ایفا می‌کنند و در مقابل نیز معمولاً خواهان جایگاه در هیأت مدیره نیز هستند، بنابراین به این شکل می‌توان از تجربیات و راهنمایی‌های آن‌ها نیز بهره گرفت. بیشترین سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر از سوی گروه‌های سرمایه‌گذاران ثروتمند، بانک‌های سرمایه‌گذاری و سایر موسسات مالی صورت می‌گیرد که این سرمایه‌ها را در اختیار دارند. این نوع تأمین مالی و افزایش سرمایه در میان شرکت‌های جدیدی که سابقه عملیاتی محدودی دارند و نمی‌توانند سرمایه را به همراه بدهی و یا پیشنهاد سهام عرضه کنند، محبوب است (Gompers & Lerner, 2004).

۴. Seed Fundraising: سرمایه‌گذاری بذری، اولین مرحله رسمی تأمین وجه است که در آن حقوق صاحبان سهام هم تخصیص داده می‌شود. این مرحله عموماً نمایانگر اولین مبلغ رسمی است که یک کسب‌وکار اولیه یا تجارت مخاطره‌آمیز به دست می‌آورد. بعضی شرکت‌ها از مرحله سرمایه‌گذاری بیشتر جلو نرفته و به دوره‌های سری A و فراتر از آن نمی‌رسند (Combinator & Ralston, 2014).

5. Vastfan Brands
6. Nakamoto
7. Mastercoin
8. Buterin
9. DAO
10. ICO
11. DAICO

مدل «عرضه اولیه کوین» است که منجر به بروز طرح‌های جعلی و کلاه‌برداری‌های زیادی شده است. این نظام سیاستی را پیشنهاد می‌کند که در آن سرمایه‌گذاران قادرند براساس تعداد سهام (توکن) خود، رأی بدهند و مشخص کنند که در هر ثانیه چه مقدار سرمایه باید در اختیار گروه طرح قرار بگیرد. با اینکار می‌توان گروه طرح را تحت نظارت قرار داد و اطمینان یافت که توزیع سرمایه با خرد جمعی کاربران انجام می‌گیرد. اگر قرار باشد تغییری در سیاست‌های طرح انجام شود، اینکار باید از طریق وفاق جمعی صورت پذیرد (مثلاً اگر اکثریت کاربران اعتقاد خود را به خود طرح یا گروه آن از دست بدهند، برای جذب سرمایه‌ی مجدد باید رأی‌گیری برگزار شود) (Finmag, 2018).

اتریوم یک پلتفرم غیرمتمرکز است که امکان طراحی قراردادهای هوشمند و اجرای آن را برای استفاده‌کنندگان از نظام خود فراهم می‌کند. روی شبکه و بلاک‌چین اتریوم می‌توان برنامه‌های غیرمتمرکز پیاده‌سازی کرد که بدون نیاز به هیچ‌گونه واسطه به‌کار خود ادامه می‌دهند و از بین نمی‌روند. این پلتفرم برای جذب منابع، اتر منتشر کرد و در سال ۲۰۱۴ میلادی با فروش توکن در ۱۲ ساعت اول ۳۷۰۰ بیت‌کوین جمع کرد (Coinmama, 2019).

پس از آن عرضه اولیه سکه و فروش توکن در سال ۲۰۱۷ محبوب شد. میزان منابع جذب‌شده در سال ۲۰۱۷ در حدود ۴,۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود. اما متأسفانه بیش از ۸۰ درصد آن‌ها کلاه‌برداری بودند (Catalini & Gans, 2018). به همین دلیل، نیاز به وجود نهاد واسطه‌ای پیش از پیش احساس شد و ایده شکل‌گیری «عرضه اولیه صرافی»^{۱۲} مطرح شد. تفاوت «عرضه اولیه صرافی» با «عرضه اولیه سکه» در وجود نهاد واسطه و معتمدی است که می‌تواند تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران و گروه طرح را افزایش دهد، اما همچنان عدم ارتباط با دنیای واقعی و عدم نظارت نهاد ناظر بر فعالیت‌های دیجیتال موجب ضرر و زیان سرمایه‌گذاران می‌شد، از طرفی مسئولین صرافی‌ها نیز در خصوص عرضه‌های اولیه منتشرشده در وبگاه خود، مسئولیتی برعهده نمی‌گرفتند، این عدم اطمینان مقدمه شکل‌گیری عرضه توکن اوراق بهادار^{۱۳} شد. در عرضه توکن اوراق بهادار تلاش می‌شود تا از معتبر بودن پشتوانه دارایی توکن‌های منتشر شده اطمینان حاصل شود و توکن‌های

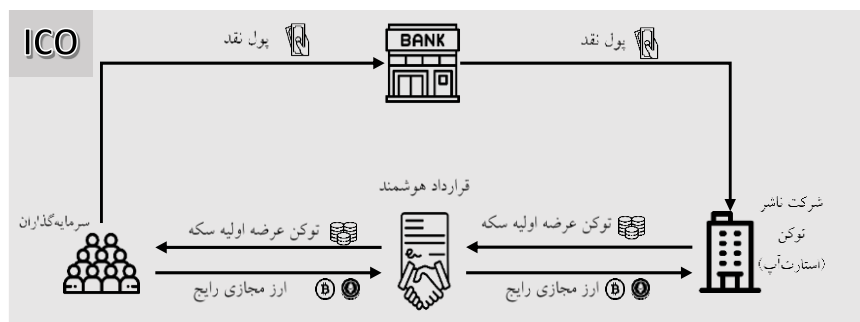
12. Initial Exchange Offering (IEO)

13. Security Token Offerin (STO)

منتشر شده به نوعی اوراق بهادار محسوب می‌شوند. به جهت رعایت اختصار و عدم انحراف از موضوع اصلی، از بیان عرضه اولیه صرافی و عرضه توکن اوراق بهادار صرف‌نظر می‌نماییم.

۴. تبیین «عرضه اولیه سکه»

«عرضه اولیه سکه» به نوعی شبیه معادل عرضه اولیه در سهام^{۱۴} است که به‌عنوان راهی برای جمع‌آوری سرمایه عمل می‌کند، درجایی که شرکت به دنبال جمع‌آوری پول برای ایجاد طرح، برنامه یا خدمات جدید است از این شیوه استفاده می‌نماید. سرمایه‌گذاران علاقه‌مند می‌توانند با پرداخت وجه (عموماً به صورت رمز ارز^{۱۵})، یک نشانه رمزنگاری جدید صادر شده توسط شرکت را دریافت کنند. این نشانه ممکن است در استفاده از محصول یا خدمتی که شرکت ارائه می‌دهد، کاربرد داشته باشد و یا قابلیت تبدیل به سهام شرکت را به دارنده آن بدهد^{۱۶} (Frankenfield, 2019).



شکل (۱): فرایند انجام «عرضه اولیه سکه»

منبع: یافته‌های تحقیق

14. IPO

15. Cryptocurrency

۱۶. در مقاله حاضر مراد از «عرضه اولیه سکه» یا ICO مفهوم کلی آن به معنای تأمین مالی از این روش نوآورانه است، به عبارت دیگر وقتی از ICO سخن گفته‌ایم مراد ما عرضه اولیه توکن (ITO) و سایر محصولات مرتبط با آن یعنی توکن کاربردی (Utility Token)، توکن وفاداری (Fan Token)، توکن ارزی (Currency Token)، توکن اوراق بهادار (Security Token) نیز هست. قابل ذکر است که تفاوت کوین با توکن در بلاکچین مورد استفاده آن است، بدین صورت که کوین دارایی دیجیتالی است که بلاکچین مختص خودش را دارد، اما اگر طرحی بر بستر بلاکچین دیگری راه‌اندازی شود و از خود بلاکچین مستقل نداشته باشد به آن دارایی دیجیتال، واژه توکن اطلاق می‌شود.

در شکل (۱) مشاهده می‌کنید که فرآیند انجام «عرضه اولیه سکه» بدون نیاز به نهاد واسط انجام می‌گیرد، سرمایه‌گذاران اختیار دارند تا درازای دریافت توکن عرضه اولیه سکه، ارزشمجازی رایج پرداخت کنند یا اینکه با استفاده از حساب بانکی و پرداخت‌های رایج، مابه‌ازای وجه نقد را به شرکت بپردازند. درحالتی که سرمایه‌گذاران بخواهند وجه را از طریق ارزشمجازی رایج پرداخت کنند، قرارداد هوشمند به‌صورت خودکار نقش نهاد واسط را ایفا کرده و با استفاده از کدهای دستوری، درازای دریافت ارزشمجازی رایج، توکن شرکت ناشر را آزاد می‌نماید.

یکی از نکات مهم در جذب سرمایه از این روش، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران است، سرمایه‌گذاران وقتی حاضر به سرمایه‌گذاری در طرح می‌شوند که از موفق بودن آن اطمینان حاصل کنند، این اطمینان شامل مواردی مانند سازگاری آینده طرح، گروه طرح، مدل اقتصادی تولید و توزیع توکن‌های طرح، حامیان طرح و مدل حکمرانی پلتفرم می‌شود. مجموعه این نکات در دسته‌بندی تحت عنوان اقتصاد توکن مطرح می‌شود که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۵. اقتصاد توکن

تأمین مالی از طریق عرضه اولیه سکه شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی را قادر می‌سازد تا اقتصادهای خرد به‌وجود بیاورند و برای اینکه این اقتصاد خرد نوپا، پایداری کافی برای پذیرش در جامعه را داشته باشد بنگاه‌های اقتصادی نیاز دارند تا فهم صحیحی از نحوه کار توکن در اکوسیستم خود پیدا کنند که به ادبیات آن، اقتصاد توکن می‌گویند (Venegas, 2018). اقتصاد توکن از دو واژه اقتصاد و توکن تشکیل شده و منظور از آن ساختار مورد استفاده در توکن است که به کاربران/ سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد از توکن منتشر شده استفاده کنند و برنامه توسعه و رشد اکوسیستم آن را معین کنند. اقتصاد توکنی شامل تمام جنبه‌های مربوط به ایجاد، مدیریت و گاهی حذف یک سکه از یک شبکه است (Tan, 2019). در ادامه به برخی موارد مهم که باید در اقتصاد توکن به آن‌ها پرداخته شود، اشاره می‌شود.

➤ **تخصیص و توزیع توکن:** در تخصیص توکن برنامه ناشران در مورد چگونگی اهدای توکن به سرمایه‌گذاران ذکر می‌شود، این راهبرد اهدا می‌تواند در یک برنامه عرضه

اولیه سکه باشد یا می‌تواند از طریق راهبرد استخراج^{۱۷} بین استخراج‌گران توزیع شود. در حالت عادی، ناشران توکن موظف‌اند تا در سپیدنامه این مبحث را ذکر کنند و مشخص می‌کنند که آیا تخصیص توکن بلافاصله پس از واریز وجه به کیف پول طرح تعلق می‌گیرد یا پس از یک دوره زمانی مشخص اینکار صورت خواهد گرفت (Laurent, 2019). این تخصیص و توزیع می‌تواند به صورت دفعی صورت بگیرد یا می‌تواند طبق جدول زمانی از پیش تعیین‌شده، به صورت دوره‌ای در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

➤ **جامعه هدف (مخاطبان) و حامیان طرح:** در دنیای ارزهای مجازی این مخاطبان هستند که به یک توکن یا کوین بها و ارزش می‌دهند. به همین جهت توکن‌ها به واسطه جامعه مخاطبان آن، ارزش و اعتبار پیدا می‌کند. به صورت معمول توکن‌هایی پایدارتری بیشتری پیدا خواهند کرد که جامعه مخاطبان آن، از آن حمایت بیشتری نمایند و آن را در مبادله‌های روزمره خود بیشتر استفاده کنند (Alfred, 2020).

➤ **قیمت‌گذاری توکن:** بسیاری از رمز ارزها نوسانات قیمتی دارند و این موجب می‌شود تا کارکرد پولی خود را از دست بدهند و به دارایی تبدیل شوند، زیرا نوسانات موجب می‌شود تا سوداگران به این بازار ورود کرده و با خرید و فروش دسته‌جمعی، عملکرد صحیح شبکه را متوقف کنند. گروه‌های طرح می‌توانند با انتشار سکه و تقویت بخش عرضه با این مسأله مقابله کنند. اینکار موجب می‌شود تا توکن، قیمت ثابتی داشته باشد و مردم بیشتر از آن استفاده کنند (Ammous, 2018).

➤ **حکومت و قوانین:** گروه طرح مسئول اصلی قانون‌گذاری در مورد ایجاد یا ضبط توکن‌ها و نحوه تزریق و خارج شدن توکن/کوین‌ها از شبکه است. این قوانین بسته به رویکرد طرح‌های مختلف متفاوت است. برای مثال برخی طرح‌ها مانند «ریپل»^{۱۸} توکن‌هایی را در اختیار دارند که می‌توانند بعداً به اکوسیستم اضافه شوند، اینکار به‌منظور رشد و پرداخت هزینه‌های نگهداری سیستم استفاده می‌شود. یکی دیگر از قوانین که می‌توان به آن اشاره کرد «توکن سوزی» است که در مورد رمز ارز «بایننس کوین» و «تتر» اتفاق افتاده است. در اکتبر ۲۰۱۸، از شبکه تتر مقداری توکن برای

17. Mining

18. Ripple

کمک به تنظیم ارزش سکه‌ها در بازار سوزانده شد (Floyd, 2018). عمل سوختن زمانی اتفاق می‌افتد که ارز به کیف پولی ارسال شود که هیچ‌کس نشانی آن را نمی‌داند.

➤ **سازگاری در آینده:** یکی از نکات مهم در عرضه اولیه سکه، حفظ جذابیت توکن/ کوین در دهه‌های آینده است. به این جهت که پس از شروع به‌کار و توزیع توکن‌ها، هزینه تغییر در قوانین شبکه بسیار بالاست و گاهی گروه طرح مجبور به ایجاد یک شاخه جداگانه، منشعب از شاخه اصلی می‌شود (که در ادبیات بلاک‌چینی به آن انشعاب^{۱۹} می‌گویند). بیشتر توسعه‌دهندگان می‌دانند آنچه اکنون می‌سازند لزوماً در آینده کارایی ندارد و ممکن است با رشد و بلوغ شبکه نیاز به تغییر در قوانین باشد. اما برخی طرح‌های دیگر مفاهیمی ارائه داده‌اند که چگونه کاربران شبکه می‌توانند از طریق همفکری، به‌طور مؤثر روش مدیریت توکن‌ها را در اکوسیستم تغییر دهند (Finmag, 2020).

۶. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از General Qualitative Research و کاربرست مدل SWOT انجام شده است و از نوع هدف کاربردی و بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های موردنیاز به بررسی اسناد مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی پرداخته شده، سپس بر مبنای اطلاعات به‌دست‌آمده مدل اولیه‌ای از نقاط قوت و ضعف، تهدید و فرصت‌ها استخراج گردیده و در اختیار خبرگان گذاشته شده است و از ۱۲ نفر از خبرگان این حوزه متشکل از خبرگان نظری^{۲۰} و خبرگان عملیاتی^{۲۱} (در فضای معامله و راه‌اندازی «عرضه اولیه سکه» و صاحبان کسب‌وکار) مصاحبه به‌عمل‌آمده است؛ سپس گزاره‌های مربوطه از متن مصاحبه خبرگان استخراج شده و در قالب جدول‌هایی آورده شده است. پس از آن نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها مجدد بازنویسی شده و در گروه کانونی بررسی شده‌اند. در نهایت خروجی به‌دست‌آمده در قالب پرسش‌نامه به

19. Fork

20. Theoretic

21. Operational

تأیید خبرگان این حوزه رسیده و اعتبارسنجی ماتریس سوات و راهبردها انجام شده است. به صورت خلاصه مراحل طی شده طی این پژوهش را می توان به موارد زیر تفکیک نمود:

۱. مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و استخراج ماتریس نقاط ضعف، قوت، تهدید و فرصت با توجه به چارچوب مفهومی به دست آمده؛
۲. مصاحبه با خبرگان و پیاده‌سازی متن مصاحبات و کدگذاری؛
۳. استخراج گزاره‌های مرتبط با هر عنوان تهدید، فرصت، قوت، ضعف و تشکیل ماتریس سوات؛
۴. ارائه ماتریس نهایی سوات به خبرگان و اعتبارسنجی مدل در قالب پرسش‌نامه.

در این پژوهش از روش زیر برای کدگذاری استفاده شده است:

۱. نماد «P» مخفف واژه «Person» است و به فرد مصاحبه شونده اطلاق می‌گردد.
۲. دو حرف بعدی مطابق با اسامی ابتدایی افراد مصاحبه‌شده در نظر گرفته شده‌اند.
۳. عدد پس از دو حرف انگلیسی به معنای شماره نکته‌ای است که از صحبت‌های افراد مصاحبه‌شونده استخراج شده است.

به عنوان مثال عدد P.Gh4، به معنای نکته چهارم فرد مصاحبه‌شونده است.

پیشینه استفاده از مدل سوات به دانشگاه استنفورد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد و از آن زمان مدل تحلیلی سوات به عنوان ارزیابی معیارهای طرح‌ها به صورت جزئی از هر فرایند برنامه‌ریزی محسوب شد (Abrahamson, 1996). سوات مخفف واژه‌های قوت^{۲۲}، ضعف‌ها^{۲۳}، فرصت‌ها^{۲۴} و تهدیدها^{۲۵} است و ابزاری بسیار مهم برای تحلیل سامان‌مند عوامل داخلی و خارجی یک سازمان است (GÜREL, 2017). در تعریف قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها می‌توان از عبارتهای ساده زیر استفاده کرد:

-
22. Strengths
 23. Weaknesses
 24. Opportunities
 25. Threats

- ✓ قوت‌ها: ویژگی‌هایی گروه طرح را در دستیابی به اهداف یاری می‌رساند. این ویژگی‌ها احتمالاً دارای اثری مثبت در دستیابی مطلوب به اهداف خواهند بود، بنابراین تدابیر گروه باید در جهت تقویت این ویژگی‌ها طراحی شود.
- ✓ ضعف‌ها: ویژگی‌هایی که در راه رسیدن به اهداف مضر هستند و احتمالاً در این راه اثرات منفی خواهند داشت، بنابراین تدابیر گروه طرح باید در جهت تضعیف یا کاهش اثرات منفی این دسته از عوامل طراحی شود.
- ✓ فرصت‌ها: وضعیت‌هایی از محیط پیرامون که می‌توانند به دلیل اثرات مثبت احتمالی، گروه طرح را در دستیابی به اهداف یاری رسانند و در کنار قوت‌های موجود دستیابی به اهداف را سرعت بخشند.
- ✓ تهدیدها: وضعیت‌هایی از محیط پیرامون که می‌توانند مانعی بر سر راه دستیابی گروه طرح به اهداف باشند؛ بنابراین تدابیر گروه طرح باید در جهت تبدیل عوامل بازدارنده به فرصت‌ها و عوامل پیش‌برنده باشد (Kim, 2005).

۷. بحث و بررسی

در این مرحله، با توجه به بدیع‌بودن موضوع و تعداد محدود افراد متخصص، مصاحبه با ۱۲ نفر از خبرگان این موضوع انجام شد، پس از پیاده‌سازی متن مصاحبات، گزاره‌های ابتدایی ناظر به صحبت‌های افراد، استخراج شده و کدگذاری گردید. سپس موارد مشابه به ترتیب لیست شده و در قالب نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید گنجانده شد. به دلیل رعایت اختصار تنها بخشی از گزاره‌های ابتدایی استخراج شده در جدول (۳)، قابل مشاهده است. در گام بعدی، گزاره‌های مستخرج در جدول (۳)، در جدولی برحسب نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید مرتب شدند و به صورت شکل (۲) درآمدند.

جدول (۳): بخشی از گزاره‌های ابتدایی احصاء شده

ردیف	نشانگر	گزاره‌های ابتدایی	SWOT	فراوانی
۱	P4.ZO04 ,P5.TA25 P8.NA01 ,P6.MO01 P8.NA03	عدم وجود بستر قانونی حمایت‌گر و مناسب	تهدید	۵

ردیف	نشانگر	گزاره‌های ابتدایی	SWOT	فراوانی
۳	P9.HA01 ,P5.TA08 P9.HA02	تقلب‌های گسترده	ضعف	۳
۴	P5.TA10 ,P9.HA04 P11.RA04	ریسک اشکال‌های فنی نرم‌افزاری در ساختار قرارداد هوشمند	ضعف	۳
۶	P2.AB07 ,P8.NA02 P9.HA13	آشنایی کم نهادهای تنظیم‌گر با ظرفیت ارزش‌های مجازی	تهدید	۳
۷	P5.TA09 ,P9.HA03	امکان حضور نهنگ‌ها و دست‌کاری قیمتی	ضعف	۲

منبع: (سروی، قوام، نوری، ۱۳۹۹)

پس از دسته‌بندی و کدگذاری مصاحبات انجام‌شده، بخشی از نکات و گزاره‌های استخراج‌شده از مصاحبه با خبرگان خارج از مدل سوات قرار گرفت که در این بخش به اختصار به‌عنوان مقدمه ورود به مدل سوات آن اشاره می‌شود. از منظر خبرگان نکاتی که باید در روش عرضه توکن یا کوین مورد دقت گروه طرح قرار بگیرد به شرح نکات زیر است:

۱. **جنس طرح:** بسته به نوع و جنس طرح، باید مسیر متفاوتی برای طراحی توکن طی شود. مثلاً برای طرح‌های مبتنی بر ساخت‌وساز در دنیای واقعی (مگا طرح‌های ملی و نفتی) تأمین مالی از طریق رمز ارزها تفاوت چندانی با ساختار مورد استفاده در اوراق بهادار^{۲۶} ندارد. به عبارت دیگر در این طرح‌ها کارکرد اصلی توکن با صکوک یا سهام تفاوتی نمی‌کند و فقط روش تأمین مالی از بازار سرمایه به یک روش نوآورانه تغییر پیدا کرده است. این مورد در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران نیز تفاوتی ندارد، بدین معنا که سرمایه‌گذاران می‌توانند با روش‌های مالی متعارف در مورد سود ده بودن سرمایه‌گذاری در طرح تصمیم‌گیری نمایند، اما در مورد طرح‌های خدمات محور مبتنی بر اینترنت با استفاده از علم مهندسی مالی می‌توان یک توکن متناسب با نیاز شبکه طراحی کرد و برای آن کارکردهای چندمنظوره در نظر گرفت.

۲. **بازار محصول:** حجم بازار صنعت موردنظر در طراحی توکن اهمیت دارد و گروه طرح قبل از عرضه عمومی توکن باید مشخص کند که از حجم بازار موردنظر، چه بخشی قرار است توسط محصول (یا خدمت پیشنهادی) گروه طرح جذب شود. به عبارت دیگر باید معین شود که توکن طراحی شده، ظرفیت تصاحب چه مقدار از بازار محصول را دارد؟ با پاسخ به این سؤال میزان تقاضا برای توکن مشخص می‌شود و میزان تقاضای توکن یکی از مؤلفه‌های اصلی قیمت‌گذاری توکن است.

۳. **ساختار توکن:** گروه طرح باید دقیقاً مشخص کنند که راهبرد سوددهی توکن برای سرمایه‌گذاران به چه صورت است. آن‌ها می‌توانند برای توکن طراحی شده صرفاً ارزش ذاتی^{۲۷} در نظر بگیرند و سرمایه‌گذاران از نوسان قیمت توکن منتفع شوند یا می‌توان توکن را به‌نحوی طراحی کرد که در کنار ارزش ذاتی (نوسان قیمت)، سود تقسیمی^{۲۸} نیز به دارندگان آن پرداخت نماید. البته می‌توان حالتی را در نظر گرفت که ارزش توکن ثابت باشد و پس از مدتی به دارندگان توکن، سود تقسیمی تعلق بگیرد. تصمیم‌گیری در مورد ساختار توکن بسته به اهداف طرح می‌تواند متفاوت باشد.

۴. **حاکمیت پلتفرم:** در نظام‌های رایج مانند سهام، افراد مبتنی بر تعداد سهام دارای حق رأی هستند اما در اقتصاد توکن این امکان وجود دارد که راهبرد حق رأی مبتنی بر تعداد توکن نباشد، بلکه مثلاً افراد دارای بیشترین تراکنش در پلتفرم، حق رأی بالاتری داشته باشند. گروه طرح مبتنی بر مدل تجاری^{۲۹} و بررسی وضعیت صنعت و بازار می‌تواند به‌نحوی حاکمیت پلتفرم را طراحی کند که بیشترین سود ممکن حاصل شود.

سایر گزاره‌های استخراج‌شده در قالب ماتریس سوات آماده شد. در ماتریس سوات، ملاک رتبه‌بندی نقاط ضعف و قوت از فرصت و تهدید پس از مشورت با متخصصان بدین صورت تعیین شد: گزاره‌هایی که در صحبت‌های خبرگان ناظر به داخل ایران بوده است، در مجموعه موارد فرصت و تهدید دسته‌بندی شد؛ بدین جهت که در ماتریس سوات

27. Capital Gain

28. Dividend

29. Business Plan

مجموعه موارد فرصت و تهدید برخاسته از شرایط بیرونی بنگاه است و ما استفاده از روش عرضه اولیه سکه برای بنگاه‌های ایرانی را در نظر می‌گیریم^{۳۰}. در قدم بعدی نکات ناظر به خود عرضه اولیه سکه که مربوطه به ماهیت استفاده از این روش است و محدود به کشور خاصی نیست در بخش نقاط قوت یا ضعف دسته‌بندی شد. به‌عنوان مثال «استفاده از ظرفیت قرارداد هوشمند برای بازگرداندن پول سرمایه‌گذاران» جزو مواردی است که مختص این روش تأمین مالی است اما «تحریم‌های اقتصادی» ناظر به شرایط فعلی ایران است و ارتباط مستقیم به تأمین مالی مبتنی بر عرضه اولیه سکه ندارد.

ماتریس سوات	
ضعف‌ها (W):	قوت‌ها (S):
۱. تقلب‌های گسترده	۱. امکان استفاده از ظرفیت توکنیزه کردن دارایی
۲. هزینه‌های بالا انتشار توکن و نوشتن سپیدنامه	۲. سهولت انتقال کوین/ توکن
۳. هزینه بالای فهرست کردن در صرافی پس از عرضه اولیه سکه	۳. بستر شفاف جذب سرمایه
۴. هزینه‌های بالای تبلیغات	۴. امکان طراحی منعطف ICO متناسب با نیاز ناشر
۵. امکان حضور نهنگ‌ها و دستکاری قیمتی	۵. ایمن
۶. اولویت با طرح‌های دیجیتال محور	۶. شرایط آسان تأمین مالی
۷. ریسک اشکال‌های فنی نرم‌افزاری در ساختار قرارداد هوشمند	۷. سرعت بالای تأمین مالی
	۸. استفاده از مزیت قرارداد هوشمند برای بازگشت پول به سرمایه‌گذاران
	۹. قابلیت استفاده از ظرفیت قراردادهای هوشمند برای تبدیل مستقیم کوین منتشر شده در مقابل دریافت ریال دیجیتال (در صورت وجود CBDC)

۳۰. به بیان دیگر، اگر بنگاه بخواهد تأمین مالی از این روش نماید، نیاز دارد تا فرصت‌ها و تهدیدات بیرونی که به جهت ایرانی بودن تیم طرح در مقابل وی قرار دارد را به خوبی بشناسد.

فرصت‌ها (O):	تهدیدها (T):
۱. عدم وجود محدودیت جغرافیایی در جذب سرمایه	۱. تحریم‌های اقتصادی و تعاملات بین‌المللی
۲. استفاده از ظرفیت ابزارهای مالی اسلامی در ایران	۲. بدبینی عموم جامعه جهانی به ICO
۳. تمایل صرافی‌های بزرگ برای لیست کردن ICO به دلیل درآمدزایی برای آنها	۳. عدم وجود بستر قانونی حمایت‌گر و مناسب
۴. دسترسی به نیروی کار کم هزینه در ایران (در مقایسه با سایر کشورها)	۴. وابستگی ICO به قوانین کشور جذب‌کننده منابع
۵. فاصله کم ایران از کشورهای پیشرفته جهان در این حوزه	۵. آشنایی کم نهادهای تنظیم‌گر با ظرفیت ارزش‌های مجازی
۶. عدم شفافیت نظر قانون‌گذار در رابطه با ICO	۶. عدم ثبات سیاستی در حوزه تنظیم‌گری ارزش‌های مجازی
	۷. نبود عمق بازار مناسب در داخل ایران
	۸. کمبود مخاطب آشنا به این حوزه، به نسبت سایر حوزه‌های مالی

شکل (۲): ماتریس سوات

منبع: (یافته‌های تحقیق)

۸. بیان نقاط قوت

۱. امکان استفاده از ظرفیت توکنیزه کردن دارایی: با استفاده از ظرفیت توکنیزه کردن دارایی می‌توان از مزایای آن بهره برد؛ به‌عنوان مثال توکنیزه کردن اسناد و دارایی‌ها سرعت نقل و انتقال مالکیت بین افراد را تسریع بخشیده و موجب کاهش هزینه‌ها خواهد شد. علاوه بر این با استفاده از این ویژگی می‌توان دارایی‌های بسیار بزرگ که افراد حقیقی و حتی برخی نهادهای حقوقی امکان خرید کامل آن را ندارند نقد کرده و آن را به هزاران سرمایه‌گذار واگذار کرد.

توکنیزه کردن دارایی امکان مشتق‌سازی را نیز در اختیار ما قرار می‌دهد، مشتق یک محصول یا قرارداد است که ارزش آن از ارزش دارایی دیگری که به‌عنوان دارایی پایه شناخته می‌شود، مشتق شده است. دارایی پایه می‌تواند سهام، شاخص بازار، نرخ

بهره، کالا یا ارز باشد. «عرضه اولیه سکه» هم بر همین اساس کار می‌کند. این یک روش دیجیتال برای جمع‌آوری وجوه است که در آن توکن که به‌عنوان دارایی اصلی عمل می‌کند. ارزش توکن بستگی به موارد زیر دارد:

- ✓ اکوسیستم ارز رمزنگاری شده برای آن؛
- ✓ مقدار رمز ارز توزیع شده در سیستم؛
- ✓ میزان استخراج برای یک توکن خاص؛
- ✓ میزان موفقیت طرح‌ای که رمز ارز برای آن از بازار منابع نقدی جذب کرده است.

۲. **سهولت انتقال کوین/ توکن:** در بستر ارزهای مجازی، به دلیل استفاده از ظرفیت گستردگی اینترنت در جهان، ظرف مدت بسیار کوتاه می‌توان میلیون‌ها دلار دارایی (اوراق بهادار و...) به‌صورت امن و مطمئن انتقال داد.

۳. **بستر شفاف جذب سرمایه:** به دلیل ماهیت شفاف دفتر کل توزیع شده، امکان پولشویی در مورد برخی ارزهای مجازی بسیار کمتر از حالت بانکی رایج است. علاوه‌براین، فناوری دفتر کل توزیع شده امکان حسابرسی در لحظه را نیز فراهم می‌کند بدین‌صورت که معاملات توسط تأییدکنندگان^{۳۱} فقط پس از رد هرگونه معامله جعلی، به زنجیره بلوک اضافه می‌شوند.

۴. **امکان طراحی منعطف «عرضه اولیه سکه» متناسب با نیاز ناشر:** این امکان در «عرضه اولیه سکه» فراهم است تا متناسب با نیاز ناشر، بخش‌هایی به مدل ساختاری «عرضه اولیه سکه» مانند بازارگردان، نهاد ضمانت‌کننده و سایر مواردی که موجب اعتماد سرمایه‌گذاران می‌شود، اضافه شوند. این طراحی منعطف اجازه می‌دهد که تأمین مالی از این روش برای بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز مناسب باشد، چراکه مرحله تأمین مالی و بازاریابی به‌صورت هم‌زمان انجام می‌شود و بنگاه در ابتدای کار می‌تواند مشتریان خود را جذب نماید. از طرف دیگر «عرضه اولیه سکه» به دلیل مزیت‌هایی که دارد (مانند جذب سرمایه بین‌المللی، سرعت و سهولت بالای تأمین مالی و...) می‌تواند در تأمین مالی طرح‌هایی که به حجم بالای منابع نقدی نیاز دارند

۳۱. استخراج‌گران (ماینها).

- نیز استفاده شود. مثلاً طرح‌های توسعه میدان‌های نفتی یا طرح‌های کلان ملی که امکان تأمین مالی از داخل کشور وجود ندارد، با این روش می‌توانند انجام شوند.
۵. **ایمن:** هر معامله‌ای که انجام شود، خلاصه اطلاعات پرداخت و دریافت در یک بلاک ثبت می‌شود، این موجب می‌شود تا زنجیره بلوک، اطلاعات کامل پرداخت‌ها و دریافت‌ها را داشته باشد. هر بلاک یک شناسه منحصر به فرد خود را داراست که این شناسه با شناسه بلوک‌های قبلی ترکیب می‌شود و بدین ترتیب امنیت را به ارمغان می‌آورد.
۶. **شرایط آسان تأمین مالی:** روش‌های سنتی سرمایه‌گذاری شرایط و قوانین از پیش تعیین شده‌ای دارند که مطلوب کارآفرینان نیستند. هنگامی که یک استارت‌آپ می‌خواهد از طریق «عرضه اولیه سکه» پول جمع کند، معمولاً روی سپیدنامه اهداف طرح را بیان می‌کند و می‌گوید چه نیازهایی را پس از اتمام طرح برآورده خواهد کرد، چه مقدار توکن مورد نیاز است و چه مدت‌زمانی برای کمپین و جذب منابع مالی در نظر گرفته است، درحالی‌که راهبرد اهدای ضمانت و رویه‌های طولانی بقیه روش‌های تأمین مالی بسیار پیچیده‌تر است.
۷. **سرعت بالای تأمین مالی:** به دلیل نبود تشریفات قانونی زائد، سرعت تأمین مالی در «عرضه اولیه سکه» بسیار افزایش می‌یابد و این به ناشر کمک می‌کند تا بر روی فعالیت‌های کارآفرینی و طرح‌ها تمرکز کند. تأمین مالی طرح‌های موفق مانند Brave که موفق به جذب ۳۰ میلیون دلار سرمایه شدند، نمونه‌هایی از این موارد است (Neih, 2017).
۸. **استفاده از مزیت قرارداد هوشمند برای بازگشت پول به سرمایه‌گذاران:** در بسیاری از موارد اگر میزان سرمایه جذب شده به حداقل کف معین شده نرسد^{۳۲}، قرارداد هوشمند به نحوی برنامه‌ریزی شده است که وجه جمع‌آوری شده را به سرمایه‌گذاران بازگرداند.
۹. **قابلیت استفاده از ظرفیت قراردادهای هوشمند برای تبدیل مستقیم توکن منتشر شده در مقابل دریافت ریال (در صورت وجود «ارز دیجیتال بانک مرکزی»^{۳۳}):** اگر

۳۲. به حداقل سرمایه جذب شده Soft cap می‌گویند.

33. Central Bank Digital Currency (CBDC)

بر بستر بلاک‌چین، پلتفرمی مانند اتریوم نوشته شود که کوین داخلی شبکه آن به جای اِتر، جایگزین یا معادل ریال باشد، در این صورت می‌توان امیدوار بود که طرح‌هایی روی آن نوشته شود تا به صورت مستقیم قابلیت دریافت ارز دیجیتال بانک مرکزی را داشته باشند.

۹. بیان نقاط ضعف

۱. تقلب‌های گسترده:

- ✓ آسیب «عرضه اولیه سکه» در حمله‌های سایبری: از نمونه‌های آن می‌توان به طرح بیت‌توکن^{۳۴} اشاره کرد که از حملات فیشینگ ۱ میلیون دلار آسیب دید. در این طرح سرمایه‌گذاران ایمیلی از کلاه‌برداران دریافت کردند و QR CODE و آدرس کیف پول الکترونیکی خود را روی اتریوم در اختیار آنان قرار دادند.
- ✓ «عرضه اولیه سکه» جعلی: قبل از سرمایه‌گذاری در «عرضه اولیه سکه»، سرمایه‌گذار باید اهداف طرح، مجریان طرح، مکان دفتر گروه طرح، برنامه تجاری^{۳۵} گروه، مدت‌زمان اجرای طرح، چگونگی ذخیره شدن منابع مالی جذب‌شده در یک حساب سپرده، تجربه عملیاتی اعضای گروه طرح و اینکه آیا قراردادهای هوشمند نیز بخشی از این پیشنهاد است یا خیر را به صورت دقیق بررسی کند. متأسفانه ۸۱ درصد از «عرضه اولیه سکه» کلاه‌برداری هستند (Fisch, 2019). از آنجاکه «عرضه اولیه سکه» توسط هیچ دارایی یا ضمانتی پشتیبانی نمی‌شود و شامل هیچ رویه قانونی نیست، بنابراین کلاه‌برداران به راحتی قادر به استفاده از «عرضه اولیه سکه» هستند. این هوشیاری و دانش سرمایه‌گذار است که به وی امکان می‌دهد در یک «عرضه اولیه سکه» امیدوارکننده سرمایه‌گذاری کند.

34. Beettoken

35. Business Plan

۲. هزینه‌های بالای انتشار توکن و نوشتن سپیدنامه: به علت کمبود متخصص در این حوزه انتشار توکن و تهیه سپیدنامه معتبر و قابل قبول در سطح جهانی، هزینه‌های بالایی دارد.^{۳۶}
۳. هزینه بالای فهرست کردن در صرافی پس از «عرضه اولیه سکه»: یکی از نکات مهم و مورد توجه سرمایه‌گذاران وجود بازار ثانویه برای معامله‌های توکن / کوین انتشار یافته است. صرافی‌های ارز مجازی برای فهرست کردن توکن / کوین معمولاً هزینه بالایی به گروه طرح تحمیل می‌کنند.^{۳۷} از طرفی صرافی‌ها از محل فهرست کردن توکن برای خود درآمدهای غیرمنصفانه‌ای در نظر می‌گیرند که موجب افزایش هزینه لیست کردن می‌شود به نحوی که برخی صرافی‌ها بین ۱۰ تا ۱۵ درصد سود طلب می‌کنند.
۴. هزینه‌های بالای تبلیغات: فرآیند «عرضه اولیه سکه» به نوعی بازاریابی محصول پیش از ساخت آن است، به همین دلیل نیازمند تبلیغات گسترده است تا مخاطبان آن اقدام به پیش خرید محصول (یا خدمت) نمایند.
۵. امکان حضور نهنگ‌ها و دست‌کاری قیمتی: به دلیل ماهیت «عرضه اولیه سکه» هر فرد حقیقی یا حقوقی می‌تواند در فرآیند «عرضه اولیه سکه» مشارکت داشته باشد، این خطر وجود دارد که برخی از نهادهای حقوقی بسیار بزرگ، وارد «عرضه اولیه سکه» شده و قیمت‌های آن را دچار نوسانات شدید کنند. افراد یا نهادهای حقوقی / حقیقی می‌توانند باعث بالابردن غیرمنطقی قیمت‌ها شده یا با عرضه‌های خارج از عرف بازار، باعث رعب و وحشت سرمایه‌گذاران شوند.
۶. اولویت با طرح‌های دیجیتال محور: «عرضه اولیه سکه» در بستر اینترنت فعال است و طرحی می‌تواند در جذب سرمایه موفق‌تر عمل کند که در حوزه کسب‌وکارهای اینترنتی باشد، به بیان دیگر بهتر است مخاطبین طرح در بستر اینترنت از خدمات طرح استفاده نمایند.

۳۶. نیاز ICO موفق به حمایت مستمر با پول هوشمند برای جذب سرمایه بالا: برخی خبرگان اشاره داشته‌اند که برای پررنگ کردن ICO در جدول‌های جهانی نیاز است تا حجم روزانه تراکنش‌ها افزایش یابد که اینکار با پول هوشمند قابل انجام است.

۳۷. به عنوان مثال در زمان نگارش این مقاله صرافی بایننس برای لیست کردن توکن مبلغ یک میلیون و پانصد هزار دلار، طلب می‌کند.

۷. ریسک اشکال‌های فنی نرم‌افزاری در ساختار قرارداد هوشمند: کدهایی که قراردادهای هوشمند روی آن نوشته می‌شوند، نباید خلأ یا نقطه‌ضعف داشته باشند، وجود اشکال سامانه‌ای باعث می‌شود تا سوءاستفاده‌کنندگان و هکرها، کلاه‌برداری کرده و موجب ضرر و زیان سرمایه‌گذاران شوند.

۱۰. بیان فرصت‌ها

۱. عدم وجود محدودیت جغرافیایی در جذب سرمایه: تأمین مالی‌های سنتی محدود به مکان‌های جغرافیایی هستند. مثلاً جمع‌آوری سرمایه از طریق IPO به دلیل مرزبندی‌های رایج در میان کشورهای جهان و تفاوت قوانین کشورها با یکدیگر امکان‌پذیر نیست. همین‌طور برای بقیه روش‌های تأمین مالی این مورد صادق است؛ درحالی‌که در «عرضه اولیه سکه» کوین‌های انتشاریافته در بستر اینترنت در هر جای جهان که لازم باشد حضور پیدا می‌کنند و منابع مالی را جذب می‌نمایند. این ویژگی باعث می‌شود این روش جذب سرمایه برای استارت‌آپ‌ها بسیار مطلوب باشد.
۲. استفاده از ظرفیت ابزارهای مالی اسلامی در ایران: با توجه به اینکه در اقتصاد ایران، به‌منظور ایجاد ابزارهای مالی نیاز به تطابق با شریعت وجود دارد، لذا این ظرفیت وجود دارد که ابزارهای مالی مبتنی بر شریعت ایجاد شود. به همین علت، تصویر ایران در جامعه بین‌المللی خصوصاً مسلمانان جهان، تصویر قابل‌قبولی است و می‌تواند با طراحی ابزارهای مطابق با شریعت، به جذب سرمایه از مسلمانان جهان بپردازد.
۳. تمایل صرافی‌های بزرگ برای فهرست کردن توکن «عرضه اولیه سکه» به علت درآمدزایی برای صاحبان صرافی‌ها: صرافی‌های ارزمجازی از فهرست کردن توکن در پلتفرم خود کارمزد معاملاتی و درآمدهای دیگر از مشتریان خود اخذ می‌کنند. به همین دلیل آن‌ها علاقه‌مند هستند تا کوین/ توکن‌های جدید را در صرافی خود فهرست کنند.
۴. دسترسی به نیروی کار کم‌هزینه در ایران (در مقایسه با سایر کشورها): به جهت ساختار معیوب اقتصاد ایران، متأسفانه قدرت پول ملی ایران از تمام کشورهای منطقه کمتر است، ولی در کنار آن ایران ارزشمندترین و ارزان‌ترین نیروی کار را در منطقه را داراست که با استفاده صحیح از این نیروی کار متخصص و هدایت آن به سمت بروز

- نوآوری و خلاقیت، می‌توان بسیاری از مشکلات و مسائل پیش روی ایران را حل کرد، این ویژگی این امکان را به بنگاه‌های داخلی می‌دهد که با هزینه دلاری بسیار کمتر، کیفیت رقابتی با محصولات و کسب‌وکارهای خارجی ارائه دهند.
۵. فاصله کم ایران از کشورهای پیشرفته جهان در این حوزه: فناوری بلاک‌چین که به‌نوعی با معرفی بیت‌کوین در سال ۲۰۰۸ میلادی به جهان به‌طور علنی عمومی شد از آن زمان تاکنون دو دهه نمی‌گذرد، این موجب می‌شود که فاصله ایران از سایر کشورهای توسعه‌یافته در این زمینه بسیار کم باشد و ایران بتواند در مرز دانش حرکت کند، وجود حلقه‌های آموزشی و پژوهشی بسیار در کشور و سایر نهادها تأییدی بر حرکت در مسیر پیشرفت است.
۶. عدم شفافیت نظر قانون‌گذار در رابطه با «عرضه اولیه سکه»: به دلیل عدم تصویب قانون شفاف و مشخص در زمینه کسب‌وکارهای این حوزه توسط مجلس (تا زمان نگارش این مقاله)، می‌توان از خلأهای موجود در قوانین قبلی برای راه‌اندازی کسب‌وکار استفاده کرد، بدون اینکه نقض قوانین تلقی شده و موجب ارزش‌آوری برای شرکت شود. اجازه راه‌اندازی عرضه اولیه سکه برای شرکت‌های تعاونی و ایجاد توکن در فضای داخلی شرکت، نمونه‌ای از این موارد است.

۱۱. بیان تهدیدها

۱. تحریم‌های اقتصادی و تعاملات بین‌المللی: تحریم‌های اقتصادی و تعامل‌های بین‌المللی جنبه‌های مختلفی دارند که در اینجا به بیان برخی از موارد آن می‌پردازیم:
- ✓ اعمال محدودیت در خرید کالا با کوین‌های از مبدأ ایران: نهادهایی مانند سایفرتریس^{۳۸} وظیفه رصد تمامی تراکنش‌های روی زنجیره بلوک را برعهده دارند. آمریکا اگر تشخیص دهد که از حساب کیف پولی به آی‌پی^{۳۹} ایران پرداختی انجام شده آن را زیر نظر می‌گیرد تا زمانی که کوین انتقالی از مبدأ ایران (ممکن است پس از چندین بار گردش بین کیف پول‌های متعدد) در نقطه اتصال به دنیای واقعی و خرید کالا مورد استفاده قرار گیرد، در اینجا آمریکا با اعمال نفوذ مانع از تکمیل فرایند خرید می‌شود. به بیان دیگر مانع از تحویل کالا به خریدار

38 <https://ciphertrace.com/>

39. IP

می‌شود. دشواری و اهمیت اینکار زمانی بیشتر می‌شود که این شبکه یادگیرنده باشد و خودش بتواند تراکنش‌های ایران را تشخیص دهد. از طرفی این اعمال محدودیت در فضای مجازی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد چون نقطه تبدیل کوین‌ها به یکدیگر باید در صرافی اتفاق بیفتد و به دلیل آنکه عمده صرافی‌های بزرگ جهان آمریکایی هستند؛ این ریسک می‌تواند افزایش یابد.

✓ **عدم مناسب بودن شرایط ایران برای جذب سرمایه:** در مجموع ایران به دلیل شرایط سیاسی، اقتصادی و وجهه بین‌المللی در اثر تحریم‌ها کشور مناسبی برای جذب طرح‌های «عرضه اولیه سکه» در فضای بین‌الملل از منظر خبرگان نیست.

✓ **تعامل کم و محدود نهادهای نظارتی (مانند قوه قضائیه) با سایر نهادهای قانونی بین‌المللی برای پیگیری تخلفات ICO:** به دلیل ماهیت غیرمتمرکز «عرضه اولیه سکه» در صورتی که سرمایه‌گذاران ایرانی متضرر شوند به دلیل عدم همکاری گسترده سایر کشورها با قوه قضائیه ایران، امکان پیگیری و ردگیری کلاه‌برداران و احقاق حقوق سرمایه‌گذاران وجود ندارد^{۴۰}.

✓ **تداخل بین حوزه‌های نظارتی نهادهای تنظیم‌گر متعدد:** متأسفانه در برخی موضوعات، دستگاه‌ها و ساختارهای اجرایی حکومتی به صورت موازی حضور دارند و گاهی نیاز است که برای کسب مجوز در این حوزه به بیش از یک نهاد مراجعه شود.

✓ **عدم وجود مرجع حل اختلاف قضائی تخصصی برای این حوزه:** در صورتی که در داخل کشور بخواهیم اقدام به جذب سرمایه از طریق فروش توکن بکنیم و با اختلاف قضائی میان ناشران و سرمایه‌گذاران مواجه شویم، به دلیل عدم وجود مرجع حل اختلاف قضائی در داخل کشور، نمی‌توانیم این اختلاف را حل کنیم.

✓ **سخت کردن شرایط سرمایه‌گذاری برای ایرانیان در حوزه «عرضه اولیه سکه»:** اگر آمریکا یا کشورهای هم‌پیمان آمریکا متوجه شوند که حسابی که از طریق آن معامله صورت می‌گیرد مربوط به فرد یا نهاد ایرانی است، می‌توانند حساب را

۴۰. لازم به ذکر است که ماهیت Initial Coin Offering قانون‌گریز است، مراد از ICO در اینجا تأمین مالی از طریق فناوری‌های نوین بلاک‌چین به صورت کلی است که از جمله آن می‌توان به IEO و STO اشاره کرد.

- مسدود کرده و امکان معامله آن را غیرفعال کنند. در کنار این موارد اگر شرکت ناشر «عرضه اولیه سکه» متوجه شود که یک ایرانی در «عرضه اولیه سکه» سرمایه‌گذاری کرده است، هیچ‌گونه خدماتی ارائه نمی‌دهد و پاسخ‌گو نیست.
۲. **بدبینی عموم جامعه جهانی به «عرضه اولیه سکه»:** متأسفانه بیش از ۸۱ درصد «عرضه اولیه سکه» انجام‌شده کلاه‌برداری بوده‌اند و این موجب شده تا جامعه جهانی نسبت به آن بدبین شده و به سراغ طراحی نسل‌های بعدی آن مانند IEO و STO برود که در مقدمه به آن اشاره شد. لازم به ذکر است که برخی طرح‌ها نیز در اثر عواملی غیر از کلاه‌برداری شکست‌خورده‌اند که جزو تجربیات ناموفق محسوب می‌شوند.
۳. **عدم وجود بستر قانونی حمایت‌گر و مناسب:** در ایران بستر قانونی شفاف‌ی در مورد ارزش‌های مجازی وجود ندارد هرچند در این زمینه قوانینی به‌صورت تصریح‌شده یا تلویحی توسط بانک مرکزی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال ۱۳۸۶ و سایر قوانین تصویب‌شده است، اما همچنان خلأ آن احساس می‌شود.
۴. **وابستگی «عرضه اولیه سکه» به قوانین کشور جذب‌کننده منابع:** هر کشوری که محل راه‌اندازی «عرضه اولیه سکه» و جذب‌کننده منابع نقدی باشد، هنگام تبدیل کوین‌ها به پول فیات، خودبه‌خود قوانین پولشویی و بانکی و مالی آن کشور شامل آن می‌شود.
۵. **آشنایی کم نهادهای تنظیم‌گر با ظرفیت ارزش‌های مجازی:** به دلیل نوآرانه بودن فناوری ارزش‌های مجازی هنوز تا شناخت کامل آن و روشن شدن ابعاد آن برای نهاد ناظر راهی طولانی در پیش است و با انجام پژوهش‌های مرتبط در این زمینه، تبیین ظرفیت ارزش‌های مجازی بیشتر صورت خواهد گرفت.
۶. **عدم ثبات سیاستی در حوزه تنظیم‌گری ارزش‌های مجازی:** یکی از الزامات پیشرفت و توسعه هر صنعتی در کشور، ثبات رویه و آرامش فضای قانونی در اکوسیستم همان صنعت است، متأسفانه در ایران به دلیل عدم‌آشنایی دقیق با ویژگی‌های ارزش‌های مجازی و عدم وجود قانون جامع و کامل در این حوزه، تغییر سیاست ناگهانی سیاست‌گذار موجب آسیب‌های غیرقابل‌جبران به فعالین این صنعت شده است.

۷. نبود عمق بازار مناسب در داخل ایران: عمق بازار معاملات ثانویه ارزشهای مجازی در ایران بسیار کم است و این امکان پامپ^{۴۱} (افزایش ناگهانی قیمت) و دامپ^{۴۲} کردن (کاهش شدید قیمت توکن) را فراهم می‌کند.
۸. کمبود مخاطب آشنا به این حوزه، به نسبت سایر حوزه‌های مالی: تعداد سرمایه‌گذاران و مشاورین مالی که مسلط به تأمین مالی از طریق ابزارهای بدهی و ابزارهای مربوط به حقوق صاحبان سهام هستند بسیار بیشتر از فعالین این حوزه نوپاست. به همین دلیل این یکی از چالش‌های ایران در توسعه تأمین مالی از طریق ارزشهای مجازی خواهد بود. البته مشکل عدم آگاهی ابعاد دیگری نیز دارد مانند:
- ✓ **لختی پذیرش فناوری‌های جدید توسط مردم:** هر فناوری جدید تا جای خود را میان مردم پیدا کند احتیاج به چند دهه زمان دارد. به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت تا مردم روش‌های قبلی زندگی را کنار گذاشته و با فناوری‌های بسیار جدید امورات خود را بگذرانند.
 - ✓ **کمبود متخصص در ارزش‌گذاری «عرضه اولیه سکه»:** یکی از نکات چالش‌برانگیز در مورد «عرضه اولیه سکه»، مبحث ارزش‌گذاری توکن‌های منتشر شده است، در مالی متعارف اینکار از طریق تنزیل جریانات نقدی آتی طرح قابل محاسبه خواهد بود، اما در ارزشهای مجازی گاهی به دلیل پیش‌بینی ناپذیر بودن جریانات نقدی حاصل از طرح، راهبرد ارزش‌گذاری آن پیچیده‌تر است و نیاز به تربیت متخصصین جدید در این حوزه با دانش خاص همین حوزه است.
 - ✓ **کمبود متخصص اقتصاد توکن:** پایدار نگه‌داشتن شبکه توکن منتشر شده یعنی ایجاد منفعت برای سرمایه‌گذاران، دارندگان توکن، ناشران و استخراج‌گران از جمله کارهای بسیار دشوار در این حوزه است، به دلیل اینکه در برخی موارد که توکن پشتوانه فلزات گران‌بها یا سایر دارایی‌های با ارزش را ندارد، اعتبار خود را از مقبولیت میان مخاطبان خود می‌گیرد و طراحی شبکه به طوری که برای مدت طولانی پایدار بماند، کار بسیار سخت و دشواری است که نیاز به تخصص دارد.

41. Pump

42. Dump

جمع‌بندی

اگرچه «عرضه اولیه سکه» از نظر برخی به‌عنوان راه‌حلی برای پر کردن شکاف تأمین مالی برای کسب‌وکارهای نوپا مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما عرضه‌های اولیه سکه حتی در شکلی بالغ‌تر، امن‌تر و قانونی‌تر ممکن است وسیله تأمین مالی مناسب برای هر شخص یا هر طرحی نباشد. «عرضه اولیه سکه» به‌ویژه برای محصولات و خدماتی که براساس شبکه^{۳۳} ایجاد می‌شود، مفید است. انتشار توکن، امکان پذیرش سریع محصول یا خدمات و ایجاد پایگاه مشتری قبل از شروع طرح را فراهم می‌آورد. مهم‌تر از همه، به حداکثر رساندن ایجاد ارزش از طریق اثرات شبکه موجود در شبکه‌های تازه ایجاد شده سرمایه‌گذاران خرید یکی از مهم‌ترین مزیت‌های مقایسه‌ای عرضه‌های اولیه سکه در مقایسه با سایر اشکال تأمین مالی است. علاوه‌براین، عرضه‌های اولیه سکه بیشتر نیازهای تأمین مالی مراحل اولیه چرخه عمر کسب‌وکارهای نوپا را برطرف می‌کنند. براساس گزارشی که در اروپا منتشر شده است؛ کمبود منابع مالی عمدتاً در مرحله ایده یا رشد سازمان وجود دارد، بنابراین عرضه اولیه سکه به کسب‌وکارهای نوپا امکان افزایش سرعت گسترش بین‌المللی و تثبیت و تقویت موقعیت شرکت در برابر رقبای جهانی را می‌دهد (EIF, 2018).

در این پژوهش در مجموع ۳۰ گزاره از صحبت‌های خبرگان احصاء شد که پس از بررسی در قالب ۹ قوت، ۷ ضعف، ۶ فرصت و ۸ تهدید دسته‌بندی شدند. به‌نظر می‌رسد که استفاده از تأمین مالی مبتنی بر عرضه اولیه سکه می‌تواند راهکاری برای حل مشکلات موجود باشد اما باید توجه کرد که جذب منابع بدون در نظر گرفتن نقاط قوت و تهدید که چالش‌های پیش روی صاحبان کسب‌وکار محسوب می‌شود، ریسک شکست طرح را بالا خواهد برد.

کتابنامه

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳). جایگاه شرکت‌های کوچک و متوسط در اقتصاد کشور. ایران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

2. Central Bank of the Islamic Republic of Iran (2014). The Position of Small and Medium Companies in the Country's Economy. Iran: Central Bank of the Islamic Republic of Iran (In Persian).
۳. چوبداری، مهرداد (۱۳۹۸). امکان سنجی انتشار و معامله پول مجازی غیررمزنگاری شده در اقتصاد ایران در جهت حمایت از تولید داخلی. ایران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
4. Chowdari, M. (2018). The Feasibility of Issuing and Trading Non-encrypted Virtual Money in Iran's Economy to Support Domestic Production. Iran: Imam Sadiq University (In Persian).
۵. ذاکرنیا، احسان؛ خواجهزاده دزفولی، مهدی؛ و فدایی واحد، میثم (۱۳۹۴). اولویت بندی عوامل موثر بر انتخاب شیوه تأمین مالی در ایران با استفاده از روش TOPSIS در محیط فازی مبتنی بر متغیرهای کلامی. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۷(۲۷)، ۵۳-۷۰.
6. Zakernia, E; Khawajazadeh Dezfouli, M; & Fadai Vahad, M. (2014). Prioritizing Factors Affecting the Choice of Financing Method in Iran Using the TOPSIS Method in a Fuzzy Environment Based on Verbal Variables. Financial Engineering and Securities Management, 7(27), 53-70 (In Persian).
۷. سروی، سینا؛ قوام، محمدحسین؛ و نوری، مهدی (۱۳۹۹). طراحی راهبردهای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اساس عرضه اولیه سکه ICO (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
۸. عزیزخانی، فاطمه؛ بهنیا، مهران؛ و علویان قوانینی، آرش (۱۳۹۹). تحلیل شاخص‌های بازار کار در فصل زمستان ۱۳۹۸. ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران.
9. Azizkhani, F; Bahnia, M; & Alaviyan Zahani, A. (2019). Analysis of Labor Market Indicators in the Winter Season of 2018. Iran: Research Center of the Islamic Council of the Islamic Republic of Iran (In Persian).
۱۰. مصطفی‌زاده، آرمین (۱۳۹۴). الگوی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط ۱؛ حلیلی بر مفهوم و اهمیت تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط. ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران.
11. Mostafazadeh, A. (2014). The Financing Model for Small and Medium Enterprises 1; A Solution to the Concept and Importance of Financing Small and Medium Enterprises. . Iran: Research Center of the Islamic Council of the Islamic Republic of Iran (In Persian).
12. Abrahamson, E. (1996). Management Fashion. *Academy of Management*

- Review*, 21(1), 254-285. <https://doi.org/10.5465/AMR.1996.9602161572>
13. Alfred. (2020). *Why Community Building is Important for ICO Marketing? Dot Com Infoway.*
 14. Ammous, S. (2018). Can Cryptocurrencies Fulfil the Functions of Money?. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 70, 38-51. <https://doi.org/10.1016/j.qref.2018.05.010>
 15. Catalini, C., & Gans, J. S. (2018). *Initial Coin Offerings and the Value of Crypto Tokens* (No. w24418). National Bureau of Economic Research.
 16. Coinmama. Y. (2019). *History of Ethereum.*
 17. Combinator, Y., & Ralston, G. (2014). *A Guide to Seed Fundraising.*
 18. Derrien, F. (2010). Initial Public Offerings. *Behavioral Finance: Investors, Corporations, and Markets*, 475-490. <https://doi.org/10.1002/9781118258415.ch25>
 19. EIF. (2018). *European Small Business Finance Outlook.*
 20. Finmag. A. (2018). *DAICO.* <https://finmag.ir/daico>
 21. Finmag. R. (2020). *Tokenomics.* <https://finmag.ir/what-is-tokenomics-part-1>
 22. Fisch, C. (2019). Initial coin offerings (ICOs) to finance new ventures. *Journal of Business Venturing*, 34(1), 1-22. <https://doi.org/10.1016/j.jbusvent.2018.09.007>
 23. Floyd, D. (2018). *Tether Just Burned 500 Million USDT Stablecoin Tokens- CoinDesk.*
 24. Frankenfield, J. (2019). *Initial Coin Offering (ICO) Definition.*
 25. Friedlmaier, M., Tumasjan, A., & Welp, I. M. (2018). Disrupting Industries with Blockchain: The Industry, Venture Capital Funding, and Regional Distribution of Blockchain Ventures. In *Venture Capital Funding, and Regional Distribution of Blockchain Ventures. Proceedings of the 51st annual Hawaii International Conference on System Sciences (HICSS).* <https://doi.org/10.2139/ssrn.2854756>
 26. Gompers, P. A., & Lerner, J. (2004). *The Venture Capital Cycle.*
 27. Gurl, E. (2017). SWOT Analysis: A Theoretical Review.
 28. Laurent, P. (2019). *Fair Initial Token Distribution for Optimal Decentralization, by Pierre Laurent.*
 29. Neih, J. (2017). *Brave Browser's ICO Raises \$36 Million in 30 Seconds.*
 30. Kim, G. J. (2005). A SWOT Analysis of the Field of Virtual Reality Rehabilitation and Therapy. *Presence*, 14(2), 119-146. <https://doi.org/10.1162/1054746053967094>
 31. Tan, L. (2019). Token Economics Framework. In *Token Economics Framework: Tan, Lisa.* [SI]: SSRN. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3381452>
 32. Tsindeliani, I. (2019). Financial Regulation & Digital Money: How Russia Dips its Toes Into the Waters of Cryptocurrency. *Global Jurist*, 19(2), 20190014. <https://doi.org/10.1515/gj-2019-0014>
 33. Venegas, P. (2018). Crypto Economy Complexity. *Authorea Preprints.* <https://doi.org/10.22541/AU.151979285.51792474>

Contents

- **A Solution for Implementing Partnership Contracts on the Blockchain Platform Using the Decentralized Finance (DeFi) and the IDO Method..... 473**
Mohammad Yaghoubi & Vahid Seyfi*
- **Socially Responsible Investment Sukuk: A Systematic Review of the Scientific Literature 515**
Reza Yarmohammadi, Ali Salehabadi, Mohammad Tahidi & Adel Azar*
- **Re-evaluation of Public Companies from a Jurisprudential and Legal Point of View .. 557**
Amirhossein Etesami & Zahra Shiri*
- **Qarar in International Oil and Gas Contract 595**
Mohammad Hossein Esfandiarpour & Ahmad Shabani*
- **Examining the Methods of Guaranteeing Product Quality from the Perspective of Imami Fiqh, Iranian Law and European Union Law 625**
*Akbar Mahmoodi**
- **Conducting a SWOT Analysis for Financing Through Initial Coin Offerings (ICO) 663**
Sina Sarvi, Mehdi Nouri & Mohammad Hossein QhavamMoradi*

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Islamic Finance Researches

25

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches
Vol. 12, No. 3 (Serial 25), Spring 2023

In Cooperation With Iranian Association of Islamic Finance
and Support of Securities & Exchange Organization

Publisher: Imam Sadiq University

In Cooperation With Islamic Banking and Economic Studies Center of National Bank of Iran

Managing Director: **Hosein Hasanzadeh Sarvestani** Assistant Professor (Specialty: Financial Management)

Imam Sadiq University

Editor in Chief: **Gholam Reza Mesbahi Moghaddam** Professor (Expertise: Operations Research Management)

Imam Sadiq University

Manager Editorial: **Abbas Pourhassan Yami**
Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):

Reza Tehrani

Professor (Expertise: Financial Management & Investment) Tehran University

Ali Rezaeian

Professor (Expertise: Organizational Behavior Management) Shahid Beheshti University

Fereydoon Rahnama Roudposhti

Professor (Expertise: Financial & Accounting) Islamic Azad University - Science & Research Branch

Gholam Reza Mesbahi Moghaddam

Professor (Expertise: Islamic Finance & Economics) Imam Sadiq University

Hasan Agha Nazari

Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Law) Research Institute of Hawzah & University

Gholam Reza Goodarzi

Professor (Expertise: Operations Research Management) Imam Sadiq University

Ali Saeedi

Associate Professor (Expertise: Finance Management & Accounting) Islamic Azad University -Tehran North Branch

Ahmad Shabani

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics) Imam Sadiq University

Saeed Sehat

Associate Professor (Expertise: Risk Management & Insurance) Allameh Tabataba'i University

Mohammad Talebi

Associate Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Gholam Ali Masuminia

Associate Professor (Expertise: Islamic Economics & Islamic Finance) Kharazmi University

Advisory Board:

Hosein Hasanzadeh Sarvestani

Assistant Professor (Specialty: Financial Management) Imam Sadiq University

Mohammad Hosin Ghavam

Assistant Professor (Expertise: Financial Management) Imam Sadiq University

English Editor: Alireza Roshanzamir

Persian Editor, Voter and Cover Designer: Abbas Pourhassan Yami

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the University The Quotes Are Only Full References

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran. P.O. Box: 14655-159

Scientific & Editorial Management: Islamic Studies & Management Faculty, Telfax: +9821-88080733

Technical management and support: Deputy of Research & Technology, Telfax: +9821-88094915

Website: <https://ifr.isu.ac.ir> Main Email: ifr@isu.ac.ir Support Email(2): ifr.isujournals@gmail.com